

نظارت پارلمانی بر بخش امنیت: اصول، میکانیزم و عملکردها

قدرت بدون نظارت، محکوم به فروپاشی به زیر بار خود است.
(Force without judgment, collapses under its own weight)
Horace, Odes, 3, 4, 65

در تهیه کتاب نظارت پارلمانی بر بخش امنیت اشخاص ذیل سهم داشته اند:

رؤسای هیئت تحریر

Hans Born (هالند), Pilipp Fluri (سویس) und Anders B. Johnsson (سویدن)

سر مؤلف

Hans Born (هالند)

مشارکت کنندگان

Alexey Arbatov (روسیه), Jean-Christophe Burkel (فرانسه), Eva Busza (ایالات متحده),
Marina Caparini (کانادا), Umit Cizre (ترکیه), David Darchiashvili (گرجستان),
Isawa Elaigwu (نایجیریا), Hans-Peter Furrer (سویس), Denise Garcia (برازیل),
Suzana Gavrilesco (رومانیا), Wilhelm Germann (آلمان), Owen Greene (بریتانیا),
Miroslav Hadzic (صربستان و مونتنگرو), Karl Haltiner (سویس), Heiner Hänggi,
David Hobbs (بریتانیا), Jan Hoekema (هالند), Rogier Huizenga (هالند),
Andrzej Karkoszka (پولند), Peter G. Kelly (ایالات متحده), Simon Lunn (بریتانیا),
Tom McDonald (بریتانیا), Dorijan Marsic (سلووانیا), Gian Giacomo Migone (ایتالیا),
Michael F. Noone (ایالات متحده), Aleksandr Pikayev (روسیه), Christine Pintat,
Andreas Prüfert (آلمان), Liliane Serban (ایالات متحده), Bauke Snoep (ناروی),
Ravinder Pal Singh (هند), Anders C. Sjaastad (ناروی), Svitlana Svetova (اوکراین),
Jan Trapans (لتوانیا), Matias Tuler (آرژنتاین), Marlene Urscheler (سویس),
Pentti Väänänen (فنلند), Biljana Vankovska (مقدونیه), Marie Vlachova (جمهوری چک),
Casper W. Vroom (هالند), Tamas Wachsler (هالند), Donna Winslow (کانادا), Herbert Wulf (آلمان).

هیئت تحریر

Miroslav Filipovic (سویس), Andreas Gross (هالند), Willem van Eekelen (صربستان),
Ahmad Husni (اوکراین), Dimitro Tabachnik (روسیه), Stepan Sulakshin (مونتنگرو),
Elissavet Papadimitriou (نایجیریا), Adeseye Ogunlewe (مالیزیا), Hanadzlah -
members of the IPU Committee on Political Questions, International Security and Disarmament -
and Beth Mugo (کینیا) and Ricardo Vasquez - members of the IPU Committee on Parliamentary,
Juridical and Human Rights Questions

مصحح ادبی نسخه انگلیسی:

Oliver Wates (بریتانیا)

نسخه اصلی: انگلیسی، جینوا، 2003

مقدمه

از آنجاییکه امنیت برای مصالح یک ملت نقش محوری دارد، ضروریست که دیدگاه های مردم در مورد سیاست امنیت ملی مدنظر گرفته شود. این چنین سیاستی باید در برگیرنده آن دسته از ارزشها و اصول امنیتی ای باشد که کشور در پی گسترش و حمایت از آنهاست.

بدینسان بر نمایندگان منتخب ملت در پارلمان است که با حکومت و ادارات امنیتی کشور همکاری نزدیک داشته باشند. گرچه آنان برای رسیدن به یک هدف واحد تلاش می کنند، وظایفشان باید اساساً با یکدیگر متفاوت بوده و باشد. پارلمان مسئولیت تدوین قوانین، تنظیم بودجه و نظارت بر فعالیت های امنیتی را برعهده دارد و تنها زمانی می تواند مسئولیت خود را به گونه شایسته انجام دهد که اطلاعات و تخصص های لازم را در اختیار داشته باشد و نیز از چنان قدرت و اختیار عملی برخوردار باشد که بتواند حکومت را ملزم به حسابدهی در موارد خاص سازد. این به نوبه خود نیازمند تشکل اجتماعی ای است که با اعتماد و گفتگو پی ریزی شده باشد.

در چیلی مناسبات جامعه و نیروهای مسلح در طول سال های متوالی بهبود یافته است. امروز، جامعه جهانی در این کشور شاهد فضای احترام و همکاری متقابل است که امید می رود در آینده تحکیم بیشتری یابد. براین باور هستیم که کتاب حاضر راهنمایی خواهد بود برای حصول اطمینان از اینکه همه کارگزاران کلیدی در عرصه امنیت مشترکاً سعی خود را در راستای تامین مصالح عام هر فرد و شهروند به خرج میدهند.



سناتور سرجیو پائز وردیگو
رئیس شورای اتحادیه بین پارلمانی

پیشگفتار

از دیر زمان حاکمیت ملی و امنیت برای یک دولت پایدار، امری حیاتی قلمداد می‌گردد. امروز، نقش دست اندرکاران تأمین امنیت ملی دستخوش تغییرات چشمگیری شده است. گونه های جدید درگیریهای مسلحانه و روابط رو به افزایش دولت ها موجب ایجاد عکس العمل های مبتکرانه و طرز تفکری نوین پیرامون مفهوم امنیت شده است. حملهء 11 سپتامبر 2001 و عواقب آن بر ضرورت این طرز تفکر جدید تأکید نموده است.

بدین ترتیب، نظارت مؤثر پارلمانی بیش از هر زمان دیگر تعیین کننده است تا اطمینان یافت که این عکس العمل های جدید با شفافیت و قدرت پاسخ گویی کامل طرح ریزی و اجرا می شوند. در صورت عدم نظارت پارلمانی، بیم آن می رود که ادارات امنیتی برداشت غلطی از اهداف خود داشته و مانند دولتی در درون دولت عمل کنند، که این خود منجر به استفادهء ناجایز از امکانات محدود موجود و یا اعمال نفوذ بیش از حد سیاسی و اقتصادی می گردد. در حالیکه جوامع جنگ زده و درگیر بحران - هر چند که موقتی و گذرا - بطور خاص در معرض خطر هستند، دموکراسی های باثبات نیز باید با مناسبات مدنی - نظامی دست و پنجه نرم کرده و آنرا طوری تغییر و اداره نماید تا بتواند با سرعت محیط در حال تغییر امنیت همگام شود.

خصوصیت ذاتی و متحرک امنیتی، چالشی جدی برای نظارت پارلمانی مؤثر محسوب می شود. تنوع مسائل غالباً بسیار تخصصی موجود، تعداد قابل توجه پرسونل امنیتی و سازماندهی پیچیده آن و اغلب وجود قوانین سرّی، مقررات و روش ها، فعالیت مؤثر نمایندگان پارلمان را دشوار می سازد، مگر اینکه آنها از امکانات تحقیق مستقل و تخصص های لازم بهره مند باشند.

بادر نظر داشت این پس منظر، اتحادیه بین پارلمانی (IPU) و مرکز نظارت دموکراتیک نیروهای مسلح در جینوا (DCAF) برای تهیه راهنمای مؤجز و آسان فهم که به بررسی روش ها و مکانیزم های جامع و مؤثر در شکل گیری نقش نظارتی پارلمان بر ادارات امنیتی بپردازد، نیازی مبرم احساس کردند. کتاب راهنمای حاضر حاصل آن طرز تفکر است. در طی مرحلهء پیش نویس کتاب، مطالب توسط هیأت نویسندگان پارلمانی به دقت مورد بررسی قرار گرفته و توسط متخصصین مختلف بازبینی شده است.

این کتاب، با اذعان بر این نکته که برای همه کشورها نمونهء (مادل) نظارت پارلمانی واحدی وجود ندارد، به رشتهء تحریر در آمده است. قوانین و روش هایی که در یک کشور قابل قبول و مؤثر است، در جای دیگر می تواند نامناسب و غیرقابل تصور جلوه کند. علاوه بر این، همهء پارلمانها از اختیارات یکسان بر خوردار نیستند. بر اساس این واقعیتها، توصیه های ارائه شده در این کتاب راهنما ممکن است بیش از حد آرمان گرایانه به نظر برسد. همچنین، طبیعت پیچیده مسائل امنیتی بررسی تمام جنبه های مسائل مندرج در این کتاب را ناممکن می سازد. در نتیجه می توان کتاب حاضر را بحیث یک

مقدمه اجمالی برای توسعه و اصلاح نظارت پارلمانی بر ادارات امنیتی مدنظر گرفت و امید می رود که خوانندگان را به تحقیق بیشتر در این زمینه ترغیب کند. در پایان امید است که این کتاب سهمی بسزایی در تأمین حقیقی تدابیر و روش های امنیتی با خواست مردمی که این تدابیر جهت خدمت به آنان تدوین شده است، داشته باشد.

اندرس ب. جانسن
Anders B. Johnsson
منشی عمومی اتحادیه بین پارلمانی

سفیر دکتر تئودور اچ. وینکلر
Theodor H. Winkler
رئیس مرکز نظارت دموکراتیک
نیروهای مسلح در جینوا

آنچه در این کتاب راهنما خواهید یافت

این کتاب به هشت بخش تقسیم شده است و هر یک از بخش‌ها شامل چند فصل می باشد که میتواند به دو شیوه متفاوت مطالعه شود. مطالعه کامل کتاب امکان درک جامعی از مسائل امنیتی و نقش نظارت پارلمانی را فراهم میسازد. با وجود این میشود به صورت گزینه‌ای نیز قسمت‌ها و فصل‌هایی که مورد نظر خواننده باشد، مورد مطالعه قرار گیرد.

در سراسر کتاب چوکاتهای مجزا وجود دارد که مسائل پیچیده متن را روشن می‌سازد، مثال‌هایی از قوانین یا مقررات را ارائه میدهد و نظارت پارلمانی بر ادارات امنیتی کشورهای مختلف را مورد تأکید قرار می‌دهد. در اخیر اکثر فصل‌ها، قسمتی تحت عنوان «آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان میتوانید انجام دهید» وجود دارد که به ارائه توصیه‌های قابل لمس می‌پردازد. با وجود این، همانطور که قبلاً گفته شد، این توصیه‌ها باید با در نظر داشت شرایط ملی هر کشور مورد توجه قرار گیرد.

دو بخش اول چارچوب نظری و تحلیلی جهت بررسی نظارت پارلمانی بر بخش امنیت را مشخص می‌کند. بخش اول مفهوم رو به تکامل امنیت را مورد توجه قرار داده و نگرشی کلی نسبت به نقش پارلمان و سایر مؤسسات دولتی در رابطه با مسائل امنیتی را ارائه می‌دهد. سوالات اصلی ای که در بخش اول به جواب آنها پرداخته می‌شود از این قرار اند:

- پیشرفت‌های اخیر در محیط امنیتی چه بوده‌اند؟
- تهدیدهای جدید و عکس العملها نسبت به آنها چه می‌باشند؟
- چرا نظارت پارلمانی بر ادارات امنیتی لازم است؟
- اصول اصلی حاکمیت دموکراتیک بر بخش امنیت چیست؟
- پارلمان چه نقشی در مقابل دولت و قوه قضائیه دارد؟

بخش دوم تمام مراحل دوره سیاست امنیت ملی و همینطور مقررات بین‌المللی موجود در این باره را تشریح می‌کند. دو فصل آخر بخش دوم، نقش جامعه مدنی، رسانه‌ها و دیدگاه بر اساس جنسیت در باره مسائل امنیتی را ارائه می‌کند. سوالات اصلی عبارتند از:

- نقش پارلمان در تصمیماتی که به سیاست امنیت ملی مربوط می‌شود، چیست؟
- چگونه قوانین بین‌المللی فرصت‌های سیاسی امنیت ملی را محدود ساخته و یا افزایش می‌دهد؟
- چگونه جامعه مدنی و رسانه‌ها به بخش امنیت مربوط می‌شوند؟ چگونه پارلمان میتواند از مشارکت‌های مختلف آنها بهره‌گیرد؟
- چگونه مسائل امنیتی میتواند به جامعه معرفی شود؟
- نقش زنان در بخش امنیت چیست؟

بخش سوم به معرفی اجزای بخش امنیت می‌پردازد که شامل اردو، پولیس، خدمات استخباراتی، سایر ارگان‌های نظامی و شرکت‌های امنیتی خصوصی میباشد:

- عملکرد اصلی و خصوصیت‌های هر اداره امنیت چیست؟
- چه نوع میکانیزم‌های حساسه داخلی و سیاسی مورد نیاز است؟
- پارلمانها چگونه نظارت مؤثر بر ادارات امنیتی را در عمل پیاده مینمایند؟

بخش چهارم به بررسی امکانات پارلمان برای نظارت بر بخش امنیت پرداخته و در کنار سایر مطالب، به این سوالات نیز پاسخ می‌دهد:

- چه وسایلی می‌تواند مورد استفاده پارلمانها قرار گیرد تا نظارت بر ادارات امنیتی را تضمین کند؟
- چگونه می‌توان تخصص پارلمانی را در مورد مسائل امنیتی اصلاح نمود؟
- نقش تحقیق و بررسی پارلمان در مورد مسائل امنیتی چیست؟
- چگونه کمیسیون دفاعی پارلمان می‌تواند مؤثرتر عمل کند؟
- نقش مأمور رسیدگی به شکایات چیست؟
- اداره رسیدگی به شکایات امور دفاعی چه نوع کار میکند؟
- چرا نمایندگان پارلمان باید از تأسیسات ادارات امنیتی بازدید به عمل آورند؟

بخش پنجم به بررسی شرایطی که چالش خاصی را برای امنیت ایجاد می‌کنند از قبیل حالات اضطراری، تهدیدات به امنیت ملی، تروریزم و جرم‌های اینترنتی، می‌پردازد. همچنین درین بخش مسایل شرکت در مأموریت‌های طرفداری از صلح بین‌الملل مطرح می‌گردد و اغلب این مأموریت‌ها در مناطقی که اصولاً فاقد امنیت و یا معمولاً دارای امنیت ناپایدار اند، صورت می‌گیرد. بنابراین، بخش پنجم در کنار سایر مسایل به بررسی مسایل زیر می‌پردازد:

- چگونه می‌توان توازن دقیق بین حالات اضطراری، تأمین امنیت ملی و حقوق بشر را حفظ نمود؟
- اهداف و محدودیت‌های حالات اضطراری چیست؟
- از ۱۱ سپتامبر تاکنون چه تغییراتی اتفاق افتاده است؟ چگونه می‌توان تروریزم را از اعتراضات دموکراتیک قانونی فرق نمود؟ نتایج و عواقب برای امنیت بین‌المللی کشورها چیست؟ نقش پارلمان در این زمینه چیست؟
- ارتباط نقش پارلمان در تصمیم‌گیری‌ها جهت اعزام نیروهای نظامی به خارج از کشور در عملیات طرفداری از صلح بین‌المللی چیست؟

بخش‌های ششم، هفتم و هشتم به تجزیه و تحلیل سه دسته از منابعی می‌پردازند، که مرتبط با ادارات امنیتی هستند. بخش 6 به بودجه دفاعی و کنترل آن توسط پارلمان و ارگانهای تفتیش مالی دولتی، می‌پردازد:

- چگونه بودجه می‌تواند عامل کلیدی برای امنیت باشد؟
- چگونه شفافیت و حسابدگی می‌تواند در تنظیم بودجه امنیتی بکار برده شود؟
- چه شرایطی برای نظارت صحیح تنظیم بودجه امنیتی وجود دارد؟
- چگونه می‌توان دستگاه امنیتی را مورد تفتیش مالی قرار داد؟ چرا وجود يك مفتش مالی مستقل ضروریست و عملکرد آن چگونه است؟

بخش هفتم درباره پرسونل دستگاه امنیتی بوده و اهدافش کمک به پارلمانها در سازماندهی به استخدام، گزینش و آموزش افراد نظامی و طرح‌های برای تقاعد، حقوق تقاعد و مکلفیت عسکری و خدمت بدیل آن می‌باشد:

- چگونه می‌توان ارزش‌های دموکراتیک را به پرسونل ادارات امنیتی آموزش داد؟
- آیا افراد نظامی میتوانند اتحادیه صنفی بسازند؟
- خصوصیت‌های حرفه‌ای ادارات امنیتی چیست؟
- خدمت عسکری و خدمت بدیل در کشور های مختلف چگونه سازماندهی میشود؟

- آیا مقرراتی برای طرز سلوک افراد نظامی وجود دارد؟ آیا معیارهای بین‌المللی در این رابطه در دسترس میباشند؟
- کدام جنبه‌هایی از منجمنت پرسونل در بخش امنیت به نمایندگان پارلمان مربوط می‌شود؟
- و بالاخره، بخش هشتم با منابع مادی بخش امنیت، خصوصاً تدارکات (از چه کسی، چه چیزی خریداری شود) تجارت اسلحه و حمل‌ونقل سروکار دارد:
- در این باره چه محدودیت‌های قانونی وجود دارد؟
- تصامیم عمده در بخش تدارکات در چه مواردی راجع می‌باشد؟
- چه شرایطی محرمانه بودن را توجیه می‌کند؟
- پارلمان چگونه این مسائل را ارزیابی می‌کند؟

صفحه	فهرست مطالب
02	فهرست سهم گیرندگان
03	مقدمه
05	پیشگفتار
07	آنچه شما در این کتاب راهنما مطالعه مینمائید
12	فهرست چوکاتها
بخش اول	
توسعهء طرح های امنیتی و کارگزاران: چالشی که پارلمانها با آن روبرو اند	
19	فصل اول - امنیت متغیر در دنیای متغیر
22	فصل دوم - اهمیت نظارت پارلمانی بر ادارات امنیت
24	فصل سوم - نقش و مسئولیت های پارلمان و سایر تأسیسات دولتی
بخش دوم	
نظارت بر سیاست امنیت ملی	
31	فصل چهارم - طرح سیاست امنیت ملی
36	فصل پنجم - سیاست امنیت ملی و آئین نامه های بین المللی
40	فصل ششم - نقش جامعهء مدنی و رسانه ها
48	فصل هفتم - سیاست امنیتی از دیدگاه جنسیت
بخش سوم	
اجزای اصلی عملیاتی در بخش امنیت	
57	فصل هشتم - اردو
62	فصل نهم - دیگر سازمان های نظامی در دولت
64	فصل دهم - ساختار نیروی پولیس
67	فصل یازدهم - ادارات مخفی و استخباراتی
73	فصل دوازدهم - شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی
بخش چهارم	
امنیت ملی تحت مراقبت پارلمانی: شرایط و مکانیزم ها	
79	فصل سیزدهم - شرایط نظارت مؤثر پارلمانی
85	فصل چهاردهم - بکار برد مکانیزم های پارلمانی در بخش امنیت
91	فصل پانزدهم - کمیسیون های پارلمانی امنیت و دفاع
95	فصل شانزدهم - مأمور رسیدگی به شکایات
99	فصل هفدهم - بازدید از تأسیسات خدمات امنیتی

بخش پنجم

نظارت بر ادارات امنیتی در عمل: شرایط و عملکرد های خاص

- 105 فصل هجدهم - شرایط استثنایی
- 109 فصل نوزدهم - تأمین امنیت داخلی
- 113 فصل بیستم - تروریسم
- فصل بیست و یکم - امنیت و تکنولوژی اطلاعات:
- 121 ابزارها و چالش‌های جدید
- 124 فصل بیست و دوم - مأموریت‌های صلح بین‌المللی

بخش ششم

منابع مالی: دستیابی به کنترل مؤثر بودجه در ارتباط با امنیت

- 135 فصل بیست و سوم - امنیت و قدرت خزانه
- فصل بیست و چهارم - تفتیش مصارف بودجوی ملی
- 147 مربوط به بخش امنیت

بخش هفتم

قوای بشری در بخش امنیت: حصول اطمینان

از تخصص‌گرایی و نظارت دموکراتیک

- 155 فصل بیست و پنجم - ارتقاء سطح ارزش‌های دموکراتیک
در بخش امنیت
- 165 فصل بیست و ششم - منجمت پرسونل در بخش امنیت
- 168 فصل بیست و هفتم - مکلفیت عسکری و اعتراض
وجدانی در برابر آن

بخش هشتم

منابع مادی: تحقق نظارت مؤثر بر انتقال و تدارکات اسلحه

- 177 فصل بیست و هشتم - تهیه اسلحه و تجهیزات نظامی
- 182 فصل بیست و نهم - تجارت اسلحه و حمل و نقل آن
- 193 اتحادیه بین پارلمانی
- 194 مرکز نظارت دموکراتیک نیروهای مسلح در جینوا

صفحه	فهرست چوکاتها
20	چوکات شماره 1 سایر تهدیدهای امنیتی در زمان حال، به تنهایی یا یکجا، شامل موارد زیر می باشد:
21	چوکات شماره 2 شیوه های مختلف برقراری امنیت چوکات شماره 3 وظایف احتمالی ارگانهای مهم دولت در ارتباط با بخش امنیت
25	چوکات شماره 4 حاکمیت سالم: ارزش مهم برای نظارت دموکراتیک بر ادارات امنیتی
31	چوکات شماره 5 بررسی سیاست امنیت ملی چوکات شماره 6 دموکراسی بی واسطه و تصویب پیمان های بین المللی و دیگر موافقتنامه های مهم، نمونه: سوئیس
38	چوکات شماره 7 جامعه مدنی در امریکای لاتین: مثالی عملی از نقش و اهمیت سازمان های موجود در جامعه مدنی
41	چوکات شماره 8 گونه جدیدی از جنگ: روزگاری سخت برای آزادی مطبوعات
43	چوکات شماره 9 آزادی مطبوعات پس از واقعه 11 سپتامبر
44	چوکات شماره 10 سایت اینترنتی پارلمان
45	چوکات شماره 11 پارلمانها و رسانه ها
46	چوکات شماره 12 جنسیت در روند صلح
48	چوکات شماره 13 عملیات و روند صلح از دیدگاه جنسیت
49	چوکات شماره 14 تعداد زنان در اردو - مثال هایی از کشور های عضو ناتو
50	چوکات شماره 15 مشارکت زنان در سیاست امنیتی منحيث جریان عمده جنسیت
51	چوکات شماره 16 چالش ها و زمینه های جدید بوجود آمده در پی حضور زنان در ادارات امنیتی
52	چوکات شماره 17 کشور های فاقد اردو
57	چوکات شماره 18 اصلاح نظام دفاعی: هدف چیست؟
58	چوکات شماره 19 استفاده از قوت های اردو در وظایف پولیسی در افریقای جنوبی
60	چوکات شماره 20 مثال هایی از دیگر واحد های نظامی دولتی در بعضی از کشورها
62	چوکات شماره 21 خصوصیات کلیدی عملکرد دموکراتیک پولیس
64	چوکات شماره 22 تحریف ها و شرایط خطرناک
65	چوکات شماره 23 نیروی پولیس در اریتریا - نمونه در حال توسعه
65	چوکات شماره 24 پارلمان و اختصاص بودجه مخصوص برای ادارات استخباراتی؛ نمونه: آرجنتاین
68	چوکات شماره 25 برخی از روش های کمیته های پارلمانی برای بررسی اسناد محرم
69	

74	شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی و برخی از خطرات احتمالی آنان برای دموکراسی	چوکات شماره 26
80	وسایل و ابزار پارلمان برای تأمین نظارت دموکراتیک بر بخش امنیت	چوکات شماره 27
82	ستراتژی مبتکرانه برای نظارت پارلمان بر ادارات امنیتی	چوکات شماره 28
83	مکانیزم ها و روش های افزایش مهارت های پارلمان در خصوص ادارات امنیتی: چند پیشنهاد	چوکات شماره 29
85	مشخصه های مشترک تشکیلات و روندهای پارلمانی نظارت بر قوه اجرائیه	چوکات شماره 30
87	پیشنهادهایی چند برای پرسش های سودمند	چوکات شماره 31
88	مشخصه های کلیدی کمیسیون های تحقیقاتی پارلمان	چوکات شماره 32
89	کمیسیون تحقیق استقرار نیروهای کانادایی در سومالیا: نمونه ای از اثرات عامه گزارش های پارلمان در مورد موضوعات امنیتی	چوکات شماره 33
92	وظایف احتمالی اما کلیدی کمیسیون پارلمانی در موضوعات دفاعی و امنیتی	چوکات شماره 34
93	جلسات مشترک کمیسیون های امور خارجه و دفاع پارلمان ناروی	چوکات شماره 35
95	مأمور رسیدگی به شکایات	چوکات شماره 36
96	نگاهی اجمالی به مأمورین رسیدگی به شکایات در چند کشور	چوکات شماره 37
97	کمیسیون پارلمانی آلمان برای نیروهای مسلح	چوکات شماره 38
99	مثال ارجنتاین	چوکات شماره 39
100	پروتوکول اختیاری منشور درباره شکنجه، امکان بازدید از تأسیسات ادارات امنیتی را افزایش می دهد	چوکات شماره 40
106	حالات اضطراری: هدف و اصول	چوکات شماره 41
110	حفظ امنیت و دموکراسی	چوکات شماره 42
111	تحریف و عواقب جدی آن	چوکات شماره 43
114	عکس العمل شورای امنیت سازمان ملل در برابر واقعه 11 سپتمبر	چوکات شماره 44
115	مبارزه با تروریسم	چوکات شماره 45
122	میثاق حمایت از افراد در رابطه با بکاربرد اطلاعات شخصی آنها (ETS no.108)	چوکات شماره 46
124	میانجیگری برای صلح، پاسداری از صلح، استقرار صلح، ایجاد صلح: چند تعریف مفید سازمان ملل متحد	چوکات شماره 47

	مراحل گام‌به‌گام استقرار عملیات پاسداری	چوکات شماره 48
128	از صلح سازمان ملل متحد	
128	مقررات مشارکت در مأموریت‌های صلح	چوکات شماره 49
130	آموزش سازمان ملل به نیروهای پاسدار صلح	چوکات شماره 50
135	بودجه: وسیله کلیدی برای حاکمیت دموکراتیک	چوکات شماره 51
	چرا پارلمان باید نقش فعالی را در	چوکات شماره 52
136	بودجه کشور داشته باشد؟	
	مصارف دفاعی به صورت فیصدی از تولید	چوکات شماره 53
137	ناخالص داخلی مناطق جهانی و بعضی از کشورها	
139	طرح، برنامه‌ریزی و نظام تنظیم بودجه	چوکات شماره 54
	اجزای تشکیل دهنده بودجه دفاعی:	چوکات شماره 55
141	بودجه دفاعی اسپانیا در سال 2002	
142	موانع کلیدی در شفافیت بودجه امنیتی	چوکات شماره 56
143	سه سطح محرمانه بودجه امنیتی	چوکات شماره 57
144	مشکلات اصلی در کنترل مؤثر بودجه ادارات امنیتی ..	چوکات شماره 58
	بکاربرد بودجه دفاعی در بعضی دولت‌های	چوکات شماره 59
145	جنوب شرق اروپا (در سال 2001)	
147	مفتش مالی عمومی (دیوان محاسبات)	چوکات شماره 60
	نقش دیوان محاسبات ملی انگلستان در نظارت پارلمانی	چوکات شماره 61
149	بر ادارات امنیتی	
150	پارلمان گرجستان و کنترل بودجه	چوکات شماره 62
	سفارشات شورای اروپا در مورد حق داشتن انجمن برای	چوکات شماره 63
157	اعضای حرفه‌یی نیروهای مسلح	
	رهبری و تعلیمات مدنی در نیروهای مسلح آلمان:	چوکات شماره 64
160	اصول «رهبری داخلی»	
	قوانین و مبنای در ارتباط با افسران مجری قانون	چوکات شماره 65
161	(نیروی پولیسی)	
	قوانین و مبنای سازمان امنیت و همکاری	چوکات شماره 66
	اروپا در باره جنبه‌های سیاسی- نظامی امنیت (1994) :	
162	خصوصیت‌های کلیدی	
	منجمنت پرسونل: موضوعات طرف توجه	چوکات شماره 67
165	نمایندگان پارلمان	
168	خدمت عسکری در سراسر جهان	چوکات شماره 68
170	اذیت و آزار در روند مکلفیت عسکری	چوکات شماره 69
	کمیسیون سازمان ملل در باره اعلامیه حقوق بشر	چوکات شماره 70
	1998/77: اعتراض وجدانی	
172	بر ضد خدمت عسکری (...)	
173	خدمت بدیل؛ نمونه: سوئیس	چوکات شماره 71
	چرا نمایندگان پارلمانها باید مراقب برنامه‌های	چوکات شماره 72
178	تهیه اسلحه باشند؟	

	سیاست‌های ضعیف و یا مبهم تهیه اسلحه و یا روند بسیار مخفیانه آن می‌تواند نتایج ذیل را با خود داشته باشد 179	چوکات شماره 73
	پالیسی هالند در تهیه تجهیزات دفاعی: بعد نظارت پارلمانی 179	چوکات شماره 74
	تعریف انتقال اسلحه 182	چوکات شماره 75
	توافقات منطقه بی در زمینه انتقال اسلحه 183	چوکات شماره 76
	تحریم تسلیحاتی مدبرانه: آنچه که پارلمانها می‌توانند در این رابطه انجام دهند 185	چوکات شماره 77
	تجارت اسلحه اضافی: نتایج منفی خلع سلاح 186	چوکات شماره 78
	ارقام تخمینی تجارت سلاح‌های خفیه 187	چوکات شماره 79
	برنامه عملی سازمان ملل علیه تجارت غیر قانونی سلاح های کوچک و خفیه: موارد اصلی قابل توجه نمایندگان 187	چوکات شماره 80
	نقش پارلمان در کنترل صادرات اسلحه: شفافیت و پاسخگویی در کشورهای اتحادیه اروپا 189	چوکات شماره 81

بخش اول

توسعه طرح‌های امنیتی و کارگزاران:
چالشی که پارلمانها با آن روبرو اند

فصل اول امنیت متغیر در دنیای متغیر

شرایط امنیت جهانی در طی دههء اخیر کاملاً دستخوش تغییر شده است. همزمان بارنگ باختن تهدیدهای قدیمی، چالش های جدید ورعب آوری پا به عرصهء وجود گذاشته است که خود باعث ایجاد تفکری نوین در خصوص مفاهیم اساسی امنیت، درگیری و صلح گشته است.

صلح و امنیت در دموکراسی ها

تمامی درگیریها، صلح و امنیت را تهدید نمی کنند. در همهء جوامع دیدگاه های متفاوت و اغلب متضادی در مورد طیف وسیعی از مسایل گوناگون وجود دارد. در یک حکومت دموکراتیک آزادی بیان این امکان را به تودهء های مردم می دهد که دیدگاه های متفاوت خویش را به نمایندگان منتخب خود منتقل سازند. نمایندگان نیز به نوبهء خود موظف هستند که این مسایل را در جلسات پارلمان به بحث و بررسی بگذارند. این روند موجب خواهد شد که دموکراسی ها درگیریها را حل و فصل نموده و در جستجوی تفاهات شوند که از حمایت عمومی در سطح جامعه برخوردار باشند. جای تعجب نیست که با نبود نهاد های دموکراتیک مؤثر، کشیدگی ها به گونه ای غیر قابل کنترل افزایش یافته و به کشمکش های شدید منتهی می شود. حکومت های دموکراتیک با توجه به ساختار درونی شان برای کنترل درگیریها، ذاتاً با صلح و امنیت پیوند خورده اند.

این پیوند به گونهء دیگری نیز قابل اثبات است. امروز این طرز دید که امنیت به خودی خود هدف نیست بلکه باید سرانجام به مصالح مردم کشور بیانجامد، کاملاً پذیرفته شده است. دموکراسی که در یک پارلمان مؤثر ریشه دارد می تواند به این اندیشه معنی عملی دهد:

« خودارادیت جامعه، منطقه، ملت و دولت زمانی معنی پیدا می کند که از یک خود ارادیت اصیل یعنی همان خود ارادیت انسانی سرچشمه گرفته باشد. » - واسلاف هاوول Vaclav Havel

امنیت ملی با تمرکز بر حفاظت از دولت که فرد و جامعه را در اولویت قرار می دهد، به امنیت انسانی تبدیل می گردد. در عمل، کشورها با اتخاذ تدابیر زیر به طور گسترده ای جوابگوی تهدیدات علیه امنیت می باشند:

- اقدام بازدارنده: جلوگیری از درگیری همچون ارائه راه حل برای جلوگیری از درگیریها بین مردم و اقدامات صلح جویانه؛
- مداخله: چنانچه در موارد حاد اقدامات دیگر به شکست بیانجامد، مداخله در مناقشات داخلی به منظور حمایت از مردم؛
- اقدام واکنشی: اقدام برای تأمین رهاش برای آسیب دیدگان در زمان جنگ داخلی و یا پس از آن؛ مانند، برپایی اردوگاه برای جنگ زدگان، اعطاء پناهندگی به پناهجویان و تأمین آسایش آنان.

از امنیت نظامی تا امنیت کامل

توجه به «امنیت انسانی» با وسیع‌ترانگاشتن مفهوم «امنیت»، فراتراز ملاحظات نظامی محض می‌باشد. توافق فزاینده‌ای در خصوص موضوع امنیت به چشم می‌خورد که باید بانگرشی جامع و نیز با در نظر گرفتن عوامل غیر نظامی مورد توجه قرار گیرد. (به چوکات شماره 1 مراجعه شود)

چوکات شماره ۱

سایر تهدیدهای امنیتی در زمان حال، به تنهایی یا یکجا، شامل موارد زیر می‌باشد:

- تهدیدهای سیاسی از قبیل بی‌ثباتی سیاسی داخلی، حکومت‌های ناموفق، تروریزم و زیرپا گذاشتن حقوق انسانی؛
- تهدیدهای اقتصادی از قبیل فقر، افزایش فاصله بین کشورهای غنی و فقیر، رکود اقتصادی بین المللی، تأثیر دولت‌های همسایه که از نظر اقتصادی قدرتمند و یا بی‌ثبات محسوب می‌شوند و تاراج بحری؛
- تهدیدهای محیط زیست و یا ساخت دست انسان مانند فجایع هسته‌یی، تغییرات جهانی محیط زیست، کاهش آب و خاک، فقدان مواد غذایی و سایر منابع؛
- تهدیدهای اجتماعی از قبیل کشمکش‌های اقلیت و اکثریت، ازدیاد جمعیت، جنایات سازمان یافته، قاچاق بین المللی مواد مخدر، تجارت غیر قانونی، مهاجرت کنترل نشده توده‌های مردم و امراض.

مزیت طرح یک اجندای وسیع‌تر امنیتی در این است که از تهدیدهای امنیتی و روشهای مورد نیاز برای مقابله با آنها درك جامع‌تری را ارائه می‌کند. نقطه ضعف این طرح، دستگاه‌های امنیتی‌ای هستند که به منظور حمایت از دولت و یا شهروندان خود از قدرت قانونی اعمال زور و یا تهدید به استفاده از زور برخوردارند. اگر این‌گونه دستگاه‌ها در بخشهای غیر نظامی فعال گردند، می‌توانند بیش از حد قدرتمند شوند. بعلاوه، بخش غیر نظامی ممکن است فاقد تخصص لازم برای مقابله با چالشهای جدیدی باشد.

از یک امنیت دولتی تا همکاری امنیتی بین دولتها

این عقیده که امنیت ملی تنها با همکاری ملت تأمین شدنی نیست بلکه همکاری امنیتی بین دولتها را می‌طلبد، از دیر باز پذیرفته شده است. در قرن نوزدهم شیوه «توازن قدرت» در درجه اول اهمیت قرار داشت. در قرن بیستم سازمان‌های امنیت جمعی همچون جامعه ملل و جانشین آن سازمان ملل و نیز سازمان‌های دفاع جمعی مانند ناتو، رشد یافتند.

پس از جنگ سرد درگیری‌های داخلی به سرعت افزایش یافت. در حال حاضر تروریزم کاملاً عنوان‌های خبری را به خود اختصاص داده است. پدیده جهان وطنی، وابستگی کشورها را از جمله در عرصه امنیت افزایش داده است. امروز، تهدید امنیت یک کشور به آسانی گسترش یافته و می‌تواند امنیت منطقه و یا حتی صلح جهانی را بی‌ثبات سازد. این حقیقت اخیر همراه با گسترش برنامه‌های امنیتی انگیزه بیشتری به همکاری‌های بین المللی بخشیده است.

چوکات شماره ۲

شیوه های مختلف برقراری امنیت

دفاع جمعی

دفاع جمعی به معنی پیمان بین دو یا چند کشور برای حمایت از یکدیگر هنگام حمله بیگانگان است. مثال گویای این نوع برقراری امنیت، ناتو و سازمان کشورهای امریکایی است.

امنیت جمعی

ببرقراری این نظام، جامعه هر گونه استفاده از زور را رد کرده اما به یاری دیگر اعضا - در صورتی که طرف دیگر به زور متوسل شود - می شتابد. این نظام از عکس العمل قاطعانه جامعه بین المللی در قبال به خطر افتادن صلح جهانی حمایت می کند. امنیت جمعی، بر خلاف دفاع جمعی در مقابل با حمله، از درون خود جامعه شکل خواهد گرفت. سازمان ملل نمونه بارزی از نظام امنیت جمعی است. بر اساس ماده ۴۱ و ۴۲ منشور سازمان ملل، جامعه بین المللی موظف است ناقض صلح را چه از راه تهدید غیر نظامی و چه از راه استفاده از نیروی نظامی تحت فشار قرار دهد. مأخذ: SIMMA، برونو: منشور سازمان ملل، ۱۹۹۵

امنیت از طریق تشریک مساعی

امنیت از طریق تشریک مساعی می تواند به عنوان «روشی جامع تعریف شود که: چند بعدی می باشد، بر اعتماد سازی و نه سلب آن تأکید دارد، فراگیر بوده و انحصاری نمی باشد؛ محدودیتی را برای به عضویت در آمدن قائل نمی شود؛ ارتباطات چند جانبه را به دو جانبه ترجیح می دهد. راه حل نظامی را به راه حل غیر نظامی ارجح نمی داند؛ بر این باور است که دولت ها مجریان اصلی قانون می باشند، اما عاملان غیر دولتی نیز می توانند در این زمینه نقش مهمی را ایفا کنند؛ اگرچه خواستار تأسیس نهادهای رسمی امنیتی نبوده، آنها را رد هم نمی کند و از همه مهم تر بر ارزش رسم و عادت گفتگوی چند جانبه تأکید دارد.»

مأخذ: EVANS Gareth: Cooperating for Peace، ۱۹۹۳

«شیوه دفاع جمعی» یکی از جامع ترین شیوه های همکاری است. بعلاوه، شبکه از همکاری های امنیتی با انسجام کمتر، در قالب توافق های دو و یا چند جانبه بدون حضور یک سازمان رسمی و یا سازمان برجسته نظامی وجود دارد.

پیوستن به یک سازمان همکاری امنیت و بخصوص سازمان دفاع جمعی تأثیر بسزایی در وضعیت امنیتی یک کشور دارد. اساساً، چنین همکاری هایی به امنیت ملی کمک شایانی خواهد کرد و به مثابه «مشت محکمی» در برابر تهدیدها خواهد بود. البته عضویت در چنین سازمانی بهای خویش را دارد: کشور مجبور خواهد شد خود را با اهداف و خواسته های متحدین خویش وفق دهد که در نتیجه اختیارات خود را برای وضع سیاست امنیت ملی محدود می سازد. علاوه بر این، باعث خواهد شد که پارلمان به عنوان نهاد تصمیم گیرنده تا حدی مجبور شود به جای نظارت بر عرصه امنیت ملی، بر صحنه امنیت بین المللی نظارت کند.

فصل دوم اهمیت نظارت پارلمانی بر ادارات امنیتی

باور همگان بر این است که قوه اجرائیه از آنجایی که هم از دانش کافی برخوردار است و هم می تواند به سرعت دست به عمل بزند وظیفه «بدیهی» تدوین تدابیر امنیتی کشور را بر عهده دارد. پارلمان آنچنان نهاد مناسبی نیست که به بررسی مسائل امنیت طوریکه لازم است بپردازد، خصوصاً با توجه به اینکه عملکرد های آن ایجاب وقت و زمان را مینماید و از دسترسی به معلومات و تخصص ها کاملاً برخوردار نمیشد. ولی پارلمان وظیفه دارد تا قوه اجرائیه را تحت غور و بررسی قرار دهد. با آنهم، چهار نکته حائز اهمیت وجود دارد که نظارت پارلمان را بر ادارات امنیتی ضروری می سازد:

شالوده ای برای دیموکراسی به منظور جلوگیری از ایجاد یک حکومت استبدادی

نخست وزیر اسبق فرانسه، جورج کلمنسوا Georges Clemenceau، زمانی بیان داشت که «جنگ مهمتر از آن است که به نیروهای نظامی واگذار شود». فراتر از وجه طنز آلود مطلب فوق، این کلام یادآور این است که در حکومت های دیموکراسی، نمایندگان مردم از اختیارات فراوانی برخوردار هستند و هیچیک از بخشهای دولت نباید از نظارت پارلمان مستثنی باشد. دولتی را که از نظارت پارلمان بر اداره امنیتی کشور، خاصاً قوای مسلح برخوردار نباشد، باید حتی در بهترین شرایط یک دیموکراسی ناتمام و یا در حال شکل گیری انگاشت.

بر طبق نظر دانشمند و محقق برجسته امریکایی، رابرت ای دال Robert A Dahl، «مهمترین مسأله زیربنائی و پایدار در سیاست، اجتناب از حکومت استبدادی است». از آنجائیکه اداره امنیتی یکی از دستگاههای مهم هر دولت است، به یک نظام برای رسیدگی و نظارت و نیز برقراری توازن در محدوده اختیارات قوه اجرائیه، نیاز است. بنابر این، نظارت پارلمانی بر اداره امنیتی عامل اساسی برای تشریک قدرت در سطح دولت است و در صورت عملکرد صحیح، پارلمان اختیارات قوه اجرائیه و یا رئیس جمهور را محدود می سازد.

عدم وضع مالیات در صورت عدم اعمال نظر

تا کنون یکی از میکانیزم های پارلمان برای کنترل قوه اجرائیه، بودجه کشور بوده است. از آغاز اولین گردهمائی ها و مجامع در جهان غرب، پارلمانها خواستار اعمال نظر در مسائل سیاسی بوده اند و ادعا می کردند که «بدون حق نظردهی، مالیات وضع نخواهند کرد». از آنجایی که سازمان های مربوط به اداره امنیتی قسمت قابل توجهی از بودجه کشور را بخود اختصاص می دهند، ضروریست که پارلمان بر طرز استفاده منابع محدود دولت از لحاظ مؤثریت و سودمندی نظارت کامل داشته باشد.

تدوین ضوابط قانونی مسائل امنیتی

تهیه مسوده قوانین امنیتی کشور در عمل بر عهده قوه اجرائیه است. با وجود این، نمایندگان دارای نقش مهم در بررسی این مسوده ها هستند. آنان می توانند اصلاحات لازم را برای هر یک از این مسوده

ها پیشنهاد کنند که هر کدام بدرستی منعکس کننده موضعگیری های جدید امنیتی باشد. بر پارلمان است که این قوانین تنها روی کاغذ باقی نمانند بلکه کاملاً اجرا شوند.

پلی برای برقراری ارتباط با مردم

قوه اجرائیه ممکن است الزاماً از مسایل امنیتی ایکه برای ملت از اولویت بیشتری برخوردار است، آگاهی کامل نداشته باشد. نمایندگان پارلمان پیوسته با مردم در ارتباط هستند و می توانند دیدگاه های آنان را بررسی و منتقل سازند. از این جهت انتظارات مردم نسبت از پارلمان بیشتری است، نمایندگان نیز باید همواره دیدگاه های مردم را در پارلمان مطرح نموده و از منعکس شدن آن در قوانین و پالیسیها اطمینان حاصل کنند.

چالش های نظارت پارلمانی بر اداره امنیتی

دست کم سه بخش در یک اداره امنیتی برای نظارت پارلمانی چالش آفرین است:

- قوانین موضوعات سری (محرم) ، تلاش برای رسیدن به شفافیت در بخش امنیتی را ناکام میسازد. این قوانین نظارت پارلمانی را بر دستگاه امنیتی - خاصاً در حکومت های دیموکراسی نوپا و کشورهایی که در اثر کشمکش از هم گسسته اند - محدود کرده یا دچار مشکل می سازد. علت این پدیده را می توان در نبود قانون برای آزادی دسترسی مردم به اطلاعات دولتی یافت.
- دستگاه امنیتی ساحه پیچیده ای است که در آن پارلمان باید بر مسایلی چون خرید اسلحه، کنترل نیروهای مسلح، آمادگی و یا سازماندهی واحدهای نظامی نظارت کند. این در حالی است که همه نمایندگان پارلمان نه تنها تخصص لازم و دانش کافی برای نظارت مؤثر بر این امر را ندارند، بلکه ممکن است به این دلیل که دوره نمایندگی آنان محدود بوده و دسترسی به منابع لازم چه در داخل کشور و چه در خارج از آن همیشه میسر نمی باشد، زمان و فرصت مناسب را در اختیار نداشته باشند.
- تأکید بر همکاری های بین المللی در زمینه برقراری امنیت می تواند از شفافیت و دموکراتیک بودن سیاست های امنیتی یک کشور بکاهد. این نکته خود می تواند منجر به حذف پارلمان از این روند شود. از این رو ضروریست که پارلمان بتواند نظارت خود را اعمال کرده، در مباحث و تصمیم گیری ها در سطح بین المللی شرکت نموده و اقدامات آنان را پیگیری کند.

فصل سوم نقش و مسئولیت‌های پارلمان و سایر تأسیسات دولتی

وظایف مشترک

اگر چه دولت و پارلمان نقش‌های متفاوتی را در مسائل امنیتی ایفا می‌کنند، مسئولیت نگهداری یک اداره امنیتی فعال، وظیفه مشترک آنان است. این مسئولیت مشترک در روابط رهبران سیاسی و نظامی نیز به چشم می‌خورد. این دو بخش را نمی‌توان به عنوان رقبای یکدیگر با اهداف متضاد دانست. برعکس، این دو گروه برای رسیدن به سیاست امنیتی مؤثر، جامع و مردم محور، به یکدیگر نیازمندند. بنابراین، نظارت دموکراتیک باید شامل گفتگو بر اساس اعتماد، ارتباط آزاد و حضور دو جانبه رهبران سیاسی کشور و فرماندهان ارشد اردو باشد. مزیت مهم چنین تبادل نظر همیشگی، جلوگیری از بیگانه شدن سیاستمداران و رهبران نظامی و در نتیجه تحکیم ثبات امنیتی است.

تقسیم‌بندی وظایف

هر سه قوه دولت: اجرائیه، مقننه، و قضائیه، نقش‌های اساسی در سیاست امنیت ملی ایفا می‌کنند. در چوکات شماره 3 وظایف خاص عوامل اصلی قوه اجرائیه؛ رئیس دولت، هیئت دولت و کارمندان آن شرح داده شده است. با توجه به این که نظام سیاسی هر کشور با کشورهای دیگر متفاوت است، در جدول فوق سعی شده است که کلیت وظایف ممکنه دسته‌بندی شود.

علاوه بر پارلمان، قوه قضائیه، اجرائیه و جامعه مدنی در طرح و اجرای سیاست امنیتی کشور سهم غیر رسمی اما مهمی دارند. این در حالیست که رسانه‌ها، عموم مردم را از نیت و عملکرد دولتمردان آگاه می‌سازند. (به فصل ششم مراجعه شود)

در خاتمه، دو عامل سازمانی دیگر- مأموران رسیدگی به شکایات مردم (به فصل شانزدهم مراجعه شود) و مفتشین دیوان محاسبات (به فصل بیست و چهارم مراجعه شود) - نقش حیاتی ایرا در نظارت بر اجرای سیاست امنیت ملی و بودجه‌های مربوطه دارا اند.

حسابداری سیاسی

ادارات امنیتی باید در مقابل هر سه قوه دولت پاسخگو و حسابداری باشند:

- قوه اجرائیه از طریق نهاد های مرکزی، منطقه یی و محلی حکومت نظارت مستقیم داشته، تعیین بودجه دولت ، خط مشی عمومی و اولویت‌بندی فعالیت‌های دستگاه‌های امنیتی را بر عهده دارد.
- قوه مقننه از طریق تصویب قوانینی که ادارات امنیتی و حدود اختیارات آنها را تعریف و تنظیم مینمایند و از طریق تخصیص بودجه آنها نظارت پارلمانی دارد. این نظارت میتواند که شامل تشکیل کمیسیون پارلمانی برای رسیدگی به شکایات مردم هم باشد.

- قوه قضائیه ضمن نظارت بر ادارات امنیتی در صورت لزوم، تخلفات مأمورین امنیتی را بوسیله اقامه دعوی مدنی و یا جزائی تعقیب میکند.

چوکات شماره ۳					
وظایف احتمالی ارگانهای مهم دولت در ارتباط با بخش امنیت					
	قوه اجرائیه	رئیس دولت	قوه قضائیه	پارلمان	
	کابینه	در برخی از کشورها رئیس دولت نقش تشریفاتی دارد و در بعضی دیگر از قدرت تصمیم گیری برخوردار است؛ همانند قوماندان عالی در زمان جنگ.	محکمه قانون اساسی مشروعت رئیس جمهور یا کابینه وی را به عنوان قوماندان عالی بررسی می کند.	در برخی از کشورها پارلمان پس از مذاکرات قوماندان عالی را انتخاب و منصوب می کند	قوماندان عالی
	در زمان جنگ دولت فرماندهی کل نیروها را بر عهده دارد.				
	راهنمایی دولت، برنامه ریزی، یاری و اجرای سیاست امنیت	پیشنهاد و اجرای سیاست امنیت	امضاء قوانین مربوط به سیاست امنیت	مباحثه و سپس تصویب مفهوم امنیت و وضع قوانین	سیاست امنیت
	مشوره به حکومت	پیشنهاد بودجه		تصویب بودجه	بودجه
	مشوره به حکومت؛ اجرای قوانین	پیشنهاد قوانین و تصویب آیین نامه های داخلی	امضای انتشار رسمی قوانین	تصویب قوانین	قوانین دفاعی
	مشوره در مورد تشکیلات، اجرای تشکیلات، انتصاب فرماندهان زیر دست	انتصاب فرماندهان ارشد و تصویب طرح تشکیلات	قضاوت در مورد قانونی بودن اعمال آنان	در برخی از کشورها پارلمان از اختیار تأیید منصب های مختلف برخوردار است.	تشکیلات

تدارکات	بررسی و یا تصویب پروژه های عمده تدارکات اسلحه	قضاوت در مورد تخلف دادگاه ها در ارتباط با فساد و جعلکاری	ارائه پیشنهاد برای تدارکات اسلحه	ابتکار و اجرای پیشنهاد تدارکات اسلحه
اعزام نیروی نظامی به خارج از کشور و میزبانی نیروهای نظامی خارجی	تصویب قبلی، تصویب بعدی یا عدم تصویب آن در مجموع	قضاوت روی قانونیت و طرز العمل آنها	مذاکره پیرامون مشارکت در صحنه های بین المللی و تصمیم گیری در مورد ضوابط مشارکت	صدور فرمان عملیات
پیمان های بین المللی، ملحق شدن به متحدین	تصویب		عقد پیمان های بین المللی	مشوره به حکومت
			مسئولیت مذاکرات در سطح ملی و بین المللی	

همانگونه که در بالا ذکر شد، ممکن است در کشورهای مختلف، هر يك از سه قوه دولت وظایف گوناگونی داشته باشند. با وجود این، برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده سیاسی از ادارات امنیتی، به نظام واحدی برای تقسیم قدرت نیاز است. با در نظر گرفتن این نکته که در بسیاری از کشورهای، دولت نقش عمده و اساسی را در مسایل امنیتی بر عهده دارد، الزامی است که پارلمان قدرت نظارت مؤثر و همچنین منابع کافی در اختیار داشته باشد. اهمیت این نکته در آن است که چالش های جدید امنیتی (به فصل اول مراجعه شود) نهادهای ملی را به تعریف مجدد وظایف خود ترغیب می کند.

اصول نظارت دموکراتیک و پارلمانی

از آنجایی که امنیت و دفاع در محدوده حاکمیت ملی هر کشور تعریف می شود، هیچگونه معیار بین المللی توافق شده ای در حیطه نظارت دموکراتیک و پارلمانی وجود ندارد. اما این ضوابط می توانند در يك منطقه یکسان باشند. برای نمونه می توان از مبانی و قوانین سازمان امنیت و همکاری در اروپا OSCE یاد کرد (برای معلومات بیشتر به چوکات شماره 66 مراجعه شود). با این همه، اصول معینی برای تنظیم روابط دموکراتیک مدنی - نظامی وجود دارد:

- دولت در جامعه یگانه مرجع است که انحصار قانونی و مشروع قدرت را عهده دار است؛ ادارات امنیتی باید پاسخگو به مراجع قانونی دموکراتیک باشند.
- پارلمان از اقتدار برخوردار بوده و با تکیه بر آن، قوه اجرائیه را مسوول توسعه، اجرا و بازنگری سیاست امنیت و دفاع می داند.
- پارلمان قانوناً وظیفه تجویز و بررسی دقیق بودجه امنیتی و دفاعی را بر عهده دارد.

- پارلمان نقش سرنوشت‌سازی را در زمینه اعلام وضعیت اضطراری، لغو آن و یا اعلام حالت جنگ بر عهده دارد. (به فصل هجدهم مراجعه شود)
- اصول حاکمیت سالم (به چوکات شماره 4 مراجعه شود) و برقراری حکومت قانون شامل تمام شاخه‌های دولت شده و در نتیجه ادارات امنیتی را نیز در بر می‌گیرد.
- پرسونل ادارات امنیتی هر يك به نوبه خود در محضر محکمه‌های قضایی کشور در مقابل هرگونه نقض قوانین ملی و بین‌المللی (تخلفات جزایی و مدنی) پاسخگو اند.
- سازمان‌های وابسته به ادارات امنیتی دارای موضع سیاسی بی‌طرفانه ای هستند.

چوکات شماره 4

حاکمیت سالم: ارزش مهم برای نظارت دموکراتیک بر ادارات امنیتی

«حاکمیت سالم با سیاست‌گذاری قابل پیش‌بینی، شفاف و روشن‌فکرانه عینیت پیدا می‌کند، دیوان سالاری (بیروکراسی) که از تخصص و وظیفوی افراد يك کشور الهام می‌گیرد، در راستای رفاه عمومی، برقراری حکومت قانون، روند شفاف در امور و ترغیب جامعه مدنی برای مشارکت در امور کشور گام بر می‌دارد. بالمقابل، حاکمیت ناسالم و نامطلوب را مشخصه‌های سیاست‌گذاری مستبدانه، نظام اداری بی‌کفایت، نظام قانونی غیر عادلانه و غیرمنصفانه، سوءاستفاده از قوه اجرائیه، جامعه مدنی فارغ از سهم در امور کشور و فساد فراگیر است.»

مأخذ: بانک جهانی، 1994. طرز حاکمیت: تجربه بانک جهانی

بخش دوم

نظارت بر سیاست امنیت ملی

فصل چهارم طرح سیاست امنیت ملی

ترکیبات سیاست امنیت ملی

سیاست امنیت ملی، سیاست دولت در قبال امنیت و چگونگی دستیابی به آن را تعریف می‌کند. اخذ تصمیم مهم در خصوص ادارات امنیتی که امنیت داخلی و خارجی دولت و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از جمله موارد تحت بحث در سیاست امنیت ملی است. این سیاست بر پایه ایجاد امنیت، راه کارهایی برای سیاست نظامی ارائه کرده و در چارچوب آئیننامه های بین‌المللی و ملی عمل می‌نماید. بنابراین، سیاست امنیت ملی بر اساس فهم نیازها و اولویت های امنیت ملی پایه‌گذاری می‌شود و عوامل خارجی متعدد، فشارها و تعهدات بر آن تأثیر می‌گذارند. در همه موارد، این سیاست باید هم راستا با ارزش‌ها و اصول قید شده در قانون اساسی باشد.

چوکات شماره 5

بررسی سیاست امنیت ملی

در مباحث مربوط به تصویب و اجرای اسناد سیاست امنیت ملی در موقعیت‌های خاص، نمایندگان مردم باید برخی و یا همه سؤالات زیر را مطرح کنند:

- جامعه در مقابل چه تهدیدها و چه خطراتی باید محافظت شود؟ کدام دسته از ارزش‌ها و ارزش‌های مربوط به کدام قشر باید محافظت شود؟ و در نتیجه چه نوع امنیتی مورد نیاز است؟
- آیا سیاست امنیت ملی خطراتی جدیدی همچون جنایات سازمان یافته و یا تروریزم را مدنظر دارد؟
- چگونه میتوان یقینی ساخت که سیاست امنیت باقوانین و اصول بین‌المللی بشری و حقوق بشر مطابقت دارد؟
- چه اندازه امنیت مورد نیاز است؟
- بهترین راه برقراری امنیت ملی چیست: پیوستن به دیگر کشورها و یا حفظ بی‌طرفی؟
- نیروهای امنیتی چه نوع عملیات نظامی را انجام خواهند داد: آیا تنها به دفاع اکتفاء خواهند کرد یا در عملیات نظامی پاسداری از صلح نیز شرکت می‌کنند؟
- چه منابع و دستگاه‌هایی باید برای برقراری يك امنیت مطلوب مداخله کنند؟ برای چه مدت و تحت چه شرایطی؟
- سیاست امنیت در چه مقطع های زمانی باید بازنگری شود؟
- منابع مالی و اقتصادی مورد نیاز کدامند؟ و پرداخت‌کنندگان مالیات تا چه حد در پرداخت مصارف برقراری امنیت مشارکت خواهند کرد؟
- سیاست امنیت و اجرای آن تا چه اندازه در روابط خارجی و همچنین ثبات منطقه تأثیر خواهد گذاشت؟
- موضع‌گیری حقیقی و ستراتیژی ملی آینده در قبال اسلحه‌ه کشتار جمعی چیست؟

بر طبق يك اصل کلی پیاده نمودن سیاست امنیت ملی نیازمند مشارکت سازمان‌ها و بخش‌های دولتی و همچنین اسناد سیاسی است. بنابراین، لازم است که دولت سیاست امنیت ملی جامع و فراگیری را که در برگزیده تمامی عوامل مربوط و جوانب امنیتی است، طرح کرده و توسعه دهد. این رویه فرصت بررسی کامل و جامع تمامی جنبه‌های سیاست امنیت را برای حکومت فراهم می‌آورد. مقابله با تهدیدهای جدیدی چون تروریسم و جنایات بین‌المللی نیازمند تلاشی خاص و هماهنگ است، زیرا مقابله با این تهدیدات، مشارکت ارگانهای مختلف مانند اردو، وزارت مالیه، پولیس، نیروهای سرحدی و ادارات استخباراتی را می‌طلبد.

اهمیت مشارکت پارلمان

بر این اساس و با به خاطر سپردن این که مأموریت اصلی پارلمان، انتقال دیدگاه‌ها و نظرات مردم است، دلایل متعددی برای مشارکت آشکار آن در تصویب و توسعه سیاست امنیت ملی وجود دارد:

- از آنجای که سیاست امنیت ملی، زندگی، ارزش‌ها و مصالح مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نباید تنها بدست قوه اجرائیه و اردو سپرده شود؛
- سیاست امنیت ملی تأثیرات مهمی بر آینده اردو و اعضای آن دارد؛
- سیاست امنیت ملی عواقب مالی بسیاری با خود همراه داشته و پرداخت‌های مالیاتی، قسمتی از آن را تأمین می‌کند؛
- علاوه بر مصارف مالی، اقدامات امنیتی، آزادی شهروندان را محدود ساخته و دموکراسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بناء پارلمان وظیفه دارد تا یقینی سازد که این اقدامات در همه موارد با قانون بین‌المللی حقوق بشر مطابقت داشته باشند، خاصاً با چهار منشور جینوا و دو پروتوکول آنها و با قانون حقوق بشر، خاصاً با اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور بین‌المللی در باره حقوق مدنی و سیاسی. منشور اخیر بیان میدارد که بعضی از آن حقوق به هیچ صورت قابل اغماض نمیباشند. فصلهای ۱۸ الی ۲۰ ملاحظه شوند.

نقش پارلمان در دوران تدوین سیاست امنیت ملی

تا آنجایی که در محدوده اختیارات پارلمان است، مباحث سیاست امنیت ملی يك رخداد واحد نیست بلکه روندی است که در چهار مرحله شکل می‌گیرد: تدوین، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی. اگر چه نباید در امر برنامه‌ریزی و اجرای این سیاست در وظایف قوه اجرائیه مداخله کرد، این روند باید آشکار بوده و اجازه مشارکت حتی‌الامکان را به پارلمان بدهد تا بدین ترتیب توازن نظارتی صحیح بین تمامی اطراف ذیدخل در امر پالیسی امنیت، از جمله دستگاه امنیتی و نهاد های نظامی و صنعتی، برقرار گردد.

در طول این روند، نمایندگان پارلمان باید از تمامی منابع موجود از جمله پرسش‌های شفاهی و کتبی، پیشنهادها، درخواست‌ها، تحقیقات کمیسیون‌های مخصوص، گزارش‌ها و بیانیه‌های رسمی و ارسال نماینده به وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی به منظور آگاه ساختن قوه اجرائیه از نیازهای امنیتی و انتظارات مردم، استفاده کنند (به فصل چهاردهم، ساختار به کار گرفته شده پارلمان در ادارات امنیتی، مراجعه شود).

تدوین

در تمام نظام‌های پارلمانی، شورا نقش محدود در روند تدوین سیاست امنیت ملی نوین ایفاء می‌کند. وظیفه طرح این سیاست بر عهده سازمان‌ها و بخش‌های ذیصلاح دولتی است. با وجود این، مجلس و اعضای آن وظیفه مهم نظارت بر سیاست امنیت را بر عهده دارند تا از تطابق تدابیر وضع شده با نیازهای مردم اطمینان حاصل کرده و در صورت لزوم خواستار بررسی و اصلاح آن شوند. کمال مطلوب آن است که نظریات پارلمان در این زمینه بصورت سند رسمی - که احتمال رد و یا تصویب آن باشد - ارائه نگردد، بلکه در آغاز این امر باید با کمیسیون‌های تخصصی مشوره نمایر تا کلیه دیدگاه‌های سیاسی احزاب پارلمان در اسناد سیاسی و همچنین قوانین در حال تصویب پارلمان منظور گردد. بدین ترتیب نه تنها به نظرات و خواسته‌های مردم در مراحل نخست سیاست گذاری امنیت توجه خواهد شد، بلکه در زمان مذاکره پارلمانی برای تصویب اسناد سیاسی، فضای همکاری پایدار نیز در پارلمان ایجاد می‌شود. منافع ملت در مقایسه با قدرت‌نمایی گروه‌های اقلیت و اکثریت شورا از اهمیت بیشتری برخوردار است و اختلاف نظر این دو گروه نباید مانع مذاکرات دموکراتیک پیرامون اسناد امنیت ملی شود. بدین ترتیب، پارلمان باید توانائی ارائه پیشنهاد برای تغییر اسناد را داشته باشد.

تصمیم‌گیری

پارلمان نقش مهمی را در مرحله تصمیم‌گیری ایفاء می‌کند. زمانی که مسوده سیاست امنیت ملی برای بحث به پارلمان ارائه می‌گردد از «دارایی‌های پارلمان» به حساب آمده و بدین ترتیب از مسئولیت‌های مستقیم وی به شمار می‌رود. بدیهی است که باید زمان کافی برای بررسی آن در اختیار گذاشته شود تا از هر گونه شتاب در تصویب سیاست امنیت ملی جلوگیری بعمل آید.

پارلمان مختار است که لوايح طرح جدید سیاست امنیت ملی را که توسط دولت ارائه می‌شود، پذیرفته و نظر موافق خود را اعلام کند و یا آن را رد کرده و اصلاحات لازم را پیشنهاد نماید. در این مرحله پارلمان باید در صورت ضرورت اقدام کرده و از حق مشروع خود بهره جوید و در صورت عدم رضایت از اسناد قبلی، پیشنهادهای جدیدی ارائه کند. پرسش‌های اصلی ایکه در خلال مذاکرات پارلمانی و طی مرحله تصمیم‌گیری ممکن است از طرف نمایندگان مطرح گردد، در بخش‌های قبلی بیان شده است.

در این مرحله مهم‌ترین اعمال نظر پارلمان مربوط به تخصیص بودجه است (برای معلومات بیشتر به بخش 6 با موضوع منابع ملی مراجعه شود). پارلمان هنگام تشکیل کمیسیون‌های ذیصلاح به منظور مذاکره و رأی‌گیری در مورد تخصیص بودجه برای هر يك از موارد مربوط به امنیت و تصویب بودجه عمومی امنیتی می‌تواند بیشترین اعمال نظر را داشته باشد. پلانهای دفاعی باید در زمان مناسب بررسی شده و دارای ارتباط شفاف با نیازهای بودجه باشد.

پارلمان ضمن حصول اطمینان از مشروعیت مصوبه‌های نهائی، نقش عمده اپرا در ایجاد و افزایش حمایت مصالح مردم را بر عهده دارد. شفافیت در اداره مذاکرات پارلمانی مسایل امنیتی امریست حیاتی و این نکته که ملت و رسانه‌های گروهی باید کاملاً در جریان جلسات و مذاکرات پارلمان قرار گیرند، حائز اهمیت زیادی است.

مرحله اجرا

وظیفه پارلمان در قبال امنیت ملی با تصویب قوانین مربوطه و حتی تخصیص بودجه پایان نمی‌پذیرد، بلکه وظیفه نظارت و تفتیش مالی آن باید در عمل پیاده شود. در مرحله اجرا و تطبیق این قانون، پارلمان باید با استفاده از تمامی امکانات موجود (به فصل چهاردهم مراجعه شود) و با کمک دیگر ارگانهای نظارتی (طوری مثال دیوان محاسبات ملی، به فصل بیست و چهارم مراجعه شود) ناظر بر تمامی فعالیت‌های دولت باشد. همچنین پارلمان می‌تواند با اتخاذ تصمیم مناسب در مورد تخصیص بودجه اعمال نظر کرده و صلاحیت فنی و حرفه‌ای ادارهای دیوان محاسبات را برای اجراات حسابداری صحیح و گویا بررسی کند.

در مواقع بحران و یا اعمال تغییرات اساسی در نظام حکومتی که نیازمند تأیید پارلمان است، این نهاد می‌تواند در امور دولت مداخله کند. به عنوان مثال می‌توان از اعزام نیروی نظامی به خارج از کشور (به فصل بیست و دوم مراجعه شود) یا اعلام حالت اضطراری در کشور (به فصل هجدهم مراجعه شود) نام برد. برعلاوه، در صورتیکه دولت مرتکب خطاهای جدی و بزرگ شود پارلمان حق مداخله را دارد. در چنین مواردی، دولت باید پاسخگوی سوالات پارلمان باشد و یا حتی در موارد حاد، پارلمان قدرت تحقیق و بازجویی از دولت را دارا است.

ارزیابی و آموخته‌ها

در يك محیط دیموکراتیک حکومت موظف است که اهمیت سیاست امنیت کشور را بررسی و نتایج ارزیابی کمی و کیفی خویش را به پارلمان ارائه کند. تا جایی که در محدوده وظایف پارلمان است، این ارزیابی شامل رسیدگی به آمار و ارقام و بررسی بودجه درخواستی دولت برای سیاست امنیت ملی است. این ارزیابی حتی در صورت طولانی شدن نیز برای تأیید سیاست مورد نظر و یا وضع تدابیر جدید الزامی است. علاوه بر پارلمان، سازمان‌های غیرحکومتی در جوامع مدنی پویا به بررسی و ارزیابی تدابیر امنیت ملی همچون بررسی اعزام هیأت برقراری صلح، نظام تسلیحات مهم پر مصرف و همچنین نظام پرسونلی وزارت دفاع (خاصه نظام جلب به خدمت عسکری) می‌پردازند. برعلاوه، پارلمان می‌تواند برای انجام تفتیش‌های خاص مالی مشاورین را نیز موظف سازد.

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

سیاست امنیت

- اطمینان یابید که رابطه منطقی بین سیاست امنیت ملی، نظریه‌های عملیاتی، طرح‌های دفاعی و درخواست‌های تخصیص بودجه برای موارد فوق وجود دارد.
- در صورت نیاز، پس از بررسی سیاست‌های موجود در کشورهای دیگر با شرایط مشابه، در زمینه مناسب بودن سیاست امنیتی پیشنهادی و در صورت امکان تجدید نمودن سیاست موجود با توجه به تحولات اخیر، پرسش‌هایی را در پارلمان مطرح کنید. (به بخش 1 در باره تدوین سیاست امنیت و کارگزاران آن مراجعه شود).

ادامهء چوکات

- در طول مراحل تدوین، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی سیاست امنیت ملی و تعریف نقش پارلمان در چهار مرحلهء فوق، لوایح لازم را تصویب کنید.

پرسش‌های مربوط

- اطمینان یابید که تمامی پرسش‌های مطرح شده در چوکات شماره 5، بررسی سیاست امنیت ملی، در مرحلهء تعریف سیاست امنیت، مورد توجه قرار گرفته است.

فصل پنجم سیاست امنیت ملی و آیین‌نامه‌های بین‌المللی

موازن بین‌المللی

معاهدات بین‌المللی در برخی مواقع ارائه تعریف از سیاست‌های امنیت داخلی را محدود نموده و در برخی از اوقات رسیدن به یک تعریف کامل را نیز مشکل می‌سازند. از آنجایی که بسیاری از کشورهای جهان، عضو سازمان ملل می‌باشند، ملزم به پیروی از ماده‌های 2/3 و 2/4 منشور سازمان ملل هستند:

«تمام اعضا موظف‌اند که مذاکرات بین‌المللی خود را به گونه‌ای طرح‌ریزی و پیگیری کنند که صلح، امنیت و عدالت بین‌المللی به مخاطره نیافتد.»

«تمام اعضا باید در روابط بین‌المللی خود از هرگونه اعمال تهدید یا زور بر تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دیگرکشورها خودداری کرده و از هرگونه اقدام دیگری که بر خلاف اهداف سازمان ملل است، اجتناب کنند.»

علاوه بر دو ماده بالا، اصول بین‌المللی دیگری نیز وجود دارند که چارچوب کاری مناسبی برای تدوین سیاست ملی ارائه می‌کنند. اعلامیه 2625 (XXV) مجمع عمومی سازمان ملل در مورد اصول قوانین بین‌المللی مرتبط با روابط و شرایط همکاری کشورها (1970) به عنوان اصل معتبر منشور سازمان ملل به رسمیت شناخته شده و در نتیجه برای تمامی کشورهای عضو این سازمان لازم الاجرا است. در این اعلامیه، هشت اصل جدائی‌ناپذیر زیر که از اهمیت یکسانی برخوردار هستند، بیان شده است:

- اصل اول: اجتناب از توسل به زور و تهدید.
- اصل دوم: حل صلح‌آمیز مناقشات بین‌المللی.
- اصل سوم: حفظ مرزها و تمامیت ارضی کشور.
- اصل چهارم: حفظ حق ملت برای تعیین سرنوشت خویش و زندگی صلح‌آمیز در خاک خود با مرزهای بین‌المللی به رسمیت شناخته شده.
- اصل پنجم: پذیرفتن تساوی حق حاکمیت دولتها و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر.
- اصل ششم: احترام به حقوق بشر.
- اصل هفتم: همکاری بین کشورها.
- اصل هشتم: پذیرش و تحقق احکام جهانی صادر شده بر طبق قوانین بین‌المللی.

معاهدات چند جانبه امنیت و دفاع

در ساحه امنیت، معاهدات زیادی وجود دارند. شاخه‌های اصلی چنین معاهداتی در ذیل ذکر شده است (فهرست یاد شده کامل نیست و تنها مثال‌هایی است از معاهدات در هر شاخه):

معاهده تنظیم امنیت جهان: منشور سازمان ملل.

معاهدات بین‌المللی قوانین بشر بین‌المللی که به بررسی درگیریهای مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی می‌پردازد: چهارپیمان جینوا در سال 1949 و همچنین دو یادداشت تفاهم، 1977.

معاهدات بین‌المللی در مورد انواع مختلف تجهیزات نظامی و نظام مربوطه: پیمان ضد راکت‌های قاره‌پیما، پیمان کاهش تسلیحات نظامی، پیمان مین‌های زمینی و پیمان Tlatelolco و غیره.

معاهدات بین‌المللی برای تأسیس سازمان‌های منطقه‌ای با هدف بررسی مسائل امنیتی: منشور سازمان‌های کشورهای آمریکایی، پیمان اتحادیه اروپا، مصوبه نهایی CSCE/OSCE-CSCE، قانون تأسیس اتحادیه آفریقا.

موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای برای همکاری‌های نظامی و کمک‌های دفاعی دو جانبه: پیمان ناتو، مشارکت در قرارداد صلح، پیمان اتحادیه کشورهای غرب اروپا، پیمان همکاری متقابل کشورهای آمریکایی.

دستیابی به تعریف روابط بین‌المللی با هدف تقویت جهانی و منطقه‌ای و نیز افزایش همکاری‌های دو جانبه و چند جانبه، دلیل قویست برای تصویب پیمان‌های امنیتی بین‌المللی توسط دولت‌های جهان. معمولاً قوه اجرائیه از طریق وزارت امور خارجه روند مذاکرات را رهبری می‌کند.

موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا پیمان‌های دوستی، همکاری و کمک‌های دو جانبه نظامی

در روند تدوین سیاست امنیت یک کشور، موافقت‌نامه‌های دوجانبه نقش محوری ایفا می‌کنند. مفاد این قراردادها - در مواردی که تنها دو کشور دخیل باشند - تا حد امکان با در نظر گرفتن ضوابط، موقعیت و نیازهای خاص هر کشور تنظیم می‌شود. از جمله می‌توان به پیمان کاهش تسلیحات نظامی بین اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحد آمریکا اشاره کرد.

این گونه پیمان‌ها (به عنوان مثال معاهده دوستی، همکاری و کمک‌های دوجانبه بین روسیه و ارمنستان - اگست 1997) نه تنها برای ابراز دوستی و سیاست غیر تهاجمی امضاء می‌شوند بلکه در عمل نیز کاربرد دارند. طوری مثال: در برخی از موارد پیاده کردن نیرو و یا تجهیزات نظامی در خاک یکدیگر طی دهه 1990، روسیه چندین پیمان همکاری نظامی با دیگر جمهوری‌های استقلال یافته اتحاد جماهیر شوروی سابق امضاء کرد.

این پیمان‌ها در صورت ضرورت شامل همکاری‌های عمیق و گسترده نظامی نیز می‌شوند. در این رابطه، می‌توان از تصویب منشور مشارکت دموکراتیک 1994 در پی موافقت‌نامه آمریکا و قزاقستان در سال 1992 که راهگشای توسعه روابط نظامی دو جانبه بود، نام برد.

در کل، از معاهدات دو جانبه به عنوان ابزاری برای طرح‌ریزی اولیه سیاست امنیت خارجی، افزایش روابط دوستانه با دیگر کشورها و حل مشکلات حاد استفاده می‌شود. برای تصویب پیمان‌های دو جانبه، در مقایسه با پیمان‌های امنیت چند جانبه متداول، پارلمانها از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری برخوردارند و همچنین آزادی عمل بیشتری برای ارائه طرح‌های پیشنهادی به قوه اجرائیه برای بحث و بررسی بیشتر در رابطه با تغییرات لازم در متن و محتوای آنان دارند.

اهمیت مشارکت پارلمان و مردم

در کشورهایی که مشارکت پارلمان و مردم در روند تصویب پیمان‌های بین‌المللی متدوال نیست، مردم را باید به این امر ترغیب کرد زیرا این خود سبب افزایش حمایت‌های مردمی می‌شود. بر طبق اصول موجود، در کشورهای دیموکراتیک قوه اجراییه بدون اطلاع و تأیید پارلمان نمی‌تواند پیمان‌های سری را امضاء کند. الزامی است که توافق نامه بین‌المللی ای که حاکمیت، تمامیت ارضی و موقعیت جهانی یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در پارلمان به بحث و بررسی گذاشته شده و توسط این نهاد تصویب شوند.

در برخی از کشورها همچون سوئیس، باید برای عقد پیمان‌های مهم و اساسی همه‌پرسی انجام شود. بدین ترتیب مشارکت جامعه مدنی در تغییرات اساسی سیاست خارجی کشور تضمین می‌گردد. در سوئیس انجام همه‌پرسی (به چوکات شماره 6 مراجعه شود) قبل از تصویب این گونه پیمان‌ها الزامی است.

چوکات شماره 6

دموکراسی بی‌واسطه و تصویب پیمان‌های بین‌المللی و دیگر موافقت‌نامه‌های مهم، نمونه: سوئیس در سوئیس، پارلمان، شورای مرکزی (دولت) و ملت همگی در روند تصویب توافق‌نامه‌های بین‌المللی مشارکت می‌کنند. موافقت‌نامه‌های مهم در مورد کشور تنها از پارلمان تصویب نگردیده بلکه مورد بحث مردم نیز قرار می‌گیرد. از طریق همه‌پرسی، جامعه نظر خود را در مورد توافق‌نامه‌های ذکر شده بیان می‌کند. علاوه بر این، جامعه از طریق همه‌پرسی به شورای مرکزی (دولت) اختیار و اجازه آغاز و یا توقف بحث و مذاکره پیرامون قراردادهای آینده را تفویض می‌کند. در صورتی که دولت بخواهد به سازمان امنیت گروهی و یا جامعه مافوق ملیت بپیوندد، برگزاری رفراندوم الزامی است. (ماده 140-b از قانون اساسی سوئیس)

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

مذاکرات پیرامون عقد پیمان

- اطمینان یابید که پارلمان یا کمیسیون‌های مربوطه آن:
 - از طریق شرکت دادن نمایندگان احزاب مختلف سیاسی در گروه مذاکره کننده، در روند مذاکرات شرکت می‌کنند؛
 - از نظرات مردم پیرامون مسائل مربوط به طور عام و نظرات سازمان‌های مربوطه و نتایج تحقیق‌های وابسته به طور خاص آگاهی پیدا کرده و آنان را مد نظر قرار می‌دهند؛
 - نظرات خود را به منظور اطمینان از اینکه عقاید و دیدگاه‌های مردم مورد استفاده قرار گرفته است، به صورت رسمی به دولت منتقل می‌کنند.

تحلیل تأثیرات

- اطمینان یابید که یک موافقتنامه به پارلمان تقدیم شده و می تواند یک تحلیل مفصل از تأثیرات (میان مدت و دراز مدت) سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، محیط زیست و دیگر تأثیرات آنرا مورد بحث قرار دهد.

تصویب

- «اطمینان یابید که پارلمان برای تصویب يك موافقتنامه به موقع در جریان قرار گرفته است.
- اطمینان یابید که بین پیمان در حال بررسی و تصویب با قوانین داخلی کشور سازگاری موجود است و این امر را می توان بوسیله ایجاد تغییراتی در ماده های قانون ملی یا - در صورت نیاز و امکان - ضمیمه کردن بند های تفسیری و مشروط در ارتباط با توافقنامه بین المللی، انجام داد.

بررسی مواد قانونی تفسیری و مشروط

- اطمینان یابید که اعتبار و صحت دائمی مواد قانونی تفسیری و مشروط وضع شده توسط کشور شما در هنگام بررسی دوره بی سیاست امنیت ملی، بررسی و بازنگری می شود.

فصل ششم

نقش جامعه مدنی و رسانه‌ها

ادارات امنیتی به صورت فزاینده در حال رشد و توسعه اند. این روند چالش رو به رشدی را برای پارلمان ایجاد می‌کند، زیرا پارلمان همیشه منابع و پرسونل متخصص ضروری را برای نظارت بر عملکرد دولت در زمینه امنیت ملی را بر عهده دارد، اما گروه‌ها زیادی برای تکمیل نقش این نهاد شکل گرفته‌اند. جامعه مدنی و رسانه‌ها می‌توانند پارلمان را در بررسی و نظارت بر ادارات امنیتی در چارچوب ارائه شده از طرف این نهاد، یاری رسانند.

جامعه مدنی

عبارت «جامعه مدنی» به سازمان‌های خودمختاری اطلاق می‌شود که حد میان مؤسسات دولتی و بخش خصوصی است که خود شامل ساحه بزرگی از مشارکت‌های داوطلبانه و اقدامات اجتماعی و مدنی می‌شود. از آن جمله می‌توان به ساحه وسیع از سازمان‌ها و گروه‌ها - با تنوع فعالیت‌ها - که در راستای منافع جامعه شکل گرفته‌اند، اشاره کرد. در پاراگراف‌های زیر به تحلیل نقش مهم جامعه مدنی در نظارت بر کارآمد بودن ادارات امنیتی پرداخته و ذکر می‌کنیم که این نقش شامل چه مواردی می‌شود؛ همچنین به چگونگی سهم شدن جامعه مدنی در نظارت بر پارلمان می‌پردازیم.

جامعه مدنی و دیموکراسی

در حقیقت جامعه مدنی متجلی روند دیموکراتیک شدن يك دولت بوده و نقش مهم و فزاینده در عملکرد دیموکراسی‌های تأسیس شده، ایفا می‌کند. این جوامع در عمل رهبران سیاسی را متوجه این نکته می‌سازند که نیازها و منافع متفاوت متعددی وجود دارند که باید هنگام تصمیم‌گیری برای هزینه‌های عمومی و اتخاذ تدابیر دولتی، در نظر گرفته شوند. به همین دلیل وجود يك جامعه مدنی پویا و فعال برای دیموکراسی الزامی است. قدرت بالقوه این جامعه می‌تواند حتی از قدرت دولت بیشتر باشد؛ در مقابل استبداد بایستد و به سبب طبیعت کثرت‌گرای این گونه جوامع، دولت ابزار دست يك عده و یا گروه‌های خاص قرار نمی‌گیرد.

جامعه مدنی و ادارات امنیتی

گروه‌های مختلف در يك جامعه مدنی از جمله مؤسسات علمی و آکادمیک، مؤسسات تحقیقاتی، مؤسسات غیردولتی حقوق بشر، مؤسسات غیر دولتی فعال در زمینه سیاست، با کوشش مداوم خود می‌توانند بر تصمیمات و تدابیر ادارات امنیتی تأثیر بگذارند. دولت‌ها می‌توانند سازمان‌های غیر دولتی را به شرکت در مذاکرات همگانی و عمومی در مورد امنیت ملی؛ نیروهای مسلح، سیاست‌گذاری و نیز امور استخباراتی ترغیب کنند. این مذاکرات به نوبه خود شفافیت عملکرد دولت را افزایش می‌دهد.

نقش خاص و دستاوردهای سازمان‌های غیر حکومتی و مؤسسات تحقیقاتی ادارات امنیتی

سازمان‌های غیر حکومتی معمولاً سازمان‌های غیرانتفاعی ای هستند که در راستای منافع جامعه و در ارتباط با موضوعات خاص تأسیس می‌شوند، مؤسسات تحقیقاتی نیز یا سازمان‌های غیر حکومتی هستند که هیچگونه وابستگی به حکومت ندارند و یا بر عکس با حکومت ارتباطاتی نظیر حمایت مالی دولت دارند.

سازمان‌های غیر حکومتی و مؤسسات تحقیقاتی می‌توانند از طریق روش‌های ذیل، نظارت دیموکراتیک و پارلمانی را تقویت و تحکیم بخشند:

- انتشار تحلیل‌های مستقل و انتقال معلومات در مورد ادارات امنیتی، روابط نظامی و مسائل دفاعی به پارلمان، رسانه‌ها و مردم؛
- نظارت و ترغیب به حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر در اداره امنیتی؛
- قرار دادن موضوعات امنیتی که برای جامعه در مجموع قابل اهمیت اند، در دستور کار سیاسی خود؛
- همکاری و کمک برای افزایش توانایی پارلمان و پرورش استعدادها از طریق برگزاری سیمینارها و کورسهای آموزشی؛
- ارائه نظر تخصصی بدیل در مورد سیاست امنیتی دولت، بودجه دفاعی، تعیین اختیارات سیاسی، اداره و نظارت بر مشارکت مردم در مسائل امنیت ملی و تدوین سیاست‌های ممکن؛
- ارائه بازتاب تصامیم اتخاذ شده در رابطه با سیاست امنیت ملی و چگونگی اجرای آنها؛
- آموزش مردم و برگزاری مناقشه‌ها و مباحث بدیل در بین مردم.

حضور و مشارکت جامعه مدنی در امریکای لاتین بیانگر نقش‌های وسیعی است که سازمان‌های غیر حکومتی و مراکز تحقیقاتی می‌توانند در نظارت بر ادارات امنیتی ایفا کنند (به چوکات شماره 7 مراجعه شود).

چوکات شماره 7

جامعه مدنی در امریکای لاتین:

مثالی عملی از نقش و اهمیت سازمان‌های موجود در جامعه مدنی

بسیاری از گروه‌های موجود در این مجامع در اواخر دهه 80 و دهه 90 میلادی با هدف ترویج گفتگو بین افراد غیر نظامی و نظامی تأسیس شدند. در این دوران دولت‌های غیر نظامی منتخب امریکای لاتین در تلاش برای تغییر ساختار نیروهای نظامی خود بودند. این گفتگوها نیروهای نظامی را از انزوا خارج نموده و روند جدیدی در تبادل نظر بین جامعه مدنی، دولتمردان منتخب و فرماندهان ارشد نظامی ایجاد کرد. از آن زمان تاکنون، این مجامع نقش بیشتری در امر ایفاء می‌کنند و منابع مهم تخصصی غیر نظامی و همکاری تخصصی در مورد امنیت و دفاع به شمار می‌روند و مسئولیت بیشتری در بررسی سیاست‌های نظامی و تخصیص بودجه بر عهده دارند.

مثالها

برای نمونه می‌توان از گروه SER en 2000 در ارجنتاین یاد کرد. این گروه که بعد از کودتای نظامی 1990 تأسیس شد در ابتدا به عنوان نهاد برای تشویق گفتگو بین نمایندگان مردم، احزاب ادامه چوکات.....

سیاسی و اردو شروع به فعالیت کرد. این گفتگوها بنیان مهمی را برای SER en 2000 بنا نهاد که بر پایه آن افراد غیرنظامی نظرات خود را در خصوص طرح و پیش‌نویس بخش‌های کلیدی قوانین که چارچوب کاری سیاست دفاعی آینده را شکل می‌داد، ارائه کرد.

مانند ارجنتاین، در جمهوری دومینیک نیز متخصصین غیر نظامی امنیت و دفاع که بخشی از FLASCO را تشکیل می‌دهند، با همکاری بخش نظامی لایحه ای برای اصلاح نیروی پولیس تنظیم کرده و پس از آن قوه اجرائیه و کنگره را در ارتباط با این لایحه راهنمایی کردند. بسیاری از گروه‌های موجود در امریکای لاتین به منظور پرورش استعداد های انسانی و نیروی متخصص در دستگاه قانون‌گذاری خود برای نظارت بر عملکرد قوای نظامی با کمیته‌های دفاعی و امنیتی همکاری نزدیک دارند.

در کشور پیرو گروهی بنام Peruvian group Instituto de Estudios Politicos y Estrategicos که مخفف هسپانوی آن IDEPE میباشد در قالب کمیسیون‌های پارلمانی، نمایندگان و کارمندان پارلمان را در مورد نحوه اداره و تخصیص بودجه نظامی آموزش می‌دهد. در گواتیمالا، گروه FLASCO پارلمان را برای تحلیل و بررسی قوانین متعددی در مورد اردو، همانند اصلاح نظام استخباراتی و خدمت عسکری، معاونت مینماید.

عدم وجود تخصص ملکی

تخصص ملکی در بخش دفاع و امنیت در امریکای لاتین تا هنوز هم به حد کافی وجود ندارد. وجود نقیصه عدم تخصص ملکی تأثیر نظارت دستگاه‌های اجرایی و قانونگذاری بر قوای نظامی را مختل ساخته است. با وجود این، سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند در کوتاه مدت از طریق کمک به مؤسسات دولتی و آموزش کادرهای مربوطه رو به رشد - که از شهروندان تشکیل شده است - خلاء نبود تخصص کافی را پر کنند.

شبکه

برای رسیدن به این هدف، گروه SER en 2000 اخیراً یک شبکه منطقه‌یی از مؤسسات تحقیقاتی و سازمان‌های غیر دولتی مختص امنیت و دفاع را تشکیل داده است. این شبکه با نام (RESDAL www.ser2000.org.ar) بانک اطلاعاتی از مواد و قوانین مربوط به امنیت و دفاع رتیه کرده است که برنامه‌های تحقیقاتی و دیدار از آن سازمان را برای افراد ملکی تنظیم می‌کند.

مأخذ: Chris Sabatini, National Endowment for Democracy, Washington DC, 2000

رسانه‌ها

معمولاً رسانه‌های مستقل، مردم و نمایندگان سیاسی آنان را در امر تصمیم‌گیری آگاهانه، یاری می‌کنند. آنان در امر نظارت بر عملکرد سه قوه حکومتی سهیم بوده و محتوی و چگونگی مسائلی را که در مباحثه‌های عامه مطرح می‌شوند تحت تأثیر قرار می‌دهند که این به نوبه خود، دولت، تجارت، محیط‌آکادمیک و جامعه مدنی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین ترتیب، رسانه‌های گروهی آزاد، جزء کلیدی حکومت‌های دیموکراتیک هستند. در چوکات شماره 8 به مسائل و مشکلات عدیده‌ای که روزنامه‌نگاران منتقد دولت با آن مواجه می‌شوند، اشاره شده است. تضمین امنیت روزنامه‌نگاران شرط ضروری برای آزادی مطبوعات است.

چوکات شماره 8

گونه جدیدی از جنگها: روزگاری سخت برای آزادی مطبوعات

«تقریباً يك سوم مردم جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که مطبوعات در آن آزادی ندارند. (...)

باید بین خبرنگاران کشته شده در مناطق جنگی که بعثت شغل شان، هرگز همانند دیگر کشته‌شدگان جنگ مورد توجه کافی قرار نگرفته‌اند و کسانی که به علت تفحص و نوشتن مقاله‌هایی در مورد مسائل حساس و یا به دلیل محکوم کردن رفتار استبدادی، اختلاس، بیعدالتی، جرم و جنایت، جعلکاری و شیدای عمداً به قتل رسیده‌اند، تمایز قائل شد. انواع جدید جنگ نه بین ارتش‌های رسمی بلکه بین نژادها، ایدئولوژی‌ها، مذاهب و یا افرادی با مقاصد تبهکارانه، امر تهیه گزارشی را بیش از پیش خطرناک ساخته است. مرگ و یا آسیب رسیدن به روزنامه‌نگاران در اینگونه مناقشات و درگیری‌ها اغلب تصادفی نیست. بعضی اوقات رزمنده‌ها و حتی اعضای ارتش‌های رسمی، برای رسیدن به اهداف خویش عمداً این شاهدان مزاحم را هدف قرار می‌دهند.»

مأخذ: گزارش سالانه 2002، خبرنگاران بدون مرز

در کشورهایی که مطبوعات مستقلانه از دستگاه‌های دولتی عمل نمی‌کنند، گاهی مورد سوءاستفاده مقاصد تبلیغاتی سران کشور قرار می‌گیرند. درچنین مواردی مطمئناً رسانه‌های جمعی نمی‌توانند شفافیت و نظارت دیموکراتیک بر ادارات امنیتی را افزایش دهند.

با ظهور اینترنت، امکان دسترسی عامه مردم به اطلاعات رسمی، به طرز چشمگیری افزایش یافته است. در طی دهه گذشته گرایش فراگیر به سوی شفافیت، پاسخگویی دولتی و دسترسی به اطلاعات رسمی پدید آمده است. این روند، از آنجاییکه آگاهی شهروندان و کیفیت برتر مذاکرات دولت در خصوص مسائل مهم سیاست راکه خود منجر به اداره کشور می‌شود بدنبال دارد، باید ترغیب و تشویق شود. اما ایراد استفاده از اینترنت این است که می‌تواند توسط گروه‌های تندرو در زمینه‌هایی چون ترویج نژادپرستی و ضد سامی، مورد سوء استفاده واقع شود. در برخی از درگیری‌های اخیر، دیگر رسانه‌های گروهی مانند دستگاه‌های رادیویی به عنوان تریبونی برای گروه‌های تندرو عمل کرده و در میان گروه‌های مختلف جامعه، شرایطی بحرانی بوجود آورده‌اند.

جمع‌آوری و انتقال اطلاعات مربوط به مسائل امنیتی

از نظر اداره دیموکراتیک و حاکمیت سالم، رسانه‌های گروهی حق جمع‌آوری و انتقال اطلاعات پیرامون مسائل مربوط به امنیت را - که در راستای منافع ملت می‌باشد - داشته و مسئولیت مشابهی برای تهیه خبر را که مطابق با موازین حقیقت، درستی و عدالت باشد بر عهده دارند.

بدین ترتیب، رسانه‌های گروهی می‌توانند دولت و پارلمان را در امر انتقال و توضیح تصمیمات و سیاستگذاری‌های خود به شهروندان - که حق دارند تا در جریان امور قرار گرفته و در روند سیاسی کشور آگاهانه شرکت جویند - یاری رسانند. برای مثال، رسانه‌های گروهی می‌توانند از طریق انتقال اطلاعات در مورد مسئولین بخش‌های امنیتی، نوع سیاست امنیت اتخاذ شده، استقرار نیروی نظامی در خارج از کشور، مشی نظامی، تدارکات، پیمان‌ها و دیگر موافقت‌نامه‌ها، کارگزاران، چالش‌های امنیتی آینده و دیگر مباحث مربوط، مردم را برای رسیدن به حق خودیاری رسانند. با وجود این، اگر اطلاعات مورد نظر محرمانه باشد، عقاید دیگران به آنها تحمیل شده و یا دستخوش خود سانسوری می‌شود.

تدوین قوانین مربوط به رسانه‌های گروهی و مسائل امنیتی

تمام کشورها دارای قوانین مربوط به آزادی مطبوعات، رادیو و تلویزیون هستند. این اصل در ماده 19 اعلامیه جهانی حقوق بشر این گونه آورده شده است:

«هر کس دارای حق آزادی عقیده و بیان است: این حق شامل داشتن آزادی بی‌حد و حصر هرگونه عقیده، بدون مداخله و تفحص، دریافت و انتقال اطلاعات و عقاید از طریق هر گونه رسانه است.»

اما با وجود اینکه دستورالعمل‌های بین‌المللی توافق شده در مورد میزان آزادی مورد نظر وجود ندارد، باید به این نکته اشاره کرد که اصل بین‌المللی فوق، صریح، بی‌قیدو شرط و عاری از هرگونه ارجاع به محدودیت‌های کلی مربوط به مسائل امنیتی، بیان شده است.

چوکات شماره 9

آزادی مطبوعات پس از واقعه 11 سپتامبر

سوم ماه می هر سال به عنوان روز جهانی آزادی مطبوعات تجلیل می‌گردد. موضوع مورد توجه این روز در سال 2002 بررسی تأثیرات احتمالی بالای آزادی مطبوعات از ناحیه اقداماتی بود که کشورها پس از حملات تروریستی 11 سپتامبر برای افزایش امنیت ملی و بین‌المللی روی دست گرفته اند.

کوئیچیرو متسورا Koichiro Matsuura، مدیر عمومی یونسکو می‌گوید: اگرچه بدون شک یک کشیدگی بین اعمال آزادی‌های اساسی و نیاز به امنیت بیشتر در برابر تروریسم وجود دارد، ولی محور کلی هر فعالیت ضد تروریستی باید پاسداری از آزادی همگانی باشد. مأخذ: جهان پارلمان‌ها، شماره 6، می 2002، اتحادیه بین‌پارلمانی

ارتباط پارلمان با مردم در مورد مسائل امنیتی

نظارت دموکراتیک تنها در صورتی به عنوان یک اصل در یک حاکمیت سالم می‌تواند مؤثر باشد که عامه مردم از مسائل اصلی و مهم پارلمان که به بحث و بررسی گذاشته می‌شود، آگاه باشند.

مؤثریت انتقال مسایل امنیتی به عامه مردم به فراوانی و صحت معلوماتی که از طرف دولت و پارلمان منتشر می‌شود، بستگی دارد. پارلمان باید اهمیت خاصی برای برخورداری مردم از معلوماتی که درك وضعیت جاری و نتیجه روند تصمیم‌گیری در پارلمان را ممکن می‌سازد، قایل باشد.

فراهم آوردن امکان دسترسی مردم به اسناد

یکی از راه‌های حصول اطمینان پارلمان از انتقال اطلاعات و اسناد مربوط به مسائل امنیتی به مردم این است که این نهاد با همکاری دولت یا به تنهایی، اطلاعات مربوط را در قالب اسناد و یا سایت اینترنتی خود در اختیار آنان قرار می‌دهد.

سایت اینترنتی پارلمان

از می 2002 تاکنون، 244 جرگه یا شورای پارلمانی (شورای ملی و مجلس سنا) در 180 کشور به وجود آمده است 64 کشور دارای 2 جرگه (شورا) هستند. اتحادیه بین پارلمانی از وجود 165 سایت اینترنتی در 128 کشور مطلع است (در برخی از پارلمان‌های دو جرگه‌یی، هر پارلمان دارای وب سایت جداگانه می‌باشد). «راهنمای مطالب و ساختار سایت‌های اینترنتی پارلمان» - تنظیم شده توسط شورای اتحادیه بین پارلمانی در می 2000 - در سایت اینترنتی این اتحادیه به آدرس <http://www.ipu.org> برای استفاده عموم موجود می‌باشد.

در ذیل مثال‌هایی از اطلاعات مربوط به مسائل ادارات امنیتی که باید در اختیار عموم قرار گیرد - ترجیحاً به روایتی عامه‌پسندانه - ذکر میشود:

- اسنادی که از اهمیت استراتژیکی برخوردار هستند؛ همچون، سیاست امنیت ملی؛
- بودجه دفاعی (به غیر از بودجه‌های سرّی)؛
- مطالب منتشر شده مطبوعات در مورد مذاکرات مهم، تصامیم، پیشنهادهای، قوانین و غیره پارلمان در ارتباط با اداره امنیتی؛
- جزئیات تمامی جلسات پارلمان (و کمیسیون‌های آن) و مذاکرات پیرامون مسایل امنیتی (غیر از مذاکرات غیر علنی). این جزئیات باید شامل گزارش‌هایی در حدود و حیطه اختیارات چنین جلسات غیر علنی باشد؛
- مطالب منتشر شده مربوطه به تفحص پارلمان پیرامون مسائل امنیتی؛
- گزارش‌های سالیانه پارلمان یا بررسی عملکرد ادارات امنیتی؛
- گزارش‌هایی که مأمور رسیدگی به شکایات مردم و یا مفتش عام در خصوص مسایل امنیتی ارائه می‌کنند. مأمور رسیدگی به شکایات نباید اجازه داشته باشد که به ارائه گزارش از برخی از بررسی‌های مخصوص بپردازد ولی ممکن است از وی بخواهند که گزارش خود را به کمیسیون‌های خاص تسلیم کند. دولت باید گزارش هر اقدامی را که بر مبنای گزارش‌های واصله از طرف مأمور رسیدگی به شکایات مردم و یا مفتش عام انجام داده است، به سمع پارلمان برساند؛
- اطلاعات در مورد موافقت‌نامه‌های دو و چند جانبه؛
- اطلاعات پیرامون آرای اخذ شده از هر یک از اعضای پارلمان و یا جناح‌های سیاسی در مورد مسائل امنیتی (همچون بودجه، پیوستن به نیروهای متحد، مسائل جلب عسکری و تدارکات)؛
- وضع قوانین آزادی اطلاع‌رسانی.

زمینه سازی مشارکت مردم در فعالیت‌های پارلمانی

انتقال یک طرفه اطلاعات (از پارلمان یا دولت به مردم) کافی نیست. پارلمان باید امکان ارتباط مستمر با این نهاد را برای مردم فراهم کند. ارتباط دو طرفه و یا گفتگو به دلایل ذیل حائز اهمیت است:

- مشارکت و نظارت مستمر شهروندان را تضمین می‌کند؛
- اعتماد عموم مردم نسبت به عملکرد پارلمان را افزایش می‌دهد؛
- سوء اداره را بطور غیر مستقیم کنترل می‌کند (طوری مثال از طریق مأموران پارلمانی رسیدگی به شکایت مردم)؛

- حمایت مردمی، مشروعیت قوانین، سیاست‌های دولت و در نتیجه آن ثبات دموکراتیک را تضمین می‌کند.

ارتباط دو طرفه، از طریق اطلاعات پارلمانی، استماع‌ات، کنترل سرویس‌های خبری، میزمدورهای تلویزیونی و خبرهایی که مخصوص اعضای کمیسیون‌ها تهیه می‌شود، افزایش می‌یابد.

چوکات شماره 11

پارلمانها و رسانه‌ها

«11- مجمع شورای اروپا از پارلمانهای ملی دعوت می‌کند که با به اسرع وقت به اقداماتی با اهداف ذیل بعمل دست زند:

الف - شفافیت بیشتر فعالیت‌های پارلمان و جلسات کمیسیون‌های مختلف نه تنها در مورد سیاست برقراری ارتباط با مردم بلکه به عنوان اولویت مهم سیاسی با تأثیر مستقیم بر عملکرد دموکراسی؛

ب - استفاده بهتر از روش‌ها سنتی برقراری ارتباط و بخصوص تکنولوژی جدید برای اطلاع رسانی:

1. از طریق فراهم ساختن بهترین شرایط ممکن برای رسانه‌ها و مخصوصاً گزارشگران پارلمان؛
2. اطمینان یافتن از اینکه اطلاعات مربوط به مذاکرات پارلمان به سرعت از طرق مختلف از جمله انتشار جزیه‌جز و دقیق جلسات به اطلاع عموم می‌رسد؛
3. فراهم ساختن خدمات آن‌لاین برای ارتباط مستقیم الکترونیکی با مردم و خبرنگاران؛
4. در دسترس قرار دادن اسناد مجلس به منظور نظردهی عموم مردم قبل از رأی‌گیری در مورد یک لایحه؛

ج - استفاده از صلاحدید متخصصین علوم ارتباطات؛

د - فراهم‌سازی دسترسی آسان افراد غیر متخصص به متون قانونی؛

ه - انجام اقداماتی که شرایط ذهنی در مورد مناقشات سیاسی را روشن‌تر می‌سازد. طوری مثال، تشخیص ساحه‌هایی که در آن پروسه کار برای تسریع در امر تصمیم‌گیری ساده شده است؛

و - ترغیب سرویس‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای تهیه مجموعه اطلاعاتی که در آن قوانین، ارائه شده و ویژگی‌های خاص آن‌ها برای خبرنگاران و گروه متخصصین ذیربط توصیف شده است؛

ز - برگزاری سمینارهایی با موضوع فعالیت‌های پارلمان برای خبرنگاران به منظور آشناسازی آنان با روند کار قانونگذاری و جلسات پارلمانی و ارتقاء سطح آگاهی آنان در زمینه روابط پارلمانها و مؤسسات بین‌المللی. خبرنگاران داخلی، روزنامه‌ها و نشرات منطقه‌یی باید از توجه خاصی برخوردار شوند؛

ح - ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی در اینترنت برای اینکه شهروندان بتوانند با اعضای پارلمان و خدمات اطلاعاتی آن ارتباط برقرار کنند؛

ادامهء چوکات.....

ط - ترغیب به تأسیس کانال‌های تلویزیونی مستقل مختص فعالیت‌های پارلمان؛ همچون، چندین کشور اروپایی، ایالات متحد آمریکا و کانادا؛
ی - کمک (کمک مالی یا غیر مالی) رسانه‌هایی که برای انتقال اخبار، بیطرفانه تلاش می‌کنند و به علت فشارهای بازار در معرض نابودی قرار دارند.
مأخذ: قطعنامه 1147 (1997) مجمع پارلمانی شورای اروپا

مشارکت عمومی برای ثبات دراز مدت دیموکراسی، در يك نظام مهم بوده و میزان آن در میان کشورهای مختلف متفاوت است. در برخی از کشورها مردم می‌توانند در جلسات کمیسیون‌های پارلمان شرکت جویند. این امر برای فعالیت‌های سازمان‌های غیرحکومتی و افرادی که علاقمند به روند تصمیم‌گیری هستند از اهمیت خاصی برخوردار است. صرف حضور این افراد حتی اگر حق مداخله در بحث‌ها را نیز نداشته باشند با ارزش است.

آنچه که شما به عنوان نمایندهء پارلمان می‌توانید انجام دهید

سه‌مگیری کارگزاران غیر رسمی در سیاست امنیت

- اطمینان یابید که پارلمان از سه‌مگیری نمایندگان جامعهء مدنی در ارتباط با مسایل امنیتی و مسایل مربوط به آن استفاده می‌کنند.
- در صورت لزوم، برای نیل به این هدف، از تصویب قوانینی پشتیبانی کنید که مؤسسات ذیصلاح، سازمان‌های غیر حکومتی و رسانه‌ها را به همکاری با کمیسیون(های) پارلمانی، برای بررسی مسایل امنیتی مجاز می‌سازد.

آگاهی عامه

- اطمینان یابید که پارلمان برای اطلاع‌رسانی به مردم، پیرامون تصامیمی که مسایل امنیتی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و همچنین در خصوص روند تصمیم‌گیری در ساحهء امنیتی، دارای روشهای مؤثری در زمینهء روابط عمومی است.

رشته‌های پیوند امنیت و آزادی مطبوعات

- از اینکه از آزادی مطبوعات پیرامون مسایل امنیتی در قانون و در عمل حمایت شده و محدودیت‌های تحمیل شده نیز ضد اصول و مبانی حقوق بین‌المللی بشر نیستند، اطمینان حاصل کنید.
- از تدوین قوانین مناسب در خصوص آزادی اطلاع رسانی، اطمینان یابید.

فصل هفتم سیاست امنیتی از دیدگاه جنسیت

برابری جنسیت یکی از موضوعات مورد علاقه کم و بیش تازه است. امروز این مسأله به عنوان یکی از خصوصیت های مهم مسائل امنیتی به شمار می‌رود. زیرا نه تنها بدین سبب که زنان و کودکان بخش وسیعی از متأثرین در درگیرهای مسلحانه (همچون پناهندگان و جنگ زدگان) را تشکیل می‌دهند، بلکه زنان به عنوان نیم بیشتر جمعیت جهان، از حقوق برابر با مردان برخوردار بوده و حق مشابهی برای سهم شدن در حل مسایل امنیتی را دارا می‌باشند. بکارگیری استعداد و بصیرت زنان موجب فراهم شدن پاسخ های مردم محور و سازگار با شیوه‌های امنیت انسانی، برای چالش‌های امنیتی خواهد بود که در نتیجه دوام بیشتری را در پی دارد. برای رسیدن به تساوی جنسیت در سیاست امنیت از دو منظر متفاوت نگریسته می‌شود. نخست آن که، سیاست امنیت باید بر مسائل مربوط به جنسیت تمرکز کرده و به آنها بپردازد. باید راه حل‌های ممکن را ارائه و ساختارهایی عرضه کند که در آن حقوق و منافع زنان مدنظر گرفته شده باشد. دوم آنکه ضروریست مشارکت زنان در تمام سطوح تصمیم‌گیری و در تمام زمینه‌های سیاست امنیت پشتیبانی و ترغیب گردد.

زنان و راه حل درگیریها

حل درگیری، پاسداری از صلح و نیاز به پیگیری آن، تنها مربوط به شرکت‌کنندگان مستقیم در جنگ و درگیری‌های نظامی - که اغلب مردان هستند - نمی‌شود. تاهنوز هم، حضور زنان در مذاکرات مربوط به صلح حاشیه‌یی و ضعیف است، حتی در مواقع جنگ و یا درگیری‌های نظامی باوجود کنار گذاشتن نقش سنتی جنس خود مجبور به پذیرش مسئولیت‌هایی هم بوده‌اند که معمولاً از آن مردان بوده اند. به هر حال، امروز ارائه و بکارگیری مهارت‌ها، دیدگاه‌های با ارزش و دانش زنان در امور امنیتی بیش از پیش مورد توجه و تصدیق قرار گرفته است. در عمل، مشارکت مستقیم زنان در روند تصمیم‌گیری، حل مناقشات و فعالیت‌های حمایت از صلح نیازمند تغییر دید سنتی نسبت به نقش مردان و زنان در جامعه و به هنگام بروز درگیری است.

چوکات شماره 12

جنسیت در روند صلح

«هر روند صلح که در آن نیازها و نقش زنان نادیده انگاشته شود غیر طبیعی و ذاتاً بی‌ثبات خواهد بود...» و... «در طول تحولات پس از درگیری، تفویض قدرت به زنان برای از دوباره براه انداختن انکشافات اجتماعی و اقتصادی امری حیاتی است. زنان - اگر چه به گونه‌های مختلف و در زمینه‌های متفاوت - همچون مردان، قربانیان و عوامل درگیر در جنگ و مناقشات نظامی هستند. در هنگام جنگ، زنان در فعالیت‌های جدید شرکت جسته و نقش‌های متفاوتی را با مسئولیت‌های بیشتر ایفا می‌کنند. علیرغم این تغییر وظایف، نقش زنان در ایجاد صلح درجوامعی که پس از مناقشات شکل می‌گیرند و نیز در تدوین و بکارگیری تدابیر برقراری صلح از طریق فعالیت‌های مربوطه، ناچیز شمرده می‌شود.»

امنیت بشری از لحاظ جنسیت : از منزوی کردن تا بکارگیری زنان در روند ایجاد صلح، 2002،
مؤسسه روابط بین‌المللی ناروی

چوکات شماره 13 گزیده ایست از قطعنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد (2000) که در آن بر تغییر دیدگاه نسبت به زنان به مثابه قربانیان محض درگیری (از جمله خشونت و تجاوز به عنوان ابزاری برای جنگ) با نگاهی تازه و به عنوان عاملین حل درگیریها، ایجاد و پاسداری از صلح با جایگاهی برابر با مردان، تأکید شده است. این تغییر بینش، مستلزم توجه به فعالیت‌های مردان و زنان و وظایف آنان قبل، هنگام و بعد از جنگ و درگیری نظامی است. این بدین معنی است که تساوی جنسیت و مسایل مربوط به آن در مرحله اولیاء تعیین سیاست و وضع و تدوین قوانین مربوطه، از جایگاهی ملی و بین‌المللی برخوردار است.

چوکات شماره 13

عملیات و روند صلح از دیدگاه جنسیت

شورای امنیت (...)

«7- کشورهای عضو را به افزایش حمایت‌های مالی، تخصصی و لوجیستیکی از فعالیت‌های آموزشی در مورد مسائل مربوط به جنسیت ترغیب می‌کند. این فعالیت‌ها شامل برنامه‌ها، طرح‌ها و کمک‌های مالی‌گوناگون بوده که از طریق صندوق زنان سازمان ملل و صندوق کودکان سازمان ملل و کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل و دیگر گروه‌های مربوطه، انجام می‌یابند.

8- از تمام عاملین درگیری خواهد که در زمان مذاکره برای توافق‌نامه‌های صلح و همچنین در هنگام اجرای آن جنسیت را نیز در نظر بگیرند، از جمله: (الف) نیازهای خاص زنان و دختران در هنگام بازگرداندن و یا اسکان پناهندگان، بازپروری، الحاق مجدد و بازسازی پس از جنگ؛ (ب) اقداماتی که در آن از پیشقدمی و ابتکار زنان در برقراری صلح و فعالیت‌های بومی برای حل درگیری حمایت کرده و زنان را در تمام میکانیزم‌های اجرای توافق‌نامه‌های صلح سهیم می‌کند؛ (ج) اقداماتی که در آن حقوق زنان و دختران حمایت شده و محترم شمرده می‌شود به خصوص آن دسته از حقوقی که به قانون اساسی، نظام انتخاباتی، نیروی پولیس و قوه قضاییه مربوط می‌شود (...).

15- مایل است که مسایل مربوط به جنسیت و حقوق زنان با شیوه‌های مختلف همچون مشورت با گروه‌های محلی و بین‌المللی زنان، در مجموعه اهداف و وظایف شورای امنیت قرار گیرد.

برخی از قطعنامه 1325 (2000) شورای امنیت سازمان ملل
مصوبه 31 اکتبر 2000

هم‌است با قطعنامه 1325 (2000)، منشی عمومی سازمان ملل گزارشی تحت عنوان «زنان، صلح و امنیت» (16 اکتبر 2002) ارائه کرد. این گزارش درباره تأثیر درگیری نظامی بر زنان و دختران، ساختار قوانین بین‌المللی، مشارکت زنان در روند صلح، عملیات پاسداری از صلح، عملیات بشری، بازسازی و بازپروری و همچنین در باره خلع‌سلاح، متوقف ساختن تحرکات نظامی و الحاق دوباره مردم در جامعه سخن می‌گوید. برخی از قسمت این گزارش در پایان این فصل به قسم سفارشات تقدیم شده است.

زنان در کمیسیون‌های دفاعی پارلمان

بازرسی‌های جهانی و پی‌درپی اتحادیه بین‌پارلمانی در مورد نقش زنان در سیاست در طی 25 سال گذشته بیانگر این نکته است که زنان همچنان در کمیسیون‌های دفاعی مجلس بطور کل حضور نداشته یا حضور ضعیف داشته‌اند. لازم به ذکر نیست که آنان به ندرت به عنوان رئیس کمیسیون، معاون کمیسیون یا مأموران خاص انتخاب می‌شوند. سر وی 1997 اتحادیه بین‌پارلمانی (مردان و زنان در سیاست: دیموکراسی در آستانه وقوع) نشان داد که از 97 پارلمانی که اطلاعاتی در مورد حضور زنان در کمیسیون‌های پارلمان ارائه کرده بودند، تنها در 3% از آنها، زنان ریاست کمیسیون را بر عهده داشتند. در کل، زنان تنها 6/18% از تمامی پست‌های ریاست در همه کمیسیون‌های پارلمانی را دارا بوده‌اند. دو عامل کلیدی، وضعیت موجود را توضیح می‌دهند. نخست آن که، در حال حاضر در سراسر دنیا هنوز زنان کمی عضو پارلمان هستند (3/14% در می 2002). دوم آنکه که در تمام دنیا، در اذهان عمومی این باور ریشه دوانده است که مسائل مربوط به جنگ، صلح و امنیت مسایلی مردانه‌اند. این نوع نگرش مشکل‌آفرین است، زیرا جنگ‌ها بدون شك هم‌جمعیت يك کشور را متأثر می‌سازند و اغلب این زنان‌اند که بیش از مردان آسیب می‌پذیرند.

زنان مسلح

حضور زنان در تمام سطوح نیروهای مسلح چه اداری، تدارکاتی و خدمات کمکی از دیر زمان رایج بوده است. حضور زنان در جایگاه‌های کمک رسانی- نه تنها در زمان صلح بلکه گاهی در زمان جنگ و درگیری‌های مسلحانه نیز- نسبتاً مهم بوده است. در مقابل، حضور در سپاه جنگی و در سطوح عملیاتی پدیده کاملاً جدید است. اطلاعات کافی در مورد حضور زنان در اردو در سطح بین‌المللی موجود نیست. چوکات شماره 14 مشارکت زنان را در اردوی کشورهای عضو ناتو در قالب اعداد و ارقام نشان می‌دهد.

چوکات شماره 14 تعداد زنان در اردو - مثال هایی از کشورهای عضو ناتو		
کشور	تعداد	فیصدی مجموعی نیرو
بلجیم	3202	7.6%
کانادا	6558	11.4%
جمهوری چک	1991	3.7%
دنمارک	863	5.0%
فرانسه	27516	8.5%
آلمان	5263	2.8%
یونان	6155	3.8%
هنگری	3017	9.6%
ایتالیا	438	0.1%
لوکزامبورگ	47	0.6%
هالند	4170	8.0%
ناروی	1152	3.2%
پولند	277	0.1%

پرتغال	2875	6.6%
اسپانیا	6462	5.8%
ترکیه	917	0.1%
انگلستان	16623	8.1%
ایالات متحده	198452	14.0%

مأخذ: گزارش ناتو - تابستان 2001

در کل، منطقی است که بگوئیم مشارکت زنان به عنوان سرباز و یا در بخش های تخصصی و حرفه یی اردو می تواند توسط رهبری سیاسی تقویت یافته و یا در پی تحولات داخل ادارات امنیتی تحقق یابد. به نظر میرسد این مشارکت در پی دو پدیده ای که مستقل از یکدیگر عمل می کنند، حاصل می شود:

- ضرورت بسیج همه مردم برای حمایت و تقویه نمودن امنیت ملی؛
- عصری ساختن نیروهای مسلح که مانند دیگر شاخه های دولت متأثر از تحولات اجتماعی و در نتیجه، به گونه ای فزاینده متأثر از طرح تساوی جنسیت است.

چوکات شماره 15

مشارکت زنان در سیاست امنیت منحصی جریان عمده جنسیت

سیاست امنیتی دولت می تواند از نطقه نظر جنسیت ارزیابی شود. در چهارمین کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد با موضوع «زنان در پکینگ» این سازمان به راه انداختن جریان جنسیت را به عنوان یک تدبیر جهانی برای حمایت از برابری زن و مرد رسمیت بخشید. شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل، جریان جنسیت را این گونه تعریف می کند «... روندی است که در آن زنان و مردان در هرگونه فعالیت طرح ریزی شده، از جمله قانون گذاری، سیاست گذاری و برنامه ریزی در تمامی ساحتها و سطوح، شرکت داده شده اند. این روندی است که نظرات و مهارت های زنان و مردان را بعد تکمیلی برنامه ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی سیاست ها و برنامه ها در قلمرو سیاست، اقتصاد و اجتماع دانسته تا زنان و مردان یکسان منتفع شده و نابرابری تدوام نیابد. هدف نهائی رسیدن به تساوی جنسیت است».

مأخذ: تفاهنامه شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل 1997/2

مشارکت مزید زنان در نیروها مسلح می تواند به نوبه خود در تغییر رویه از دفاع سنتی به امنیت انسانی کمک کند: در امنیت انسانی بر استفاده از نتایج تحقیقات، تکنالوجی اطلاعات، ضمنا کار های استخباراتی و یا بعض اوقات در عوض، بر روش ها و عملیاتی که نیازمند قدرت اجرایی و آموزش هستند، بیش از پیش تأکید شده است. این روند فرصت های جدیدی را برای زنان خصوصا در کشورهایی که مردان و زنان از امکانات آموزشی یکسان برخوردارند، پدید آورده است.

چوکات شماره 16

چالش‌ها و زمینه‌های جدید بوجود آمده در پی حضور زنان در ادارات امنیتی

مشارکت روزافزون زنان در ادارات امنیتی و خاصاً در اردو و نیروی پولیس این سؤال را مطرح می‌سازد که آیا آموزش (خاصاً آموزش فزیک) و انضباط باید برای زنان و مردان یکسان باشد؟ ضروریست که مقرراتی مربوط به مسایل جنسیت - که تاکنون در اردو و دیگر سازمان‌های نظامی کشور و نیروی پولیس کاملاً نادیده گرفته شده بود - وضع شود. به عنوان مثال: نیازها و منافع زوج‌ها در اردو همچنین مسایل مربوط به مادران و پدران نظامی باید مورد توجه قرار گیرد. مسایل مربوط به نحوه لباس پوشیدن و زیبایی‌شناسی و حتی جذابیت‌های جنسی سؤال برانگیز اند. آیا لباس فورم زنان و مردان باید یکسان باشد؟ آیا باید در تمام شرایط لباس فورم مردانه داشت؟ این مسایل نیازمند تفکراتی نوین است. قانون اساسی، ارتش و سایر دستگاه‌های نظامی و نیز مقررات پولیس باید بسط داده شده و با واقعیت‌های جدید سازگار گردد.

زنان در وزارت دفاع و عملیات پاسداری از صلح

بر طبق گزارش تابستان 2001 ناتو، تعداد پرسونل شرکت کننده طبقه‌های انانث در عملیات پاسداری از صلح پس از جنگ جهانی دوم، ناچیز است. تنها چند کشور کانادا، هنگری، فرانسه، هلند و پرتگال هستند که 5% نیروهای پاسدار صلح خود را به زنان اختصاص داده اند. تجربه سازمان ملل نشان می‌دهد که مردم از حضور زنان استقبال می‌کنند و این حضور در نتیجه عملیات تأثیر مثبت دارد. بطور مثال در اثر این مشارکت به مسائل زنان و از بین بردن خشونت توجه بیشتر می‌شود.

انتصاب یک زن به سمت وزارت استخبارات یا معاونیت این نهاد هنوز بسیار نادر است. آمار جهانی اتحادیه بین‌پارلمانی در مارچ 2000 مبین آن است که تنها 1/3% تمام وزیران با مسئولیت‌های دفاعی یا امنیتی و 3/9% تمام معاونین وزیران و یا دیگر پست‌های وزارتی همچون معاونین پارلمان را زنان تشکیل می‌دهند. (به نقشه جهانی ایکه سازمان ملل و اتحادیه بین‌پارلمانی به طور مشترک تحت عنوان «زنان در سیاست: سال 2000» منتشر کرده‌اند، مراجعه شود).

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

اطلاعات

- در مورد تناسب تعداد زنان در بخش‌های مختلف اردو، سایر دستگاه‌های نظامی کشور، نیروی پولیس، دستگاه‌های امنیتی و همچنین مراکز آموزشی مربوطه، اطلاعات لازم را درخواست کنید. علاوه بر آن، در ارتباط با تعداد زنان در سمت‌های عالی‌رتبه و پست‌های تصمیم‌گیرنده و همچنین حضور آنها در جمع نمایندگان کشورتان در سازمان ملل، ناتو و دیگر سازمان‌های بین‌المللی فعال در زمینه مسایل امنیتی، اطلاعات لازم را درخواست کنید.

نقش جنسیت در حل و فصل درگیریها و بازسازی*

ادامهء چوکات.....

- اطمینان یابید که هیأت های مذاکره کننده تا حد امکان از نسبت مساوی زن و مرد تشکیل شده است؛
- اطمینان یابید که توافقنامه های صلح به گونه ای منظم و آشکارا، نتایج درگیریهای نظامی مسایل مربوط به زنان، سهم آنان در روند صلح، نیاز هایشان و نیز اولویت های پس از جنگ را مورد توجه قرار می دهند.
- اطمینان یابید که از دانش، تجارب و قابلیت های زنان که در هنگام درگیری بدست آمده است، در زمان بازسازی به گونه ای مفید استفاده می شود.

جنسیت و مأموریت های صلح آمیز*

- از مشارکت زنان در مأموریت های صلح آمیز و بازسازی پس از جنگ حمایت کنید؛
- اطمینان یابید - در صورت لزوم با وضع نمودن قوانین - که آیا پاسداران صلح و دیگر پرسونل بین المللی، دوره های آموزشی فرهنگی و جنسیتی لازم را گذرانده اند؛
- بر مجازات پاسداران صلح و سایر پرسونل بین المللی که حقوق زنان را نقض کرده اند، نظارت داشته باشید.

حکومت

- اطمینان حاصل کنید که آیا زنان و مردان مسئولیت های هم سویه - طوری مثال در طول ده سال گذشته در وزارت دفاع - بر عهده داشته اند، و هم در قانون و هم در عمل امکانات زنان برای اشغال تصدی سمت های عالی رتبه و مقام های تصمیم گیرنده، با امکانات مردان برابر بوده است؛

پارلمان

- ساختار گذشته و فعلی کمیسیون های دفاعی و امنیتی پارلمان و میزان وظایفی را که در این کمیسیون ها به عهده زنان است بررسی کنید.
- کنترل بیشتر نمایندگی که کمیسیون ها توجه کافی به مسائل مربوط به جنسیت داشته باشند و در صورت لزوم برای ایجاد توازن بیشتر بین دو جنس زن و مرد، پافشاری کنید.

(* سفارشات از گزارش منشی عمومی سازمان ملل در 16 اکتبر 2002 با موضوع زنان و صلح

بخش سوم

اجزای اصلی عملیاتی در بخش امنیت

۱ در صنایع تولید اسلحه می توان بیشتر راجع به اهمیت بخش امنیت معلومات پیدا نمود، ولی از اینکه به خدمات ادارات دولتی تعلق نمیگیرد، در اینجا مورد بحث قرار داده نمیشود.

فصل هشتم اردو

تشکیلات نظامی در طول تاریخ وجود داشته و به عنوان شمشیر و سپر محافظ کشور تلقی شده است. چوکات شماره 17 نشان می دهد که در وسط سال 2002 تنها تعداد کمی از کشورهای جهان فاقد شاخه نظامی بوده اند.

چوکات شماره 17

کشورهای فاقد اردو

برخی از کشورها فاقد نیروی نظامی می باشند. از جمله، کشورهای کوچک اقیانوس جنوبی: نائورو، مالدیو، کریباتی، ساموآ، جزایر سلیمان، توالو، پالائو، وانواتو و یا کشورهای دریای کارائیب همچون سنت وینسنت، گرنادینز، سنت کیتس و نویس، سنت لوسیا، دومینیکا و گرانادا. کوستاریکا، ایسلند، ماوریتیس، تیمور شرقی، سومالیا (در حال حاضر در مرحله تشکیل اردو است)، آندورا، سن مارینو، و هائیتی از دیگر کشورهایی اند که فاقد شاخه نظامی می باشند. بسیاری از این کشورها بخش های مختلف پارلمانی - همانند محافظان کشور و نگهبانان مرزی - دارند.

وظایف اردو

تحولات امنیتی پس از پایان جنگ سرد، اردوها را در سرتاسر جهان تحت تأثیر قرار داده است. اردو در حالیکه مؤلف به انجام وظایف محوری قبلی خود می باشد، وظایف جدیدی را نیز بر عهده گرفته است. امروز، فعالیت های ذیل از جمله وظایف متداول اردوهای سرتاسر جهان است:

- حراست از استقلال کشور، حکومت، تمامیت ارضی و در کل حفاظت از شهروندان؛
- مأموریت های بین المللی پاسداری از صلح و برقراری صلح؛
- امدادسانی در هنگام وقوع حادثه؛
- وظایف امنیتی داخلی (کمک به قوای امنیتی برای برقراری نظم در موارد استثنایی، در صورت برهم خوردن)
- مشارکت در ساختن دولت (وظیفه اجتماعی).

میزان انجام وظایف فوق نسبت به ساختار قانونی و شرایط امنیتی کشورها متفاوت است.

پاسداری از حاکمیت و جامعه

علیرغم تحولات و تهدیدهای جدید امنیتی، وظیفه دیرینه دفاع از وطن و کشورهای متحد در مقابل تهاجمات کشورهای بیگانه، اغلب بر عهده اردوهاست. این وظیفه نه تنها شامل حراست از تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی آن، بلکه به طور مشروح در برگیرنده حفاظت از کل جامعه است.

از پایان جنگ سرد تا به حال رهبران سیاسی و اردوها بیش از پیش به این نکته واقف شده‌اند که تنها اردوهای بیگانه حاکمیت ملی را تهدید نمی‌کنند، بلکه تهدیدهای جدید غیرنظامی همچون تروریسم، جنگ‌های داخلی، جنایات سازمان یافته، تهاجمات شبکه اینترنتی و فساد نیز آن را به مخاطره می‌افکند (به چوکات شماره 1 مراجعه شود). تقریباً تمام نیروهای مسلح، در حال حاضر در روند اصلاح نظام دفاعی دخیل هستند. در چوکات شماره 18 سه روند اصلی اصلاحات توضیح داده شده است.

چوکات شماره 18

اصلاح نظام دفاعی: هدف چیست؟

از 1990 تاکنون ساختار بسیاری از قوای مسلح دستخوش تغییر شده و اصلاحات در کشورهای مختلف با اهداف گوناگون انجام پذیرفته است. به بیان ساده، در این رابطه سه هدف ذیل قابل تشخیص است:

◀ برقراری دیموکراسی

هدف از اصلاح نظام دفاعی در بسیاری از کشورهایی که دوران پس از يك نظام کمونیستی، یا دیکتاتوری و یا بعد از جنگ را می‌گذرانند، برقراری دیموکراسی بوده است:

- مسئول و پاسخگو انگاشتن اردو در برابر رهبری سیاسی که بصورت دموکراتیک انتخاب شده است، در غیر این صورت اردو خطری خواهد بود برای دموکراسی
- ایجاد توازن در منابع مورد نیاز اردو با نیازهای بخش‌های دیگر جامعه

◀ سازگاری با فضای جدید امنیتی

- سازگار کردن وسعت و بودجه اردو با تهدیدهای جدید امنیتی
- آماده‌سازی اردو برای مأموریت‌های جدید، به عنوان نمونه: پاسداری از صلح

◀ بین‌المللی کردن

اردو، دیگر تنها در ساحه ملی فعالیت نمی‌کند، بلکه با واحد‌های نظامی دیگر کشورها به فعالیت می‌پردازد. این فعالیت‌ها می‌تواند به صورت همکاری‌های کوتاه مدت چون در مأموریت‌های صلح سازمان ملل، و یا بر پایه همکاری‌های دراز مدت و سازمانی (طوری مثال ناتو) و یا بر اساس همکاری‌های دو و یا چند جانبه باشد.

- اردو را تا حدودی تحت کنترل فرماندهی بین‌المللی و ساختار سازمانی قرار می‌دهد.
- توان اردو برای همکاری با اردوهای سایر کشورها در زمینه تجهیزات، تعلیم، اطلاعات، فرماندهی و نظام سرپرستی (قابل اجرا) را افزایش می‌دهد.

نمونه‌هایی از واحدها دائمی نظامی بین‌المللی:

- اولین سپاه آلمانی - هالندی
- سپاه بالتیک (لیتوانیا، استوانیا، لاتویا)
- سپاه آلمانی - دنمارکی - پولندی
- کدک‌های انجیری چند ملیتی متشکل از کشورهای سلوواک، هنگری، رومانی و اوکراین (کدک تیس)

همکاری با صلح بین الملل

اردوها حد اقل به دو دلیل در مأموریت‌های صلح شرکت می‌کنند. نخست، به منظور ممانعت از درگیری و اجتناب از هرگونه وسعت یافتن احتمالی آن، مانند برهم زدن ثبات مناطق مختلف، مختل کردن نظام اقتصادی و باعث شدن سیلی غیر قابل کنترل از پناهندگان. دوم آن که اردوها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در امنیت انسان‌ها داشته و از مردم ملکی مناطق درگیر جنگ محافظت کنند. امنیت انسان‌ها، خاصاً تأمین حقوق بشر پس از آنکه خشونت در درگیری‌های اخیر بیش‌ازپیش افزایش یافته و زندگی مردم ملکی را تحت‌شعاع قرار داده است، یکی از اهداف مهم سیاسی جوامع بین‌المللی بشمار می‌رود. از اثرات جانبی شرکت در مأموریت‌های صلح آن است که فرصت تعلیم واحدهای نظامی را مساعد ساخته و کسب تجربه برای سناریوهای واقعی فراهم می‌سازد.

امدادسانی در هنگام وقوع حادثه

حوادث طبیعی همچون، زلزله، سیل، و یا حوادث ساخته‌های دست بشر چون آتش‌های عظیم و سقوط هواپیما در مناطق شهری در هر کشوری اتفاق افتاده و می‌افتد. در چنین حالات اضطراری مقامات دولتی، اردو را برای امدادسانی به آسیب‌دیدگان فرا می‌خوانند. در این مواقع اردو وظایف گوناگونی مثل برقراری نظم و قانون، تأمین غذا، دارو و همچنین برقراری خطوط ارتباطی و حمل‌ونقل را بر عهده دارد. هویدا شدن نقش مثبت اردو در جامعه و همچنین افزایش حمایت‌های مردمی از این ارگان از اثرات جانبی حضور اردو در عملیات امدادسانی است.

کمک به ارگانهای تطبیق قوانین ملکی

درجمله دیگر نقش‌های برخی از اردو ها کمک به ارگانهای تطبیق قوانین ملکی کشور می‌باشد. ولی این نقش اردو بسیار بحث‌برانگیز است. وقتی مقابله با برخی از تهدیدها برای ارگانهای تطبیق قوانین ملکی و پولیس خطرآفرین است، حمایت اردو ضروری به نظر می‌رسد. حملات تروریستی، جنایات سازمان یافته و قاچاق مواد مخدر از جمله این تهدیدات است. کمک به ارگانهای تطبیق قوانین ملکی برای اردو نگرانی و خطراتی ذیل را با خود همراه خواهد داشت:

- می‌تواند تهدیدی باشد برای نظارت و کنترل مردم بر اردو؛
- ناگزیر منجر به سیاسی شدن اردو می‌شود؛
- اردو می‌تواند به طور موقت نظم و قانون را برقرار کند، اما نمی‌تواند منشاء سیاسی، اجتماعی و اقتصادی درگیریها و هرج و مرج را از بین ببرد؛
- نیروهای مسلح اردو برای جنگ آموزش یافته اند، نه برای انجام امور پولیسی و یا برای مقابله با شهروندان در خاک و وطن خود؛
- در عمل، خطر ایجاد رقابت بین پولیس و نیروی های مسلح اردو وجود دارد.

چوکات شماره 19

استفاده از قوت های اردو در وظایف پولیسی در افریقای جنوبی

(...) در شرایط بسیار خاص، مثل بر هم خوردن کامل نظم که برقراری مجدد آن خارج از توان دستگاه پولیس افریقای جنوبی باشد و یا شرایط دفاع ملی، از نیروی دفاع ملی این کشور (SANDF) استفاده می‌شود (...). استفاده از اردو نیازمند نظارت پارلمان و تأمین مشروع حقوق بنیادی است و باید توسط قوانین کنترل شود.
مأخذ: «دفاع در حکومت‌های دموکراسی»

کتاب سفید دفاع ملی جمهوری افریقای جنوبی، می 1996

وظایف اجتماعی

اردو و خاصاً اردویی که در آن خدمت عسکری جبری باشد، در پرورش ملت سهیم است، زیرا جوانان (غالباً مردان) از گروه‌های مختلف و با سابقه‌های گوناگون اجتماعی و نژادی در کنار هم خدمت خواهند کرد. این نکته خاصاً در جوامع مهاجرپذیر و چند فرهنگی، که اردو در واقع مخلوطی از گروه‌های مختلف است، مصداق پیدا می‌کند. یکی از فعالیت‌های دیگری اجتماعی اردو، مساعد ساختن فرصت‌های آموزشی برای مردم است. افرادی که دورنمای شغلی محدودی برای خود دارند، می‌توانند با پیوستن به اردو منتفع شوند. از فعالیت‌های اجتماعی دیگر اردو بخصوص در کشورهای در حال توسعه کمک به ادارات ملکی در مناطق دور افتاده کشور میباشد که در آنجا از سربازان قدیمی برای آموزش، فعالیت‌های اولیه صحتی و جلوگیری از ویرانی محیط بومی استفاده می‌شود.

فعالیت‌های اجتماعی فوق نمونه‌هایی هستند از چگونگی سهیم شدن سازنده‌ی اردو در جامعه. ولی بدبختانه، در برخی از کشورها شاهد حضور منفی اردو در جامعه، اقتصاد و سیاست هستیم. طوری مثال، در بعض کشورها اردو در ور سیاسی دخالت کرده و دولت را در معرض تهدید قرار می‌دهد. متأسفانه، در برخی دیگر از کشورها اردو در دادوستدهای تجاری شرکت می‌کند که علاوه بر بودجه دولتی، این نوع درآمد جدید برای اردو است، این درآمد به طور دیموکراتیک کنترل و نظارت نمی‌شود.

آنچه شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

عملکرد اردو

- اطمینان یابید که فعالیت‌های اردو:
 - در قوانین و مقررات اردو به خوبی تعریف شده است؛
 - با سیاست امنیت ملی هم‌نوا است؛
 - منطبق با نیازهای واقعی امنیتی جامعه است؛
 - وظایف غیر نظامی از آمادگی اردو برای انجام وظیفه اولیه آن که همان دفاع از حاکمیت ملی، کمک به حاکمیت بین‌المللی و کمک در اجرای قوانین بین‌المللی است، نمی‌کاهد.

ادامهء چوکات.....

اصلاح نظام دفاعی

- از اینکه کمیسیون های ذیصلاح پارلمان گزارش های جامعی از اصلاحات پیش بینی شده یا انجام شده را به همراه تحلیل تأثیرات آن دریافت می نمایند و در این رابطه می توانند با تشکیل جلساتی به طرح بعضی از مسائل پردازند، اطمینان یابید.

سهمگیری نیرویهای اردو در وظایف پولیسی

- در اصل، استفاده از نیروی اردو در امور و وظایف پولیسی امری نامطلوب است اما در مواقعی که راه حل دیگری وجود نداشته باشد، پارلمان باید:
- سهم نیروی اردو را در امور و وظایف پولیسی کاملاً تعریف، محدود و توسط قانون کنترل نماید، از جمله:
 - زمانیکه اردو به شرایط و موقعیت قبلی خود باز می گردد؛
 - خصوصیت ها و محدودیت های این سهم؛
 - مدت سهمگیری؛
 - نوع واحدهای اردو که در هر مورد سهم باید بگیرد؛
 - ارگانهاییکه برای مداخله و یا پایان مداخله اردو می توانند تصمیم بگیرند؛
 - حق قضاوت شایسته در صورت نقض قانون، حقوق بشر و غیره.
- قانونی را تصویب کنید که بر اساس آن هرگونه تفتیش منازل، بازداشت، و استفاده از قوه باید توسط ارگانهای ذیصلاح تأیید و مجوز آن صادر شود.
- از وجود میکانیزم های پارلمانی و شبیه آن برای بررسی و تعدیل اثرات مداخله اردو بر حقوق انسان و آزادی های بنیادی اطمینان حاصل کنید.

فصل نهم دیگر سازمان‌های نظامی در دولت

عبارت «دیگر سازمان‌های نظامی دولت» بر اساس شرایط موجود و نیز کشوری که در آن بکار می‌رود، معنای متفاوتی پیدا می‌کند. در هر صورت، این سازمان‌ها از سازمان‌های نظامی خصوصی متمایزند. به نظر مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک در لندن «دیگر سازمان‌های نظامی دولت» (که گاهی از آن به عنوان سازمان‌های شبه نظامی یاد می‌شود) شامل ژاندارمری، نیروهای خدمات گمرکی و نیروهای سرحدی می‌شود. اگر آنها فنون نظامی را آموزش دیده و مانند نیروهای اردو تجهیز شده باشند، در هنگام وقوع جنگ تحت فرمان اردو عمل می‌کنند.

تقریباً تمام کشورها در کنار اردوی ملی، سازمان‌های نظامی دیگری نیز دارند که با اردو در ارتباط نزدیک‌اند. در برخی از موارد اردو تجهیزات لازم، دسترسی به پایگاه‌های نظامی و آموزش‌های مورد نیاز آنان را فراهم می‌کند.

این سازمان‌ها در موارد متعددی از روش‌های نظامی نامناسب در عملیات پولیسی استفاده کرده و یا مسئول تجاوز به حقوق بشر شناخته شده‌اند. از آنجایی که این گونه سازمان‌ها مرز بین نیروی پولیس و اردو را ضعیف می‌سازند، ضروریست که نقش و موقف آنان کاملاً تعریف شود. ارجح آنست که سازمان‌های نظامی دیگر در عملیات برقراری امنیت داخلی سهم نداشته باشند. پارلمان باید برای رسیدن به این هدف قوانین مناسب را وضع کرده و بر عملکرد حکومت نظارت کند. رئیس‌جمهور و یا نخست‌وزیر باید امکان نظارت پارلمانی را فراهم آورد، نه تنها به این علت که بر طبق قانون هرگونه اعمال قوه از طرف دولت باید تحت نظارت قوه پارلمان باشد؛ بلکه، به علت ایجاد چالش‌ها و خطرات بالقوه استفاده وسیع و بدون نظارت این سازمان‌ها.

چوکات شماره 20			
مثال هایی از دیگر واحد های نظامی دولتی در بعضی از کشورها			
کشور	مجموع پرسونل در قوای مسلح	شمار پرسونل در دیگر سازمان های نظامی دولتی	انواع دیگر سازمان های نظامی دولتی
فنلاند	31700	3400	گارد سرحدی
ایالات متحده	1365800	53000	نیروی گزمه هوانی
فیدراسیون روسیه	1004100	423000	گارد سرحدی، سربازان وزارت داخله، نیروهای حافظ فیدراسیون روسیه، خدمات امنیتی فدرال، اداره مرکزی مخابرات و اطلاعات، محافظین شرکت راه آهن و غیره

مراکش	198500	42000	ژاندارمری و نیروی امدادی و غیره
فرانسه	294430	94950	ژاندارمری
ایتالیا	250600	252500	نیروی خاص Carabinieri و گارد امنیت عامه وزارت داخله
ترکیه	609700	220200	ژاندارمری، گارد ملی و گارد ساحلی
بورکینا فاسو	10000	4450	ژاندارمری، شرکت های امنیتی
چیلی	87000	29500	نیروی خاص Carabineros
جمهوری کوریا	683000	3500000	نیروی دفاع ملکی و محافظین سرحدات بحری
اندونزی	297000	195000	نیروی پولیس، پولیس بحری و نیروی محلی کمکی اردو
مأخذ: IISS، توازن نظامی، 2001-2000، لندن			

فعالیت های دیگر سازمان های نظامی در دولت

این سازمان ها فعالیت های گسترده ای انجام می دهند که رایج ترین آنها در ذیل قید شده است:

- نظارت بر مرزها مانند تعقیب قاچاق اموال و انسانها؛
- کنترل شورش ها؛
- حفظ نظم و قانون در حالات اضطراری و حفظ امنیت رهبری دولت و تأسیسات مهم مانند دستگاه های هسته ای.

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می توانید انجام دهید

به بخش های مربوطه در فصلهای گذشته یا آتی که کم و بیش در این زمینه نیز کاربرد دارند، مراجعه شود.

فصل دهم ساختار نیروی پولیس

نیروی پولیس در دیموکراسی

عملکرد پولیس در تمامی موارد باید در چوکات حاکمیت قانون باشد. این نیرو ملزم به پیروی از همان قانونی است که مأمور اجرا و پشتیبانی از آن است. بعلاوه، نقش پولیس باید از وظایف دیگر دستگاه‌های کلیدی در نظام جزائی همچون خرنوالی (مدعی العموم)، نظام قضائی یا سیستم مجازات متفاوت باشد. از نظر يك حاکمیت سالم، تمام دولت‌ها باید با حفظ آزادی و حقوق فردی، امنیت عمومی را فراهم کنند. در يك دیموکراسی شهروندان حق دارند که از طرف پولیس با ایشان با عدالت، بی‌طرفی و طبق مقررات قانون برخورد صورت گیرد. کردار پولیس به عنوان یکی از نشانه‌های اصلی چگونگی دموکراسی در يك کشور تلقی میشود .

چوکات شماره 21

خصوصیات کلیدی عملکرد دیموکراتیک پولیس

- نیروهای پولیس باید به حاکمیت قانون احترام گذاشته و بر مبنای اصول اخلاقی عمل کنند؛
- عملکرد دموکراتیک پولیس برای تأمین مؤثر امنیت عامه تنها با حفظ احترام به حقوق بشر ممکن است؛
- پاسخگو بودن پولیس نیازمند شفافیت و وجود مکانیزم‌های نظارتی و کنترول داخلی و خارجی است.
- دموکراتیک عمل کردن پولیس روندی آخر به اول است که به نیازها و منافع افراد و گروه‌های موجود در جامعه پاسخ گفته و در پی جلب اعتماد، رضایت و حمایت مردم است و در نتیجه وابسته به شفافیت و گفتگو است. از این رو، در بسیاری از کشورها برای رسیدگی مناسب و سریع به نیازهای مردم محل، تشکیلات پولیس دارای نظام غیرمرکزی است.

ضرورت وجود تدابیر محافظتی مخصوص

نیروی پولیس برای قوه اجرائیه حکم وسیله ای را دارد که از حق انحصاری اعمال قانونی قوه در جامعه به منظور انجام وظایف خود، برخوردار است. با وجود این، به دلیل همین موقف، امکان با لقوه استفاده ابزاری از این نیرو در جهت سوءاستفاده‌های دولتی، خشنونت، نقض حقوق انسان‌ها و فساد وجود دارد. خدمات پولیس در يك جامعه دموکراتیک نیازمند تدابیر خاصی است تا مطمئن شد که آنها در خدمت منافع جامعه بوده و از آن حفاظت میکنند، و نه اینکه در خدمت منافع سیاستمداران، مقامات دولتی و یا نهاد های خود پولیس. اگر چه پولیس باید از آزادی و استقلال عمل برخوردار باشد، اما در برقراری قانون باید موضعی بیطرفانه اتخاذ کرده و در حرفه خود ماهرانه عمل کند. افسران پولیس باید از اصول اخلاقی حرفه خود آگاه بوده و به این اصول صریح و مطلق وفادار باشند. گوشه ای از این اصول، احترام به حق زندگی افراد، دست زدن به استفاده از قوه تنها در صورت نیاز به حمایت از

اهداف مشروع و همچنین عدم اعمال بیش از حدی نیاز و غیر قانونی فشار می‌باشد. نیروهای پولیس در استفاده از زور باید همواره از قانون اعتدال پیروی کنند. علاوه بر ساختارهای حسابده بیرونی - سیاسی و قضایی (به فصل سوم مراجعه شود)، سازمان‌های حسابده درونی و یا اداری نیز باید وجود داشته باشد. بررسی درونی تخلفات نسبت داده شده به پولیس و شکایات مردم باید همواره در درون نظام حرفه‌ی پولیس باشد.

چوکات شماره 22

تحریف‌ها و شرایط خطرناک

«اداره غیر دموکراتیک نیروهای امنیتی، اولویت‌های امنیتی را به مخاطره می‌افکند. گرایش به امنیت نظامی در بسیاری از کشورها سبب نظامی کردن پولیس توسط دولت‌ها (که این تفاوت پولیس با اردو را ضعیف می‌سازد) و یا کم کردن بودجه آنها می‌شود همچنین توانایی این نیرو را برای حفاظت از سلامت و امنیت انسان‌ها تضعیف می‌کند. به طور خاص، در کشورهای کم‌درآمد معاش افراد پولیس و نیروهای امنیتی دیگر، به مشکل تأمین معیشت آنها را میکند. آموزش آنان در حد صفر و یا بسیار محدود بوده و اداره فاسد دارند. سطح بی‌سوادی در میان این گروه نیز بالاست...»
«رهبران منتخب در دموکراسی‌های نوپا اغلب برای باقی ماندن بر مسند قدرت، متکی به نیروهای امنیتی از جمله واحدهای نظامی هستند. به همین دلیل ممکن است این رهبران با جدیت با حسابدهی بیشتر و شفافیت در اردو مخالفت کنند، زیرا آنان برای رسیدن به اهداف خود به قدرت قوای مسلح نیازمندند.»

گزارش توسعه انسانی. 2002

ابتکارات و تدابیر توده مردم

نظارت دموکراتیک بر نیروی پولیس می‌تواند از طریق میکانیزم‌های غیر رسمی به اصطلاح از قاعده بر رأس مثلا سازمان‌های حمایت از حقوق بشر در سطوح مردم گروه‌های محلی افزایش یابد، که این امر سبب اعتماد بیشتر مردم نسبت به پولیس میشود. هیئت‌های نظارت ملکی مثلا مأمورهای مخصوص رسیدگی به شکایات مردم از پولیس، پاسخگویی بیرون از سازمان پولیس را به گروه‌هایی که این نیرو برای آنان انجام وظیفه می‌کند، افزایش می‌دهد. در برخی از موارد، تشکیل شوراهای امنیتی ولایتی متشکل از گروه‌های جامعه مدنی و رهبران محلی اثرات مفیدی بر گسترش خدمات محلی پولیس دارد. باید قوانینی برای حفاظت از افراد بازرس و ناظران جامعه مدنی در مقابل مزاحمت‌های احتمالی پولیس، ادارات استخباراتی و اردو وجود داشته باشد.

چوکات شماره 23

نیروی پولیس در اریتریا - نمونه در حال توسعه

رابطه نیروی پولیس با محیط اش، همواره تا حدودی چند وجهی بوده است. اعمال زور برای برقراری قانون و ارائه خدمات به عموم مردم دو جنبه‌ای از فعالیت‌های پولیس است که چند وجهی بودن عملکرد این نیرو را توضیح می‌دهد. در کشورهای در حال انکشاف، مثل اریتریا، این درد سر

ادامهء چوکات.....

مشهودتر است. اریتریا سی سال برای کسب آزادی در مقابل حبشه مبارزه کرده است. مبارزه‌ای که از قرار معلوم پایان نیافته، زیرا از سال 99-1998 درگیری‌ها مجدداً آغاز شده است. در اوایل دهه 90 نیروی پولیس از پنج هزار افسر که اغلب آنها افسران سابق اردوی آزادی بخش بوده‌اند، تشکیل شده بود. دلیل این امر کاملاً آشکار است؛ دولت باید از نظامیان کهنه‌کار محافظت کرده و به امور آنها بپردازد. برخی از افسران ارشد اسبق اردو سابقه خدمت در نیروی پولیس را داشته و در ائتلاف اریتریا - حبشه به حیث افسران اردو خدمت کرده‌اند.

همچون دیگر مشارکت‌های تخصصی در روش‌های تحقیقی علوم قضایی، تأسیس مدرسه عالی پولیس و تنظیم برنامه‌های آموزشی که از طرف دولت هالند حمایت می‌شد؛ ضرورت تغییرات فرهنگی دست‌کم برای برخی از نخبه‌های پیشتاز کشور و یا کشورها ی کمک کننده مشهود است. افرادی که در اردو خدمت کرده‌اند، دارای دیدگاه متفاوتی نسبت به مثلاً پولیس انگلستان، در مورد بکارگیری نیروی نظامی می‌باشند. پروژه تغییر فرهنگ در نیروی پولیس اریتره که با همیاری دولت هالند صورت گرفت، با هدف تحقق بخشیدن به عملکرد دیموکراتیک نیروی پولیس، که دارای خصوصیت حفظ نظم و قانون با حداقل نیروی ممکنه است، انجام شد.

مأخذ: Casper W. Vroom. وروم ۱، پوهنتون ماستریخ ۲، هالند، سهیم در پروژه تغییر فرهنگ نیروی پولیس اریتریا، 2002

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

نظام دیموکراتیک

- اطمینان یابید که پولیس در چوکات قانون عمل می‌کند.
- اطمینان یابید که پولیس بر اساس اصول اخلاقی که مردم از آنها انتظار دارند عمل می‌کنند: عادلانه، بی‌طرفانه و رفتار مطابق به مقررات شناخته شده. در این زمینه، اطمینان حاصل کنید که دولت مطبوع شما تابع قوانین سازمان ملل در ارتباط با افسران نیروی پولیس (1979) است. (به چوکات شماره 65 مراجعه شود)

آموزش

- اطمینان یابید که آموزش تخصصی نیروهای پولیس با هدف برقراری قانون و حفظ نظم با حداقل نیرو انجام می‌گیرد و برای نیل به آن، بخصوص معیارهای اخلاقی و دموکراتیک را در برنامه‌های خود منظور می‌کند. (به فصل هفتم مراجعه شود)

به توصیه‌های ارائه شده در بخش‌های 6، 7 و 8 در خصوص منابع مالی، انسانی و ابزاری مراجعه شود.

فصل یازدهم ادارات مخفی و استخباراتی

ادارات استخباراتی (گاهی به آنان ادارات امنیتی نیز اطلاق می‌شود) که تحلیل‌هایی مستقل در خصوص معلومات مربوط به امنیت کشور و جامعه و برای پاسداری از منافع اساسی آن ارائه می‌دهند، یکی از مهم‌ترین اجزای هر دولت بشمار می‌روند. اگر چه این ادارات وابسته به قوه اجرائیه هستند، پارلمان نقش حیاتی در نظارت بر فعالیت‌های آنان را به عهده دارد.

تهدیدات و خطرات جدیدی در نتیجه تروریزم جهانی، قاچاق موادمخدر، قاچاق کالا، جنایات سازمان یافته و مهاجرت‌ها و غیره که امنیت داخلی را به مخاطره می‌افکنند، ایجاب می‌نمایند تا توانیهای اطلاعاتی را بیشتر ساخت. به خصوص در پی واقعه 11 سپتامبر 2001 وجود ادارات استخباراتی متبحر، يك ضرورت است. در ماه‌های پس از آن حملات، دولت‌های چندین کشور اختیارات بیشتری به ادارات استخباراتی خود تفویض کردند؛ اختیاراتی همچون کنترل سایت‌های اینترنتی، خطوط تلفون و ارتباطات فکس (به فصل بیستم با عنوان تروریزم مراجعه شود)

تکنالوجیهای جدید امکان تحت نظر قراردادن، توقیف و بازداشت افراد مظنون را بیشتر کرده است و بدین ترتیب همکاریهای گسترده تری بین ادارات استخباراتی داخلی و خارجی در حال شکل‌گیری است. اکنون وظیفه پارلمان می‌باشد که نگذارد تا قدرت فزاینده ادارات استخباراتی، بر خلاف قانون و اصول بین‌المللی حقوق بشر عمل نماید.

ماهیت ادارات استخباراتی

از خصوصیات ادارات استخباراتی جمع‌آوری و تحلیل معلومات می‌باشد که نیازمند رازداری زیاد است. از طرف دیگر، بیم آن می‌رود که این اطلاعات در رابطه با سیاست داخلی یک کشور مورد سوءاستفاده قرار گیرد. ادارات امنیتی می‌توانند برای جامعه و نظام سیاسی که باید مورد حمایت قرار دهند، مخاطره‌آمیز باشند. بنابراین، علاوه بر نظارت قوه اجرائیه، نیاز مبرمی برای نظارت شفاف پارلمانی و دموکراتیک بر ادارات استخباراتی به چشم می‌خورد. تنها يك نظام تفتیشی و ایجاد یک توازن می‌تواند از استفاده نادرست پارلمان و قوه اجرائیه از ادارات امنیتی در راستای اهداف سیاسی خود جلوگیری کند.

در يك نظام دیموکراسی، ادارات استخباراتی باید در جهت مؤثریت، بی‌طرفی سیاسی، وفاداری به اصول اخلاق حرفوی، عمل در حدود اختیارات قانونی و مطابق با ضوابط مشروع قانونی و اصول دیموکراتیک هر دولت، اهتمام ورزند.

نظارت دیموکراتیک باید در چارچوب قانونی شفاف و صریح انجام گرفته و ادارات استخباراتی را بر پایه قوانین تصویب شده پارلمانی تأسیس کند. مصوبات نیز باید حدود اختیارات این ادارات، روش‌های عملیاتی و شیوه‌هایی که پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری آنها را در پی خواهد داشت، تعیین کنند.

چوکات شماره 24

پارلمان و اختصاص بودجه مخصوص برای ادارات استخباراتی؛ نمونه: ارجنتاین

«قانون شماره 25/520 امنیت ملی - 27 نوامبر 2001- ماده 37: «کمیسیون دو جرگه پی کنگره ملی صلاحیت نظارت و کنترل تخصیص بودجه برای ارگانهای مختلف اداره ملی استخبارات را داراست. به این منظور، کمیسیون دو جرگه کنگره ملی مختار است به هر اقدامی در حدود اختیارات خود دست بزند، خصوصاً:

1- شرکت و مداخله در مذاکرات قانون بودجه ملی که لایحه آن را قوه اجرائیه برای کنگره ارسال می‌کند. به همین سبب، قوه اجرائیه تمام اسناد لازم را در اختیار پارلمان قرار می‌دهد، خاصه: الف) ضمیمه برای بودجه های ذخیره

ئی، محرمانه، سری و یا با دسترسی محدود که استفاده از آن نیازمند اختیارات قانونی است؛ ب) ضمیمه ای که مقتضیات، برنامه‌ها و اهداف هزینه‌ها در آن قید شده است.

2- درخواست همکاری از تمام ارگانهای اداره استخباراتی ای که در این قانون گنجانیده شده‌اند و مکلف به دادن اطلاعات، شرح وضعیت موجود و گزارشهای مربوط به عملکرد خود اند. در صورت ضرورت، اطلاعات و اسنادی که در ماده 39 این قانون ذکر شده نیز می‌تواند درخواست شود.

3- مراقبت مبنی بر اینکه تخصیص بودجه بر اساس اهداف قید نشده قانون بودجه بوده است.

4- تهیه گزارش سالیانه برای کنگره ملی و رئیس‌جمهور شامل: الف) تحلیل و ارزیابی مصارف بودجه تخصیص یافته ادارات استخباراتی؛ ب) توضیحات در مورد نظارت‌های انجام شده توسط کمیسیون دو جرگه پی و ارائه پیشنهاد های لازم.

مأخذ: قانون شماره 25/520 استخبارات ملی ارجنتاین، 27 نوامبر 2001

بسیاری از دولت‌ها در قالب کمیسیون‌های نظارتی پارلمان، نظارت‌های رسمی را با سویه های متفاوتی انجام می‌دهند. بعضی اوقات حدود فعالیت کمیسیون‌های پارلمانی موجود همچون کمیسیون دفاع و نیروهای مسلح برای بررسی مسائل اطلاعاتی بسط داده می‌شود. در کشورهای دیگر، کمیسیون‌های اصلی و فرعی پارلمانی خصوصاً برای نظارت بر دستگاه‌های اطلاعاتی و سری از طرف پارلمان تشکیل می‌شوند.

کمیسیون نظارتی پارلمان باید به اطلاعات لازم دسترسی داشته و در انتصاب رؤسای ادارات امنیتی و نیز تخصیص بودجه نظارتی سهم باشد. (به چوکات شماره 24 در مورد بودجه‌های مخصوص مراجعه شود).

در کنار کمیسیون‌های ذیصلاح پارلمانی و یا در صورت عدم وجود آنها، برخی از دولت‌ها رسماً کمیته‌های نظارت بر اداره استخباراتی را جدا از قوه اجرائیه و هیئت دولت تشکیل داده‌اند. بازرسی هیئت‌های ناظر در سطح کابینه دولت و قوه اجرائیه معمولاً شامل وظایف انتظامی یا اداری است. در مقایسه با کمیسیون‌های پارلمانی که متشکل از نمایندگان تمامی گروه‌های سیاسی است، کمیته‌های غیر پارلمانی تمایل کمتری به مستقل عمل کردن از سازمان‌های تحت نظارت خویش دارند.

چوکات شماره 25

برخی از روش‌ها کمیسیون‌های پارلمانی برای بررسی اسناد محرمانه

- در صورت ضرورت کمیسیون جلسات غیر علنی را برگزار خواهد کرد؛
- کمیسیون در جلسات علنی پارلمان گزارش کار خود را می‌دهد که با مذاکرات علنی (در مورد مسائل غیر محرمانه) ادامه پیدا خواهد کرد؛
- کمیسیون حق دارد هر گونه اطلاعات را - به شرط آنکه اطلاعات در مورد عملیات جاری و یا اسامی کارمندان دستگاه اطلاعات افشا نگردد - درخواست کند؛
- کمیسیون می‌تواند هر گونه اطلاعاتی را که افشای آنان در راستای منافع ملت است (با رأی اکثریت واجد شرایط یا اکثریت کم) بر ملا سازد؛
- کمیسیون نباید خود را محدود به اطلاعات درخواست شده نماید. وزیر یا وزرای مسوول ادارات استخباراتی باید به ابتکار خود، اطلاعاتی را که به آگاهی کامل از مسائل اطلاعاتی منجر می‌شود در اختیار کمیسیون قرار دهند.

حد و حدود ادارات استخباراتی در دیموکراسیها

نحوه خاص نظارت بر ادارات استخباراتی و سرّی تحت تأثیر سنتهای قانونی دولت، نظام سیاسی و عوامل تاریخی میباشد. برای مثال، برخی از کشورها تحت تأثیر قوانین حقوق عرف بریتانیا می‌باشند که بر نظارت قضایی تأکید می‌کند. در مقابل، کشورهای اروپایی و آن دسته از کشورهایی که تجربه وجود پولیس سرکوبگر در برهه از تاریخ معاصر را داشته‌اند، نظارت قانونی را انتخاب می‌کنند. ایالات متحد آمریکا بر میکانیزم‌های نظارتی از طریق قوه‌های اجرائیه، قضائیه و مقننه دولت مرکزی نظارت می‌کند. برخی از کشورهای دیموکراتیک دستگاه‌های نظارتی مخصوص تأسیس کرده‌اند که مجاز به تحقیق در زمینه گزارش‌های رسیده از نقض حقوق بشر از طرف سازمان‌های استخباراتی هستند و می‌توانند عموم مردم را از نتیجه تحقیقات آگاه سازند. (برای اطلاعات بیشتر در زمینه مأمور رسیدگی به شکایات به فصل شانزدهم مراجعه شود).

حدود فعالیت

نظارت ادارات استخباراتی از لحاظ دامنه فعالیت، محدود می‌باشد. این محدودیت به نوع فعالیت‌ها (داخلی- ضدجاسوسی یا اطلاعات خارجی) و یا حیطه‌های متناوبه فعالیت (روش‌های عملیاتی، اقدامات محرمانه) مربوط است.

بحث علنی یا غیر علنی در پارلمان

بطور کلی نظارت استخباراتی در جوامع دموکراتیک در مقایسه با فعالیت‌های دولت در سایر بخش‌ها، از شفافیت کمتری برخوردار است. برای نمونه، جلسات کمیسیون‌های نظارتی استخباراتی پارلمان، معمولاً در جلسات علنی انجام نمی‌پذیرد. و چه بسا که باید نمایندگان دخیل نیز برای حفظ اطلاعات محرمانه‌ای که در اختیار آنان قرار گرفته است، سوگند یاد کنند. صرف نظر از روش خاص نظارتی اتخاذ شده، جوامع دیموکراتیک در جستجوی رسیدن به توازن بین عملکرد قانونی مناسب و

مسئولیت‌پذیری چنین سازمان‌هایی هستند که می‌تواند از طریق بررسی دقیق و مستمر از یک طرف و حفظ رازداری و مؤثریت در پاسداری از امنیت ملی از طرف دیگر، حاصل شود.

تقسیم وظایف

یک شیوه بنیادی برای نظارت بر اداره استخبارات جلوگیری از انحصار عملیات استخباراتی توسط یک سازمان و یا اداره است. افزایش سازمان‌های گوناگون استخباراتی - احتمالاً مرتبط با سازمان‌های جداگانه همچون نیروهای مسلح و پولیس، یا استخبارات داخلی و خارجی - مؤثریت مناسبی نداشته و باعث افزایش رقابت‌های اداری می‌شوند؛ اما در کل از دید این سازمان‌ها به نظارت دموکراتیک منجر می‌شود. در نتیجه بسیاری از دولت‌ها ادارات استخباراتی داخلی و نظامی جداگانه دارند. همین جداسازی از نقطه نظر نظارت دموکراتیک مطلوب است، اما سبب از هم گسیختگی روند جمع‌آوری اطلاعات سرّی و تحلیل‌های مربوطه می‌شود. این مسأله مخصوصاً پس از حملات تروریستی بالای ایالات متحده آمریکا با مشکلات همراه بوده است.

آموزش پرسنل استخباراتی

آموزش و پرورش متخصصان استخباراتی از جنبه‌های کلیدی نظارت است. القاء دانش حرفه‌ای، پذیرش معیارهای دموکراتیک و اصول حقوق بشر و نیز احساس مسئولیت در قبال کشور، ابعاد مهم تعلیم کارمندان استخباراتی است. دموکراسی‌ها سعی و تلاش در جهت آموزش و بعداً استخدام افراد ملکی برای فعالیت‌های استخباراتی بجای واگذاری این امر به بخش نظامی دارند.

افشای اطلاعات محرمانه

عامل اساسی دیگری که سبب تسهیل نظارت و جوابدهی می‌شود این است که اطلاعات مربوط به فعالیت‌های استخبارات پس از مدت زمان خاصی در دسترس عامه مردم قرار می‌گیرد. وجود قوانین آزادی اطلاع‌رسانی و انتشار اسناد محرمانه پس از مدت زمانی معین، سهولت نظارت و جوابدهی را افزایش می‌دهد. این امکانات شفافیت به تعویق انداخته شده و مراقبت عامه مردم به نظارت دموکراتیک کمک می‌کند. (به فصل بیست و یکم مراجعه شود).

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

میکانیزم‌های نظارت پارلمانی

- اطمینان یابید که پارلمان دارای یک کمیسیون اصلی و یا فرعی با صلاحیت مخصوص برای نظارت بر ادارات استخباراتی است. (در مورد مقایسه کمیسیون‌های گوناگون پارلمان به فصل پانزدهم مراجعه شود).
- اطمینان یابید که حدود اختیارات گروه به وضوح تعریف شده و تا حد امکان محدود نشده است و اعضای آن به تمام اطلاعات و تخصص‌های لازم دسترسی دارند.
- اطمینان یابید که کمیسیون پارلمان اقدام لازم را انجام داده و بطور پیوسته، یافته‌ها، نتایج و

ادامهء چوکات.....

پیشنهادهای خود را گزارش می‌دهد.

شالودهء دیموکراتیک و قانونی

- اطمینان یابید که قوانین مربوط به سازمان‌های اطلاعاتی مسایل زیر را کنترل می‌کنند: شرایط، ساحهء فعالیت، عملکرد، همکاری، تعیین وظایف، ارائهء گزارش مأموریت‌ها و نظارت بر ادارات امنیتی؛ بعلاوه، به کارگیری روش‌های خاص جمع‌آوری اطلاعات و ثبت مدارک در مورد اطلاعات شخصی و وضعیت کارمندان سازمان اطلاعات باید برطبق قانون انجام پذیرد.
- نظارت کنید که ادارات استخباراتی از لحاظ مواضع سیاسی بی‌طرف بوده و بر اساس اصول حرفه‌یی خود که شامل پذیرش معیارهای دیموکراتیک و احساس مسئولیت در قبال کشور است، عمل می‌کنند.
- اطمینان یابید که کمیسیون پارلمانی نظارت بر سازمان اطلاعات در زمینهء تعلیم اصول و موازین دیموکراتیک و قوانین حقوق بشر به پرسونل استخباراتی، اقدامات لازم را انجام می‌دهد.
- قوانینی را تصویب کنید که نقش متممی بر عهدهء هر سه قوهء دولت قرار می‌دهند. به عبارت دقیق‌تر:

- قوهء اجرائیه وظیفهء ابلاغ وظایف و اولویت‌بندی ادارات استخباراتی را بر عهده دارد؛
- قوهء مقننه مسوولیت وضع قوانین، نظارت بر بودجه، عملکرد دولت و سازمان اطلاعات را بر عهده داشته و نباید در فعالیت‌های جاری ادارات استخباراتی مداخله کند؛
- قوهء قضائیه در صورت نیاز، مجوز ادارات استخباراتی برای مداخله در اموال خصوصی و یا وسایل ارتباط جمعی را صادر کرده و بر قانونی عمل کردن آنها نظارت می‌کند.

شفافیت و جوابدهی

- اطمینان یابید که کمیسیون نظارتی استخبارات در پارلمان در جریان سیاست کلی اطلاعاتی که توسط قوهء اجرائیه طراحی شده است قرار می‌گیرد و مورد به آن مشورت صورت می‌گیرد..
- اطمینان یابید که کمیسیون پارلمانی نظارت بر ادارهء استخباراتی، با محفوظ نگهداشتن اطلاعات سری، بر عملکرد قانونی، شایسته و کارآمد ادارات استخباراتی نظارت دارد. از آن جمله می‌توان، فراهم ساختن شرایط قانونی خاصا در مورد و ثبت سمع مکالمات تیلیفونی را نام برد.
- اطمینان یابید که این کمیسیون به طور جامع در جریان فعالیت‌های سازمان‌های اطلاعاتی قرار گرفته و در انتصاب رؤسای آنها سهیم است.

ادامهء چوکات.....

مسائل مربوط به حفظ اسرار

- قوانین آزادی اطلاعات برای جوابدهی و نظارت مستقیم و غیر مستقیم بر ادارات استخباراتی عامل مهمی است.
- انجام حسابرسی‌های مخصوص در مورد صرف بودجهء سرّی به منظور ایجاد تعادل بین حفظ

اسرار و درخواست پاسخ گویی مسئولان، الزامی است.

- اطمینان یابیدکه ضوابط انتشار اسنادی که زمانی محرمانه بوده‌اند در چارچوب قانون بوده است تا حصول و افزایش شفافیت به تأخیر افتاده را تضمین کند. عناوین گزارش هایی که بر طبق قوانین اطلاع‌رسانی می‌تواند در دسترس عموم قرار گیرد، باید متنابهاً منتشر شود. به فصل بیستم با عنوان تروریزم و بخش 6 با موضوع منابع مالی مراجعه شود.

فصل دوازدهم شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی

دولت که استفاده مشروع از قوای نظامی را در انحصار خود دارد، تنها ارگان ایجاد امنیت در کشور بوده و مسئول انجام اقدامات لازم برای حفظ امنیت داخلی و دفاع در برابر تهدیدات خارجی است. با وجود آن، موج درگیری‌های داخلی در سال‌های اخیر، پدیده «خصوصی‌سازی کارهای امنیتی» را به وجود آورده است. برخی کارگزاران امنیتی غیر دولتی مجدداً عرض وجود نموده و علیه ساختار سنتی نظارت دموکراتیک بر ادارات امنیتی به مخالفت برخاسته‌اند.

از دهه 90 تعداد شرکت‌های امنیتی و نظامی خصوصی به سرعت افزایش یافته است. اکثر این شرکت‌ها را می‌توان به سه گروه عمده تقسیم کرد: اجبران، شرکت‌های نظامی خصوصی و شرکت‌های امنیتی خصوصی. مهم اینست که فعالیت‌های تمامی این گروه‌ها از طریق میکانیزم‌های دولت کنترل شود.

عملکردهای شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و خطرات آنها

کشورهای جنگ‌زده یا فاقد دولت حاکم عموماً به فکر شرکت‌های امنیتی و نظامی خصوصی می‌افتند. این گونه کشورها معمولاً برای جبران فقدان توانایی و تعلیمات نظامی لازم، دست به چنین اقدامی می‌زنند چرا که قادر به فراهم‌سازی امنیت برای شهروندان و گروه‌های مختلف نیستند. عدم تمایل به حفظ حق انحصاری دولت در اعمال قوه به منظور نظارت دموکراتیک واقعی بر سکتور امنیتی و یا مواجهه بودن با درگیری‌های داخلی از دیگر عواملی است که سبب توسل به این گونه سازمان‌های خصوصی شده است.

در چنین شرایطی استفاده از شرکت‌های امنیتی و نظامی خصوصی در کوتاه مدت ممکن است از لحاظ افزایش مهارت‌های تخصصی ملی، قابلیت‌های آموزشی کشور و حتی در پاره‌ای از مواقع رشد اتکا به نفس در کشور، تأثیر مثبت داشته باشد. لیکن، همانطوریکه در چوکات شماره 26 نشان داده شد، امکان وجود تأثیرات منفی این‌گونه شرکت‌ها در روند برقراری دموکراسی و چند جانبه بودن آن خیلی بیشتر است.

مؤسسات عمومی و منتخب مردم و مقدم‌تر از همه این‌ها پارلمان هر کشور به ساختاری مناسب و کارآمد برای نظارت و کنترل دموکراتیک نیاز دارد تا نه تنها بر ساختارهای امنیتی دولت نظارت داشته باشد، بلکه بر متخصصان امنیتی-نظامی استخدام شده نیز نظارت کند.

چوکات شماره 26

شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و برخی از خطرات احتمالی آنان برای دیموکراسی

- کارگزاران امنیت خصوصی شاید تا حدودی باعث ایجاد استحکام در ساحه نظامی و امنیتی باشند، ولی در دراز مدت بعضی از دولت‌ها بیشتر به نیروی نظامی خود به عنوان راه حل اصلی مشکلات داخلی تکیه می‌کنند.
- استخدام متخصصان خارجی، سؤال‌هایی از قبیل مأموریت‌های مشخص نظامی - امنیتی آنها و جنبه‌های بودجه این امر را ایجاد می‌کند. از دیدگاه يك حاکمیت خوب و دیموکراتیک، این قبیل سؤال‌ها همیشه باید در بحث‌های عمومی و پارلمانی به بررسی گرفته شده و پاسخ داده شوند.
- در بسیاری از موارد، این کارگزاران خصوصی به عنوان دلالتان اسلحه تحت پوشش دیگر مأموریتها (اغلب مأموریت‌های مشروع و قانونی) عمل مینمایند.

نیروهای های اجیر نظامی

اجیران نظامی بخشی از يك پدیده نسبتاً قدیمی هستند و بیشتر درگیری‌های اخیر نشان داده است که هنوز هم در بسیاری از بخش‌های جهان از آنها کار گرفته می‌شود.

واژه « اجیران نظامی» در ماده اول پیمان بین‌المللی علیه استخدام، به کارگیری، تعلیم و تأمین هزینه‌های اجیران نظامی، که در مجمع عمومی سازمان ملل، در قالب قطعنامه 44/34 در 4 دسامبر 1989 به تصویب رسید، تعریف شده است. این مصوبه در 20 اکتوبر 2001 نافذ شد ولی تاکنون تعدادی کمی از کشورها آن را امضاء کرده‌اند. این قرارداد به تفصیل، ماده 47 پروتوکل الحاقی يك از پیمان جینوا، منعقد سال 1949 را شرح می‌دهد (به خصوص با توجه به اشخاصی که با هدف اعمال خشونت‌آمیز استخدام شده‌اند تا دولتی را از قدرت ساقط کنند و یا پایه‌های حکومتی را در تمامیت ارضی خود تضعیف کنند):

«ماده 1- در پیمان کنونی،

1- اجیر کسی است که: (الف) در داخل یا خارج از کشور برای مبارزه در درگیری‌های مسلحانه استخدام می‌شود؛ (ب) برای شرکت در عملیات جنگی تنها برای نفع شخصی جنگیده و یا درحقیقت به خاطر غرامت مادی که در جریان این درگیری‌ها به رزمندگان هم ردیف یا عاملین این جنگ پرداخت می‌شود، شرکت می‌کند؛ (ج) نه عضو ملی اطراف درگیر بوده و نه مقیم کشور تحت سلطه آنها می‌باشد؛ (د) عضو نیروهای مسلح طرف درگیر در این جنگ نیست؛ (ه) از طرف کشوری که نیروهای مسلح آن در این درگیری شرکت ندارد، فرستاده نشده باشد.

2- همچنین اجیر کسی است که در هر شرایطی: (الف) مخصوصاً به منظور شرکت در عملیات خشونت‌بار با اهداف و شرایط زیر چه در داخل و یا خارج از کشور استخدام می‌شود:
(1) براندازی يك حکومت و یا تضعیف پایه‌های حکومتی؛ یا (2) تضعیف تمامیت ارضی يك کشور؛
(ب) شرکت در درگیری‌ها با انگیزه رسیدن به اهداف شخصی و منتفع شدن از غرامت‌های مادی؛

(ج) نه تبعه و نه شهروند کشوری باشد که این عملیات علیه آن صورت می‌گیرد؛ (د) به عنوان نماینده رسمی از طرف کشوری فرستاده نشده باشد؛ (ه) عضو نیروهای مسلح کشوری که درگیری در خاک آن انجام می‌گیرد، نباشد.

بر طبق این پیمان بین‌المللی اگر شخصی به استخدام يك اجیر، به کارگیری، تأمین هزینه و تعلیم وی و یا هرگونه عملی از این قبیل مبادرت ورزد، نقض جدی ایرا مرتکب شده است و شریک جرم محسوب می‌شود. اما با وجود آن، در برخی از موارد دولت متخصصان خارجی را برای وظایف خاص - همچون استخدام پیلوتان طیاره های جنگی، یا عملیات ضد تروریستی و غیره - استخدام می‌کند.

گزارشگر خاص در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در گزارش خود در مورد اجیران پیشنهاد می‌کند که «مجمع عمومی باید مجدداً از کشورهایی که تاکنون این قرارداد را امضا نکرده و به آن تن نداده‌اند، دعوت به عمل آورد. هم‌زمان با این دعوت، بایدکشورهای عضو، قانون اساسی خود را نیز بازنگری کرده تا با این قرارداد هم راستا شود» (پاراگراف 70).

شرکت‌های نظامی خصوصی

شرکت‌های نظامی خصوصی گونه‌های نوین و متحدالشکل «نیروهای اجیر نظامی» می‌باشند. آنها نیز به منظور کسب درآمد، فعالیت‌هایی همچون تعلیم و ارائه خدمات به اردو انجام داده و به طور دقیق‌تر به ایفای نقش جنگی یا غیر جنگی می‌پردازند. لیکن، از آنجایی که نیروی انسانی این شرکت‌ها از پرسونل بازنشسته ارتش که دیگر در نیروهای مسلح خدمت نمی‌کنند تشکیل شده است، این دسته از شرکت‌ها از نظر قانونی دقیقاً در تعریف نیروهای اجیر نمی‌گنجد. این شرکت‌ها خدمات وسیعی از شرکت در جنگ و پشتیبانی عملیات تا راهنمایی و تعلیم، تدارک تسلیحات نظامی، تشکیل جلسات استخباراتی، عملیات گروگان‌گیری و غیره ارائه می‌کنند. بدون توجه به نوع خدمات ارائه شده، مشخصه مشترک این شرکت‌ها این است که طبق درخواست دولت خصوصاً در زمان درگیری یا سازندگی‌های بعد از جنگ عمل می‌کنند.

مثال چنین شرکت نظامی خصوصی، شرکت MPRI مستقر در امریکا است. این شرکت، يك شرکت خدمات تخصصی است که در عقد و اجرای قراردادهای دفاعی با تمرکز بر حمایت و کمک در امور دفاعی؛ مانند، اجرای قانون و گسترش ساحه رهبری فعالیت می‌کند. این شرکت توسط افسران اسبق ارشد اردو در سال 1988 تأسیس شد و هنوز هم عمدتاً توسط پرسونل سابق اردو اداره می‌شود.

شرکت‌های امنیتی خصوصی

شرکت‌های امنیتی خصوصی خدماتی را با هدف حمایت از امور تجاری و اموال عرضه می‌کنند و بنابراین در جلوگیری از جرم و جنایت سهم هستند. اینگونه شرکت‌های امنیتی خصوصی در همه جا وجود دارند؛ ولی روندهای اخیر نشان می‌دهد که استفاده از این شرکت‌ها رو به افزایش است، خصوصاً در مناطق درگیر جنگ - یعنی جایی که تجارت به حمایت بیشتری نسبت به آنچه دولت فراهم می‌سازد، نیاز دارد. این شرکت‌ها بیش از آنکه در درگیریهای نظامی دخیل باشند، به منظور حمایت از دارایی‌ها و پرسونل مربوطه فعالیت می‌کنند. اما از آنجایی که تخصص‌های امنیتی و نظامی برای مناطق درگیر به نحوی یکسان مهم و ضروری است، این شرکت‌ها در عمل از هر دو تخصص فوق بهره می‌جویند.

این امر سبب باریک شدن مرز بین شرکت‌های نظامی خصوصی و شرکت‌های امنیتی خصوصی شده است.

به علت اهمیت فزاینده و افزایش شمار کارگزاران خصوصی امنیت، حایز اهمیت خاص است که نهادهای دموکراتیک، خصوصاً پارلمان، معیاری برای نظارت بر این عاملین جدید دستگاه امنیتی در نظر بگیرند؛ در غیر آن صورت، اصول اولیه دیموکراسی در معرض تهدید قرار خواهد گرفت.

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

قانون‌گذاری

- اطمینان یابید که کشورتان عضو پیمان بین‌المللی 1989 علیه استخدام، بکارگیری، تعلیم و تأمین هزینه نیروهای اجیر نظامی می‌باشد و در این رابطه قوانین قابل قبول را به تصویب رسانده است.
- اطمینان یابید که چارچوبی قانونی ای برای شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی به کار گرفته می‌شود.

احترام به ضوابط و تحریم‌های اسلحه

- از آن جا که شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در خارج از کشور در مناطق درگیر جنگ فعالیت می‌کنند، پارلمان را به تحقیق پیرامون هم‌نوایی فعالیت‌های شرکت‌های تأسیس شده در کشور شما با سیاست امنیت ملی، سیاست خارجی، قوانین مربوطه بین‌المللی، ضوابط و قطعنامه‌ها ترغیب کنید.
- از نظر قانونی اطمینان یابید که شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در مناطق و کشورهایی که بالای شان تحریم تسلیحاتی وضع شده، فعالیت نه‌کنند.

شفافیت

- اطمینان یابید که هیچ شرکت نظامی و امنیتی خصوصی خارجی اجازه ندارد بدون مجوز پارلمان در محدوده ملی یک کشور فعالیت داشته باشد؛ حتی اگر این فعالیت به درخواست و یا بر طبق رضایت دولت باشد.
- اطمینان یابید که اختصاص بودجه دولت برای شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و فعالیت آنها، با نظارت پارلمان صورت گرفته است.

جوابدهی

- اطمینان یابید که پارلمان مسوولیت جوابدهی در قبال تمام اسناد شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، چه از نظر قانون و چه در عمل، در خارج و داخل کشور را به عهده دولت محول کرده است.

بخش چهارم

امنیت ملی تحت مراقبت پارلمانی : شرایط و مکانیزم‌ها

فصل سیزدهم شرایط نظارت مؤثر پارلمانی

نظارت پارلمانی بر ادارات امنیتی بستگی به قدرت پارلمان و رابطه این نهاد با حکومت و ادارات امنیتی دارد. در چنین شرایطی، قدرت به معنای توانایی تأثیرگذاری بر اختیارات و روشهای حکومت مطابق با خواسته‌های مشترک مطرح شده مردم در پارلمان است. همچنین این قدرت شامل قابلیت نظارت بر اجرای سیاست‌ها، قوانین، تصامیم و بودجه تصویب شده توسط پارلمان می‌باشد. این قدرت نه تنها از قانون اساسی و قوانین کشوری ناشی می‌شود بلکه از روند حاکم بر پارلمان و شیوه‌های مرسوم به دست می‌آید.

شرایط نظارت مؤثر پارلمان بر بخش امنیتی شامل موارد زیر است:

- اختیارات صریح قانونی و مشروع
- روش‌های مرسوم
- منابع و مهارت‌ها
- خواسته‌های سیاسی

اختیارات قانونی و مشروع

قانون اساسی هر کشور (یا قوانین مشابه) مهمترین مبنای قانونی نظارت پارلمان بر بخش امنیتی است. در حالی که قانون اساسی هر کشور با کشورهای دیگر بنا به سابقه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن کشور متفاوت است، اکثر قوانین اساسی بر پایه اصول زیر تدوین شده‌اند:

- قوه اجرائیه (برای مثال رئیس جمهور، نخست‌وزیر یا وزیر دفاع) مسوول خدمات امنیتی کشور است.
- قوه اجرائیه مسوول جوابدهی به پارلمان است.

از آنجایی که احکام قانون اساسی مهمترین مرجع قضائی است، مهم است که اختیارات پارلمان در رابطه با بخش امنیتی در قانون اساسی تعیین گردد. قوانین اساسی به راحتی قابل تغییر نیستند و برای اصلاح هر قانون باید اکثریت اعضای واجد شرایط پارلمان حضور داشته باشند. بنابراین، قوانین راه مؤثری را برای حمایت از اختیارات پارلمان در این زمینه حساس ارائه می‌دهند. چنین اختیاراتی شاید بیشتر از طریق قانونگذاری‌های خاص و قوانین کاری پارلمان استحکام یابند. علاوه بر این، با گذشت زمان معیارهای اجتماعی و روش‌های پاسخگویی به منظور تسهیل نظارت پارلمان، توسعه یافته است.

چوکات شماره 27 ساحه وسیعی از اختیارات پارلمان برای نظارت بر اداره امنیتی را بیان می‌کند. اکثر این اختیارات در فصل‌های بعدی بررسی می‌شود.

چوکات شماره 27

وسایل و ابزار پارلمان برای تأمین دیموکراتیک بر بخش امنیت

1- اختیارات عمومی

الف - تدوین قوانین

- ب - تعدیل و یا تسوید دوباره قوانین
- ج - مورد سؤال قرار دادن اعضای اجرائیه
- د - فراخواندن اعضای اجرائیه برای شهادت در جلسات پارلمان
- ه - فراخواندن پرسونل نظامی و کارمندان دولت برای شهادت در جلسات پارلمان
- و - فراخواندن متخصصین نظامی برای شهادت در جلسات پارلمان
- ز - درخواست اسناد از قوه اجرائیه
- ح - انجام تحقیقات و استفسار پارلمانی
- ط - تشکیل جلسات

2- نظارت بر بودجه

الف - دسترسی به تمامی اسناد مربوط به بودجه

- ب - حق بررسی و اصلاح بودجه امنیت و دفاعی
- ج - نظارت بر بودجه از طریق برنامه‌ها، تحقیقات و خط مشی‌ها
- د - حق تأیید یا رد درخواست هر نوع بودجه فوق‌العاده امنیتی یا دفاعی

3- مأموریت‌های صلح و استقرار نیرو در خارج از کشور: حق پارلمان برای تأیید یا رد

الف - مشارکت در تصمیم‌گیری قبل از فرستادن نیروی نظامی به خارج از کشور

- ب - حکم مأموریت؛ تأیید احکام سازمان ملل
- ج - بودجه مأموریتی
- د - خطرات احتمالی برای پرسونل درگیر
- ه - شرکت در عملیات
- و - سلسله فرماندهی - نظارتی
- ز - طول مدت مأموریت
- ح - حق بازدید از نیروها در حین انجام مأموریت

4- تدارکات

الف - مکلفیت قوه اجرائیه برای مطلع ساختن کامل پارلمان در مورد تصمیم تدارکاتی

- ب - حق تأیید یا رد قراردادها
- ج - بررسی مراحل زیر برای تدارکات
- 1) تشخیص ضرورت تهیه تجهیزات جدید

ادامه چوکات.....

- (2) مقایسه و انتخاب تولیدکنندگان
(3) ارزیابی فرمایشات برای پرداخت و معاوضه

5- سیاست دفاع و امنیت عمومی: حق تأیید یا رد

- الف - مفهوم سیاست امنیتی
ب - طرح منجمنت بحران
ج - ساختار نیروی نظامی
د - ستراتیژی نظامی / دکتورین نظامی
- 6- تشکیلات دفاعی / امنیتی
- الف - حق تأیید و یا رد برنامه تشکیلات
ب - حق تعیین سطح نیروی انسانی
ج - حق تأیید یارد و یا حفظ حق نظرخواهی برای تعیین بالاترین مقام نظامی (مانند لوی درستی)

شیوه‌های مرسوم

همه مناسبات و روابط متقابل توسط قانون تنظیم نمی‌شوند. بنابراین مهم است که عادات و شیوه‌های نظارت و سرپرستی پارلمان را بر طبق قواعد اجتماعی مثل احترام و اعتماد متقابل بسط و گسترش دهیم. طور مثال، مطلع کردن و دخالت دادن نمایندگان - در فرصت‌های مناسب درباره تحولات جدید مسائل امنیتی نه تنها برای شفافیت و جوابدهی یک موضوع قابل اهمیت بوده، بلکه دیالوگ بین مردم نیز حایز اهمیت می‌باشد.

منابع و تخصص‌ها

به طور کلی، قابلیت و توانایی پارلمان برای نظارت بر اداره امنیتی به عوامل زمانی، سطح تخصص، و اطلاعات در دست داشته مربوط می‌باشد.

عامل زمان

دستیابی به موقع به اطلاعات مربوط به اهداف و تصامیم دولت در زمینه مسایل و اداره امنیتی، برای پارلمان امر حیاتی است. اگر دولت بعد از اتخاذ تصمیم نهایی، پارلمان را در جریان بگذارد، دیگر دلیلی برای نظارت و مداخله پارلمان وجود ندارد؛ در اینصورت، پارلمان با «عمل انجام‌شده‌ای» روبرو خواهد شد که راه دیگری جز تأیید یا رد تصمیم دولت رانخواهد داشت.

در زمان‌های بحران ملی یا وضعیت فوق‌العاده، دولت معمولاً مجبور به اتخاذ تصمیم فوری است و بعداً می‌تواند پارلمان را از آن آگاه سازد. با آنهم، حتی در این شرایط خاص نیز دلیلی وجود ندارد که دولت از چارچوب قوانین پارلمان تخطی کند.

تا جایی که مربوط به مسایل سیاست متعارف و طولانی مدت است، پارلمان باید وقت کافی برای بحث و بررسی مسایل بنیادی از قبیل بودجه دفاعی، اخذ تصمیم در باره تهیه و تدارک اسلحه و بازنگری امور دفاعی داشته باشد.

یک راه برای مقابله با فشار روزمره‌ای که نمایندگان پارلمان در انجام وظایف خود با آن مواجه هستند، اتخاذ استراتژی مبتکرانه است. چوکات شماره 28 به طرح مبانی استراتژی نوین نظارت بر سکتور امنیتی می‌پردازد.

چوکات شماره 28

ستراتژی مبتکرانه برای نظارت پارلمان بر ادارات امنیتی

وظیفه نمایندگان پارلمان اغلب تحت نفوذ اخبار روز است. به علاوه، دستور کار سیاسی آنها تا اندازه زیادی توسط دولت تعیین شده است. راه مؤثر برای غلبه بر محدودیت زمانی همان به کارگیری استراتژی مبتکرانه برای نظارت پارلمانی است. با توجه به اداره امنیتی، چنین یک استراتژی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

تنظیم دستور کار: نمایندگان باید به طور مستمر مقاصد و خواسته‌های ملت را در دستور کار سیاسی خود بگنجانند.

تحولات اخیر: اطلاعات پارلمانها در باره تحولات اخیر امنیتی و نظامی ملی و بین‌المللی باید به روز باشد. دستیابی به این امر نه فقط از طریق کانال‌های دولتی بلکه از طریق سازمان‌هایی غیر دولتی مانند پوهنتونها، مؤسسات تحقیقاتی و یا گروه‌های مشابه امکان‌پذیر است.

تجارب آموخته شده: پارلمان باید از بازنگری متناوب عملکردهای گذشته کارگزاران ادارات امنیتی درس‌های لازم را بیاموزد.

بازنگری مستمر: پارلمان باید از دولت بخواهد تا زمان تجدید سیاست امنیتی، آخرین تصمیم، تحولات و تجربیات آموخته شده را نیز در نظر گیرد.

اطلاعات، مهارت‌ها و کارکنان پارلمان

نظارت‌های مؤثر پارلمان بر اداره امنیتی نیازمند آن است که مهارت‌ها و منابع در پارلمان وجود داشته باشد و یا در اختیار این نهاد قرار گیرد. اما، تخصص‌های موجود در پارلمان به ندرت با مهارت‌های دولت و نیروهای امنیتی برابری می‌کند. در اغلب موارد، پارلمان کارکنان تحقیقاتی معدودی در اختیار دارد، این در حالی است که دولت می‌تواند از کارمندان وزارت دفاع و وزارتخانه‌های مربوط به

دستگاه امنیتی بهره جوید. برخی پارلمانها - مثل کنگره ارجنتاین - يك دفتر نظامی رابط دارند که با ارتباط مداوم با پارلمان - به نمایندگان و کارکنان آن - به خصوص به کمیسیون دفاع و امنیت- مشوره های لازم را ارائه می کند. علاوه بر این، نمایندگان برای مدت زمان محدودی نمایندگی پارلمان را بر عهده دارند؛ در حالیکه، کارمندان دولت و پرسونل نظامی تمام عمر کاری خود را در وزارت دفاع می گذرانند. هر چند مشکل اساسی این است که دولت و اردو منابع اطلاعاتی پارلمان هستند، در حالی که این دو خود ارگان هایی هستند که باید تحت نظارت قرار گیرند. این موارد خود شرایط نامطلوبی برای پارلمان در برابر دولت و ارتش پیش می آورد. به علت ساختار بسته دستگاه امنیتی که ناشی از کار کاملاً نظامی، فرهنگ، تعلیم و تربیوی و قوانین سری است، این وضعیت وخیم تر می شود.

چوکات شماره 29 پیشنهادهایی درباره چگونگی افزایش مهارت های پارلمان در خصوص دستگاه امنیتی ارائه می دهد.

چوکات شماره 29

میکانیزم ها و روش های افزایش مهارت های پارلمان در خصوص ادارات امنیتی: چند پیشنهاد

- تشکیل کمیسیون دفاع و امنیت - اگر تاکنون وجود نداشته است - مبنی بر تمرکز روی مهارت ها و دانش نمایندگان بر مسایل امنیتی: پارلمان می تواند کمیسیون دفاع را به کمیسیون های فرعی نظیر تدارکات، مسایل پرسونلی و هیئت های بودجه و صلح تقسیم کنند؛
- شرکت در سمینارهای ملی و بین المللی، انجام سفرهای تحقیقاتی، بازدید از ساختمان های ادارات امنیتی (به فصل یازدهم در مورد ادارات مخفی و استخباراتی مراجعه شود) و تشکیل جلسات آموزشی برای نمایندگان و نیز ارائه معلومات به نمایندگانیکه بازدید از کشورهایی میکنند که ارتش در آنها درگیر مأموریت های صلح است؛
- تبادل تجارب و آموخته ها بین اعضای پارلمان کشورهای مختلف؛ برای مثال، نشست های بین المللی پارلمانی؛
- داشتن کارکنان تعلیم دیده و متخصصین متعدد در پارلمان؛
- دسترسی قطعی به کتابخانه های تخصصی و حاوی آخرین اطلاعات، مرکز اسناد و تحقیقات و نیز بانک اطلاعات الکترونیکی؛
- سود جستن از راهنمایی های قابل اطمینان متخصصین خارجی در سازمان های غیر دولتی (نظیر پوهنتون ها یا مشاوران سیاسی)، یا باز نشستگان نظامی (به فصل ششم با عنوان جامعه مدنی مراجعه شود)؛
- تنظیم عهدنامه های منطقه ای و بین المللی مربوط به ساحه امنیت به زبان (های) رسمی کشور برای استفاده نمایندگان، همراه با اطلاعات مربوط به تأیید یا رد آن ها و نیز اطلاعات و اصله از سوی تنظیم کنندگان این پیمان ها؛

ادامهء چوکات.....

- انتخاب سالیانه دو یا سه موضوع مربوط به ادارهء امنیتی برای بررسی جامع (به عنوان نمونه توسط کمیسیون های فرعی)؛
- تشکیل گروهی منتخب از تمام احزاب پارلمان (در کشورهای دارای پارلمان دو جرگه ئی، از هر دو جرگه) برای بررسی مسایل امنیتی و دفاعی؛ چنین کمیته نظارتی می تواند به عنوان مرکز تحقیقاتی روی این مسایل، در خدمت قرار گیرد.

خواست سیاسی

حتی اگر ضوابط قانونی نظارت بر پارلمان بی عیب و نقص بوده و این نهاد منابع و مهارت های کافی در اختیار داشته باشد، هیچ تضمین برای يك نظارت مؤثر بر ادارهء امنیتی وجود ندارد. عامل آخر یعنی خواست سیاسی اعضای پارلمان برای به کارگیری میکانیزم های موجود، شرط اساسی نظارت کارآمد پارلمان بر ادارهء امنیتی است. فقدان خواست سیاسی در نظارت بر ادارهء امنیتی احتمالاً در اثر عوامل زیر بوجود می آید:

- **انضباط حزبی:** از آنجایی که به نفع اعضای حزب حاکم پارلمان است که قوهء اجرائیه را بر سر قدرت نگهدارد، آنان از انتقادهای علنی از این قوه پرهیز می کنند.
- **وجود یا عدم وجود منافع انتخاباتی:** از آنجایی که در بسیاری از کشورها عامهء مردم معمولاً به مسائل امنیتی بی علاقه اند، نمایندگان بر این باور هستند که صرف وقت زیاد برای مسائل امنیتی به انتخاب مجدد آنها کمک نمی کند.
- **ملاحظات امنیتی نمایندگان -** طوری مثال اعضای کمیسیون اطلاعات - را از افشای یافته های خود باز می دارد.

در نتیجه وجود چنین شرایطی، توانایی های پارلمان - به جز در موقعیت های حاد؛ همچون، افتضاح یا مواقع اضطراری منفعلانه به کار گرفته می شود. با وجود این، وظیفهء قانونی و مهم هر نماینده نقد و بررسی اهداف و عملکرد قوهء اجرائیه است.

فصل چهاردهم بکار برد میکانیزم‌های پارلمانی در بخش امنیت

تمام نظام‌های قانونی امکان جمع‌آوری اطلاعات به منظور نظارت بر خط مشی سیاسی، نحوه اداره کشور، حفاظت از اشخاص یا کشف و حذف خشونت و بی‌عدالتی را برای پارلمانها فراهم می‌آورند. همچنین، نمایندگان می‌توانند از شیوه‌های مناسب و غیر رسمی که مکمل قوانین، ابزارهای قانونی و مکانیزم‌های گوناگون هستند بهره‌مند شوند. پارلمانها برای جمع‌آوری اطلاعات از حکومت می‌توانند از سه راه ممکن و قانونی زیر استفاده کنند:

- بحثهای پارلمانی
- پرسش‌های پارلمانی و استیضاح
- تحقیقات پارلمانی

بحثهای پارلمانی روی امنیت

بحثهای پارلمان در خصوص مسایل امنیتی فرصتی مناسب برای تبادل نظر و جمع‌آوری اطلاعات مهم در باره حقایق و اهداف دولت، فراهم می‌کند. به طور کلی، بحثهای پارلمان در باره تدابیر و مسائل امنیتی در پنج حالت گوناگون می‌تواند انجام گیرد:

- پس از ارائه طرح پیشنهادی بودجه سالانه دفاعی توسط قوه اجرائیه؛
- در رابطه با اظهارات رسمی و یا غیر رسمی وزیران مربوطه از جمله وزیر دفاع یا وزیر امور خارجه؛
- در ارتباط با بررسی دفاع ملی، ارائه گزارش رسمی دفاعی و یا هر نوع سند اصلی دفاع ملی؛
- در ارتباط با برنامه‌های دولت که عمدتاً بعد از انتخابات اعلام می‌شود؛
- هر نوع مسأله خاص که مباحثات پارلمان را ایجاب نماید؛ از قبیل، اقتضاحات سیاسی، نگرانی عمده امنیتی و فلاکتها.

چوکات شماره 30

مشخصه‌های مشترک تشکیلات و روندهای پارلمانی نظارت بر قوه اجرائیه

مباحثات عمومی

«در برخی از کشورها، احکام قانون اساسی، قوه اجرائیه را به ارائه گزارش‌های متناوب به پارلمان در خصوص سرپرستی و اداره کشور ملزم می‌سازد. (...) در بسیاری از کشورها، مسایل مربوط به سیاست کلی متناوباً بررسی و رسیدگی نمی‌شود. اغلب در صورت درخواست یکی از نمایندگان پارلمان این مسائل به بحث و بررسی گذاشته می‌شوند (...).»

ادامهء چوکات.....

استیضاح

«...» استیضاح، يك روند معمول برای كسب اطلاعات و اعمال نظارت در نظام سنتی پارلمان است. وزرا برای شرح کارهای وزارتخانه خود و یا رئیس‌جمهور برای ارائه برخی توضیحات در خصوص سیاست کلی کشور از سوی نماینده و یا نمایندگان استیضاح می‌شوند. هر استیضاح دو مشخصه اصلی دارد: نخست آنکه باعث مذاکره عمومی می‌شود و دوم آنکه تحریم سیاسی را با خود همراه دارد زیرا به رأی‌گیری در خصوص توضیحاتی که از طرف دولت ارائه و سبب رضایت یا نارضایتی پارلمان شده است، منتهی می‌گردد. استیضاح روشی بسیار مؤثر است چون وزرا مستقیماً برای ارائه گزارش فراخوانده می‌شوند. این روش تنها راه ساده برای كسب اطلاعات نیست بلکه شیوه‌ای است برای كنترول مستقیم (...).

پیشنهاد تعلیق

«اگر چه در نظام بریتانیا، روند استیضاح شناخته نشده است، «پیشنهاد تعلیق» چیزی شبیه به آن است. تعلیق (تعطیل موقت) درست قبل از شروع وقفه صورت می‌گیرد و فرصتی را برای بررسی پاره ای از مسائل با حکومت - بدون نیاز به رای‌گیری- فراهم می‌آورد (...).

تحقیق و پرس‌وجو

«هدف از روند تحقیق (...) دسترسی به اطلاعات مشخص از زمامداران کشور، درخواست مداخله آنان و در صورت ضرورت، افشای سوءاستفاده‌ها و تعیین میزان خسارات است. همچنین روند تحقیق، دسترسی به جزییات حقایقی را که منجر به درك بهتر اعضا از موضوعات پیچیده لوائح و اسناد قانونی مطرح شده در پارلمان می‌شود، سهل می‌سازد (...). این روند دستاویزی است برای مخالفان که نقاط ضعف دولت را كشف کنند. از آنجایی که بحث و بررسی این نقاط ضعف معمولاً جاروجنجال به دنبال دارد، می‌تواند برای دولت آموزنده و مفید باشد (...). محبوبیت این روند در آن است که نمایندگان مجلس از حق قانونی خود برای تحقیق و تفحص، آزادانه استفاده کنند.

کمسیون تحقیق: به چوکات شماره 32 مراجعه شود.

مأخذ: پارلمانها، نوشته Michel Ameller، اتحادیه بین‌پارلمانی، 1966

تحقیق و استیضاح امنیتی پارلمانی

پرسش‌ها- چه کتبی و چه شفاهی- قسمتی از عملکرد مفتش‌مآبانء پارلمان است که به منظور نظارت بر عملکرد حکومت به طور گسترده از آن استفاده می‌شود. با توجه به نقش بنیادی روند تحقیق، پرسش‌ها می‌توانند سهمی چشمگیر در نظارت مؤثر بر دستگاه امنیتی داشته باشند. در کل، سوالات پارلمان در مورد امنیت:

- برای اعضای پارلمان فرصت كسب اطلاعات به موقع، دقیق و جدید را در باره سیاست دفاع و امنیت دولت
- و مجموعاً درباره مسائل امنیتی فراهم می‌آورد؛
- به نظارت بر اجرای احكام امنیتی تصویب شدهء پارلمان كمك می‌کند؛
- توجه عامهء ملت را به مسایل دفاع و امنیت خصوصاً وقتی که سوال شفاهی بوده و پاسخ آن از طریق تلویزیون، طرح مجدد در جلسات پارلمان و یا در قالب بیانیه‌های رسمی به اطلاع

همگان می‌رسد، جلب می‌کند. بدیهی است که وظیفه اطلاع‌رسانی پارلمان محدود به این نهاد نبوده و پرسش‌ها با هدف اطلاع‌رسانی به توده وسیع از مخاطبان مثل رسانه‌ها، سازمان‌های غیرحکومتی و جامعه مدنی مطرح می‌شوند؛

- می‌توانند به تدابیر امنیتی حکومت جهت بخشیده و برای آن راهگشا باشند؛
- به اعضای احزاب مخالف اجازه می‌دهند تا سؤالاتی در مورد مسائل امنیتی ذریبط و یا مسائلی که تا به حال موفق به کسب اطلاعات درباره آن نشده‌اند، مطرح سازند؛
- پرسش‌های امنیتی پارلمان به طور عمده بسیار مهم و حساس هستند. وزیری که مسئول پاسخ‌گویی به پرسش‌های پارلمان است، در بیشتر موارد کمتر از خود اشتیاق نشان می‌دهد. چنین عدم اشتیاق، اغلب ناشی از عملکردهای محرمانه اداره امنیتی است. اسناد امنیت ملی غالباً محرمانه بوده نه در دسترس اعضای پارلمان و نه عموم مردم قرار می‌گیرد.

چوکات شماره 31

پیشنهادهایی چند برای پرسش‌هایی سودمند

- **آمادگی کامل:** مطرح کردن پرسش‌های تخریکی در مورد مسایل امنیتی، غیرممکن است. ارتباطات غیر رسمی با پرسونل نظامی (یا اشخاصی که سابقه نظامی یا پارلمانی دارند) می‌تواند کمک شایانی در این زمینه باشد.
- **بیان صریح و آشکار:** عدم صراحت بیان در طرح يك سوال، موجب سوءتفاهم شده و می‌تواند جوابی ناقص و نادرست از سوی وزرا به دنبال داشته باشد.
- **وقت مناسب:** زمان و وقت مناسب طرح يك سوال در اثر بخشی و یا ایجاد جاروجنجال در سطح جامعه، مؤثر است.

ولی اختیارات قانونی قوه اجرائیه برای محرمانه قلمداد کردن اطلاعات بسیار محدود است. به علاوه، روند محرمانه اسناد باید کاملاً شفاف باشد؛ تا بدین ترتیب، مسوول تصمیم‌گیری، آنکه کدام سند باید محرمانه باشد، مدت محرمانه باقی ماندن اسناد و شرایط محرمانه و یا غیر محرمانه خواندن آنها، مشخص شود.

تا آنجایی که به ساختار سازمانی پارلمان مربوط می‌شود، عوامل زیر در مفید بودن پرسش‌های پارلمان مؤثرند:

- دادن امکانات به نمایندگان پارلمان جهت طرح سؤال‌های تکمیلی در صورتی که پاسخ‌های قبلی قانع‌کننده نبوده و یا به توضیحات بیشتری ضرورت باشد؛
- دادن امکانات به نمایندگان برای به بحث گذاشتن مسایل مطرح شده در جلسات پرسش از وزرا؛
- بهرهمندی از آیین‌نامه‌هایی که روند پرسش از دولت را سهل می‌سازند؛
- امکان شرکت عموم مردم در جلسات پارلمانی پرسش و پاسخ از حکومت و یا پیگیری مباحث از طریق رادیو و تلویزیون؛
- امکان انجام فعالیت‌های تبلیغاتی درباره مسائل مورد بحث و انتشار متن پرسش و پاسخ‌ها در قالب اسناد قابل دسترس همگان.

تحقیقات خاص پارلمان در زمینه مسائل امنیتی

کمیسیون‌های پارلمان در پهلوی وظیفه قانونگذاری، در نظارت مؤثر بر سیاست‌های دولت نیز شرکت دارند. فعالیت‌های دولت می‌تواند از طریق مأموریت‌های موقت جمع‌آوری اطلاعات - که معمولاً بیشتر از يك کمیته را درگیر خود می‌سازد و به انتشار گزارش اطلاعاتی منتهی می‌شود - زیر نظر گرفته شود. تحقیقات و بازپرسی‌های خاص پارلمان باید از اختیارات قوه قضاییه برای صدور احضاریه نیز برخوردار باشد.

امتیازات و مشخصه‌های کلیدی کمیسیون‌های تحقیق

- با توجه به مسائل دفاعی - امنیتی کمیسیون‌های موقت تحقیق که از اهمیت خاصی برخوردارند دارای مزایای بی‌شمار هستند. خصوصاً:
- تأسیس این کمیسیون‌ها نشانه مثبت سیاسی - به خصوص از طرف مردم - تلقی می‌شود؛
- این کمیسیون‌ها احتمالاً ابزار مناسبی برای بررسی دقیق جزئیات مسایل سیاسی مربوط به دستگاه امنیتی هستند؛
- این کمیسیون‌ها می‌توانند ارزیابی مشخصی از سیاست دولت در مورد مسایل خاص امنیتی و در صورت اقتضا پیشنهادهایی برای اصلاح سیاست‌های حکومت ارائه کرده که احتمالاً مورد تأیید پارلمان و حکومت قرار خواهد گرفت.

چوکات شماره 32

مشخصه‌های کلیدی کمیسیون‌های تحقیقاتی پارلمان

«...» کمیسیون‌های تحقیق به طور وسیعی برای مطالعه و بررسی مسایل خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به همین منظور، پارلمان تعدادی از اعضای خود را با هدف جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای نظارت، تعیین کرده که این افراد اقدام به تهیه گزارش‌هایی می‌کنند که بر اساس آن - در صورت صلاحدید پارلمان - جلسه‌ای برای بحث و بررسی و تصمیم‌گیری تشکیل می‌شود. حق هرگونه تحقیق، اصل طبیعی ضوابط پارلمانی است که بر طبق آن پارلمان باید از اموری که قوه اجرائیه در آن دخیل است، کاملاً آگاه باشد (...).

در برخی کشورها، برای کمیسیون‌های تحقیق، انجام تحقیقات مؤثر دشوار است. معمولاً این کمیسیون‌ها از قدرت احضار افراد برخوردار نیستند، مگر آنکه از روند معمول احضار در محکمه استفاده کنند. این مسأله مداخله مقامات را در پی دارد و یا به کند شدن روند کاری کمیسیون‌ها منجر شده و تأثیر تحقیقات را کاهش می‌دهد. (...) هنوز بهترین راه برای تأثیر بیشتر تحقیقات پارلمان، سوگند یادکردن است. (...)

مدارك ارائه شده توسط کارمندان حکومت به کمیسیون‌های تحقیق، مشکلات خاصی ایجاد می‌کنند، زیرا این کارمندان تابع وزیر وزارتخانه مربوطه هستند. تا چه اندازه حکومت می‌تواند کارمندان خود را از پاسخ به سؤالات پارلمان باز دارد؟ (...) اگر چه در برخی کشورها، کسب اجازه از وزارتخانه مربوطه الزامی است، آن وزارتخانه نیز نباید از ارائه مدرک امتناع ورزد، مگر آنکه اطلاعات درخواست شده برای امنیت عمومی زیان‌بار باشد و انجام خدمات عمومی را به خطر انداخته و یا با مشکل روبرو سازد (...).

ادامهء چوکات.....

باید متذکر شد که در هرگونه نظام کمیسیون‌ها برای انجام تحقیقات تشکیل می‌شوند و چیزی نیستند به جز ارگان‌های تحقیقاتی و حقیقت یاب که اساس کارشان تهیه گزارش برای پارلمان است که آنها را بوجود آورده است. این پارلمان است که همیشه باید نتیجه‌گیری لازم از تحقیقات و اطلاعات بدست آمده را بکند.»

مأخذ: پارلمانها، Michel Ameller، اتحادیه بین‌پارلمانی، 1966

مشخصه مهم دیگر این کمیسیون‌های تحقیق، ترکیب آنهاست. تناسب نمایندگان اقلیت و اکثریت که عضو این کمیسیون‌ها هستند، به طور قطع، از اهمیت حیاتی در نتایج این تحقیقات برخوردار است. قدرت و اختیار پارلمان برای انجام تحقیقات به نحوه قابل ملاحظه‌ای از یک پارلمان تا پارلمان دیگر و از یک کمیسیون تا کمیسیون دیگر متغیر است. قدرت اصلی بخصوص قدرتی است برای:

- انتخاب موضوع و دامنه تحقیقات پارلمان؛
- بازدید از پایگاه‌های نظامی و مقرهای دیگر ادارات امنیتی (به فصل هفدهم مراجعه شود).
- بدست‌آوری اطلاعات مربوط، شامل اسناد محرمانه و فوق العاده سری از رئیس‌جمهور، قوه اجرائیه و یا صدر هیأت؛
- بدست‌آوری شواهد تحت ایراد سوگند از سوی اعضای ریاست جمهوری؛ دستگاه‌های اجرایی حکومت، نظامیان و کارمندان حکومت و جامعه مدنی؛
- تشکیل جلسات علنی و غیرعلنی.

تحقیقات کانادا برای استقرار سربازان خود در سومالیا مثالی گویا از این واقعیت است (به چوکات شماره 33 مراجعه شود).

چوکات شماره 33

کمیسیون تحقیق استقرار نیروهای کانادایی در سومالیا:

نمونه‌ای از اثرات عامهء گزارش‌های پارلمان در مورد موضوعات امنیتی

در مدت استقرار نیروهای کانادایی در سومالیا در سال 1993 وقایعی کشف شد که اکثر کانادایی‌ها را تکان داد: گشودن آتش بالای یکتعداد سومالیاییها که در قرارگاه Belet Huen کانادایی داخل شده بودند، لت و کوب یک نوجوان بازداشت شده تا سرحد مرگ توسط دو کوماندوی غند هوائی کانادا، اقدام یکی از این سربازان کانادایی به خودکشی احتمالی، ادعاهای بعدی در خصوص امتناع از در اختیار گذاشتن اطلاعات و یا تحریف اطلاعات کلیدی. نوارهای ویدیویی ایکه در آن اعضای غند فوق به اعمال پست و نفرت‌انگیز دست زده بودند، کشف شد. هیأت نظامی تحقیقاتی درباره این وقایع، از سوی حکومت با در نظرداشت رعایت و حفظ معیارهای جوابدهی عامه در کانادا، بی‌کفایت شناخته شد. بنابراین پارلمان کانادا بر اساس قانون تحقیق و رسیدگی، تحقیقات علنی را برای رسیدگی به این حوادث آغاز کرد.

حدود و اختیارات - قانون تحقیق و رسیدگی، احضار شهود، گوش‌کردن به اظهارات آنان، استخدام مشاورین و وكلا و جمع‌آوری مدارك را مجاز می‌کند. صلاحیت و داشتن مردم به دادن شهادت یکی

ادامهء چوکات.....

از میکانیزم‌های مهم برای روشن ساختن وقایع در سومالیا و وزارت دفاع ملی کانادا بود. 116 شاهد در جلسات علنی ای که از تلویزیون در سراسر کانادا پخش می‌شد، شهادت دادند. حدود این تحقیقات تنها به وقایع اتفاق افتاده در سومالیا محدود نمی‌شد بلکه به بررسی نظام فرماندهی، انضباط و عملکرد نیروهای کانادایی و عملکرد و تصمیمات اتخاذ شده از سوی وزارت دفاع نیز پرداخته شد. قسمت دوم این تحقیقات، اعضای کمیسیون را به بررسی وقایع خاص مربوط به قبل از استقرار نیرو در سومالیا در هنگام جنگ و مراحل بعد از آن واداشت.

عدم محاکمه - اگر چه تحقیقات فوق به بررسی علت‌های اساسی، پاسخ‌ها و وقایعی که از قبل منجر به محاکمه افراد شده بود می‌پرداخت، ولی به مقصد محاکمه افراد صورت نمی‌گرفت. توجه عمده این تحقیقات بیشتر معطوف به مسایل بنیادی و اداره و سازمان‌دهی اردوی کانادا و وزارت دفاع بود تا افراد استخدام شده در این نهادها. با وصف این، این توجه ناگزیر نیازمند به بررسی عملکرد اشخاص در نظام فرماندهی و شیوه ریاست آنها نیز بود.

نتایج - نتیجه دو سال تحقیق گزارش طولانی ای بود از مسایلی همچون ساختار و سازمان‌دهی ارتش کانادا در وقت مأموریت سومالیا؛ بحث در مورد فرهنگ و اصول اخلاقی نظامی؛ روابط نظامی - ملکی در کانادا و غیره. این تحقیقات با پیشنهادهایی برای ایجاد تغییر در ساحه وسیعی از عملکردها و خط مشی حکومت و ارتش کانادا به پایان رسید. بسیاری از این پیشنهادها هم‌اکنون در مرحله آماده‌سازی برای اجرا هستند.

مأخذ: پروفسور دکتر Donna Winslow، مشاور حقوقی تحقیقات پارلمانی کانادا، 1996

فصل پانزدهم کمیسیون‌های پارلمانی امنیت و دفاع

با در نظر گرفتن پیچیدگی ساختار ادارات امنیتی، وجود يك کمیسیون با ساختار مناسب برای پارلمان که در صدد اعمال نفوذ واقعی بر قوه اجرائیه است، حیاتی می‌باشد. نظارت پارلمانی بر دستگاه امنیتی، متضمن وجود نه تنها يك بلکه چند کمیسیون با عناوین متعدد - که در برخی مواقع وظایف آنها ادغام می‌شود - می‌باشد.

کمیسیون‌های زیر از رایج‌ترین کمیسیون‌های هستند که گاهی جلسات مشترک تشکیل می‌دهند:

- کمیسیون دفاع (گاهی تحت عنوان کمیسیون نیروهای مسلح، کمیسیون دفاع و امنیت ملی و نیز کمیسیون روابط خارجی) به بررسی مسائل مربوط به بخش امنیتی؛ همچون، اهداف، سازمان، پرسونل، فعالیت‌ها، تأمین بودجه اردو، جلب و احضار و تدارکات می‌پردازد؛
- کمیسیون روابط خارجه تصامیم اتخاذ شده برای شرکت در مأموریت‌های صلح، پذیرش پاسداران صلح در خاک خود، امنیت ملی، سازمان‌های بین‌المللی یا منطقه‌یی، پیمان‌ها، تمهیدات و غیره را بررسی می‌کند؛
- کمیسیون بودجه یا مالی اتخاذ تصمیم نهایی در ارتباط با بودجه تمام سازمان‌های اداره امنیتی و احتمالاً کمیسیون بررسی خزانه دولتی که گزارش‌های مفتش خاص مربوط به کل بودجه ملی - از جمله بودجه دفاعی - را بررسی می‌کند، بر عهده دارد؛
- کمیسیون اصلی (یا کمیسیون فرعی) استخبارات که اغلب پشت درهای بسته تشکیل جلسه می‌دهد؛
- کمیسیون تجارت و صنعت که خاصاً به مسایل مربوط به تدارکات نظامی و تجاری می‌پردازد (خسارت‌ها و غرامت)؛
- کمیسیون علوم و تکنالوجی (که به تحقیقات نظامی و پیشرفت‌های مربوطه می‌پردازد).
- کمیسیون امور داخلی (امور کشور) که به بررسی نیروی پولیس، نیروهای سرحدی و اغلب سایر سازمان‌های شبه‌نظامی می‌پردازد.

اختیارات و ابزارها

اختیارات کمیسیون‌های پارلمانی برای گردآوری مدارك از طریق منابع بیرونی بسیار متفاوت است. برخی کمیسیون‌های پارلمانی همچون کمیسیون مخصوص و موقت مجلس عوام بریتانیا به خودی خود نمی‌توانند به جمع‌آوری مدارك بپردازند، در حالی که کمیسیون‌های دیگر - مانند آنهایی که در کنگره آمریکا وجود دارند - تقریباً از اختیارات نامحدودی برای جمع‌آوری مدارك از طریق منابع بیرونی - البته به شرط سوگند یاد کردن - برخوردار هستند. برخی کمیسیون‌های پارلمان مختار به وضع قانون، تصویب و حتی تهیه پیش‌نویس قانون و نیز پیشنهاد ماده اصلاحی در مورد قوانین موجود بوده، اما برخی دیگر تنها مجاز به بررسی اقدامات قوه اجرائیه و تخصیص بودجه بدون قدرت قانونگذاری هستند.

امکانات و تخصص‌هایی که در اختیار يك کمیسیون قرار می‌گیرد برای انجام مؤثر وظایف آن حیاتی است. از جمله این تخصص‌ها می‌توان از شمار، سطح توانایی و ثبات اعضای يك کمیسیون نام برد؛

همچنان می توان از خصوصیت و قابلیت تحقیق (تخصص داشتن در برابر عمومی؛ مستقل یا به عنوان قسمتی از واحد بزرگتر تحقیقاتی پارلمان)؛ دسترسی به اطلاعات یا اسناد تکمیلی (امکان دستیابی و تهیه مجدد آنان)؛ امکان درخواست متخصصین؛ امکان صدور دستور انجام تحقیقات لازم و انجام رسیدگی های لازم، یاد کرد. (برای اطلاعات بیشتر به فصل چهاردهم با موضوع میکانیزم ها و ابزار پارلمانی مراجعه شود).

چوکات شماره 34

وظایف احتمالی اما کلیدی کمیسیون پارلمانی در موضوعات دفاعی و امنیتی

سیاست امنیت

- بررسی و ارائه گزارش در خصوص پیشنهادات اصلاح قانون که وزارت دفاع اعلام می کند؛
- کنترل مستمر وزیر دفاع در زمینه ایفای وظایف؛
- بررسی دقیق وزارت دفاع مبنی بر پیروی از قوانین آزادی اطلاع رسانی و کنترل چگونگی ارائه اطلاعات به پارلمان (با استفاده از هر شیوه ممکن)؛
- بررسی عرایض و شکایات افراد نظامی و یا شهروندان در مورد امنیت.

قانون گذاری

- مدنظر گرفتن و ارائه گزارش در زمینه هر گونه پیش نویس قوانین پیشنهادی حکومت که پارلمان به بررسی آنها می پردازد؛
- مدنظر گرفتن پیمان ها و توافقات بین المللی و منطقه ای که در حدود ساحه فعالیت های وزارت دفاع قرار دارد؛
- در صورت لزوم، درخواست از وزیر برای ارائه پیشنهاد تدوین و یا تهیه پیش نویس قوانین جدید.

مصارف

- بررسی و ارائه گزارش در باره برآورد مصارف سالیانه وزارت دفاع؛
- بررسی برآوردهای وزارت دفاع در خصوص مخارج اضافی و ارائه نظر در پارلمان در رابطه با نیاز به بررسی بیشتر این مخارج؛
- در صورت لزوم، درخواست از افراد ذیصلاح به منظور تفتیش مالی.

منجمنت و اداره

- بررسی و در صورت لزوم ارائه گزارش در مورد تقررهای عمده توسط اجرائیه (قوماندانان بند پایه اردو و کارمندان عالی رتبه کشور)؛
 - بررسی ساختار درونی بخش دفاعی ارگانهای خارجی مربوط به پارلمان (توسط مفتش خاص) و آگاه ساختن پارلمان نسبت به عدم انجام صحیح وظایف کارکنان بخش دفاعی.
- مأخذ: گزارش رسمی کمیسیون پارلمان انگلیس درباره نظارت پارلمانی، بریتانیا، 2001

در چوکات شماره 35 برای نمونه روش های مؤثر پارلمان ناروی ذکر شده است.

چوکات شماره 35

جلسات مشترک کمیسیون‌های امور خارجه و دفاع پارلمان ناروی
«وظیفه کمیسیون اصلی روابط خارجی، بررسی سیاست‌های مهم خارجی دولت، خط مشی تجارت و مسائل مربوط به سیاست امنیت ملی است. بررسی‌های فوق باید قبل از اتخاذ تصمیم مهم انجام پذیرد. در موارد خاص، کمیسیون توسعه یافته پیشنهادات لازم را به پارلمان ارائه می‌کند. کمیسیون توسعه یافته از اعضای معمولی کمیسیون دائمی روابط خارجه، رئیس و معاون پارلمان (در صورتیکه از پیش عضو این کمیسیون نباشند)، رئیس کمیسیون دائمی دفاع و تا حد یازده عضو دیگر که از طرف کمیسیون انتخاباتی برگزیده می‌شوند، تشکیل می‌شود. ادامه چوکات.....»

بر همین مبنا، کمیسیون انتخاباتی، معاونینی را برای تشکیل جلسات در اوقاتیکه که رؤسای کمیسیون‌ها حضور ندارند (طور مثال دوران مرخصی) انتخاب می‌کند.

این کمیسیون بر حسب نیاز اعلام شده از طرف رئیس کمیسیون، یا به درخواست نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه و یا حداقل یک سوم اعضای کمیسیون، تشکیل جلسه می‌دهد. مباحث مطرح شده در کمیسیون توسعه یافته یا در جلسات مشترک این کمیسیون با کمیسیون‌های دیگر باید مخفی بماند مگر اینکه قبلاً در مورد افشای آن توافق شده باشد. اتخاذ تصمیم در مورد پنهان ماندن احضار افراد به جلسات کمیسیون، بر عهده رئیس کمیسیون است.

موضوع مطرح شده در کمیسیون توسعه یافته امور خارجه، تنها در صورت تأیید حداقل شش نفر از اعضا می‌تواند در جلسات پارلمان، به بحث گذاشته شود. پس از بررسی شرایط لازم برای رسیدگی به یک موضوع در جلسات پارلمان، کمیسیون هیئت رئیسه پارلمان را مطلع می‌کند. پارلمان در یک نشست خصوصی در مورد علنی یا غیر علنی بودن چنین جلسه‌ای تصمیم‌گیری می‌کند. جلسه فوق باید با بیانات یکی از اعضای حکومت آغاز شود. بحث و بررسی این موضوع باید بر طبق نظر پارلمان بلافاصله پس از اظهارات نماینده حکومت و یا در جلسه بعدی، انجام شود. از این مرحله به بعد، کمیسیون باید از ارائه طرح‌های پیشنهادی خود برای بحث و بررسی به پارلمان خودداری کند.»

مأخذ: بخش 13 از دستورالعمل پارلمان ناروی ([storting:http://www.stortinget.no/g](http://www.stortinget.no/g))

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

مباحثی که توسط کمیسیون دفاع در پارلمان شما یا در یکی از جرگه‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- اختیارات کمیسیون یا کمیسیون‌های فرعی احتمالی آن را بررسی کنید تا اطمینان یابید که:
 - به طور درست تعریف گردیده اند؛
 - به کمیسیون اجازه می‌دهد تا به بررسی عمیق کلیه مسائل بپردازد؛
 - با سیاست امنیتی و سیاست‌های کاری سایر وزارت‌خانه‌ها که می‌توانند در ارتباط

ادامهء چوکات.....

بامسائل امنیتی نیز باشند، هماهنگ است. از قبیل امور خارجه، امنیت دریایی - هوایی، صنعت، ذخایر انرژی و غیره.

کمیسیون مؤثر پارلمانی

- اطمینان یابید که کمیسیون ذیصلاح و کمیته های فرعی آن در پارلمان - از طریق قانون و یا در عمل - مجهز به میکانیزم هایی می باشند که در چوکات شماره 34 توصیف گردید.
- برای مسائل تخصص دفاعی از قبیل بودجه، تدارکات، پرسونل و مأموریت های صلح، تأسیس کمیسیون های کوچکتری را در نظر بگیرید.
- قانونی را برای سیاست اطلاعاتی اداره امنیت به اجرا در آورید و خاصاً مروری بر مصارف دفاعی داشته باشید.
- اطمینان یابید که کمیسیون از منابع کافی از جمله دسترسی به توصیه های متخصصین بهره مند است.
- به تحقیق و بررسی بهترین شیوه های جمع آوری شده در سطح بین الملل درباره نظارت مجلس بر اداره امنیت بپردازید.

فصل شانزدهم مأمور رسیدگی به شکایات

در بین کارگزاران مؤسسات مستقل که بر ادارات امنیتی نظارت دارند، مأمور رسیدگی به شکایات از مقام خاصی برخوردار است. کشورهای بسیاری هستند که در آنها مأمور رسیدگی به شکایات، دارای صلاحیتی کلی است و به تمام مشکلاتی که از عملکرد نادرست ارگان های دولتی نشأت می‌گیرد، رسیدگی می‌کند. بعضی کشورها ارگان دیگری را دارند که نقش مشابهی را ایفا می‌کند؛ مانند، کمیسار یا کمیسیون رسیدگی به شکایات عموم (در نایجیریا). به هر حال، در سایر کشورها مأموران رسیدگی به شکایات خاصی برای رسیدگی به نیروهای مسلح معرفی می‌گردند.

چوکات شماره 36

مأمور رسیدگی به شکایات

«(...) مأمور رسیدگی مذکور به شکایاتی مردم مبنی بر تصمیم‌گیری های عامه، عملکردها و یا قصور اداره دولت، رسیدگی می‌کند. گرداننده این اداره توسط پارلمان انتخاب می‌شود و یا پس از مشورت با پارلمان، رئیس دولت یا حکومت او را انتخاب می‌کند.

نقش مأمور رسیدگی به شکایات، حمایت از مردم در مقابل نقض قانون، سوءاستفاده از قدرت، اشتباه، غفلت، تصمیم‌گیری‌های غیرعادلانه و سوءاستفاده اداری می‌باشد تا بتواند اداره عامه را بهبود بخشد، عملکردهای حکومت را واضح‌تر ساخته مسوولیت و پاسخگویی خدمتگزاران جامعه را افزایش دهد. اداره رسیدگی به شکایات دولتی ممکن است در قانون اساسی يك کشور آورده شده، سیستم قانونگذاری از آن حمایت کرده و یا توسط قانونگذاران ایجاد شده باشد. (...)

برای حمایت از حقوق مردم، مأمور رسیدگی به شکایات دارای اختیارات متفاوتی می‌باشد:

- 1) در مورد نحوه اداره حکومت به تحقیق می‌پردازد که خلاف قانون و یا غیر عادلانه نباشد؛
- 2) اگر در يك بررسی عینی مشخص شود که نحوه اداره امور نادرست بوده است، به منظور از بین بردن این سوء رفتار، توصیه‌هایی ارائه می‌شود؛

3) درباره فعالیت‌های خود در مواردی خاص، به دولت و شکایت کننده گزارش می‌دهد و اگر موارد پیشنهادی مورد موافقت حکومت قرار گرفته، این گزارش به هیئت قانونگذار ارائه می‌شود. بیشتر مأموران رسیدگی به شکایات، گزارش سالانه‌ای را نیز درباره عملکردشان به قانونگذاران و عموم مردم ارائه می‌دهند.

مأمور رسیدگی به شکایات معمولاً فاقد قدرت لازمه برای تصمیم‌گیری در مواردی است که به عهده حکومت می‌باشد. بلکه توصیه‌هایی را جهت ایجاد تغییر ارائه می‌دهد (...). در مجموع مأمور رسیدگی به شکایات بخش عامه، دارای اختیار قانونی در حیطه وسیعی از نهادهای حکومتی می‌باشد. در بعضی کشورها دامنه این اختیار ممکن است قوه قضاییه، پولیس و اردو را نیز در بر گیرد. این در حالیست که ممکن است در سایر کشورها يك یا چند ارگان اختصاصاً حذف گردند.

مأخذ: رساله اطلاعاتی مؤسسه بین‌المللی مأمور رسیدگی به شکایات

در سایت <http://www.law.ualberta.ca/centres/ioi>

همچنین به دفتر کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد روزنامه اطلاعاتی شماره 19، مؤسسات ملی ارتقاء و حمایت، مراجعه شود.

مأمور رسیدگی به شکایات امور دفاعی

بعنوان نهادی مستقل، مأمور رسیدگی به شکایات در قانونمندی های متعدد، تحت نامهای مختلفی ظاهر می‌شود: از قبیل مأمور رسیدگی به شکایات امور دفاعی در فنلند، ناروی، پرتگال و آلمان، کمیسار رسیدگی به شکایات سربازان نظامی در اسرائیل، مأمور رسیدگی به شکایات وزارت دفاع ملی و نیروهای مسلح کانادا در کشور کانادا و مأمور رسیدگی به شکایات نیروی دفاعی آسترالیا .

چوکات شماره 37			
نگاهی اجمالی به مأموران رسیدگی به شکایات در چند کشور			
کشور	ساحه	صلاحیت و وظایف	گزارش ها به مقامات سیاسی و موفقگیری در برابر آنها
آسترالیا	مأمور رسیدگی به شکایات نیروی دفاعی - منتخب وزیر	هر گونه عملکرد اداری نادرست اعضای نیروهای دفاعی آسترالیا،	ارائه گزارش سالانه به وزیر آن در پارلمان
کانادا	مأمور رسیدگی به شکایات امور دفاعی - منتخب وزیر - ارائه گزارش سالانه به وزیر در مورد فعالیت هایش - هیئتی واقعیت نگر و بیطرف. مستقل از اداره وزارت دفاع	حمایت از حقوق انسانی کارکنان وزارت دفاع ملی و نیروهای مسلح کانادا	گزارش به وزارت دفاع ملی یا نیروهای مسلح کانادا در مواردی خاص
ناروی	مأمور رسیدگی به شکایات امور دفاعی در چارچوب مقررات پارلمان ناروی	تأمین رفاه سربازان؛ داشتن نقش محوری در حل اختلافات و حفظ جو اعتماد و شفافیت در بخش های مختلف ارگان دفاعی.	ارائه پیشنهاد ها، ارزیابی و نقد که ارگانهای منفرد با آن داوطلبانه پابندی داشته باشند.

مأمور رسیدگی به شکایات به نمایندگی از مردم یا پارلمان از میکانیزم دیگری برای نظارت بر اردو بهره‌مند است. وظیفه اصلی مأمور رسیدگی به شکایات در اردو، بررسی اتهاماتی مبنی بر تصامیم خودسرانه و یا رفتارهای نادرستی می‌باشد که به نمایندگی از وزیر یا وزرای ادارات امنیتی، مشخصاً از اردو صورت گرفته است.

مقام اداری مأمور رسیدگی به شکایات اردو، در سیستم سیاسی، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. مأمور رسیدگی به شکایات وزارت دفاع می‌تواند توسط پارلمان انتخاب شده و گزارش ها را نیز به پارلمان ارائه دهد (آلمان و سویدن)، یا می‌تواند توسط وزیر دفاع انتخاب شود (اسرائیل و

کانادا). بعضی از مأموران رسیدگی به شکایات، دفتری برای خود در پارلمان دارند (مانند عضو کمیسیون نیروهای مسلح در پارلمان آلمان، به چوکات شماره 38 مراجعه شود) یا می‌تواند از لحاظ تشکیل از پارلمان مجزا باشد (سویدن).

افراد ملکی و یا نظامی‌ای که توسط ارتش مورد بدرفتاری قرار گرفته باشند می‌توانند از مأمور رسیدگی به شکایات درخواست کنند که تحقیق خود را آغاز کند. بعلاوه، نمایندگان پارلمان نیز می‌توانند از مأمور رسیدگی به شکایات درخواست تعقیب و تحقیق در مورد اتهام سوء رفتار و شکایات را داشته باشند. اغلب این نوع دوسیه‌ها به بررسی مواردی از قبیل معافیت یا به تأخیر انداختن خدمت اجباری عسکری، انتقال و جابجایی در طول خدمت نظام، نوع تغذیه، ترخیص از خدمت عسکری، اجازه غیابت، موارد انضباطی و سرپیچی‌هایی که قابل مجازات هستند، می‌پردازد. اگر مأمور رسیدگی به شکایات به این نتیجه رسید که مورد شکایت موجه است، می‌تواند توصیه‌هایی را ارائه دهد؛ مانند اینکه از مؤسسه مورد نظر درخواست کند که تصمیم اتخاذ شده را تغییر داده و یا مورد تجدیدنظر قرار دهد.

مأمور رسیدگی به شکایات و موارد محرمانه

با توجه به ماهیت اداره امنیتی، بعضی اطلاعات، به دلایل امنیت ملی نمی‌تواند در معرض عموم قرار گیرد. بسیاری از کشورها، درباره نحوه عملکرد مأمور رسیدگی به شکایات، در موضوعاتی که به امنیت ملی مربوط می‌شود، موارد معینی را در قانون پیش‌بینی کرده‌اند. در مجموع، مأمور رسیدگی به شکایات حتی در مواردی که از مقررات بسیار محرمانه پیروی می‌شود، مجاز است هر نوع تحقیقی را که ضروری بداند، انجام دهد و به پایگاه‌های نظامی و یا تمامی مدارک مربوطه، در هر مورد معینی دسترسی داشته باشد. اما نمی‌تواند نتایج تحقیقات را در معرض عموم قرار دهد.

چوکات شماره 38

کمیسیون پارلمانی آلمان برای نیروهای مسلح

هنگامی که آلمان در دهه 1950 نیروهای مسلح خود را بازسازی می‌کرد، اهمیت خاصی برای نظارت پارلمان قایل شد و برای اطمینان از اینکه ارزش‌های مهم مندرج در قانون اساسی که فرد انسان را در مرکز قرار داده است، در مورد نیروهای مسلح نیز صدق می‌کند، ماده 45 b را به قانون اساسی آلمان افزود. در این ماده تصریح شده است که:

«... کمیساری پارلمان انتخاب شود که از حقوق بنیادی اعضای نیروهای مسلح دفاع کند و پارلمان ملی آلمان را در امر کنترل و نظارت کمک کند.» تمامی جزئیات مربوطه جهت به اجرا در آوردن این مصوبه، در «قانون مربوط به کمیسیون پارلمانی نیروهای مسلح» آورده شده است.

کمیسیون پارلمانی، ارگان مهمی از پارلمان ملی آلمان می‌باشد و بدین ترتیب عضوی از قوه مقننه بشمار می‌رود. او در مورد موضوعات مشخصی بر اساس دستورالعمل‌های پارلمان ملی آلمان و یا کمیسیون دفاع به تحقیق می‌پردازد و یا می‌تواند بر اساس تصامیم خود، زمانی که شرایط، توجه اش را جلب کرد، اقداماتی را انجام دهد.

متناسب با اصل تفکیک قدرت، کمیسیون پارلمانی، نظارت بر وزیر دفاع را انجام می‌دهد، وی می‌تواند اطلاعات و یا سوابقی از وزیر دفاع، تمامی ادارات تابعه و پرسونل آنها را درخواست کند. همچنین

ادامهء چوکات.....

می تواند در هر زمانی، هر واحد، پایگاه و یا ادارات و مسوولین نیروهای مسلح و مؤسسات آنها را حتی بدون اعلام قبلی ملاقات کند. این شخص می تواند مشخصاً به محض دریافت شکایات اعضای دستگاه ها در هر مرتبه و مقامی که باشند، اقدام به انجام تحقیقات نماید. هر فردی از نیروهای مسلح حق دارد که قضیه خود را مستقیماً به کمیسار پارلمانی ارائه دهد بدون آنکه نیازی باشد به گذشتن از کانال های اداری باشد و یا به خاطر ارائه عرض، در مخاطرهء تنبیه انضباطی و یا تبعیض قرار بگیرد.

مأخذ: <http://www.bundestag.de>

مأمور رسیدگی به شکایات: منشأ افزایش اعتماد در بین نیروهای اردو

سوابق فعالیتی مأموران رسیدگی به شکایات، مثلاً در مورد مأمور رسیدگی به شکایات اردوی سویدن (شکل گیری در 1915)، نشان می دهد که این نهاد بصورت ابزاری مؤثر در جهت افزایش اعتماد عمومی در بخش دفاعی در آمده است. بعلاوه، مأمور رسیدگی به شکایات، از پرسونل نظامی زن و مرد در مقابل سوء رفتاریها در اردو حمایت می کند. شاید در کل بتوان گفت که مهمترین دست آورد مأمور رسیدگی به شکایات از جنبهء امنیتی، کمک به افزایش حس اعتماد در بخش نظامی می باشد که با ایجاد شفافیت بیشتر در کلیه مراحل اداری، بدون به چالش کشاندن سلسله مراتب نظامی یا کاهش آمادگی نیروی نظامی صورت پذیرفته است.

آنچه که شما به عنوان نمایندهء پارلمان می توانید انجام دهید

نهاد مأموران رسیدگی به شکایات

- اگر چنین نهادی در کشور شما وجود ندارد، برای فراهم آوردن شرایط ایجاد آن، اقدام کنید.
- در این راستا، دستورالعمل ها، منابع و درس های فرا گرفته شده از مأمور رسیدگی به شکایات کشورهای مختلف را بخاطر بسپارید.

<http://www.ombudsmaninternational.com>

مأمور رسیدگی به شکایات امور دفاع یا بخش امنیتی

- اگر چنین نهادی در کشور شما وجود ندارد، برای فراهم کردن شرایط ایجاد آن، اقدام کنید.
- اطلاعاتی دربارهء تجارب شماری از کشورهای دارای مأمور رسیدگی به شکایات امور دفاعی، کسب کنید.
- اگر کشور شما زمانی دارای مأمور رسیدگی به شکایات وزارت دفاع بوده است، از حیطهء اختیارات، عملکردها، شیوهء اقدامات کلی، مثل گزارش به پارلمان، تأثیرات، منابع و بودجه در مقایسه با نهادهای مربوطه در سایر کشورهایی که دارای وضعیت امنیتی مشابهی می باشند، خلاصه ای را درخواست کنید.

فصل هفدهم بازدید از تأسیسات خدمات امنیتی

زمینه

آشنایی با دستگاه امنیتی برای تمامی نمایندگان پارلمان امری ضروری بشمار می‌رود. دانش نظری باید به منظور درک بهتر نیازهای ادارات امنیتی با تجارب عملی مرتبط گردد و در آن صورت، به نظر می‌رسد که بازدید نمایندگان از تأسیسات ادارات امنیتی، روشی برای زمینه سازی برای دیالوگ، حس اعتماد و درک متقابل بین رهبران نظامی و سیاسی باشد. اینگونه بازدیدها آگاهی نمایندگان را نسبت به مشکلات روزمره سربازان افزایش بخشیده و به بخش نظامی نشان می‌دهد که رهبران سیاسی به مأموریت‌ها و رفاه حال سربازان علاقمند اند و در برابر آنها خود را متعهد می‌دانند.

چوکات شماره 39

مثال ار جنتاین

سیاستمداران بمنظور تبادل نظر با پرسونل نظامی از پایگاه‌ها و واحد های اردو بازدید می‌کنند. این امر با آگاهی سران نیروهای مسلح صورت می‌گیرد و از بی‌اعتمادی و حس تعصب بین این دو ارگان جلوگیری می‌کند. در نتیجه این ارتباط که بین نمایندگان و اعضای نیروهای مسلح شکل می‌گیرد، شناخت بهتری نسبت به مشکلات نظامی ایجاد می‌شود. در مورد مسایل اداره امنیتی، مقررات و وقت و زمان کاملاً متفاوت می‌باشند و اینگونه دیدارها به سیاستمداران کمک می‌کند که به این امر واقف شوند.

مأخذ: Pablo Carlos Martinez : «بازسازی نیروهای مسلح و نقش پارلمان:

تجربه ار جنتاین» <http://www.pdgs.org>

در توقیفخانه ها و زندان‌ها، افراد بندی کاملاً در اختیار و کنترل پرسونل امنیتی هستند. این شرایط به خصوص زمینه آنرا مساعد می‌سازد که زندانیان با انواع رفتارهای ضدحقوق بشر روبرو شوند. متأسفانه، موارد شکنجه و بد رفتاری در زندان‌ها و توقیفخانه‌ها، فراوان به چشم می‌خورد. بنابراین، چنین مراکزی باید تحت نظارت مستقیم و شیوه‌های نظارتی قرار گیرند. این یکی از بهترین وسایل و امکانات برای بازدید نمایندگان و متخصصان از چنین مراکزی میباشد که با هدف پی بردن به موارد بد رفتاری و جلوگیری از ادامه آن صورت می‌گیرد.

چوکات شماره 40 میکانیزم‌های که برای بازدید از توقیفخانه‌ها در پروتوکول الحاقی منشور سازمان ملل درباره شکنجه آمده است تشریح میکند.

چوکات شماره ۴۰

پروتوکل اختیاری میثاق درباره شکنجه، امکان بازدید از تأسیسات ادارات امنیتی را افزایش می‌دهد.

در دسامبر 2002، مجمع عمومی سازمان ملل، پروتوکل اختیاری به ضمیمه منشور این سازمان درباره شکنجه و سایر رفتارهای بی رحمانه و غیر انسانی و یا تنبیهی را به تصویب رساند. این پروتوکل کشورها را مکلف می‌سازد که توفیخانه‌هایشان را در معرض بازدید متخصصان داخلی و بین المللی قرار دهند. این افراد موظفند که توصیه‌هایی را در جهت کاهش احتمال بد رفتاری ارائه دهند.

شرایط باز دیدهای موفقیت‌آمیز

بدیهی است که ملاقات نمایندگان از اماکن ادارات امنیتی از قبیل نیروی نظامی و یا پایگاه‌های آن، باید توسط وزارتخانه مربوطه (مثلاً وزارت دفاع) هماهنگ شود. ملاقات‌های غیر منتظره می‌تواند عواقب شدیداً مخربی را به دنبال داشته باشد. چرا که ممکن است به عنوان بی‌اعتمادی نسبت به اردو و رعایت نکردن سلسله مراتب تلقی گردد، همین‌طور می‌تواند عملکردهای معمول اردو را نیز مختل سازد. این بازدیدها باید با همراهی نمایندگان احزاب سیاسی مختلف و بر اساس شیوه‌هایی اصولی صورت گیرد. محدودیت اینگونه بازدیدها در اینست که اعضای کمیسیون پارلمان تنها آنچه را فرماندهان ادارات امنیتی خواستارند، خواهند دید. چنین بازدیدهایی نه تنها ماهیت واقعی مشکلات را آشکار نخواهد کرد، بلکه به ارتش این فرصت را خواهد داد تا اوضاع را مطابق دیدگاه خود، خصوصاً در مورد تقاضاهای مالی، تغییر دهد.

این محدودیت را می‌توان از طریق موافقت با سه نوع بازدید جبران کرد: بازدیدهایی که توسط اردو پیشنهاد می‌شود، بازدیدهایی که توسط نمایندگان پارلمان پیشنهاد می‌شود و از قبل اعلام می‌گردد و بازدیدهایی که از طرف نمایندگان پارلمان، با اطلاع قبلی اما فاصله زمانی کوتاه (مثلاً یک روز) پیشنهاد می‌شود.

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

قانون مصوب درباره بازدید از اماکن ادارات امنیتی

- سعی نمایید که بازدیدهای نمایندگان پارلمان از اماکن ادارات امنیتی که شامل نیروی نظامی مستقر در خارج نیز می‌شود، در قانون گنجانیده شود.
- در صورتی که چنین قانونی برای بازدید نمایندگان از اماکن ادارات امنیتی وجود نداشته باشد، بررسی کنید که آیا با وجود این هم بازدید از چنین اماکنی با حضور نمایندگان پارلمان صورت می‌گیرد؟ این امر بر چه اساس و تحت چه شرایطی انجام می‌شود. در این قسمت چه معیاری برای انتخاب نمایندگان پارلمان وجود دارد و چگونه این امر کارساز خواهد بود.
- از رعایت شدن قوانین اطمینان حاصل کنید. مشخص کنید که:

- چه مکان‌هایی از نیروهای امنیتی ممکن است بازدید شوند؟

ادامهء چوکات.....

- تحت چه شرایطی چنین ملاقات‌هایی صورت می‌گیرد. مثلاً آیا بازدید در همهء زمان‌ها امکان‌پذیر است یا خیر؟
- شیوهء واقعی و تعدد بازدید نمایندگان از واحد‌ها و پایگاه‌های اردو؛

- اطمینان حاصل کنید که گزارش‌های کتبی دقیقی از چنین بازدیدها به پارلمان یا کمیسیون ذیربط ارائه شده و به بحث گذاشته می‌شود؛
- تأثیرات بازدیدهای انجام شده در گذشته را مورد ارزیابی قرار دهید.
- بررسی کنید که آیا حکومت شما موافقت‌نامهء سازمان ملل در رابطه با شکنجه و پروتوکول‌های الحاقی آن را پذیرفته است یا خیر؟

عضویت هیئت نمایندگان پارلمانی در امر بازدید

- اطمینان یابید که هیئت نمایندگان پارلمان بیطرف بوده و از تناسب عادلانهء اعضای اکثریت و اقلیت برخوردار است.
- بررسی کنید که گروه بازدیدکننده حتی الامکان از لحاظ جنسیت هم از توازن برخوردار باشد.

زمینه‌سازی برای بازدید

- به منظور جلوگیری از اثرات زیانبخش، سعی کنید که بازدید نمایندگان با هماهنگی وزارت دفاع صورت گرفته باشد.

گزارش به پارلمان

- اطمینان یابید که گزارش دقیقی از بازدید به نمایندگان پارلمان ارائه می‌شود و مورد مباحثهء پارلمان و یا کمیسیون ذیصلاح قرار می‌گیرد.
- اطمینان یابید که مقامات امنیتی ذیصلاح برای ارائهء مشاهدات خود، به موقع به گزارش‌ها دست می‌یابند.

تأثیرگذاری و تبلیغات

- اطمینان یابید که یافته‌ها و توصیه‌های نمایندگان و تصمیمات پارلمان اجرا گردیده و برای در اختیار گذاشتن عامه توجه شده و تصمیم گرفته می‌شود.

بخش پنجم

نظارت بر ادارات امنیتی در عمل: شرایط و عملکرد های خاص

فصل هژدهم حالات استثنایی

در شرایط استثنایی از قبیل جنگ، کشمکش‌های داخلی یا سایر حالات اضطراری، دولت مجبور است از قدرت‌ها و شیوه‌های خاصی برای حل بحران استفاده کند. چنین امکاناتی باید بدون لطمه‌زدن به سیستم دموکراتیک حکومتی به کار گرفته شود.

جنگ و چندین نوع حالت اضطراری دیگر، واکنش‌هایی نظامی و حتی حکومت نظامی را ایجاب میکند. در چنین مواردی ادارات امنیتی و نظامی عمدتاً می‌بایست از یک سلسله اصول و تعهدات بین‌المللی، از قبیل قوانین بشردوستانه پیروی کرده و تحت کنترل دموکراتیک باقی ماند. حقوق بشر نیز تا حدی که امکان‌پذیر است، پاسداری شود. همانطور که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، در بند چهارم اعلامیه عمومی شماره 29 مورخ 2001 خود، تحت عنوان پیمان بین‌المللی حفظ حقوق سیاسی و مدنی تأکید نموده است مبنی بر اینکه حقوق مسلم افراد را نمی‌توان از آن‌ها دریغ کرد.

حالت جنگ

در بند 2-4 منشور سازمان ملل آمده است:

«اعضای سازمان باید در روابط بین‌المللی از توسل به تهدید و یا زور خودداری کنند (...).»

بدین ترتیب اعمال زور بر علیه دولتی دیگر شدیداً محدود شده است. یکی از نقش‌های پارلمان، نظارت بر قوه اجرائیه در رعایت اینگونه محدودیت‌های بین‌المللی در استفاده از جنگ، تهدید به آن و تجاوز نکردن از حدود قدرت، در هنگام درگیری‌هاست. کشورهای بی‌طرفی چون سویس ظاهراً استفاده از جنگ را به عنوان روشی برای حل اختلافات در روابط خارجی رد کرده‌اند همچنین حداقل یک کشور چون جاپان در قانون اساسی خود (1946) صراحتاً داشتن نیروی نظامی را منع کرده است. سایر کشورها نیز از قبیل هنگری روش ترك مخاصمت را برای حل اختلاف بین دو ملت ارائه داده‌اند.

در زمان جنگ، پارلمان می‌تواند بر اساس تدابیر قانون اساسی حداقل از طریق سه روش متفاوت - که به ترتیب اهمیت در زیر قید شده‌اند - در مراحل تصمیم‌گیری نقش داشته باشد:

(1) قانون اساسی می‌تواند به پارلمان صلاحیت اعلام جنگ و یا صلح را اعطا کند.
اگرچه امروز در عمل، فرضی بودن این امر به اثبات رسیده است، چرا که جنگ اغلب بدون هشدار آغاز می‌شود و رویدادها بر صلاحیت پارلمان در امر تصمیم‌گیری پیشی می‌گیرند.

(2) قانون اساسی ممکن است قوه اجرائیه را قبل از درگیری در هرگونه جنگ و یا صلح، به اخذ اجازه از پارلمان ملزم کند.

چنین تدابیری به پارلمان این اجازه را می‌دهد که قبل از شرکت در هر عملیاتی چون جنگ و یا به طور گسترده‌تر در هرگونه دخالت نظامی در خارج، موضوع را مورد بحث قرار دهد.

(3) قانون اساسی ممکن است پارلمان را از تصامیم قوه اجرائیه در مورد شرکت در عملیات جنگی مطلع سازد بدون آنکه آن را ملزم به کسب اجازه قبلی از پارلمان کند. اما بیشتر قوانین اساسی اطلاع دادن به پارلمان را الزامی می‌دانند.
حالت اضطراری

حالت اضطراری و یا بحران ملی در شرایط مختلفی ممکن رخ دهد. احکام ملی و قانون اساسی، شماری از حالاتی را پیش‌بینی می‌کند که بر اساس آن می‌توان حالت اضطراری را اعلام کرد. دامنه آنها، از فعالیت‌های مسلحانه که قانون اساسی را تهدید می‌کنند تا آفت‌های طبیعی، بیماری‌های همه‌گیر و یا بحران‌های ملی، مالی و اقتصادی گسترش می‌یابد.

اعلام حالت اضطراری فقط باید در شرایط استثنایی صورت گیرد و باید از اصول کلیدی پیروی کند که اساسات دیموکراسی را به مخاطره نیندازد (به چوکات شماره 41 مراجعه کنید). تعریف چنین شرایط استثنایی به قانون اساسی ملی و مقررات قانونی هر کشور بستگی دارد. قانون اساسی و کلیه قوانین باید قوه اجرائیه را از اعلام حالت اضطراری به نفع انگیزه‌های سیاسی یک حزب منع کند. بعلاوه، قانون اساسی و قوانین مرتبط با آن باید تصریح کنند که کودتاهای نظامی اصولاً بر اساس قانون فاقد اعتبار می‌باشند.

چوکات شماره 41

حالات اضطراری: هدف و اصول

تمامی سیستم‌های قانونی تدابیر بخصوصی را برای مقابله با شرایط اضطراری در نظر می‌گیرند. با وجود آنها، هر نوع تضعیف و یا تعلیق حقوق ضروری، ماهیتاً موقتی می‌باشد که هدف آن برقراری مجدد شرایط عادی و رعایت اصولی‌ترین حقوق‌هاست. (...)

اصول بین‌المللی

«اصول بین‌المللی راکه با توجه به حالات اضطراری پدیدارگشته اند می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

اصل مشروعیت: باید بین اعلام حالت اضطراری و تدابیری که در این شرایط اتخاذ می‌گردد و هم بین اعلام حالت اضطراری و قوانین مصوبه داخلی سازگاری وجود داشته باشد. این اصل در پی حصول اطمینان از انطباق قوانین داخلی با قوانین بین‌المللی می‌باشد.

اصل اعلام شرایط اضطراری: به ضرورت اعلام عمومی حالت اضطراری اطلاق می‌گردد. اصل ایجاد ارتباط، که به لزوم مطلع ساختن به موقع سایر احزاب حکومتی درباره معاهده مربوطه از طریق گواهی کتبی و همچنین مطلع ساختن گزارشگر مخصوص سازمان ملل درباره حقوق بشر در شرایط بحرانی مربوط می‌شود.

اصل شرایط موقت: به ماهیت خاص اعلام شرایط اضطراری که الزاماً در مدت زمانی محدود روی می‌دهد، اطلاق می‌گردد.

ادامهء چوکات.....

اصل تهدید استثنایی: به شرایطی اطلاق می‌شود که بحران یک خطر واقعی، در حالت جاری و یا حداقل در آینده را به جامعه وارد میکند.

اصل نسبیت: به این ضرورت اشاره دارد که می باید تصمیمات اتخاذ شده به نسبت عمق بحران باشد.

اصل تغییرناپذیری: این اصل در رابطه با حقوق بنیادی ایست که غیر قابل تغییر و یا تضعیف است. «این امر که پارلمان به عنوان ارگان پاسدار حقوق بشر، به خاطر انحلال و یا تعلیق صریح قانون، کاستن فاحش در قدرت قانونگذاری و یا نظارتش بر قوهء اجرائیه، خود اولین قربانی اعلام شرایط اضطراری نگردد، از اهمیت خاصی برخوردار است.» برای پارلمان نیز ایفای نقش در اعلام وضعیت اضطراری و یا پایان بخشیدن به آن ضروری می‌باشد. (...).

ماهیت قانونی وضعیت اضطراری

«(...) ماهیت قانونی وضعیت اضطراری به گونه‌ایست که عملکردهای آن (اعلام، تصویب و غیره) و اقداماتی که در آن شرایط صورت می‌گیرد (لغو و یا محدود کردن بعضی حقوق و غیره) باید در چارچوب مبانی قانونی بوده و بدین ترتیب کنترل شود.

عملکرد پارلمان

«باید اذعان داشت که اصل استقلال و توازن قدرت در یک حکومت (...), قسمتی از حاکمیت قانون است. به همین دلیل، بسیاری سیستم های قانونی در سراسر جهان به پارلمان امکان داشتن این اختیارات را میدهند تا وقتی قوهء اجرائیه، شرایط را اضطراری اعلام نماید، پارلمان نقشی فعال در اعلام و یا از بین بردن آن داشته باشد. هدف، جلوگیری از وضعیتی است که قوهء اجرائیه، به عنوان قدرتی مطلق دست به اقداماتی حساس بزند (...).

اولویت بندی اقدامات قانونی در رابطه با حالات اضطراری

«تجربه نشان داده است که در حالات اضطراری بسیار مطلوب است که اقدامات بر اساس تدابیر قانون اساسی درجه بندی شده باشد. در حالیکه بسیاری از قوانین این امر را تصریح کرده‌اند، سایرین با ذکر این نکته که هیچ مرجع قانونی نباید در حالت اضطراری، قانون وضع کند، تلویحاً از آن یاد کرده‌اند. (...)

اقتباس از گزارش گزارشگر مخصوص سازمان ملل در مورد حقوق بشر و حالات استثنایی، آقای L.Despouy، سمپوزیوم اتحادیه بین پارلمانی، بوداپست 1993

حالات واقعاً استثنایی و درازمدت

حالات استثنایی که توسط پارلمان بصورت دوره ای در طول سال‌ها یا حتی دهه‌ها تمدید می‌شوند، می توانند وضعیتی را ایجاد کنند که اصل ارجح بودن بخش غیر نظامی نسبت به سازمان‌های اداره

امنیتی، به مخاطره افتد. در چنین شرایطی، این سازمان‌ها حتی ممکن است دارای مصونیتی شوند که دیموکراسی مورد تهدید قرار گیرد. این شرایط پارلمان را در حالت ضعیف و آسیب‌پذیر قرار می‌دهد. حالات آشوب که در شماری از کشورها به چشم می‌خورد، به وضوح تهدید مستقیمی برای نظارت پارلمان بالای اداره امنیت، که در تمام عملکردهایشان به واقع از آزادی عمل بالایی برخوردارند، می‌باشد.

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

تصویب قانون در شرایطی استثنایی

- اطمینان یابید که انواع مختلف حالات استثنایی در قانون اساسی به خوبی تعریف شده است.
- حالت استثنایی باید در طول سه تا شش ماه، به طور خودکار (اتوماتیک (سپری شود، مگر آنکه توسط مباحثات نمایندگان و یا رأی‌گیری برای تداوم آن، تمدید گردد.
- تلاش کنید که اصول بین‌المللی رعایت قانون، اعلام، ایجاد ارتباط، شرایط موقت، تهدید استثنایی، نسبیّت و تغییرپذیری، به صورتی مطلوب در مصوبات ملی درباره حالات استثنایی گنجانیده شود.
- اطمینان یابید که قوانین بشردوستانه، تضمین‌های قانون اساسی و قوانین مرتبط با حقوق بشر در حالات استثنایی، محترم شناخته می‌شود.
- همین‌طور مراقب باشید که میزان صلاحیت قوه اجرائیه و پارلمان در رابطه با اعلام حالت استثنایی و یا از میان برداشتن آن، بطور کامل و روشن در قانون اساسی بیان شده باشد.

پارلمان در زمان حالات استثنایی

- اطمینان یابید که وجود حالات استثنایی، قدرت پارلمان را برای نظارت بر قوه اجرائیه در رابطه با امنیت و احترام به حقوق لاینفک بشر محدود نسازد.

فصل نهم تأمین امنیت داخلی

امنیت داخلی و نظم عمومی امری کلیدی در جهت منافع جامعه به شمار می‌رود و برای عموم مردم بدون هیچگونه تبعیضی، از جمله مهاجران و خارجیانی که در سرزمین ملی بسر می‌برند نیز منظور شده است و نباید در جهت مقاصد خاص رهبر و یا نیروی سیاسی و یا منافع اداره امنیت، بخشی که خود ابزاری برای حفظ آنها به شمار می‌رود، به کار گرفته شود.

استدلال کلی و خصوصیت های چنین قانونمندی

کلیه ارگانهای قانونی دارای نوعی از قانونمندی ای هستند که شرایطی را ذکر کرده است که اعلام وضعیت فوق‌العاده را طلب نمی‌کند ولی نمایانگر تهدیدی واقعی ای است که امنیت داخلی و نظم عمومی را به مخاطره می‌افکند.

چنین قانونمندی با درجه های مختلف، اختیارات مخصوصی را به قوه اجرائیه اعطا کرده و تدابیری را برای به تعلیق در آوردن و یا محدود ساختن موقتی بعضی از قوانین، پیش‌بینی می‌کند. این امر به منظور حفظ قوانینی که بنیادی‌ترند و در شرایط خاصی ممکن است به خطر بیا فتند صورت می‌گیرد، شرایطی که خود نیاز به تعریف دوباره توسط قوانین مذکور دارند.

رایج‌ترین حقوق محدود و یا حتی تعلیقی شامل حق آزادی اطلاع‌رسانی، تظاهرات عمومی، آزادی و حق درخواست پناهندگی می‌باشد. قوانین بین‌الملل از تعلیق حقوق مسلم و معینی همچون حق زندگی و یا مصون بودن از شکنجه یا هر نوع مجازات فیزیکی، رفتارهای تحقیرآمیز و یا غیر انسانی، جلوگیری می‌کند. کسانی که معمولاً بیشتر از سایرین مورد مراقبت قرار می‌گیرند، مهاجران، روزنامه‌نگاران، فعالین سیاسی، مدافعین حقوق بشر، متقاضیان پناهندگی و همینطور اقلیت‌های مذهبی و نژادی می‌باشند.

خطرات بالقوه

خطرات بنیادی به قانونمندی در زمینه حفظ امنیت داخلی و نظم عمومی شامل موارد زیر می‌باشد:

- ارائه تعریفی نامشخص از ماهیت خطرات که می‌تواند برای قوه اجرائیه این زمینه را فراهم کند که تعابیری متناسب با نیازهای موقعیتی خود ارائه دهد؛
- به قوه اجرائیه و از طریق آن به شماری از ارگان‌های اداره امنیت- اختیارات طولانی مدت و بیش از حدی را ارائه دهند بدون در نظر گرفتن تعدیل و توازن و همینطور بدون مجازات قضایی و اداری؛
- در بعضی از مواقع حفظ امنیت داخلی و نظم عمومی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد تا منافع اختصاصی بخش‌های مختلفی از جامعه، رهبری سیاسی و یا خود اداره امنیت را حفظ کند و به عنوان ابزاری در جهت محدود کردن حقوق و عملکردهای مردم به کار گرفته می‌شود.

- نظامی کردن نیروی پولیس- که نیروی پاسدار قوانین و نظم داخلی است - تفاوت آن را با اردو که پاسدار امنیت است نا مشخص می‌سازد. این امر هنگامی که این نیروها بودجه مالی کافی ندارند، خطرناک جلوه می‌کند. چرا که ممکن است دچار وسوسه سوءاستفاده از شرایط امنیتی گردند و یا مصونیت از بین برود. خطر دیگری که نظامی‌سازی نیروی پولیس را تهدید می‌کند این است که کسانی که در رأس قدرت اند ممکن است از پولیس (و در بعضی مواقع از خدمات استخباراتی و شبه نظامی، به عنوان ابزاری نه برای حمایت از امنیت ملی و نظم جامعه، بلکه برای کنترل و سرکوب مخالفان استفاده کنند. به علاوه، استفاده مکرر از نیروی نظامی برای کنترل نظم جامعه می‌تواند به سیاسی شدن نیروی اردو منجر شود.
- محدود کردن عملکرد پارلمان و قوه قضاییه خصوصاً در جایی که آنها در موقعیتی نباشند که با قدرت قوه اجراییه به مبارزه برخیزند.

تدابیری که برای امنیت و نظم عمومی بکار گرفته می‌شوند ممکن است به زیر پا گذاشتن حقوق بشر توسط اعضای نیروی امنیتی منجر شود و این افراد حتی ممکن است در حالات خاص از منافع مصونیت برای چنین اعمالی سود جویند. حقوق ذیل اغلب در چنین شرایطی زیر پا گذاشته می‌شوند: حق زندگی، مصون بودن از شکنجه، رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز، توقیف غیرقانونی، حق محاکمه عادلانه توسط محکمه ای قانونی و مستقل، آزادی عقیده، بیان و گردهمایی.

چوکات شماره 42

حفظ امنیت و دیموکراسی

همواره در طول تاریخ و امروز در بسیاری از کشورهای رو به انکشاف، حکومت‌های مستبد با این ادعا که دیموکراسی با نظم عمومی و امنیت افراد سازگاری ندارد، در مقابل حرکت‌های دیموکراسی مقاومت نشان داده و یا آنها را نابود کرده‌اند. اما سوابق خلاف آن را نشان می‌دهد، کنترل دیموکراتیک غیرنظامی بر نیروهای امنیتی کشور، نه تنها با امنیت شخصی تضاد نداشته، بلکه ضروری نیز به نظر می‌رسد. بدون این کنترل، تضمین‌کنندگان ظاهری امنیت شخصی می‌توانند خود بزرگترین تهدید برای آن محسوب شوند.

مأخذ: گزارش پیشرفت انسان، سازمان ملل، 2002 (ص 87)

در بعضی کشورها، بعضی از قانونمندی‌ها برای دفاع از دیموکراسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بطور مثال در ارجنتاین، قانون 1984 شماره 23/077 با مضمون «دفاع از دیموکراسی» قانون مجرمیت را تغییر داده و جرمهای مشخصی را علیه سیستم دیموکراسی شناخته است. مثلاً مجازات اجتماع غیر قانونی که تهدیدی برای دیموکراسی و یا احترام نگذاشتن به قانون اساسی محسوب می‌شوند.

بازداشت افراد به حسب خطری که برای امنیت داخلی و نظم عمومی ایجاد می‌کنند

در کلیه قانونمندی‌ها در باره حفظ امنیت داخلی و نظم عمومی و در مورد بازداشت افرادی که مظنون به برهم زدن آنها هستند، پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته است. در این رابطه حداقل دو نوع قانون به چشم می‌خورد:

- قانونمندی‌ای که بازداشت افرادی را که یقیناً تهدیدی جدی برای امنیت ملی به شمار می‌روند، مورد توجه قرار داده است.
- قانونمندی‌ای که بازداشت افرادی را که از نظر قوه اجرائیه تهدیدی برای امنیت ملی به شمار می‌روند، مورد توجه قرار داده است. به عبارت دیگر قانون، به منظور کنترل و یا جلوگیری از شرایطی که ممکن است امنیت ملی را به خطر اندازد، اختیارات خاصی را به قوه اجرائیه اعطا می‌کند.

بیشتر کشورهای که جزیی از دولت‌های مشترك‌المنافع بریتانیا هستند، شکلی از طبقه‌بندی نوع دوم را دارند. تحت چنین قانونی، قوه اجرائیه معمولاً مجاز است بدون مداخله قانونگذاران و یا قوه قضائیه، شماری از تعهدات قانون اساسی را با استفاده از قدرت‌های وسیع اعطا شده، لغو کند. یکی از مسائل کلیدی، توانایی قوه اجرائیه در بازداشت اشخاصی است که می‌توانند تهدیدی برای امنیت ملی باشند. این اشخاص برای دورانی کم‌بیش طولانی که تا چندین بار نیز قابل تمدید است و حتی به صورت نامحدود، در اختیار قوه اجرائیه قرار می‌گیرند. برخی از این قوانین و نه تمام آنها وجود ارگانی را برای تجدید نظر توصیه می‌کنند که ماهیتاً برای مشوره باشد و یا بر عکس ممکن است توانایی آن را داشته باشد که فرد محبوس را آزاد سازد. ترکیب این ارگان می‌تواند تا درجات متفاوتی به قوه اجرائیه ارتباط داشته باشد.

امروز در بسیاری از کشورها چنین قوانینی که عموماً از دوران استعماری بجا مانده است، بخاطر اعطای قدرت فوق‌العاده به قوه اجرائیه و ارگان‌های اداره امنیتی، خصوصاً پولیس و تأثیرات منفی آن بر بهرهمندی از حقوق مدنی و سیاسی به طور گسترده‌ای مورد بحث و جدل قرار می‌گیرد.

چوکات شماره 43

تحریف و عواقب جدی آن

هنگامی که حکومت‌ها به خاطر پایگاه قدرتی بر نیروی امنیتی متکی باشند، نیروهای امنیتی اغلب خود دلیل اصلی ناامنی برای شهروندان و حکومت‌های هم‌جوار می‌شوند. (...) هنگامی که نیروهای وزارت داخله، پولیس‌های شبه نظامی و خدمات استخباراتی به کشمکش‌های داخلی سیاسی کشانده شوند، تلاش برای کنترل مطلوب تر دیموکراسی غیر نظامی به مخاطره افکنده می‌شود.

گزارش پیشرفت انسان، سازمان ملل 2002 (صفحات 87 و 92)

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

قانونمندی جهت حفظ امنیت داخلی و نظم عمومی

- در نظر داشته باشید که امنیت و نظم عمومی به خاطر مردم است و قرار نیست که به عنوان ابزار جدل برای سرکوبی مردم و یا دنبال کردن انگیزه‌های سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. مراقب باشید که از استفاده سرکوب‌گرانه پولیس و بیش از حد نظامی ساختن آن اجتناب شود؛
- تلاش کنید که قوه اجرائیه در مقابل پارلمان پاسخگو باشد. محدودیت‌های قانونی روشنی را بر سر راه قدرت آن قرار دهید؛
- امکان این امر را فراهم آورید که اداره امنیتی، در صورت استفاده بیش از حد از قدرت، مورد مجازات قوه قضائیه و اجرائیه قرار گیرد؛
- سهولت و قابل اجرا بودن قانون دفاع از دموکراسی را مورد تجزیه قرار دهید.

نظارت پارلمانی

- اطمینان یابید که پارلمان به طور معمول مسائل مربوط به امنیت داخلی و نظم عمومی را مورد بحث قرار داده و ارتباط بین قانونمندی موجود در آن زمینه را بررسی می‌کند.
- اطمینان یابید که کمیسیون‌های ذیصلاح از تمامی ابزار و منابع خود استفاده کرده، به اطلاعات دسترسی داشته و حتی‌الامکان با در نظر گرفتن امنیت داخلی و نظم عمومی نظارت مؤثری را اعمال می‌کنند. در صورت نیاز برای دستیابی به ابزار و منابع وسیع‌تر مانند تخصصی که در اختیار کمیسیون‌های مربوطه است، اقداماتی را انجام دهید.
- هر جا که امکان داشته باشد و هر وقت که ضرورت ایجاب کند، توجه عموم مردم را به مسأله مورد بحث جلب نمایید.
- در ارتباط با امنیت داخلی و نظم عمومی و همین‌طور تأثیر این اقدام بر بهره‌مندی مردم از حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادی، گفتگوها را به صورت سازمانی و یا خصوصی با سازمان‌های غیر حکومتی انجام دهید.

فصل بیستم تروریزم:

«تروریزم یکی از تهدیدهایی است که حکومت‌ها باید اتباع خود را در مقابل آن مورد حمایت قرار دهند. آنها نه تنها دارای چنین حقی هستند بلکه وظیفه آن را نیز عهده‌دار می‌باشند؛ با وجود آنهم، باید حتی‌الامکان تلاش کنند اقدامات ضدتروریستی به اقداماتی که اعمال ناقص حقوق بشر را توجیه و یا پنهان می‌سازند، مبدل نگردند.

«در داخل کشور این خطر وجود دارد که در پی ایجاد امنیت، آزادی‌های سیاسی را قربانی سازیم و در نتیجه نه تنها امنیت عمومی را تقویت نکرده ایم، بلکه سبب تضعیف آن نیز شده‌ایم و بدین ترتیب کشتی دیموکراتیک حکومت را از درون فرسوده کرده‌ایم.»
کوفی عنان، منشی عمومی سازمان ملل، 21 نوامبر 2001

تروریزم یکی از بزرگترین تهدیدها برای امنیت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. عکس العمل‌ها نسبت به پدیده تروریزم پیچیده است خصوصاً اینکه تروریزم اغلب با جنایات سازمان یافته مرتبط است. دامنه این عکس العمل‌ها از عملیات پولیسی و کنترل مرزها گرفته تا عملیات جاسوسی، و همینطور از اقدامات مالی، تا اقداماتی در زمینه قوانین جزائی و تکنالوجی اطلاعات گسترده شده است.

از 11 سپتامبر بسیاری از دولت‌ها ضرورت مستحکمتر ساختن قوانین خود را در زمینه‌های مذکور احساس کردند. به علاوه همکاری بین دولت‌ها خصوصاً در زمینه عملیات جاسوسی و تکنالوجی اطلاعات مستحکمتر شده است که البته در این امر احتمال به مخاطره افکندن حقوق بشر و آزادی‌های فردی وجود دارد.

با توجه به همکاری بین‌المللی در زمینه کنترل تروریزم قطعنامه 1373 شورای امنیت سازمان ملل متحد (مصوب 28 سپتامبر 2001؛ به چوکات شماره 44 مراجعه کنید) تأکید مخصوصی بر مسأله کنترل ذخایر، داشته است. قطعنامه 1373 اهمیت کنترل مرزها، کارت‌های شناسایی و مدارک مسافرتی را مورد تأکید قرار داده است که این امر به منظور جلوگیری از حرکات داخلی و یا بین مرزی تروریست‌ها و یا گروه‌های تروریستی می‌باشد. همچنین این قطعنامه حاوی سفارشات در باره سرکوبی اعضای گروه‌های تروریستی، ممانعت از تهیه سلاح و تجهیزات خاص تروریستی و همچنین ترویج اقدامات بازدارنده ضدتروریستی می‌باشد که همکاری بین دولت‌ها را نیز شامل می‌شود. این قطعنامه بر محاکمه کسانی که در کمک مالی، نقش‌پردازی، آماده‌سازی و یا ارتکاب عملیات تروریستی نقش داشته و یا از این اقدامات حمایت می‌کنند، تأکید می‌ورزد. علاوه بر هر نوع اقدام دیگری که علیه آنها انجام می‌شود، چنین اقدامات تروریستی به عنوان جرایم جنایی در قوانین و مقررات داخلی شناخته شده و به شیوه‌ای مناسب مجازات خواهد شد. به منظور جلوگیری از ارتکاب اعمال تروریستی، این امر مستلزم تبادل اطلاعات بر طبق قوانین داخلی و بین‌المللی می‌باشد و همکاری در زمینه‌های اجرایی و قضایی را ایجاب می‌کند. متعاقباً براساس این قطعنامه کمیسیونی متشکل از کلیه اعضای شورا در سازمان ملل تأسیس شد تا با کمک از تخصص لازم، بر تطبیق آن نظارت داشته باشند.

چوکات شماره 44

عکس العمل شورای امنیت سازمان ملل به واقعه 11 سپتامبر شورای امنیت (...)

3- از تمامی کشورها می‌خواهد که:

الف - راه‌هایی را برای قوی‌تر ساختن و تسریع مبادله اطلاعات عملی بیابند؛ خصوصاً در رابطه با اعمال و حرکات اشخاص یا شبکه‌های تروریستی، مدارک ساختگی و جعلی مسافرتی، قاچاق اسلحه، مواد منفجره، استفاده از

تکنالوجی ارتباطی توسط گروه‌های تروریستی و خطری که سلاح‌های کشتار جمعی توسط گروه‌های تروریستی بوجود آورده است.

ب - بر اساس قوانین داخلی و بین‌المللی با یکدیگر مبادله اطلاعات داشته و به منظور جلوگیری از اعمال تروریستی، در زمینه موضوعات اجرایی و قضایی همکاری کنند؛

ج - به منظور جلوگیری و سرکوبی حملات تروریستی، در انجام معاهدات و سازماندهی‌های دو یا چند جانبه همکاری داشته و در برابر مرتکبین اعمال تروریستی به مقابله برخیزند؛

د - هر چه سریعتر، عضویت پروتوکل‌ها و قراردادهای بین‌المللی درباره مبارزه بر ضد تروریسم، حاصل نمایند که از آن جمله قرارداد بین‌المللی سرکوب حمایت مالی از تروریسم، 9 دسامبر 1999 می‌باشد؛

ه - همکاری‌ها را افزایش داده، معاهدات و پروتوکل‌های بین‌المللی در باره تروریسم و همینطور قطعنامه 1269 (مصوب 1999) و 1268 (مصوب 2001) شورای امنیت را کاملاً به اجرا در آورند؛

و - بمقصد تأمین پناهندگی قبل از قبولی درخواست پناهندگی، اقدامات مناسبی را بر طبق قوانین ملی و بین‌المللی که مطابق موازین بین‌المللی حقوق بشر است، اتخاذ کنند تا اطمینان یابند که پناهجویان در ارتکاب اعمال تروریستی دست نداشته و یا موجب سهولت آن نشده‌اند؛

ز - اطمینان یابند که بر طبق قوانین بین‌المللی، موقف پناهندگی مورد سوءاستفاده مرتکبین و سازمان دهندگان اعمال تروریستی قرار نگرفته و ادعاهای مبنی بر انگیزه‌های سیاسی، باعث عدم تسلیم نمودن متهمین تروریست نمی‌شوند (...).

مأخذ: شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه S/RES /1373، 28 سپتامبر

2001 <http://www.un.org/Docs/scres/2001/sc2001.htm>

معاهده بین‌المللی سرکوب کمک مالی به تروریسم مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در 9 دسامبر 1999 از تمامی کشورهای متعهد می‌خواهد افرادی که فعالیت‌های تروریستی را تمویل می‌کنند اخراج نموده و اقداماتی برای تحقیق در خصوص انتقالات مالی مشکوک اتخاذ کنند. از دوم اپریل 2002 تاکنون 132 کشور این معاهده را امضاء کرده‌اند و 26 کشور نیز پروسه تصویب آن را تکمیل نموده که دولتهای عضو آن شناخته می‌شوند. این معاهده در سال 2002 به مرحله اجرا درآمد.

تأثیرات واقعه 11 سپتامبر

برای نمایندگان پارلمان نظارت بر طرحهای حکومتی‌های شان برای مقابله متوازن که امنیت و حقوق بشر محافظت کند، حائز اهمیت است. از نقطه نظر نمایندگان پارلمان، مسائل مربوط به تروریسم باید به صورت مواد قانونی به تصویب برسند. این روشی است جدید برای ایجاد امنیت و انجام اقدامات ضد

تروریستی، که بین امنیت و آزادی توازن ایجاد کرده و احترام همه‌جانبه به قوانین انسانی و حقوق بشر بین‌المللی را ضمانت میکند.

تعریف تروریسم از نقطه نظر قانون

تا به امروز تعریفی از تروریسم که مورد توافق بین‌المللی قرار گرفته باشد وجود ندارد. و تا زمانی که جامعه بین‌الملل در مورد تعریف مشترکی از آن به توافق برسد، تروریسم منحیث یک پدیده غیر تعریف شده باقی خواهد ماند. بر اساس علم حقوق بین‌الملل تلاش برای آزادی ملی و رهایی از اشغال خارجی حقی مشروع بوده و صرفاً عمل تروریستی محسوب نمی‌شود. به علاوه جامعه بین‌الملل از جمله اتحادیه بین‌المللی پارلمانی، مکرراً این حقیقت را که تروریسم نمی‌تواند به مذهب، ملیت یا تمدن خاصی نسبت داده شده و یا به نام آن توجیه گردد، مورد تأکید قرار داده است.

شیوه دیگری از تعریف تروریسم تاکنون، تشریح نوع حملاتی است که در اقدامات تروریستی متداول بوده و جامعه بین‌الملل مکرراً آنها را محکوم کرده است: حملات شدید و فراگیر بخصوص آنهایی که شهروندان بی‌گناه را درگیر می‌سازند و یا هر شکلی از خشونت که توسط گروه‌های فرعی ملی و یا اجنت‌های مخفی انجام می‌شود.

از طریق خشونت علیه شهروندان، عدم توجه به ارزش‌های انسانی و علاقه وافر به تبلیغات از جمله خصوصیات حملات تروریستی شناخته می‌شود. در حملات تروریستی روش‌هایی متداول چون طیاره ربایی، بمب‌گذاری در وسایله نقلیه، عملیات انتحاری، ترور و کشتار جمعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. مبارزه‌ای پی‌گیر علیه ترور نیازمند حمایت مالی، داشتن ذخیره مداوم سلاح و مهمات جنگی و اغلب پشتیبانی شبکه‌های سازمانی بین‌المللی است ولی اغلب، کشور سومی تروریست‌ها را با دادن کمک و پناه، حمایت می‌کند. چوکات شماره 45 نکات مهم یک روش متعادل ضد تروریستی را بیان می‌کند و از حق مشروع بیان نارضایتی و نیاز به انجام اقدامات ضد تروریستی حمایت می‌کند. نکته 37 در چوکات فوق به لزوم انجام اقدامات ضد تروریستی نه تنها جهت مقابله با تروریسم بلکه جهت پیشرفت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهایی که خود مهد نسل جدیدی از تروریست‌ها هستند، تأکید دارد.

چوکات شماره 45

مبارزه با تروریسم

34 - (...) کنفرانس یادآور می‌شود که مبارزه برای آزادی ملی و رهایی از اشغال بیگانگان، حق مشروعی است که در قطعنامه‌های بین‌المللی مطرح شده و به ذات خود، عمل تروریستی نمی‌باشد. با این وجود، کنفرانس تأکید دارد که هیچ مبارزه‌ای نمی‌تواند که حملات فراگیر خصوصاً آنهایی که اتباع بی‌گناه را درگیر می‌سازند و یا هر شکلی از تروریسم سازمان یافته دولتی را توجیه کند.

37- کنفرانس بر ضرورت انجام اقدامات امنیتی ضد تروریسم و برای حمایت از این عملیات، بر برنامه‌های توسعه‌های اقتصادی و اجتماعی و نیز برنامه‌های تقویت دموکراسی پارلمانی، تأکید دارد.

مأخذ: سند نهایی کنفرانس سوم اتحادیه بین‌المللی پارلمانی
درباره امنیت و همکاری در منطقه مدیترانه، ولتا و مالتا، نوامبر 1995

قوانین مختلف ضدتروریستی مانند قوانین اتریش (پاراگراف پیش‌نویس 278 b از قانون جزا)، آلمان (پاراگراف 19 a قانون جزا) و کانادا (لایحه 36-c) موارد زیر را شامل می‌شوند:

- لست محدودی از فعالیت‌های تروریستی یعنی عمل، قصور یا تهدیدی که جرم را تشکیل می‌دهد مانند قتل، گروگانگیری، توقیف غیر قانونی هواپیما، بمب‌گذاری تروریستی یا کمک مالی به این گونه فعالیت‌ها؛ اغلب لست جرائم به اعمالی اشاره می‌کند که در قانون فعلی نیز غیر قانونی محسوب می‌شوند (قوانین ضدتروریستی آلمان، اتریش و کانادا)؛
- هدایت و حمایت (مالی و غیره) گروه‌های تروریستی نیز غیر قانونی می‌باشد (آلمان، کانادا و اتریش)؛
- علت فعالیت‌های تروریستی که می‌تواند سیاسی، ایدیولوژیکی یا مذهبی باشد (کانادا)؛
- قصد فعالیت تروریستی که با هدف تهدید و یا به مخاطره انداختن عموم مردم صورت گیرد و یا دولت را مجبور سازد که به شکلی از اشکال عمل کرده و یا از انجام بعض امور امتناع ورزد (کانادا)؛
- هدف صریح فعالیت تروریستی عبارت از کشتن، آسیب‌رساندن به مردم، به مخاطره افکندن زندگی افراد، صدمه رساندن و یا تخریب دستگاه‌های عمومی و یا خصوصی (کانادا) می‌باشد؛
- از بین بردن فعالیت‌هایی که به منظور ایجاد و یا برقراری مجدد دیموکراسی و قوانین و نیز حمایت از قوانین انسان دوستانه (اتریش) انجام می‌شود. موجودیت چنین قانونی از تبدیل اعتراضات و مبارزات قانونی به اقدامات جنایتکارانه جلوگیری می‌کند.

با در نظر داشت این جنبه‌های قوانین ضدتروریستی وجه مشترک این است که تروریسم با اعمال خشونت‌آمیز و صدمه رساندن به افراد یا مؤسسات مرتبط است؛ بعلاوه، این قوانین دارای لست مشخصی از آنچه که عمل تروریستی نامیده می‌شود، می‌باشند. نه تنها انجام آن اعمال بلکه در ارتباط بودن با یک گروه تروریستی (به عنوان عضو، حامی و یا رهبر) نیز عملی تروریستی تلقی می‌شود.

از نقطه نظر نظارت پارلمانی، مسأله‌ای بسیار مهم اینست که در قوانین جدید ضد تروریسم، تعبیر صحیحی از تروریسم به کار گرفته شود. از یک طرف این روش نباید آنچنان محدود باشد که فعالیت‌های احتمالی گروه‌های تروریستی از آن حذف گردد و یا این تعریف آنقدر وسیع باشد که خطر جرم تلقی کردن اعتراضات قانونی و دیموکراتیک را در برداشته باشد. در اینجا اولین سؤال اینست تا چه اندازه خشونت در یک جامعه دموکراتیک قابل توجیه است. قانونگذاران کشورهای مختلف به این سؤال به شیوه‌های مختلف پاسخ می‌دهند چرا که هر جامعه در طول دوران، استنباط خاصی خود را از مشروعیت خشونت، داشته است. در حالی که این سؤال را در نظر داریم باید به مشروعیت هدف از اعمال خشونت نیز توجه کنیم. اگر خشونت قابل توجیه است، این امر باید با در نظر گرفتن عمق خطر و هدف آن صورت پذیرد.

سؤال دوم این است که اقدام ضدتروریسم باید مطابق با خود تهدید تروریستی باشد. باید در نظر داشت که هدف از قوانین ضد تروریسم، کمک به نیروی پولیس و سایر خدمات امنیتی به منظور انجام اقدامات مؤثر علیه فعالیت‌های تروریستی است. نه آنکه آزادی بیان واقعی و گروه‌ها را محدود ساخته و به کنترل نیروهای مخالف سیاسی قانونی و یا هر نوع تغییر دیگری بپردازند.

سه روش مقابله با تروریسم

خدمات امنیتی به منظور حمایت از جامعه و مؤسسات دولتی می‌توانند سه نوع عکس العمل را علیه حملات تروریستی داشته باشند:

- تدابیر ضد تروریستی: کاهش آسیب پذیری مردم، زندگی عامه، ساختمان‌ها و زیربناها
- تدابیر مقابله با اقدامات تروریستی: جلوگیری از حملات تروریستها از طریق شناسایی و متوقف کردن آنها
- منجمت بحران: حل مسائل و ایجاد ثبات و امنیت در منطقه بعد از حمله تروریستی (فاجعه و وضعیت اضطراری)

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر فعالیت‌های ضد تروریسم با موارد زیر در ارتباط اند: (1) قانونمندی ملی، هماهنگی، تخصیص بودجه، (2) امنیت داخلی، (3) بیگانگان، (4) کنترل مسافرت‌ها و مرزها، (5) امور مالی، (6) همکاری‌های بین‌المللی، (7) تهدیدهای اتمی، بیولوژیکی و کیمیایی. این لیست مختصر باید به عنوان فهرستی از اقدامات احتمالی ضد تروریسم در نظر گرفته شود.

قانونمندی ملی، هماهنگی و بودجه

- تصویب قوانین مخصوص ضدتروریستی یا تغییر قانونمندی موجود؛
- اختصاص بودجه اضافی به اقدامات و سازمان‌ها (برای نیروی پولیس، کنترل مرزها، خطوط هوایی ملی، مسئولین صحت عامه، پست ملی و نیروی نظامی)؛
- افزایش میزان تشریح اطلاعات بین ادارات امنیتی داخلی؛
- تأسیس مراکز هماهنگی بین پرسونل که مسئولیت ایجاد هماهنگی بین سیاست‌های مختلف خدمات امنیتی (نیروی پولیس، اردو، محافظین امنیتی سرحدات) در سطح محلی، ولایات/ملی را دارند؛
- امکان دستیابی کارکنان حفاظتی و حقوقی به مخازن اطلاعات درباره افراد در ادارات گمرک و دفاتر مالیاتی.

امنیت داخلی

- دستیابی به اطلاعات اینترنتی، مکالمات تیلیفونی و ارتباطات از طریق فکس (بدون مطلع کردن مؤسسه نظارتی مربوطه، مثلاً محکمه)؛
- تقاضا از شرکتهای مخابراتی که اطلاعات ردوبدل شده بین مشتریان را (مثلاً تا یکسال) نگه دارند، و بدین ترتیب امکان آن را فراهم آورند که کارمندان مجری قانون به اطلاعات مخابره شده، دسترسی داشته باشند؛
- دستیابی به سوابق الکترونیکی افراد از بانک‌ها، دارندگان خدمات اینترنتی و دفاتر اعتباری بدون مطلع کردن افراد مظنون؛
- استفاده از تحقیقات مؤثرتر کامپیوتری شده با آمیختن چندین پایگاه اطلاعاتی با اطلاعات مدنی؛
- مجاز شمردن استفاده مقامات غیر پولیسی دیگر از دوسیه‌های شخصی در سیستم بکار برد اطلاعات پولیس؛
- در توقیف نگاه کردن افراد برای مدت‌های طولانی به منظور کسب اطلاعات بیشتر؛
- برقرار کردن سیستم‌های تعقیب ملی مانند استفاده از کارت‌های شناسایی.

بیگانگان (مهاجران، پناه جویان و خارجیان)

- فراهم ساختن امکان دستیابی به مخازن اطلاعاتی در مورد خارجیان - بیگانگان برای دستگاه‌های امنیتی؛
- زیر نظر داشتن افرادی که متعلق به قوم خاصی هستند (جمع‌آوری سوابق نژادی افراد)؛
- از میان برداشتن تجدیدنظر قضایی، در صورتی‌که متقاضیان پناهندگی، مظنون به دست داشتن در اعمال تروریستی باشند؛
- امکان ردّ درخواست پناهندگی، زمانی که مسئولان مربوطه (وزیر) اعلام کنند که فرد، خطری برای امنیت ملی بشمار می‌رود؛
- نگهداری نشان انگشت مهاجران و پناهندگان (به مدت 10 سال)؛
- بازداشت کسانی که تهدیدی تروریستی به شمار می‌روند ولی نمی‌شود از کشور بیرون شان راند؛
- افزایش کنترل هویت افراد، در جریان پروسه دریافت ویزه، افزایش کنترل پیشینه سیاسی افراد متقاضی پناهندگی.

مسافرت‌ها و کنترل مرزها

- کنترل شدیدتر مرزها؛
- مسلح کردن عمده خدمه طیارات ملکی؛
- نصب درهای ضد گلوله برای اتاق پیلوت؛
- اسکن (عکس برداری) صددرصد تمامی بارها و محموله‌ها در میدان‌های هوایی؛
- استفاده از خصوصیات بیومتریک در کارت‌های شناسایی/ پاسپورت؛
- بکار گرفتن تفتیش‌های دقیق‌تر و کامل‌تر در نقاط آسیب‌پذیر (بنادر، تونل‌ها و میدانهای هوایی)؛
- جمع‌آوری اطلاعات در قسمت‌های ورودی.

امور مالی

- کنترل انتقالات مالی؛
- افزایش نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به منظور جلوگیری از پول‌شویی و جعلکاری؛
- مسدود کردن حساب‌هایی که گمان می‌رود با عملیات تروریستی مرتبط باشد؛
- تقاضا کردن از بانک‌ها به دادن اطلاعات در مورد تمامی حساب‌ها و موارد امنیتی به مخازن اطلاعاتی مرکزی (مبادله اطلاعات حساب بانکی)، از جمله جرم دانستن عدم گزارش در مورد انتقالات پولی که گفته می‌شود با مقاصد تروریستی مرتبط است؛
- ایجاد و یا مؤثر ساختن بیشتر واحدهای مالی اطلاعاتی (در وزارت مالیه).

همکاری بین‌المللی

- افزایش همکاری بین‌المللی، برای مثال حکم بازداشت در اروپا یا استرداد سریع مجرمان؛
- ارائه طرح معاهدات بین‌المللی در مورد مسائل ضدتروریستی در قانونمندی داخلی؛
- استقرار ارتش به عنوان قسمتی از نیروی کمکی امنیت بین‌المللی (ISAF) در افغانستان؛

- امضاء و تصویب معاهدات سازمان ملل متحد درباره تروریسم؛
- در میان گذاشتن اطلاعات بین خدمات امنیتی هم پیمان در سطح بین المللی؛
- مورد توجه قرار دادن علل ریشه‌ی تروریسم یعنی تهیه‌کمک‌های انکشافی بکشورهایی که مهد و پناهگاه تروریسم است.

تهدیدهای اتمی، بیولوژیکی و کیمیاوی

- برقراری مراکز یا فعال‌تر ساختن مراکز فعلی هسته‌یی، بیولوژیکی، کیمیاوی و رادیولوژیکی (تشعشع‌یی)؛
- هماهنگ‌سازی کوشش‌های موجود در این زمینه با تولید و یا ذخیره سازی انواع واکسین‌ها (مثلاً واکسین آبله)؛
- افزایش آمادگی مراکز صحتی با حصول اطمینان از وجود ذخیره‌ه ادویه جات؛
- افزایش حفاظت از تسهیلات هسته‌ئی (مثلاً نصب دستگاه‌های رادار که طیارات قادر به پرواز در ارتفاع کم را شناسایی کند).

توازن صحیح بین حقوق بشر و امنیت

چنین اقداماتی که در کشورهای مختلف صورت می‌گیرد نه تنها موقتی نبوده بلکه احتمالاً برای مدتی طولانی مؤثر خواهند بود. بنابراین تدابیر ضد تروریستی نیز از این قاعده مستثنی نخواهند بود بلکه آنها عنصر وجودی جریان عادی زندگی در جامعه به شمار می‌روند. زمانی که این گونه اقدامات، حقوق مدنی افراد از قبیل آزادی بیان، انجمن‌ها و حقوق خصوصی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، این امر از اهمیت بخصوصی برخوردار می‌گردد. با توجه به طولانی بودن اقدامات ضد تروریستی و به خاطر این که این گونه تدابیر دارای اهداف دراز مدت می‌باشند، اعلام حالات اضطراری و یا استثنایی مناسب نمی‌باشد.

علاوه بر این اقدامات ضد تروریستی تقسیم وظایف دیرینه بین قانون اجرایی و اطلاعات جاسوسی را کوچک می‌سازد. مأمورین اجرای قانون از قبیل پولیس و خدمات استخباراتی اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. خدمات استخباراتی به جمع‌آوری اطلاعات در رابطه با تهدیدهای بالقوه می‌پردازند؛ در حالی که نقش پولیس، پاسداری از قانون و نظم است. معمولاً خدمات استخباراتی افراد مظنون را توقیف نمی‌کنند. در حالی که نیروی پولیس، قبل از دستیابی به شواهدی دال بر ارتکاب جرم، به « کار وقایوی استخباراتی» نمی‌پردازد. از نقطه نظر حاکمیت دیموکراتیک، خدمات استخباراتی نباید به امر تجسس در باره اتباع خود بپردازند. این تقسیم بندی کار به طرز فزاینده ای مشکل شده است و علت آن است که قواعد مبارزه با تروریسم در کشورهای مختلف، سبب کاهش محدودیت‌های استفاده از روش‌های اطلاعاتی (خارجی) برای حمایت از تحقیقات درباره جرایم داخلی می‌باشد.

مشکل سوم این است که ادارات امنیتی به طرز فزاینده‌ای اجازه یافته اند که اتباع خود را بدون اطلاع به ارگانی نظارتی از قبیل محکمه تحت نظر بگیرند که این امر می‌تواند به طرز خطرناکی حقوق مدنی افراد را تلف کند. همچنین برای اتباع، مأمور رسیدگی به شکایات و سازمان‌های غیردولتی مشکل خواهد بود که مسئولیت فعالیت‌هایشان را به حکومت و یا ارگان‌ها محول کنند چرا که آنها الزاماً در مورد تحت نظر داشتن افراد اطلاعاتی ندارند.

چهارم آنکه احتمال آن می‌رود که مهاجران، پناهجویان و خارجی‌ها هدف اقدامات ضدتروریستی قرار گیرند که این اقدامات می‌تواند سبب افزایش کشیدگی بین گروه‌های اقوام مختلف و همین‌طور از بین بردن اصل حقوقی که تمامی افراد در مقابل قانون برابرند، شود.

اگر چه تمامی این اقدامات برای مبارزه‌ای مؤثر بر علیه تروریسم ممکن است الزامی باشد، پارلمان می‌بایست مطمئن گردد که آنها با اصول قوانین انسان‌دوستانه حقوق بشر مطابقت دارند. به عبارتی دیگر تلاش برای ایجاد امنیت مطلق نه تنها غیر واقع‌گرایانه است بلکه ممکن است احترام حکومت را نسبت به تعهدات ملی و بین‌المللی به مخاطره اندازد چرا که معمولاً با قدرت مطلق همراه است که خلاف مفهوم دموکراسی است. به همین علت تمامی سیستم‌های قانونی محدودیت‌هایی را بر صلاحیت‌های خاص به قوه اجراییه وضع مینمایند. با در نظر داشتن مبارزه کنونی علیه تروریسم، کشیدگی بین آزادی و امنیت می‌تواند نمایندگان پارلمان را با چالشی جدی روبرو کند. با آنهم، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد که ایجاد موازنه بین آزادی و امنیت نباید مسئولیت اختصاصی قوه اجراییه باشد و پارلمان بعنوان نماینده حقوق مردم، می‌بایست نظارت دقیقی در این زمینه داشته باشد.

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

مبارزه با تروریسم

- روشی گسترده را برای مقابله با تروریسم دنبال کنید، نه تنها توجه خود را به حفاظت و امنیت معطوف کنید بلکه دلایل ریشه‌ای آن از قبیل تضادهای داخلی و غیره را بررسی کنید. به خاطر داشته باشید حل و فصل درگیریهای منطقه‌ای با استفاده از ابزارهای صلح‌آمیز و همین‌طور ایجاد دیالوگ فرهنگی و تفاهم، برای جلوگیری از تروریسم اساسی به نظر می‌رسند.
- ریشه بسیاری از اختلافات منطقه‌ای در شماری از مشاجرات اقلیت-اکثریت بر اساس تمایزات قومی یا تفرقه‌های مذهبی یافت می‌شود و دستگاه‌های نظامی در چنین شرایطی می‌توانند مورد استفاده و یا سوء استفاده قرار گیرند، لذا نمایندگان پارلمانی که از اقلیت‌ها نمایندگی میکنند، می‌بایست عضو کمیسیون دفاع، اطلاعات و امور قضایی باشند و پارلمانها باید کمیسیون و هیئت‌های داورى را برای حفاظت از این گروه‌های اقلیت تشکیل دهند.
- اطمینان یابید که دولت شما عضوی از معاهدات و پروتوکل‌های مربوط به تروریسم، از جمله معاهده بین‌المللی جلوگیری از حمایت مالی تروریسم مورخ 9 دسامبر 1999 می‌باشد. در صورت لزوم، اقداماتی را برای یقینی ساختن تصویب و یا وفاداری به این ابزارها و نیز استفاده از مصوبات و سیاست‌های مرتبط انجام دهید.
- به دقت اجرای معاهده شورای امنیت مبنی بر سرکوبی عملیات تروریستی هسته‌ای و معاهده جامع نابودی تروریسم را کنترل کنید.
- به منظور بیان همبستگی ملی، اقداماتی قانونی را تصویب کنید که به قربانیان اعمال تروریستی غرامت پرداخت شود.
- اطمینان یابید که قانونمندی ضد تروریسم، بین الزامات امنیتی و برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی و همین‌طور بین تأثیر بالقوه قانون مذکور در کلیه زمینه‌های مرتبط و مصارف به اجرا در آوردن آن، توازن ایجاد می‌کند.
- همچنین به پیشنهادهای موجود در چوکاتهای فصل هجدهم درباره حالات استثنایی و فصل نهم درباره حفظ امنیت داخلی و نظم عمومی مراجعه کنید.

فصل بیست و یکم امنیت و تکنالوجی اطلاعات: ابزارها و چالش‌های جدید

آشنا شدن با تکنالوجی‌های اطلاعاتی جدید به حفظ امنیت کمک کرده است ولی در عین حال تهدیدهای جدی جدیدی را نیز بوجود آورده است. قطعنامه شماره 1373 (سال 2001) (به چوکات شماره 44 مراجعه کنید) شورای امنیت سازمان ملل متحد که در فصل قبل به آن اشاره شد، شواهد روشنی مبنی بر آگاهی جامعه بین‌الملل نسبت به کاربرد دوگانه‌ی تکنولوژی‌های اطلاعاتی درباره تروریزم بین‌الملل و خطراتی که برای امنیت و صلح بین‌الملل دارد، ارائه می‌کند.

در چند دهه اخیر، سازمان‌های بین‌المللی مختلفی بر روی روش‌های جلوگیری از کاربرد تکنالوجی اطلاعاتی در زمینه جرایم و فعالیت‌هایی که امنیت بین‌الملل را به مخاطره می‌اندازد، کار کرده‌اند و در عین حال رهنمودهایی را مورد بررسی قرار داده‌اند که مانع استفاده کشورهای از چنین تکنولوژی‌هایی به طرزى که خطری برای حقوق بشر و آزادی داشته باشد، می‌شوند.

مطالب زیر می‌تواند برای نمایندگان پارلمان در ایجاد قانونمندی‌ای که چنین چالش‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهد، قابل توجه باشد.

جرم اینترنتی

تعریف آنچه که جرم اینترنتی نامیده می‌شود، هنوز تکمیل نشده است. به هر حال این واژه معمولاً ساحه گسترده‌ای از جرایم و سوءاستفاده‌هایی از تکنالوجی اطلاعات را در بر می‌گیرد که رایج‌ترین شکل گزارش شده آن دزدان نرم‌افزارها و ویروس‌های کمپیوتری می‌باشند. هر چند که در سال‌های اخیر شاهد علاقه مفرت در این ساحه بوده‌ایم، مسأله جرم کمپیوتری چیز جدیدی نیست و از آغاز روزهای نخست استفاده از کامپیوتر، مواردی به چشم خورده است که می‌تواند در اینجا گنجانده شود. در زمان حال، تفاوت در چشم‌انداز وسیعی است که به اصطلاح مهاجمان اینترنتی در اختیار دارند که بیشتر به محبوبیت اینترنت مربوط می‌گردد. منافع بی‌شماری که اینترنت ارائه می‌دهد و نیز شبکه گسترده جهانی به سهم خود، سبب استفاده گسترده همگانی شده است. در عین حال، استفاده گسترده سبب علاقه به مسایل مرتبط با آن نیز شده است و به نظر می‌رسد روزی نیست که شکلی از جرم اینترنتی گزارش نشود.

در 23 نوامبر 2001، شورای اروپا منشور جرائم اینترنتی را طرح کرد که اکنون به مرحله تصویب رسیده است و زمانی که توسط پنج کشور که حداقل شامل سه کشور عضو شورای اروپا باشد تصویب شود، به مرحله اجرا درخواهد آمد. (در ماه می 2002، این منشور به امضای 29 کشور شورای اروپا و چهار کشور غیر عضو رسید). این منشور بر اساس شناخت لزوم داشتن سیاستی مشترک برای حفاظت از جامعه، در مقابل جرم به همراه استفاده از قانونی مناسب و ایجاد زمینه برای همکاری بین‌المللی، پایه‌ریزی شده است.

امنیت دستگاه های اطلاع رسانی

افزایش چشمگیر در استفاده از دستگاه های اطلاع رسانی در هر زمینه و هدفی، سبب گردید که سازمان های بین المللی دچار نگرانی درباره خطرات آن شوند. در نهایت این امر منجر به این شد که شورای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) در نومبر 1992 دستورالعمل مفصلی را برای امنیت سیستم های اطلاع رسانی منتشر کند که اهداف زیر را دنبال می کنند:

- افزایش آگاهی نسبت به خطراتی که سیستم های اطلاع رسانی را تهدید می کند و راه های حفاظتی برای مقابله با آن خطرات؛
- ایجاد چارچوب کلی برای کمک به کسانی که در بخش های عمومی و خصوصی، مسئولیت گسترش و حفاظت از سیستم های اطلاع رسانی را به عهده دارند؛
- افزایش همکاری بین بخش های عمومی و خصوصی در ایجاد و بکارگیری چنین اقداماتی؛
- ایجاد اطمینان در سیستم های اطلاع رسانی و طریقه ای که این امر امکان پذیر شده و مورد استفاده قرار می گیرد (...)
- افزایش همکاری بین الملل برای دستیابی به امنیت در سیستم های اطلاع رسانی».

شورای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی با ارائه این رهنمودها، اظهار داشت که «آنها حقوق مستقل حکومت ها در رابطه با امنیت ملی و نظم عمومی را تحت تأثیر قرار نداده و همواره تحت پوشش شرایط قانونی قرار می گیرند».

یادداشت ها یا فایل های اطلاعاتی شخصی موجود در کامپیوتر

در دسامبر 1990 مجمع عمومی سازمان ملل متحد رهنمودهایی را در رابطه با فایل های اطلاعاتی شخصی کامپیوتری طرح کرد. چند سال قبل از آن در دسامبر 1980 سازمان توسعه و همکاری اقتصادی نیز توصیه هایی را درباره حفاظت از انتقال اطلاعات شخصی در سطح فرامرزی و یا خصوصی طرح کرده بود، همچنین شورای اروپا در سال 1981 منشور حمایت از فرد در رابطه با بکاربرد خودسرانه اطلاعات شخصی وی را به تصویب رساند. به چوکات شماره 46 مراجعه کنید.

چوکات شماره 46

میثاق حمایت از افراد در رابطه با بکاربرد اطلاعات شخصی آنها (ETS no.108)

«این میثاق اولین ابزار بین الملل لازم الاجراست که از افراد در مقابل سوءاستفاده از جمع آوری و بکاربرد اطلاعات شخصی آنها حمایت می کند و به منظور سامان بخشیدن به اطلاعات شخصی افراد، در سطحی فرامرزی آماده شده است. علاوه بر تضمین جمع آوری و بکاربرد اطلاعات شخصی، در صورت فقدان حمایت قانون مناسب، بکاربرد اطلاعات «حساس» در رابطه با نژاد، سیاست، صحت، مذهب، روابط جنسی، سوابق جنایی و غیره را منع می کند. این میثاق حقوق افراد را برای آگاهی از اطلاعات ثبت شده و در صورت لزوم تصحیح آن را محفوظ می داند. محدود ساختن حقوقی که در این میثاق آمده است زمانی ممکن است که منافع عمده (مثلاً امنیت کشور، دفاع و غیره) را به مخاطره بیاندازد. همچنین در جایی که قانون، حمایتی مشابه را برای دادن اطلاعات شخصی افراد در سطح فرامرزی تأمین نکرده است، میثاق نامبرده بعضی محدودیت ها را اعمال می کند.

مأخذ: شورای اروپا

وب سایت <http://conventions.coe.int>

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می توانید انجام دهید

قانونمندی تکنالوجی های اطلاع رسانی

- اطمینان یابید که قانونمندی به قدر کافی با تکنالوجی اطلاع رسانی جرائم اینترنتی هماهنگی دارد و از آنجایی که چنین تکنالوجی هایی بسرعت رو به رشد است، قانون مذکور دائماً مورد بازبینی قرار گرفته و منطبق با دانش روز است.
- اطمینان یابید که کشور شما عضوی از میثاق های منطقه ای و بین المللی است و قانونمندی داخلی و سیاسی خود را بر آن اساس، مطابقت داده است.
- توجه داشته باشید که قانونمندی داخلی و تدابیر سیاسی درباره استفاده از تکنالوجی های اطلاع رسانی و جرائم اینترنتی به تفصیل شرح داده و به کار گرفته شده است و نیز توجه مخصوصی به اهمیت حفظ حقوق بشر و آزادی های بنیادی شده است.
- در صورت صلاحدید، به منظور جبران هر حالت نامطلوبی، اقداماتی به شکل پرسش پارلمانی از حکومت، جلسات استماعیه و یا طرح لایحه ای خصوصی، انجام دهید.

ابزار و منابع پارلمانی

- اطمینان یابید که کمیسیونی از مجلس و یا یک کمیسیون فرعی بطور دائم، پیشرفت و مسایل مربوط به تکنالوجی اطلاعات و کاربرد آن را دنبال می کند.
- در صورت لزوم جهت داشتن یک کمیسیون یا کمیسیون فرعی و یا گنجاندن این موضوع در دستور کار کمیسیون فعلی، اقداماتی را انجام دهید.
- اطمینان یابید که افراد ذیصلاح در پارلمان، دارای عالی ترین حد ممکنه از منابع و مهارت برای پیشبرد مأموریت شان می باشند.
- در صورت صلاحدید، در پارلمان نهاد غیر رسمی جهت دنبال کردن پیشرفت ها، مباحثه ها و اقداماتی را در این زمینه به راه اندازید. چنین انجمنی می بایست فاقد تعصبات حزبی باشد و تا جایی که ممکن است افراد آن از نمایندگان دو جرگه تشکیل شده باشند.

فصل بیست و دوم مأموریت‌های صلح بین‌الملل

در شرایط جاری بین‌المللی، تلاش‌های فزاینده‌ای در جهت حل مخاصمات با استفاده از فصل ششم (حل مسالمت‌آمیز منازعات) یا فصل هفتم از منشور سازمان ملل (حرکاتی که صلح را تهدید می‌کنند و یا اقدامات تجاوزگرایانه) صورت می‌گیرد. بر اساس این تدابیر، سازمان ملل مفاهیم، تدابیر و دستورالعمل‌هایی را برای سازماندهی و به انجام رساندن چنین مأموریت‌هایی ارائه کرده است (به چوکات‌های 47 و 48 درباره روند عملیات گام‌به‌گام میانجیگری صلح سازمان ملل و چوکات شماره 50 درباره آموزش نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل مراجعه کنید). بر اساس پیشرفت‌هایی که امنیت بین‌الملل را متأثر می‌سازند، ممکن است کشورها برای شرکت در چنین مأموریت‌هایی احضار شوند.

مساعدت در مأموریت‌های صلح خارج از کشور

پاسداری از صلح، برقراری صلح و یا عملیات میانجیگری بستگی به مشارکت اعضای کشورها در اعطای اختیار به شورای امنیت دارد. بطور فزاینده‌ای دولت‌ها لشکرهایی را به خارج از کشور، در عملیاتی با هدف ایجاد صلح و امنیت در مناطق بی‌ثبات اعزام می‌کنند. لازم به ذکر است هر گونه استقرار نیرو باید بر اساس اصول و قوانین بین‌المللی باشد که در فصل پنجم تحت عنوان سیاست امنیت ملی و آیین‌نامه‌های بین‌المللی آورده شده است.

از نقطه نظر حاکمیت مطلوب، که در آن سیستم تعدیل و توازن بین پارلمان و دولت جاری است، پارلمان میبایست فرصت شرکت در تصمیم‌گیری برای استقرار نیروی نظامی در خارج از کشور را داشته باشد.

چوکات شماره 47

میانجیگری برای صلح، پاسداری از صلح، استقرار صلح، ایجاد صلح: چند تعریف مفید سازمان ملل متحد

میانجیگری صلح

میانجیگری صلح عبارت است از بکار برد ابزارهای دیپلماتیک برای ترغیب طرفین مخاصمه جهت

پایان بخشیدن به دشمنی‌ها و مذاکره جهت حل اختلافات. به عنوان نهاد بازدارنده، سازمان ملل تنها در صورتی که طرفین مخاصمه موافقت کنند می‌تواند نقش مذکور را ایفا نماید. بدین ترتیب، میانجیگری صلح، برای پایان بخشیدن به مخاصمه استفاده از نیروی نظامی علیه هر یک از طرفین منع می‌کند.

پاسداری از صلح

از سال 1948، 54 عملیات پاسداری از صلح انجام یافته است؛ 41 مورد از آن عملیات توسط شورای امنیت طی 12 سال گذشته انجام یافته است. در حال حاضر 15 عملیات پاسداری از صلح، در این زمینه در حال انجام است.

ادامه چوکات.....

پاسداری از صلح در ابتدا به عنوان ابزاری برای حل درگیری‌های بین دولت‌ها شکل گرفت و شامل استقرار پرسونل نظامی شماری از کشورها به فرماندهی سازمان ملل متحد بود که درگیری‌های نظامی را کنترل و فیصله نماید. امروز پاسداری از صلح بطور فزاینده‌ای در درگیری‌های حکومتی و جنگ‌های داخلی به کار گرفته می‌شود. وظیفه نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل- پرسونل نظامی، پولیس غیرنظامی و دسته دیگری از غیرنظامیان - از هم دور نگهداشتن طرفین درگیر است به آنها کمک شود که بصورت مسالمت آمیز باهم همکاری کنند.

به این معنی که کمک به معاهدات صلح، کنترل آتش‌بس، ایجاد منطقه حائل (بی طرف) و بطور فزاینده‌ای ایجاد مؤسسات سیاسی، کارکردن در کنار حکومت، سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های اتباع محلی جهت امدادسانی، خلع سلاح جنگجویان قبلی و جذب دوباره آنها در جامعه، پاکسازی مناطق مین‌گذاری شده، سازمان‌دهی و برگزاری انتخابات و کمک به پیشرفت مداوم، از جمله این وظایف می‌باشد. کشورهای عضو، ارتش، تجهیزات و یا پولیس غیر نظامی را داوطلبانه تأمین می‌کنند، چرا که سازمان ملل فاقد نیروی نظامی است. ناظرین انتخابات، گزارشگر حقوق بشر و سایر غیرنظامیان مداوماً در کنار پرسونل نظامی به فعالیت مشغولند. بُرنده‌ترین «سلاح» نیروهای پاسدار صلح، حفظ بی‌طرفی در انجام رساندن وظیفه‌شان است. اما پاسداری از صلح، شغل پرمخاطره‌ای است؛ از سال 1948 بیش از 1650 نیروی نظامی و غیر نظامی پاسدار صلح سازمان ملل متحد، در حین انجام وظیفه، جان خود را از دست داده‌اند.

استقرار صلح: آیا عمل استقرار صلح همان پاسداری از صلح است؟

در خصوص عمل استقرار صلح، شورای امنیت کشورهای عضو را برای رسیدن به هدف تعیین شده، مختار به انجام کلیه اقدامات ضروری می‌سازد و در این امر، رضایت طرفین مخاصمه نیز الزامی نمی‌باشد. استقرار صلح در چند منطقه همچون خلیج فارس، سومالی، رونا، هائیتی، بوزنیا و هرزگوینا، آلبانیا و تیمور شرقی، مورد استفاده قرار گرفته است. این عملیات تحت کنترل سازمان ملل صورت نگرفته، در عوض توسط يك کشور و یا جمعی از کشورها انجام شده است؛ از قبیل آسترالیا در تیمور شرقی (1999)، کشورهای عضو پیمان ناتو در بوزنیا و هرزگوینا (از سال 1995) و در کزوو (1999) که ناتو فرماندهی نیروی نظامی و سازمان ملل متحد ریاست اداره موقت مأموریت صلح را به عهده دارد.

تدابیر پیش‌بینی شده در منشور سازمان ملل متحد در مورد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، اساس پاسداری از صلح و استقرار آن می‌باشد.

ایجاد صلح

ایجاد صلح به عملیاتی اطلاق می‌شود که در جهت کمک به ملت‌ها برای ایجاد صلح پس از درگیری باشد. چنین عملیاتی به خاطر سازندگی کشور و امور بازسازی، وظایف بسیار سنگینی را عهده‌دار است.

مأموریت‌های بشری

هدف از چنین مأموریت‌های بشردوستانه، امدادسانی در جنگ‌های داخلی، قحطی و آفت‌های طبیعی، سیل، خشکسالی، طوفان و زلزله می‌باشد. در جایی که کمک لوجیستیک نیروهای نظامی، تنها راه به اجرا درآوردن و تحقق برنامه‌های امدادسانی می‌باشد، دولت‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و آژانس‌های سازمان ملل متحد، خواستار اقدام همزمان در اینگونه موارد اضطراری میشوند.

مأخذ: بخش‌های تلفیقی سایت سازمان ملل متحد <http://www.un.org>

ممکن است اینطور مطرح شود که درگیر شدن پارلمان تا حدی در امور اعزام نیرو به خارج از کشور، به صلاح مردم و حکومت می‌باشد چرا که مباحثه‌ها و آراء نمایندگان پارلمان، مشروعیت دموکراتیک این مأموریت را افزایش داده و سبب حمایت مردمی می‌شود.

اشتغال نمایندگان پارلمان در روند تصمیم‌گیری برای اعزام نیروی نظامی به خارج

هر چند اعزام نیروی نظامی به خارج، هنگام مواجهه با مخاطرات و یا حل بحران‌های بین‌المللی از اهمیت بخصوصی برخوردار است، زمانی که نیاز به تأیید حضور در مأموریت‌های صلح وجود داشته باشد، نقش پارلمان در بعضی از دولت‌ها محدود شده و در بعضی موارد اصلاً وجود خارجی ندارد. برای آنکه از نظارت دموکراتیک بر مسائل امنیتی اطمینان داشته باشیم این وضعیت باید حداقل تا اندازه‌ای تغییر کند. با در نظر داشت حاکمیت صالح سه حالت متفاوت شناخته شده است که در هر یک، نقش و حضور مستقیم پارلمان می‌تواند بهبود یابد.

تصویب بعدی یا قبلی پارلمانی (نقش پر قدرت)

اگر به تصویب قبلی ضرورت باشد، نیروهای نظامی فقط در صورت تصمیم پارلمان می‌توانند به خارج اعزام شوند. در اینجا باید تفاوت مختصری بین حالتی که پارلمان دارای قدرت مباحثه و سپس رأی‌گیری در مورد این موضوع می‌باشد (مانند ایالت متحد آمریکا) و حالتی که پارلمان قانونی را تصویب می‌کند که فرمان به چنین مأموریتی می‌دهد، مانند سویدن مدنظر گرفت. در هر دو مورد دخالت‌های انسان دوستانه و مأموریت‌های پاسداری از صلح به شیوه‌ای دموکراتیک به اجرا در می‌آید.

تعیین وقت و زمان مسأله اساسی در موضوعات دفاعی به شمار می‌رود و از آنجایی که پارلمان معمولاً از سرعت عمل اندکی برخوردار است، استفاده از تصویب قبلی آسان نخواهد بود. به همین دلیل است که در بسیاری از موارد، درگیر شدن پارلمان در امر استقرار نیروی نظامی بعد از اعزام نیرو می‌باشد. برای مثال، بر اساس "قطعنامه نیروهای جنگ" در ایالات متحده آمریکا، کانگرس باید تا 92 روز پس از اعزام نیروی نظامی به خارج موافقت خود را اعلام کند. این امر اساساً در مواردی است که نیروی نظامی، قبل از آنکه پارلمان بتواند موافقت خود را اعلام کند، اعزام شده باشند. در مقابل، کشور هالند در بند صدم قانون اساسی خود، خواستار همکاری پارلمان و دولت، در هنگام اعزام نیروی نظامی به خارج، می‌باشد و این امر را با ارائه کلیه اطلاعات ضروری از قبل، درباره استقرار یا در اختیار گذاشتن نیروی نظامی برای به اجرا درآوردن نظم و قانون بین‌الملل انجام می‌دهد. این امر در مورد ارائه کمک‌های بشری در حالات درگیری‌های نظامی نیز صدق می‌کند.

پارلمان با نقش محدود انجام مباحثه برای اعزام نیروی نظامی (نقش محدود)

در اینجا قانون اساسی نقش پارلمان را محدود می‌سازد و پارلمان فقط اجازه دارد درباره اعزام نیرو در حالت مشخص بحث کند. ولی نمی‌تواند تصمیم قوه اجرائیه را تغییر دهد همچنین از حق رأی دادن در این مورد محروم می‌باشد. هر چند که پارلمان نمی‌تواند در مورد تصمیم گرفته شده رأی بدهد، اما چنین مباحثه‌ها می‌توانند مشروعیت دموکراتیک اعزام نیرو به خارج را افزایش دهند. در مواردی که قدرت پارلمان بسیار محدود باشد و ممکن است پارلمان رسماً با اعزام نیروی نظامی به خارج ارتباطی

نداشته باشد. با آنهم شیوه مرسوم این طور تجویز می‌کند که دولت و پارلمان درباره نیروی نظامی به خارج، به مباحثه پرداخته و حتی در بعضی کشورها بر سر آن رأی‌گیری کنند.

پارلمان از مراحل تصمیم‌گیری حذف می‌شود (بدون نقش)

این زمانی است که پارلمان حتی نمی‌تواند بر سر مسأله اعزام نیروی نظامی به خارج، به مباحثه بنشیند و تصویب پسین آن نیز مورد نیاز نیست. اعزام نیروی نظامی به خارج، اساساً به عنوان تصمیم‌گیری در مورد سیاست خارجی محسوب می‌شود و این تصمیم کاملاً به قوه اجرائیه مربوط می‌شود. این حقیقت که پارلمان در مراحل تصمیم‌گیری شرکت ندارد بطور چشمگیری توانایی آن را در نظارت بر مأموریت‌های صلح محدود می‌سازد.

سایر شیوه‌های موجود در پارلمان

حتی زمانی که پارلمان از مراحل تصمیم‌گیری حذف می‌شود یا دارای نقش محدودی می‌باشد، می‌تواند بطور غیر مستقیم حداقل در چهار زمینه حکومت را تحت فشار قرار دهد:

- پارلمان می‌تواند از قوه اجرائیه بخواهد که در برابر نمایندگان، در مورد تصامیمش جهت اعزام نیروی نظامی به خارج از کشور توضیح دهد. ولی اگر پارلمان کاملاً درباره معاهدات بین‌المللی دولت مطلع نباشد، نمی‌تواند بطرز مؤثری درباره این تصامیم پرسش‌هایی را برای دولت مطرح سازد.
- پارلمان می‌تواند هنگامی که قوه اجرائیه تعدیلات بودجوی را ارائه می‌دهد، آن را مورد پرسش قرار داده و در موارد مأموریت‌های صلح غیر پلان شده و یا غیر منتظره، پارلمان می‌بایست بودجه مالی اضافی را که در بودجه فعلی در نظر گرفته نشده است، تصویب کند. بدین ترتیب، پارلمان امکان بیان نظر خود را از طریق قدرت خزانه مالی داراست (کشور فرانسه).
- حضور پارلمان نه تنها در جریان مباحثه و رأی‌گیری مهم می‌باشد بلکه در جریان مأموریت صلح نیز نمایندگان می‌توانند سوالاتی را مطرح کرده و یا زمانی را برای پرسش و پاسخ با دولت در مورد مأموریت مذکور اختصاص دهند. بعلاوه، نمایندگان می‌توانند از نیروی نظامی در خارج بازدید بعمل آورند (به فصل هفدهم مراجعه کنید).
- از نقطه نظر پاسخگوئی مابعد، پس از عملیات، هنگامی که مأموریت صلح انجام شد، پارلمان می‌تواند تحقیقی را انجام داده یا از دولت بخواهد که این مأموریت را مورد ارزیابی قرار دهد.

چوکات شماره 48

مراحل گام‌به‌گام استقرار عملیات پاسداری از صلح سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد فاقد نیروی نظامی می‌باشد. از آن جایی که عملیات پاسداری از صلح باید مطابق با نیاز هر حالت جدیدی برنامه‌ریزی شود، هر زمان که شورای امنیت خواستار ایجاد عملیات جدید می‌شود، اجزاء آن باید دوباره از اول جمع‌آوری شوند.

شورای امنیت با 15 عضو اجازه عملیات پاسداری از صلح را داده و حکم آن را تعیین می‌کند. چنین تصمیماتی نیازمند 9 رأی موافق می‌باشد و با رأی منفی هر یک از پنج عضو دائمی شورا (چین، فرانسه، فدراسیون روسیه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا) فسخ یا ویتو می‌شود. منشی عمومی توصیه‌هایی را درباره چگونگی شروع، اجرای عملیات و گزارش‌هایی درباره پیشرفت آن ارائه می‌دهد. اداره عملیات پاسداری از صلح مسئولیت هر روزه صدور دستورالعمل‌های اجرایی، اداره و پشتیبانی عملیات پاسداری از صلح سازمان ملل متحد را عهده‌دار می‌باشد. منشی عمومی، فرمانده نیرو را انتخاب می‌کند و از کشورهای عضو می‌خواهد تا نیروهای نظامی، پولیس غیرنظامی یا سایر پرسونل را تأمین کنند. پرسونل پشتیبانی غیر نظامی از افرادی می‌باشند که از درون سازمان ملل متحد انتخاب شده، توسط کشورهای عضو تمویل می‌شوند و به منظور انجام وظایف خاص، در داخل و یا در سرتاسر دنیا به کار گماشته می‌شوند.

تعیین وقت برای مأموریت متفاوت است و اساساً به عزم کشورهای عضو در تأمین نیروی نظامی برای عملیات مخصوص بستگی دارد. زمان در دسترس قرار دادن منابع مالی و توانایی در ارائه کمک استراتژیک نیز بالای وقت و زمان مورد نیاز برای استقرار تأثیر می‌گذارد. طور مثال در سال 1973 استقرار اعضای گروه دوم نیروی عاجل سازمان ملل (UNEF II) در شرق میانه ظرف 24 ساعت انجام شد. با وجود این، برای بعضی از مأموریت‌های دارای فرامین پیچیده و یا پشتیبانی مشکل و یا زمانی که پاسداران صلح با خطرات قابل ملاحظه‌ای مواجه هستند ممکن است امر جمع‌آوری و استقرار افراد مورد نیاز، ماه‌ها بطول انجامد.

مأخذ: وب سایت سازمان ملل متحد <http://www.un.org>

چوکات شماره 49

مقررات مشارکت در مأموریت‌های صلح

هنگامی که پارلمان اجازه اعزام نیروی نظامی به خارج از کشور را صادر می‌کند، ممکن است شرایط و میزان نیرویی را که اردو بکار می‌گیرد نیز مشخص کند. به عبارته دیگر، مقررات مشارکت. فهم ما از مشارکت تعیین و همچنان محدود کردن و آگاهی در بکارگیری از قوه نظامی در اجرای عملیات مخصوص می‌باشد. این محدودیت‌ها باید بر اساس قاعده‌ها جداگانه تعیین گردند و تلاش شود که حتی‌الامکان استفاده از نیرو محدود گردد، در حالیکه سربازان از آزادی لازمه برای دفاع از خودشان بهره‌مند می‌باشند. همچنین اصول بنیادی دفاع شخصی باید حفظ شود. مقررات مشارکت شامل فاکتورهای حمایت از سربازان و همین‌طور موازین عملیاتی و تاکتیکی می‌باشند که بایط با مسائل عملیاتی و سیاسی و همچنین مقررات بین‌الملل مانند قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل هماهنگ باشند.

ادامهء چوکات.....

مقررات مشارکت در عملیات صلح باید معیارهایی را به کار گیرد که استفاده شفاف و اولویت‌بندی شده از نیروی نظامی را به منظور ایجاد توازن لازمه برای جلوگیری، خنثی‌سازی و یا حل خاصه، مشخص سازد. تعیین مقررات مشارکت به حسب جواب نظامی اولویت‌بندی شده، افراد نظامی را قادر می‌سازد تا ضمن حداقل رساندن آسیب‌ها به طرفین، نیروی نظامی لازمه را برای مواجهه با درجات مختلفی از خشونت بکار گیرند.

مقررات مشارکت در عملیات صلح درجات استفاده از نیروی نظامی را بصورت ذیل تصریح می‌سازد:

- فقط به منظور دفاع خودی عساکر
- دفاع خودی عساکر به همراه دفاع از جان مردم ملکی
- دفاع خودی عساکر، دفاع از مردم ملکی و اهداف مشخص (یعنی شفاخانه‌ها، پل‌ها و غیره)
- استفاده از اقدامات ضروری برای کسب اطمینان از اینکه اهداف عملیاتی تحقق یافته‌اند.

در ضمن مقررات مشارکت باید نوع سلاح‌های مجاز در عملیات صلح را نیز پوشش دهد که می‌تواند از عدم استفاده از سلاح تا استفاده سلاح‌های سنگین که شامل استفاده از کشتی، طیاره‌ها و تکنالوجی راکتی است، متغیر باشد.

آموزش سربازان برای صلح

شرکت در عملیات پاسداری از صلح، وظیفه‌ای دشوار برای هر نیروی نظامی بوده و نیازمند آموزش اضافی، علاوه بر آماده‌سازی استاندارد آنها است. مصداق این گفته در سطح عملیاتی می‌باشد که مثلاً ارتش نیازمند دانش مخصوص در خنثی‌سازی مینها، توانایی ارتباط با مردم ملکی از جمله مهارت‌های میانجیگری عملی (و همینطور، در همان موارد، دانش زبانهای محلی) دانش مرسوم و سنت‌های محلی، درک درستی از انسان و قوانین بشری و به خصوص دانش جامعی از قوانین مشارکت در مأموریتی معین است. در ارتباط با مورد آخر باید تأکید کرد که در مأموریت‌های صلح استفاده از اعمال قدرت معمولاً بسیار محدود است و در بعضی موارد نیروهای نظامی اصلاً سلاح حمل نمی‌کنند.

همچنین در جایی که نیروهای مسلح عملیات صلح اغلب دور از خانه‌ها و هرگز تصور نمی‌رفت مکان احتمالی عملیات باشد مستقر می‌گردند نیاز به تعلیمات مخصوص در سطح برنامه‌ریزی نیز به چشم می‌خورد. در چنین شرایطی حمل و نقل تدارکات برای ارتش مشکل بزرگی ایجاد کرده و در بعضی موارد توانایی مادی بعضی دولت‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. اخیراً آموزش فوق‌العاده و آمادگی در سطح فرماندهی و لوژستیک مورد نیاز است. از آن جایی که اردوی ملی بسیاری از کشورها ممکن است در یک منطقه تحت یک فرماندهی باشند، شیوه قدیمی فرمان گرفتن تنها از کانال وزارت دفاع تغییر کرده است لذا هماهنگی بین نیروهای مسلح ملیت‌ها و سازمان‌های مختلف از قبیل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ امری اساسی محسوب می‌شود.

در مورد مأموریت‌های صلح که توسط سازمان ملل اداره می‌شود، فرماندهی نیروهای نظامی نه تنها توسط قطعنامه‌های شورای امنیت بلکه توسط مقررات مشارکت در عملیات، قوانین عملیاتی سازمان ملل متحد و به علاوه تمامی ملاحظات اجرایی مربوط به نیروهای چند ملیتی سازمان ملل متحد کنترل می‌شود.

چوکات شماره 50

آموزش سازمان ملل به نیروهای پاسدار صلح

یک واحد آموزشی در دارالانشاء شعبه عملیات پاسداری از صلح، هدایت تخصصی و اطلاعاتی را درباره آموزش پاسداری از صلح در اختیار کشورهای عضو قرار می‌دهد. این واحد درس‌های آموزشی و مطالبی را تهیه می‌کند که هدف از آنها گسترش دانش فزاینده و روش‌های عملیاتی استندرد است که از تجربه پاسداری از صلح در طی سالیان بدست آمده است. این واحد با پرسونل پوهنتون‌های نظامی، مراکز آموزش ملی و منطقه‌ای در بسیاری از کشورها و با مأموریت‌های پاسداری از صلح همکاری می‌کند. تیم‌های کمک آموزشی سازمان ملل و دوره‌های آموزشی تحت عنوان «آموزش به مربیون» به منظور کمک به کشورهای عضو در تهیه و اجرای برنامه‌های پاسداری از صلح تأسیس شده است. قوانین و مقررات همراه با انواع رساله‌ها و کتب به منظور دستیابی به یکپارچگی، در حد استندارد‌های اولیه طرح‌ریزی شده‌اند.

مأخذ: وب سایت سازمان ملل متحد <http://www.un.org>

معیارهای اعزام نیروهای نظامی در مأموریت‌های بشری به خارج

پارلمان و حکومت می‌توانند معیارهایی را برای اعزام نیروی نظامی به خارج از کشور تعیین کنند. استفاده از معیارهای مشخص، شفافیت را در شیوه تصمیم‌گیری افزایش می‌دهد که این امر می‌تواند حمایت عموم برای عملیات صلح را در برداشته باشد. دو دسته از معیارها در این زمینه قابل تطبیق می‌باشند (به چوکات بعدی مراجعه کنید). اولین دسته از آنها به شرایط سیاسی و نوع عملیات ارتباط می‌گیرد و دسته دیگر در خصوص معیارهایی درباره خود مأموریت، حکم آن، فرماندهی، مدت زمان و نوع لشکرهای نظامی بحث می‌کند.

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

معیارهای کلی درباره شرایط و نوع مأموریت‌های صلح

- اطمینان یابید که پارلمان یا کمیسیون‌های ذیصلاح آن، بر موارد زیر نظارت دارند:
 - تعهد بین‌المللی دولت؛
 - مصلحت اعزام و یا پذیرش نیروی نظامی به عنوان قسمتی از مأموریت‌های صلح
 - علت و یا شرایط هر نوع دخالت مشخص (مثل زیرپا گذاشتن حقوق بشر در سطح وسیعی در کشور مربوطه)؛
 - مشخص کردن مبنایی برای حدود اختیارات در مأموریت‌های صلح منطقه‌ای یا جهانی؛
 - مقررات اساسی مشارکت عساکر در مأموریت‌های صلح منظوقی یا جهانی؛

ادامهء چوکات.....

- استفادهء نسبی از نیروی نظامی؛
- احکام لازمه برای تصمیم‌گیری های سیاسی مؤثر؛
- حدود برای اختیارات دولت؛
- حمایت مردمی از اصل شرکت در مأموریت‌های صلح و یا مخالفت با آن؛
- ارزیابی روش‌ها و یا هر گونه اصول دیگر با توجه به مسایل احتمالی که به دنبال خواهد داشت؛
- نیاز پارلمان به دریافت اطلاعات کامل در پایان مأموریت به منظور مرور کل دوره مأموریت صلح؛

معیارهای معین در رابطه با مأموریت صلح

- اطمینان حاصل کنید که پارلمان یا کمیسیون‌های ذیصلاح آن بر مسایل زیر نظارت دارند:
 - تعریف حدود اختیارات مأموریت صلح و فرمان آن؛
 - نوع واحدهای نظامی که سهم می‌گیرند؛
 - امکانات نظامی مأموریت؛
 - مناسب بودن و آمادگی واحدهای نظامی و تجهیزات مربوطه؛
 - خطرات احتمالی که پرسونل نظامی را تهدید می‌کند؛
 - مدت زمان پیش‌بینی شده برای عملیات و شرایطی که در صورت نیاز برای خاتمه دادن به آن می‌بایست در نظر گرفته شود؛
 - تأثیرات مالی؛
 - عکس العمل مردم نسبت به این امر.

استفاده از شیوهء پارلمان در ارتباط با مأموریت‌های صلح

- اطمینان داشته باشید که در صورت لزوم پارلمان بتواند:
 - جلسات علنی پرسش و پاسخ در مورد مأموریت‌های صلح برگزار کند؛
 - تحقیقات بیشتری را در مورد اجرای مأموریت صلح انجام دهد؛
 - درخواست کند هر يك از پرسونلی که در مأموریت صلح، مظنون به نقض قوانین حقوق بشر می‌باشد به دست عدالت سپرده شود؛
- در مورد استفاده از روش‌های پرسش و پاسخ پارلمان با توجه به مأموریت‌های صلحی که در جریان است درنگ نکنید.

بخش ششم

منابع مالی: دستیابی به کنترل مؤثر بودجه در ارتباط با امنیت

فصل بیست و سوم امنیت و قدرت خزانه

پارلمان و روند بودجه در ارتباط با امنیت

در سراسر دنیا به طور قانونی، پارلمانها نقشی کلیدی در تعیین و نظارت بر شرایط بودجه در ارتباط با امنیت بازی میکنند، هر چند که درجه انگیزه‌های سیاسی و امکانات ایفا کردن آن نقش، از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است. اما در عمل، بیشتر اوقات پارلمان فاقد قدرت لازمه برای تأثیرگذاری بوده و اعمال آن با ابهام در مخارج امنیتی، بیشتر با مانع مواجه می‌شود. فرهنگ از دیرباز به جا مانده سلطه جویی قوه اجرائیه در بخش امنیتی، اغلب باعث محدود کردن عملکرد پارلمان می‌شود که کمابیش تمایل دارد تمامی مراحل تصمیم‌گیری درباره بودجه دفاعی را به قوه اجرائیه و نیروهای مسلح واگذار کند.

ولی نمایندگان نباید قدرت بودجه ملی را که ابزاری برای نظارت بر بخش امنیتی و اصلاحات مطابق با نیاز جامعه است را ضعیف بدانند. قدرت خزانه می‌تواند و باید به بهترین وجه برای تخصیص بودجه، به شیوه ای که قابل پاسخگویی به مردم باشد مورد استفاده قرار گیرد.

چوکات شماره 51

بودجه: وسیله کلیدی برای حاکمیت دیموکراتیک

بودجه ملی تنها یک وسیله برای جمع زدن میزان درآمد و پیشنهاد مصارف نیست. بلکه مهمترین خط مشی پالیسی می‌باشد که توسط قوه اجرائیه در طول یکسال روی دست گرفته میشود. بودجه ملی ارزش های بنیادی را که زیربنای سیاست ملی است منعکس می‌کند و نیز نقطه نظر دولت درباره شرایط اجتماعی- اقتصادی يك ملت را طرح می‌کند. بودجه اعلامیه سال مالی دولت و اهداف مالی و اقتصادی آن بوده و اولویت بندی اجتماعی و اقتصادی را نشان می‌دهد. (...) بودجه همچنین تدابیر ارزشمندی را در رابطه با مقاصد آینده و اجراءات گذشته دولت مطرح می‌سازد.

«بودجه سندی بسیار مهم در جهت کسب اطمینان از شفافیت، قابلیت پاسخگویی، جامع بودن و حاکمیت مطلوب است. با ارائه دقیق مصارف پیشنهادی به پارلمان و عموم مردم این اجازه داده می‌شود که بدانند پول کجا مصرف می‌شود» و بدین ترتیب شفافیت افزایش پیدا می‌کند. به علاوه قبل از اینکه حکومت بتواند پولی را مصرف کرده یا درآمدی را کسب کند، بودجه باید توسط پارلمان تصویب شود که این امر سبب می‌شود وزراء در مقابل پارلمان یا کمیسیون‌های مربوطه پاسخ گو گردند.

«شفافیت و قابلیت پاسخگویی باید با توجه به روند تعیین بودجه ملی از ملزومات قانون اساسی باشند. قابلیت پاسخگویی به همراه شفافیت در تمامی مراحل تعیین بودجه، قلب دیموکراسی محسوب می‌شود.

اقتباس: گزارش کلی سمینار اتحادیه بین پارلمانی
درباره روند تعیین بودجه، شامل دیدگاه جنسیتی، نایروبی، می 2000

پارلمان می تواند نسبت به مسائل امنیتی در چهار مرحله اصلی دوره برنامه ریزی بودجه عکس العمل نشان دهد:

آماده سازی بودجه: این مرحله به عهده قوه اجرائیه می باشد که تخصیص بودجه برای مقاصد مختلف را پیشنهاد می کند ولی پارلمان و اعضای آن نیز می توانند از طریق میکانیزم های رسمی و غیر رسمی به این روند کمک کنند.

تصویب بودجه: در این مرحله، پارلمان باید منافع مردم را مشخص کرده و مناسب بودن تخصیص بودجه را مورد بررسی قرار دهد. همچنین ممکن است در موارد معینی تخصیص بودجه امنیتی را با دستورالعمل های مشخصی تکمیل و تصویب نماید..

مرحله اجراء یا مصرف: در این مرحله پارلمان بررسی و کنترل مصارف اختصاص یافته حکومت را انجام می دهد و می تواند شفافیت و قابلیت پاسخگویی را افزایش دهد (به بخش مربوطه زیر مراجعه کنید). در موارد تقاضای بودجه اضافی، پارلمان این تقاضاها را کنترل کرده و مورد بررسی دقیق قرار می دهد تا از اصراف مالی جلوگیری کند.

تفتیش مالی یا بررسی: در این مرحله، پارلمان امکان سوءاستفاده از بودجه اختصاص یافته توسط حکومت را مورد بررسی دقیق قرار می دهد. به علاوه، به صورت دوره ای کل بودجه را مورد ارزیابی قرار می دهد تا از قابلیت پاسخگویی، مؤثر بودن و دقیق بودن آن اطمینان حاصل کند.

مصارف دفاعی

چوکات شماره 52

چرا پارلمان باید نقش فعالی را در بودجه کشور داشته باشد؟

جناح مخالف حکومت در پارلمان می تواند از مباحثه درباره بودجه استفاده کرده، پیشنهادهای دیگری را ارائه دهد.

جناح اکثریت (حاکم) در هنگام تصویب بودجه با تأکید بر اعتماد و تطابقت بین اجرای سیاست و برنامه ایکه اکثریت بر اساس آن انتخاب شده اند اعتماد خود را نسبت به عملکرد قوه اجرا نیه نشان میدهد.

کنترل بودجه یکی از مهم ترین راه های تأثیر گذاری بر سیاست حکومت است. بر اساس بررسی بودجه قوه اجرائیه رفع مسوولیت نموده و بدین صورت پروسه تصویب بودجه پایان می پذیرد.

اقتباس: گزارش کلی سمینار اتحادیه بین پارلمانی درباره «پارلمان و روند تعیین بودجه، شامل دیدگاه جنسیتی» Mali، Bamako، نومبر 2001

در چوکات ذیل نگاهی اجمالی ای به مصارف دفاعی در قسمت های مختلف دنیا شده است. کاهش در مصارف دفاعی را می توان در دوره پس از جنگ سرد مشاهده کرد که نشان می دهد بسیاری از

کشورها به اصطلاح «پاداش صلح» خود را دریافت نمودند. با وجود این سایر کشورها در آسیا و آفریقا مصارف دفاعی خود را در این دوره افزایش داده‌اند.

چوکات شماره 53 مصارف دفاعی به صورت فیصدی از تولید ناخالص داخلی مناطق جهانی و بعضی از کشورها			
کشور	1985	2000	2001
ناتو	4.2	2.2	2.2
ایالات متحده	6.5	3.0	3.2
انگلستان	5.2	2.4	2.5
فرانسه	4.2	2.6	2.6
آلمان	3.2	1.6	1.5
کشورهای اروپایی (که عضو ناتو نیستند)	4.3	2.8	2.3
شوروی سابق/ روسیه	16.1	5.0	4.3
شرق میانه و شمال آفریقا	11.9	6.7	7.2
آسیای مرکزی و جنوبی	4.3	5.2	3.8
آسیای شرقی و استرالیا	6.4	3.5	3.3
جاپان	1.0	1.0	1.0
آمریکای لاتین و ناحیه کاریبیک	3.2	1.7	1.7
آفریقا - منطقه صحرا	3.1	3.8	3.4
اریتره	ندارد	30.0	20.9
مجموع جهان	6.7	3.6	3.5

مأخذ: توازن نظامی 2003 - 2002، IISS لندن

اختصاص بودجه با توجه به امنیت

جوابدهی و شفافیت، شرایط اساسی برای تنظیم بودجه به شمار می‌رود. بهترین راه برای تحقق جوابدهی، استفاده از روندی شفاف در تنظیم بودجه می‌باشد. جوابدهی درست و شفافیت را می‌توان با استفاده از اصول تنظیم بودجه مؤثر دریافت کرد:

اعطای اختیار از قبل - پارلمان باید اختیار لازمه را به قوه اجرائیه برای صرف بودجه اعطا نماید.

یکپارچگی - تمامی مخارج و درآمدها باید در یک لایحه مستحکم بودجه هر سال به پارلمان ارائه داده شود.

تنظیم - از قوه اجرائیه انتظار می‌رود که به چارچوب زمانی معین برای ارائه لایحه بودجه سالانه به پارلمان توجه داشته باشد. تنظیم شامل نیاز به مشخص ساختن چارچوب زمانی است که پول‌های اختصاص یافته، بمصرف خواهد رسید.

تشخیص - تعداد و توضیحات هر قلم از بودجه باید به یک بررسی واضح از مصارف دولت منتج شود. بنابراین توضیح موارد بودجه نباید مبهم بوده و یا بودجه اختصاص داده شده برای هر مورد خیلی زیاد باشد.
مشروعیت - تمام مصارف باید و فعالیتها باید مطابق قانون اجراء شوند.

پلان قابل فهم - انتظار می‌رود که قوه اجرائیه، پارلمان را با طرحی که در آن مصارف تخمینی قابل اجرا و فهم برای همه حاضرین در پارلمان باشد، آشنا سازد.

جامع بودن- بودجه دولت برای بخش‌های مختلف امنیتی باید جامع و کامل باشد. هیچ مصرف آنها باید نادیده انگاشته نه شود به شمول بودجه تمامی خدمات امنیتی یعنی اردو، سایر ارگان‌های نظامی حکومت، پولیس، خدمات استخباراتی و همینطور شرکت‌های خصوصی نظامی که توسط قوه اجرائیه استخدام شده‌اند.

تبلیغات - همه اتباع (چه انفرادی یا گروهی) باید فرصت این را داشته باشند که قضاوت شخصی خود را درباره بودجه انجام دهند. لازمه این امر اینست که تمامی مدارک بودجه دارای پلان قابل فهم باشد و اینکه در هر جای مملکت امکان خواندن آن فراهم شده باشد. (مثلاً با فرستادن نسخه از آن به کتابخانه‌های محلی).

تداوم - ارتباطات واضحی باید بین پالیسیها، نقشه‌ها، دریافت بودجه و انجام عملیات و نتایج آن وجود داشته باشد.

وسایل و اهداف - توضیحات ارائه شده در مورد بودجه باید بتواند درك روشنی از اهداف بودجه به حسب الف) منبع دریافت بودجه، ب) اجراءات یا ظرفیت اهدافی که قرار است به آن دست یافته شود و ج) نتایج قابل اندازه‌گیری در طرح‌ها، ارائه دهد. بودجه‌ای که قابلیت انعطاف دارد باید اجازه دهد که در هر يك از این سه مشخصه تغییراتی انجام پذیرد.

این اصول میتواند در حقیقت به عنوان معیار کیفیتی برای تنظیم درست و جدید بودجه محسوب شود. در جایی که نمایندگان پارلمان فاقد اطلاعات مناسب درباره ادارات امنیتی هستند، نمی‌توانند موضوعات اجتماعی-اقتصادی و انکشافی را در مراحل تعیین بودجه دفاعی مطرح سازند.

شرایط تنظیم صحیح بودجه امنیتی

عناصر مختلفی در تنظیم بودجه وجود دارد که نظارت پارلمان را بر بودجه اداره امنیتی افزایش میدهد. به نظر میرسد از بین آنها چارچوبی مشخص و قانونی، ارزش پول، نظم در بودجه، زمان‌بندی و ارتباط با جامعه مدنی، از اهمیت بخصوصی برخوردار می‌باشند.

چارچوب قانونی روشن

حق نمایندگان پارلمان برای نظارت بر دستگاه امنیتی باید واضحاً در قانون اساسی و ضمایم آن تصریح شده باشد. به علاوه، پارلمان باید قوانینی را به منظور کسب اطلاعات از حکومت، تصویب

کند و قدرتی که از حکومت کسب اطلاعات کند باید مطابق با قوانین فوق بکار گرفته شود. نظارت پارلمانی بر ادارات امنیتی از طریق بودجه باید بیشتر عادات سیاسی نمایندگان گردد و این امر تلاش قابل ملاحظه‌ای را می‌طلبد.

ارزش پول

در پروسه تنظیم بودجه باید قوانین بنیادی ارزش پول به کار گرفته شود:

- مؤثر بودن: درک اهداف سیاسی (انجام کار صحیح)
- توانمندی: درک اهداف سیاسی با به کارگیری حداقل منابع (انجام کار درست از لحاظ اقتصادی).

چوکات شماره 54

طرح، برنامه ریزی و نظام تنظیم بودجه

«...» طرح، برنامه‌ریزی و سیستم تنظیم بودجه برای اولین بار در ایالت متحده آمریکا (در اوایل دهه 60) - برای تنظیم بودجه دفاعی مورد استفاده قرار گرفت (اکنون بسیاری از کشورهای دیگر نیز از آن استفاده می‌کنند) (...). یک نمونه از دوران طرح، برنامه‌ریزی و نظام تنظیم بودجه شامل یک مرحله طرح‌ریزی اولیه است که در آن شرایط امنیتی و همینطور منافع ملی و تهدیدات، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا وظایف، ترکیب و ساختارهای نیروهای مسلح مشخص گردد. پس از بررسی این مسایل ضروری، برنامه‌هایی تنظیم می‌گردند. برنامه که شکلی از نقشه تجاری است، اهدافی را که باید تحقق یابد مشخص می‌سازد. از آنجایی که برنامه‌ریزی اهداف تعیین شده را به منابع مالی مرتبط می‌سازد، ارتباطی بسیار مهم در این رابطه محسوب می‌شود. بدین ترتیب طرح، برنامه‌ریزی و تنظیم بودجه به جای آنکه به اختصاص دادن منابع بر حسب نیازهای اعلام شده بپردازد، در نظر دارد که طرح و برنامه‌ریزی را بر حسب محدودیت‌های بودجه‌ای پیش‌بینی شده انجام دهد. بنابراین اهمیت دارد که برنامه‌ها بر پایه اولویت‌ها تنظیم شوند ضروری‌ترین نیازهای نیروهای مسلح برآورده شوند. ارزیابی میزان خطرات ناشی از عدم دستیابی به هدفی خاص م تواند برای تعیین اولویت‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

در نهایت تکمیل‌کننده این دوران، مرحله سنجش است که وزارتخانه‌ها به طور اخص و جامعه به طور کل می‌تواند تعیین کند که اهداف در پایان سال تا چه اندازه تحقق پیدا کرده‌اند. بدین ترتیب می‌توان به توزیع مؤثری از منابع مالی دست یافت.»

مأخذ: شفافیت بودجه دفاعی در اینترنت اثر Kate Starkey and Andri van Meny
اطلاعات و امنیت جلد 5 سال 2000. C4 در مهندسی دفاع

به منظور ارزیابی میزان ارزشی که بودجه دفاعی برای پول قابل است، بر طبق نظریه مدرن بودجه، مصارف باید بنا بر برنامه‌ها و اهداف به (چوکات شماره 54 مراجعه شود) یعنی مرتبط با ساحه فعالیت و اهداف باشند (مثل مأموریت‌های صلح، تعلیم و تربیت). همچنین تمامی مخارج باید بصورت دسته‌های عملیاتی جمع‌آوری شوند. به علاوه، پارلمان باید بتواند میزان ارزش پول را با کمک مفتشین مالی (به فصل بعد مراجعه شود) تعیین کند. به این معنی که دولت به پارلمان به جای بودجه مصرفی، بودجه اهداف را ارائه می‌دهد. استفاده از سیستم‌های تنظیم بودجه منظم مانند PPBS فقط در

صورتی امکان‌پذیر است که خدمات امنیتی با رعایت اصول محرمانه بودن، طرح‌هایشان را به صورت شفاف ارائه دهند.

انضباط در بودجه

برای اطمینان از اینکه دولت از مقررات و چارچوب قوانین و همین‌طور بودجه‌ای که توسط پارلمان به تصویب رسیده است، پیروی می‌کند، نظم در بودجه امری ضروری می‌باشد. پارلمانها می‌توانند عناصر زیر را به عنوان انضباط در بودجه به حساب آورند.

- ارتباط بین بودجه دفاعی (تخمین مصارف) و تعیین سطح قیمت؛
- استفاده از ضوابط، برای کنترل و محدود ساختن حدود خرج کردن؛
- استفاده از تدابیری که از بیشتر یا کمتر از حد مصرف شدن بودجه جلوگیری کند؛
- در صورت بیشتر و یا کمتر از حد مصرف کردن بودجه دفاعی، وزیر اقتصاد و دارایی و اعضای کابینه باید مطلع گردند؛
- قوانین مربوطه به جبران مصارف بیش از حد بودجه دفاعی: جبران مصارف بیش از حد از طریق بودجه دفاعی یا جبران از طریق سایر بودجه‌های دولتی؛

زمان‌بندی

برای دستیابی به مؤثرترین شیوه تنظیم بودجه مناسب برای دستگاه امنیتی، لازم است قبل از مرحله رأی‌گیری زمان کافی برای بررسی پیشنهادهای بودجه دفاعی در نظر گرفته شود. حداقل 45 روز تا 3 ماه جلوتر، مطلوب‌ترین زمان‌بندی است که نمایندگان پارلمان را قادر می‌سازد که بودجه دفاعی را به طور کامل مرور کنند.

تأمین دقیق، جامع و به موقع اطلاعات درباره سیاست‌های بودجه دفاعی نیز بنابر چند دلیل سودمند می‌باشد. از جمله:

- این اطلاعات برای در جریان قرار دادن عموم مردم و همین‌طور برای مناقشه و بحث‌های قبلی ضروری می‌باشند؛
- شناسایی نقاط ضعف، نیاز به اصلاحات، توازن بین مصارف امنیت و سایر ارگانهای دولتی را زمینه‌سازی می‌کند؛
- مدیریت شفاف بودجه دستگاه امنیتی، مسئولیت پاسخگویی در برابر عموم مردم و نمایندگان پارلمان را بهبود بخشیده و حس اعتماد نسبت به دولت را در مردم افزایش می‌دهد.

ارتباط با جامعه مدنی

پارلمان می‌تواند جهت بررسی مالی و مراحل کنترل بودجه از افراد متخصص جامعه مدنی در امر بودجه و برنامه ریزی مالی استفاده نماید. این امر خصوصاً می‌تواند در هنگام تنظیم بودجه مسائل امنیتی - که همیشه پیگیری آن روشن و صریح نیست - مفید واقع شود. شفافیت در روند تنظیم بودجه، علاوه بر مسائل دیگر، باید بر اساس آزادی قانون اطلاع رسانی استوار باشد.

تعلیم و تخصص

در آخر، بسیاری از پارلمانها نیازمند افزایش توانائی اعضای پارلمان و کارکنان خود از طریق ایجاد فرصت‌های تعلیم و تحقیق برای چوکات تخصصی خود می‌باشند. بدین منظور، اتحادیه بین پارلمانی، به عنوان قسمتی از تلاش‌های خود برای ارتقاء حکومت دموکراتیک و فعالیت مؤثر

نمایندگان پارلمان، به برگزاری سمینارهای منطقه‌یی و محلی اقدام می‌نمایند که توجه آنها به نمایندگان و کارکنان پارلمان معطوف می‌باشد و همچنین اقدام به آماده ساختن کتاب های راهنما مانند این کتاب، می‌کند.

چوکات شماره 55

اجزاء تشکیل دهنده بودجه دفاعی: بودجه دفاعی اسپانیا در سال 2002

کالا و خدمات

غذا
نگهداری از تأسیسات
بنزین
خدمات برق، آب، تیلیفون و غیره
پوشاک
جبران مصارف
وسایل حمل و نقل
آموزش
خدمات صحی
سایر مصارف عملیاتی

سایر مصارف مالی

انتقالات جاری
سازمان های بین المللی
ارگان های مستقل
سایر انتقالات

سرمایه گذاری جنسی

عصری نمودن نیروی مسلح
نگهداری از سلاح و مهمات
تحقیقات و پیشرفت ها
سایر سرمایه گذاری ها

انتقالات سرمایه

دارایی های مالی

مأخذ: بودجه دفاعی اسپانیا در سال 2002، وزرات دفاع اسپانیا

شفافیت و پاسخ گویی در تنظیم بودجه امنیتی

شفافیت در مقابل پنهان کاری

شفافیت در تصمیم‌گیری راهی اساسی در جهت حصول اطمینان از اینکه نتیجه تصامیم با خواست مردم و اهداف سیاسی یکسان است می‌باشد. شفافیت در بودجه دفاعی، پارلمان را قادر می‌سازد تا نقش نظارتی خود را به گونه‌ای مؤثر ایفا کند و حس اعتماد جامعه را نسبت به اداره امنیتی افزایش دهد. عدم شفافیت در تنظیم بودجه دفاعی اغلب به طرح‌های تنظیم بودجه منسوخ یا اهداف امنیتی که بوضوح تعریف نشده‌اند، برمی‌گردد. همچنین این امر به فقدان تخصص انضباطی در سازمان‌های ملی، تصفیه حسابات مالی، ضعف قانون اساسی در ارائه اطلاعات به مردم جهت نظر سنجی‌ها و همین‌طور دیدگاهی دیوان سالارانه یا بیوروکرات که محرمانه بودن را به جوادهی ترجیح می‌دهد مرتبط می‌باشد. مسئولین حسابرسی قانونمند و قانونگذاران باید این نقاط ضعف گسترده را شناسایی کرده و مورد توجه قرار دهند (به فصل بعد مراجعه کنید).

چوکات شماره 56

موانع کلیدی در شفافیت بودجه امنیتی

«زمانی که افراد معدودی از قوه اجرائیه، تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌های امنیتی و منابع را عهده‌دار می‌باشند، فقدان شفافیت و پاسخ گویی، خصوصاً در امر تنظیم بودجه مشکل‌آفرین می‌گردد. افراد کلیدی در وزارت اقتصاد و مالیه و سایر بخش‌های قوه اجرائیه اغلب در تصمیم‌گیری‌ها حذف می‌شوند. یا از تصامیم آنها احتراز می‌شود. افراد پارلمان که حتی ممکن است دارای قدرت نظارت در قانون اساسی نیز باشند - و نیز رسانه‌های ملی و جامعه مدنی معمولاً در جریان قرار نمی‌گیرند.»

...

«تمامی مخارج در قسمت‌های مختلف نیروهای امنیت- پرسونل آنها، عملیات و تجهیزات باید در برنامه بودجه گنجانده شده و مشخص شود که چگونه این مصارف تأمین می‌شود. ولی، در بیشتر بودجه‌های امنیتی هیچ یک از شرایط فوق را رعایت نمی‌کنند. تخصیص بودجه‌های داخلی مبهم هستند و کل مخارج- که ممکن است شامل سرمایه از بخش‌های متعدد باشد- بصورت نامشخصی باقی می‌ماند. در کشورهایی که دارای فعالیت‌هایی می‌باشند که در بودجه منظور نمی‌شود، خود دولت اغلب فاقد اطلاعات دقیق می‌باشد به همین دلیل است که وسیله سنجش اولیه‌ای برای پاسخگویی - مقایسهء طرح‌ها و اجرای آنها - نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. مقامات وزارت دفاع و سایر بخش‌های قوه اجرائیه نیازمند دانش فنی مختص نیروی دفاعی می‌باشند که بتوانند تصمیم‌گیری‌ها را درباره سیاست دفاعی، تنظیم بودجه و تدارکات، انجام دهند. توجه به مشکلات فعالیت‌هایی که در بودجه منظور نمی‌شوند، اغلب امری سیاسی بوده که نیازمند تغییراتی دراز مدت در ارتباطات بین ارتش و جامعه مدنی است.»

مأخذ: گزارش پیشرفت انسان، 2002 (صفحات: 89 و 91)

مصارف قابل کنترل و غیر قابل کنترل دفاعی و امنیتی

اگر قرار است نظارتی بر اداره امنیتی وجود داشته باشد که در مورد صرف پول در دستگاه‌های امنیتی و یا سایر قسمت‌های حکومتی ارزیابی صورت گیرد، نمایندگان پارلمان باید به مدارک مرتبط با بودجه دسترسی داشته باشند که از درستکاری امور مالی اطمینان یابند. اگر پارلمان فقط در جریان مجموعه ای از موضوعات قرار گیرد، این امر سبب می شود که اصل «مشخص بودن» که یکی از اصول تنظیم بودجه صحیح است، نقض گردد (به قسمت قبل مراجعه شود). اگر پارلمان در جریان اطلاعات دقیق قرار نگیرد، نمی تواند وظیفه قانونی کنترل و نظارت بر بودجه دفاعی را انجام دهد. پارلمان باید به تمامی مدارک بودجه دفاعی دسترسی داشته باشد. در بعضی کشورها (مثل: دنمارک و لوکزامبورگ)، این نهاد حتی در جریان اطلاعاتی درباره ارقام بودجه که جزئی‌ترین سطح تنظیم بودجه می‌باشد قرار می‌گیرد، ولی در سایر کشورها (مثل فرانسه، یونان و پولند) کمیسیون پارلمان، تنها قسمتی است که در جریان اطلاعات مرتبط با ارقام بودجه دفاعی قرار می‌گیرد. از نقطه نظر یک حکومت مطلوب باید تضمین شود که کمیسیون (اگر لازم باشد پشت درهای بسته) یا پارلمان به تمامی مدارک بودجه دسترسی می‌یابند. همین شیوه باید در مورد سایر بخش‌های امنیتی، خاصاً خدمات حفاظت اطلاعاتی نیز به کار گرفته شود. طبقه‌بندی بودجه خدمات امنیتی باید بر اساس قانون، خصوصاً قانون آزادی اطلاعاتی باشد (به چوکات شماره 57 مراجعه شود).

هنگام بحث و رأی‌گیری در مورد بودجه امنیتی مواردی از قبیل مخارج اجباری (مثل قرارداد تهیه و تدارکات که در سال‌های قبل به امضاء رسیده است) و برنامه‌های استحقاقی (مثل: جبران مصارف و خدمات صحتی برای افراد نظامی)، آزادی پارلمان برای ایجاد تغییر در مفاد آن را محدود می‌سازند. این مصارف فقط در درازمدت قابل تغییر است.

چوکات شماره 57

سه سطح محرمانه بودجه امنیتی

نمایندگان پارلمان باید بین شرایط خاصی که ایجاب می‌کند اطلاعات محرمانه بماند، مبلغ اختصاص داده شده به آن در بودجه دفاعی و پاسخگویی، توازن ایجاد کنند. یکی از راه‌های ممکنه این است که پیشنهادها بودجه به سطوح مختلف امنیتی به صورت زیر تقسیم شوند: بودجه کلی و دفاعی که به پارلمان ارائه شده است؛ بودجه محرمانه و مصارف اجرایی که می‌توانند توسط کمیسیون فرعی رسیدگی به بودجه دفاعی و مصارف نظامی مورد بررسی دقیق قرار بگیرند؛ مخارجی که مربوط به سطح بالاتر محرمانه نظامی می‌باشد، می‌تواند توسط گروه منتخبی از کمیسیون بررسی و تحقیق، مورد بررسی موشکافانه قرار بگیرد. گروه مذکور باید به مدارک محرمانه بر اساس روش‌های معین که در لایحه محرمانه ملی مشخص گردیده است دسترسی داشته باشد.

مأخذ: Ravinder Pal Singh, پروسه تصمیم‌گیری در مورد تدارکات اسلحه،

جلد 1 انتشارات آکسفورد 1998

شفافیت در مقابل استفاده نادرست از سرمایه‌های عامه و فساد

پارلمان نقش مهمی در کسب اطمینان از اینکه حکومت، سرمایه‌های عمومی را به طرز نامناسبی مورد استفاده قرار نمی‌دهد ایفا می‌کند. اینطور به نظر می‌رسد که چنین سوء استفاده‌ها، خصوصاً در بودجه

ادارات امنیتی، به خاطر ماهیت خاص آن- مسایل پیچیده تکنیکی و ملزومات استراتژیک امنیتی- می تواند رخ دهد. شفافیت و قابلیت پاسخگویی در تنظیم بودجه دفاعی از شروط لازم در هر نظارت مؤثر بر دستگاه امنیتی می باشند.

«همانطور که فقدان کلی قابلیت پاسخ گویی و شفافیت در برنامه ریزی بودجه می تواند (...) سبب نگرانی درباره میزان، توانایی و مقاصد نیروهای مسلح یک کشور شود، شفافیت بیشتر، توجه را به مصارف نظامی جلب می کند و زمینه را برای عدم اطمینان و سوء تفاهم که سبب اختلاف می گردد، کاهش می دهد.»

Paul George ، «مخارج دفاعی در دهه 1990:

بودجه و مسائل سیاست مالی برای کشورهای رو به انکشاف»، 2002

همه از این امر واقف هستند که مصارف بیش از اندازه نظامی، منابع ارزشمندی را که می توانند سبب کاهش فقر و پیشرفت جامعه شوند، از مسیر منحرف می سازند. نمایندگان مردم باید مطلع شوند که چرا و چگونه قوه اجرائیه در نظر دارد که امنیت جامعه را سازماندهی کند. چرا که این امر از طریق کمک های مالیاتی مردم تأمین می شود. سوء استفاده مسئولین، خصوصاً در کشورهای رو به رشد، نقش مخرب دارد. لذا دولت برای رسیدن به اهداف حکومتی مطلوب، مکلف است که افکار عمومی را در مذاکرات مربوط به دستگاه امنیتی فراموش نکند و پارلمان نیز باید اطمینان یابد که بودجه دفاعی، توازنی بین پیشرفت و نیازهای امنیتی جامعه ایجاد کند. مشکلات زیادی وجود دارد که میتواند مانع کنترل مؤثر بودجه اداره امنیتی آنطور که در چوکات زیر آمده است، شود.

چوکات شماره 58

مشکلات اصلی در کنترل مؤثر بودجه ادارات امنیتی

- **عدم چارچوب قانونی-** مشکلاتی ممکن است به علت عدم چارچوب قانونی واضح که به پارلمان اختیار نظارت بر اداره امنیتی را بدهد، روی دهد.
- **عدم آگاهی -** در ارتباط با نارسایی مذکور، کمبود قانون مصوب درباره آزادی اطلاع رسانی می باشد که خود آن علنی کردن اطلاعات حساس را تسهیل می کند. بنابراین نقض یا ابهام در چارچوب قانونی می تواند تلاش نمایندگان پارلمان را برای به اجرا در آوردن نظارت با مشکل روبرو کند. نتیجه آن خواهد شد که مردم و پارلمان از قابلیت پاسخگویی که در اداره دیموکراتیک سالم، مستحق آن اند، محروم می شوند.
- **فعالیت هایی که در بودجه منظور نشده است و منابع درآمدی اداره امنیتی -** ماهیت مخصوص سودهای حاصله از منابع درآمدی این قسمت از اداره امنیتی که فعالیت های مخصوصی را انجام می دهند. (خصوصاً فعالیت های جاری از قبیل منافع حاصله از شرکت های نظامی یا ارائه خدمات) همیشه برای پارلمان و یا حتی مقامات وزارتخانه شناخته شده نیست. این فعالیت ها باید مانند هر شیوه دیگر از تأمین بودجه اداره امنیتی به پارلمان معرفی شوند.
- **مخفی نگهداشتن مصارف دفاعی-** مصارف ادارات امنیتی ناشی از تأمین اعاشه، تأسیسات زیربنایی، حمل و نقل و غیره اغلب به بودجه وزارتخانه ها یا بخش های دیگر از قبیل رفاه، مسکن، راه آهن و غیره
- محول می شود. این عمل گزارشی غلط از بودجه دفاعی ارائه می دهد و توانایی مردم و پارلمان را در ارزیابی درست از مخارج واقعی دفاعی خدشه دار می سازد.
- **رسانه های ضعیف-** بسیاری از کشورها دارای رسانه های ضعیفی می باشند (از نقطه نظر

ادامهء چوکات.....

- تخصص و منابع) که بدقت اعمال ادارات امنیتی و پارلمان را دنبال نمی‌کنند. این امر عموم مردم را از اطلاعات روز در مورد فعالیت‌های نمایندگان و گروه‌های دستگاه امنیتی محروم می‌سازد.
- **زمان بسیار محدود برای بررسی دقیق** - همانطور که قبلاً ذکر شد زمان‌بندی محدود برای بررسی دقیق بودجه دفاعی می‌تواند برای نظارت مؤثر پارلمان مشکلاتی را ایجاد کند.
 - **فقدان تأسیسات زیربنائی، تخصص و پرسونل** - بسیاری از نمایندگان پارلمان فاقد تأسیسات زیربنائی، تخصص و پرسونل مورد نیاز، جهت حصول اطمینان از اینکه قوه اجرائیه در مقابل مردم پاسخ‌گو است، می‌باشد.

کنترول بودجه در کشورهای در حال دیموکراسی انتقالی

موج دیموکراسی‌گرایی که در سراسر اروپا در دهه 1990 خروشید، نشان داده است که عقیده و توسعه نظارت نمایندگان پارلمان، خاصاً مربوط به کشورهای می‌شود که سعی در ایجاد دیموکراسی دارند. چوکات شماره 59 نگاه دقیق‌تری به طرز العمل بودجه‌ی در دولت‌های جنوب شرق اروپا را توضیح می‌دهد که در ایجاد هماهنگی سیستم‌های سیاسی با چارچوبی شفاف و پاسخگو فعال بوده‌اند.

چوکات شماره 59

عملکرد بودجه دفاعی در بعضی دولت‌های جنوب شرق اروپا (در سال 2001)

البانیا: اداره تنظیم بودجه در اکتوبر 2000 تأسیس گردید. این اداره اسناد پالیسی دفاعی را که طرح ملزومات دفاعی را تا سال 2008 مشخص می‌کند، منتشر کرده است. وزرات دفاع مسئول روند تنظیم بودجه می‌باشد.

بلغاریا: مجمع ملی (پارلمان بلغاریا) بودجه دفاعی را برای مدت 10 سال مورد بحث قرار داده است. انتظار کلی می‌رود که این مجمع توانائی‌های نظارتی خود را در جهت نظارت تمام اعیار پارلمانی بر بخش امنیت بهبود بخشد.

کرواتیا: بودجه توسط حکومت پیشنهاد می‌شود و سپس به پارلمان ارائه شده و در «اطلاعیه دولتی» منتشر می‌شود. روند تنظیم بودجه از جولای تا نوامبر به طول می‌انجامد که از وزارتخانه‌های دفاع و مالیه عبور می‌کند. پارلمان فقط درباره میزان کلی بودجه دفاعی تصمیم‌گیری می‌کند و درباره ساختار آن هیچگونه اختیاری ندارد.

جمهوری مقدونیه: وزارت دفاع پیشنهاد بودجه را آماده می‌کند و سپس به وزارت مالیه فرستاده می‌شود. در این مرحله گفتگو بین سایر وزارتخانه‌ها صورت می‌گیرد تا با توانایی‌های کشور هماهنگ گردد. سپس بودجه، تسلیم حکومت شده و هنگامی که اصلاحات نهایی صورت گرفت، بودجه تسلیم پارلمان خواهد شد. وزیر دفاع، بودجه پیشنهادی را به کمیته سیاست داخلی و دفاع ارائه می‌دهد. پس از رأی‌گیری، بودجه بصورت حکمی از طرف رئیس‌جمهور تهیه می‌شود. بودجه دفاعی 2/12% از تولید ناخالص داخلی است.

رومانیا: طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی، تنظیم بودجه و ارزیابی سیستم از جنوری 2000 توسط وزارت دفاع به اجرا در آمده است. در بین اهداف دیگر، هدف اصلی آن افزایش شفافیت در تمامی فعالیت‌های بخش دفاعی است. چندین کمیسیون در پروسه تنظیم بودجه دست دارند: دفاع، نظم عمومی، امنیت ملی، بودجه، امور مالی و بانک‌ها. بخش مربوطه در وزارت دفاع به اسم ارتباطات با پارلمان، قانونگذاری، هماهنگ سازی و روابط عامه نامیده شده است. اسناد طرح‌های اصلی دفاعی در اینترنت منتشر می‌شود.

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می توانید انجام دهید

اداره امنیتی در دوره تنظیم برنامه بودجه

- اطمینان یابید که پارلمان به اداره امنیتی در هر چهار مرحله اصلی دوره طرح ریزی بودجه، آماده سازی و تصویب بودجه، همینطور اجرا و تفتیش مصارف توجه لازم دارد.
- با استفاده از مؤسسات قانونی تفتیش مالی، نظارت را انجام دهید.
- تفتیش مالی توسط پارلمان و سایر مؤسسات نظارت کننده، باید اهداف سیاسی را با تقاضای بودجه و اهداف مرتبط سازد.

عملیات مؤثر پارلمان برای تأمین تنظیم بودجه شفاف امنیتی

- تقاضا کنید که بودجه با توجه به اصول برنامه ریزی مؤثری که در این فصل آورده شده، آماده شود.
- تلاش کنید از متخصصان مستقلی که می توانند به پارلمان و یا خود شما کمک کنند برای ارزیابی اینکه بودجه پیشنهادی مرتبط و مناسب هست و به شیوه شفاف ارائه می شود، مساعدت جوئید.
- اطمینان یابید که خدمات امنیتی از روش های جدید برنامه ریزی مالی و تنظیم بودجه استفاده می کنند. این امر به پارلمان کمک می کند تا ارزیابی معتبری را از مصارف دفاعی داشته باشد و ارتباطات بین اهداف، دریافت های مالی و عملکردها را بدرستی درک کند.
- شرایط را در پارلمان خودتان کنترل کرده و از نکاتی که در چوکات شماره 58 به عنوان مرجع آمده است استفاده نمائید. با نگرشی برای جبران و کنترل کردن هر نوع ضعف مشخصی، هر اقدامی را که در شرایط سیاسی تان امکان پذیر است انجام دهید

فصل بیست و چهارم تفتیش مصارف بودجه ملی مربوط به بخش امنیت

پارلمان و دیوان محاسبات ملی

مسئولیت پارلمان در قبال بودجه امنیتی زمانی که عهده‌دار آن شود، اتمام ناپذیر است. پارلمان باید وظیفه نظارت و تفتیش مالی خود را انجام دهد، با در نظر گرفتن این امر که ارائه حساب‌های کاملاً بررسی شده به پارلمان قسمتی از پروسه دیموکراسی است و روند تفتیش باید شامل تصفیه حساب مالی و اجراات باشد. حساب‌ها و گزارش‌های سالانه دستگاه‌های امنیتی منبع مهمی برای پارلمان به شمار می‌رود تا از چگونگی مصرف پول در سال قبل مالی، ارزیابی نموده بتواند. در عملکردهای نظارتی، پارلمان باید توسط مؤسسه‌ای مستقل، به نام دیوان محاسبات ملی مورد مساعدت قرار گیرد (بعضی مواقع مفتش عمومی، اداره حسابرسی ملی، اداره بودجه یا اتاق حسابرسی نامیده می‌شود) این ارگان باید توسط قانون اساسی به عنوان مؤسسه مستقل از قوه اجرائیه شاخه‌های قانونگذاری و قوه قضائیه تأسیس شود.

پارلمان در حقیقت باید مطمئن شود که مفتش عمومی محاسبات کشور:

- توسط نمایندگان پارلمان انتخاب شده و دوره مأموریت مشخصی دارد؛
- دارای ابزار قانونی و اجرائی و همینطور منابع برای انجام مأموریتش به صورت مستقل می‌باشد؛
- دارای قدرت مستقلی برای اعلام گزارش به پارلمان و کمیسیون بودجه آن درباره هر موضوع مربوط به مصارف در هر زمانی می‌باشد.

پارلمان باید به این امر رسیدگی کند که مجازات قضائی توسط قانون مهیا گردیده و در مواردی که مقامات اداری و سیاسی، دچار فساد و سوء مدیریت در منابع مالی شده‌اند، اعمال می‌شود و نیز نظارت داشته باشد که در صورت بروز خطا، غرامت پرداخت می‌شود.

چوکات شماره 60

مفتش مالی عمومی (دیوان محاسبات)

«بدون در نظر گرفتن اینکه این ارگان زیر نظر قوه اجرائیه، ارگان قانونگذاری و یا قوه قضائیه فعالیت دا

رد، برای دیوان محاسبات عدم وابستگی و استقلال کامل، از اهمیت بخصوصی برخوردار است. این نهاد برای انجام مأموریت خود باید از امکانات و منابع مالی کافی برخوردار باشد. عملکرد آن از سه لحاظ قابل بررسی است:

ادامهء چوکات.....

نظارت مالی

دیوان محاسبات عمومی باید از دقت، صحت و کامل بودن منابع مالی تمامی ارگان‌های قوهء اجراییه و بخش‌های عمومی اطمینان حاصل کند. همینطور باید مطمئن شود که کلیهء عملیات مالی بر طبق مقررات دارائی عامه انجام می‌شود. در ساحت این عملکرد نظارتی، دیوان محاسبات باید مأموریت قضاوت در مورد حسابداری عامه و مقامات اداری را که دارای اختیار پرداخت حقوق می‌باشند انجام دهد. همه باید پاسخگوی پولی که در اختیار دارند به جزء در موارد مرخصی یا سلب مسئولیت، باشند. در موارد تخصیص نادرست بودجه و یا فساد، دیوان محاسبات موظف است که نتایج خود را به قوهء قضاییه گزارش کند.

نظارت قانونی

دیوان محاسبات عمومی اطمینان یابد که تمامی مصارف عامه و درآمدها بر اساس قانونی که بر برنامهء بودجه حاکم است، اجرا می‌شوند.

استفادهء معقول از دارائی عامه

دیوان محاسبات عصری که در جهت منافع سیستم حکومتی مطلوب قدم بر می‌دارد، باید از استفادهء معقول از دارائی‌های عامه بر اساس سه معیار زیر، اطمینان کسب نماید:

- 1) **ارزش پول:** یقین حاصل کند که منابع استفاده شده به مطلوب‌ترین شیوه از نقطه نظر کیفیت و کمیت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد؛
- 2) **مؤثر بودن:** میزان دستیابی به اهداف را مورد ارزیابی قرار دهد؛
- 3) **توانمندی:** ارزیابی کنید که تا چه اندازه منابع استفاده شده، به طرز مطلوبی مورد بهره‌برداری قرار گرفته تا به نتیجهء فعلی دست یافته‌اند.

این نظارت بر امور گذشته به پیشنهاد دیوان محاسبات یا به درخواست پارلمان انجام می‌شود.

اقتباس: گزارش عمومی سمینار بین‌پارلمانی دربارهء پارلمان و روند تعیین بودجه همراه با دیدگاه جنسیتی (Bamako, Mali، نوامبر 2001)

تفتیش محاسبه بودجه امنیتی در عمل

تفتیش محاسبه بودجه امنیتی در حقیقت روشی نسبتاً پیچیده برای پارلمان می‌باشد که با تحلیلی گزارش‌هایی که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم با مسائل امنیتی مربوط می‌شوند، سروکار دارد؛ همچون، تجارت، صنعت ارتباطات و یا انتقالات پولی و غیره. اصلی‌ترین چالش می‌تواند ایجاد ارتباط بین فعالیت‌هایی باشد که ظاهراً با یکدیگر مرتبط نیستند.

در عمل، وزارتخانه‌هایی که با توجه به امنیت، نقش کلیدی را ایفا می‌کنند مانند وزارت دفاع، وزارت داخله، تجارت و صنعت، مخابرات و امور مالی، باید گزارش‌های کاملاً مستندی را دربارهء چگونگی مصارف پولی که به آنها سپرده شده است به پارلمان ارائه دهند. شیوه‌های پارلمان که ممکن است مورد

استفاده قرار بگیرند از این قبیل می‌باشند: گزارش‌های سالانه بخش‌ها، مرور هر نوع اختصاص بودجه توسط کمیسیون‌های پارلمان، گزارش بررسی مالی سالانه هر وزارتخانه، مناقشه و بحث اختصاصی درباره هر بخش از پارلمان.

به شکل مطلوب، روند تفتیش محاسبات پارلمان را قادر می‌سازد تا دوران تنظیم بودجه را مورد ارزیابی قرار داده و اطمینان یابد که در بودجه مذکور به قانونی بودن در مصارف و مؤثر بودن در دستیابی به اهداف تعیین شده، توجه شده است.

چوکات شماره 61

نقش دیوان محاسبات ملی انگلستان در نظارت پارلمانی بر ادارات امنیتی

دیوان محاسبات ملی انگلستان که به صورت نهادی مجزا در سال 1983 تأسیس گردیده و در رأس آن مفتش مالی عمومی قرار گرفته است، درباره مصارف دولت مرکزی گزارشی را به پارلمان ارائه می‌دهد. این نهاد، تفتیش مالی را انجام داده و درباره ارزش پول بدست آمده گزارشی را تهیه می‌کند.

مفتش مالی

بر اساس قانون، مفتش مالی عمومی و دیوان محاسبات ملی انگلستان مسئولیت تفتیش حسابی تمامی بخش‌های حکومتی و اداره‌ها را به عهده داشته و نتایج را به صورت گزارشی در اختیار پارلمان قرار می‌دهد. مانند سایر مفتشین مالی، مفتش مالی عمومی ملزم می‌باشد که نقطه نظر معینی را در مورد حساب‌ها و اینکه هیچگونه گزارشی در مورد سوءاستفاده مالی درباره آنها ارائه نشده است، اعلام کند. همچنین باید تأیید کند که انتقالات پولی در حسابها مطابق به صلاحیت‌های مناسب پارلمان انجام یافته است. در صورتی که اداره مذکور تشخیص دهد که سوء استفاده‌های مالی صورت گرفته است، مفتش عمومی نکات نظر مناسبی را منتشر خواهد کرد و در جایی که هیچگونه اشتباه مالی و یا بی‌قاعدگی در حساب‌ها به چشم نخورد، مفتش مالی گزارشی را درباره موضوعات مهم دیگر به پارلمان ارائه خواهد داد که می‌تواند توسط کمیسیون حسابداری عامه مجلس عوام در پارلمان ملاحظه شود.

تفتیش ارزش پول

حدوداً 50 گزارش هر ساله توسط مفتش مالی عمومی درباره ارزش پول که بخش‌های حکومتی یا سایر نهادهای دولتی با منابع خود به آن دست یافته‌اند، به پارلمان ارائه می‌شود. دیوان محاسبات ملی، اقتصادی بودن، توانمند بودن و مؤثر بودن مصارف دولتی را تحت بررسی قرار داده و از آنها گزارشی را تهیه می‌کند. در حالی که گزارش‌ها می‌توانند اجراءات ضعیف را آشکار سازند و یا بر عملکرد صحیحی تأکید ورزند، می‌توانند بر ارائه توصیه‌ها جهت دستیابی به تغییراتی مفید نیز توجه داشته باشند. دیوان محاسبات ملی عقیده دارد که با به اجرا در آوردن تمام توصیه‌هایی که در سه سال اخیر نموده است، دولت توانسته است 104 میلیارد پوند ذخیره کند. گزارش‌های ارزش پول وزارت دفاع اخیراً به موضوعاتی کاملاً متفاوت از قبیل لوژستیک‌های هلیکوپتری، شناسایی مبارزان مسلح، معاینه و تعمیر تجهیزات زمینی، کاهش ذخائر و گسترش دادن دوباره سازمان اصلی وزارت دفاع، پرداخته است. دیوان محاسبات ملی همچنین درباره پیشرفت 30 پروژه اکتسابی گزارشی می‌دهد.

ادامهء چوکات.....

ارتباطات با پارلمان و دورهء پاسخ گویی

ارتباطات با پارلمان و مخصوصاً با کمیسیون حسابات عمومی، نقشی مرکزی در وظیفهء دیوان محاسبات ایفا می‌کند. مفتش مالی عمومی از لحاظ قانونی، کارمندی از مجلس عوام پارلمان می‌باشد و کلیه وظایف اصلی‌اش به پارلمان ارائه داده می‌شود. بدین ترتیب، دورهء پاسخگویی به اجرا در می‌آید. زمانی که پول عامه توسط ارگان حکومتی مرکزی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مفتش عمومی می‌تواند گزارشی در مورد نظم، مناسب بودن و ارزش پولی که بر اساس آن انجام گرفته است به پارلمان ارائه دهد. کمیسیون حسابات عمومی می‌تواند شواهدی را در مورد این گزارش از طریق مقام ارشد آن نهاد جویا شود و پیشنهادهایی را ارائه دهد که دولت باید به آنها پاسخ دهد. بر علاوه دیوان محاسبات ملی بیش از 400 تحقیقی که از افراد پارلمان دربارهء مسائلی که مصارف عامه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، پاسخ می‌دهد.

مأخذ: Tom McDonalad، مفتش مالی ارشد وزارت دفاع، دیوان محاسبات ملی، انگلستان، 2002

عناصر اصلی دیوان های محاسبات

دیوان محاسبات یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظارت پارلمانی می‌باشد و برای آنکه بتواند بصورت نهادی مؤثر، فعالیت داشته باشد، باید دارای خصوصیت‌های زیر باشد:

- مقام تفتیش به کمیسیون حسابات پارلمانی که از کمیسیون بودجه مجزا باشد، گزارش می‌دهد.
- باید به اسناد محرمانه برای مطلع شدن از تصامیم، دسترسی داشته باشد و نباید این اسناد را در معرض عموم قرار دهد.
- باید دارای توانایی‌های چند جانبه با تخصص در زمینهء ادارات امنیتی، منجمنت دفاعی، امکانات تخنیکی، مالی و قانونی باشد.

چوکات شماره 62

پارلمان گرجستان و کنترل بودجه

در پایان سال 2001، نمایندگان پارلمان گرجستان تصمیم گرفتند که بحث در مورد لایحهء بودجه 2002 را برای يك ماه کنار بگذارند. علت آن، عدم توافق بر سر ارقام اولیه و نداشتن زمان کافی برای بحث بود، چرا که دولت پیش‌نویس برنامه بودجه را خیلی ناوقت به پارلمان ارائه داده بود. در عین حال با کمک متخصصان آمریکایی، وزارت دفاع اولین برنامه بودجهء دفاعی را تنظیم کرد. نمایندگان پارلمان فرصتی را یافتند که عناصر ساختار اولیهء نیروهای مسلح را بررسی کرده و اظهار نظر آگاهانه‌ای در مورد مصارف دفاعی داشته باشند. بر علاوه پیش‌نویس برنامه بودجه با معیارهای ناتو هماهنگی داشت و کلیه مصارف را به سه بخش پرسونل، حفظ و مراقبت توانائی جنگی و سرمایه‌گذاری تقسیم می‌کرد.

ادامهء چوکات.....

از نقطه نظر نظارت پارلمانی، مشکل اصلی این بود که تصویب بودجه در اواخر جنوری 2002 صورت گرفت و اینکه الف) رئیس‌جمهور، وزیر مالیه و وزیر دفاع نقاط نظر متفاوتی را در مورد مطلوب ترین شیوهء مصارف دفاعی مطرح کردند؛ ب) در آخرین دقایق تغییراتی در ارقام بودجه صورت گرفت که علت آن برای قانونگذاران توضیح داده نشد؛ ج) برنامهء پیشنهادی کاهش پرسونل در وزارت دفاع و همینطور تأثیرات مالی که این اقدام را به دنبال داشت به اطلاع نمایندگان پارلمان نرسید. در عین حال لایحهء بودجه ادارات دولتی که در قانون بودجه آورده نشد، از حیطهء کنترل نمایندگان پارلمان خارج گردید.

در انتها، برنامهء بودجه دفاعی به طور اساسی آسیب دید چرا که پارلمان تنها 38 میلیون GEL را برای مصارف دفاعی تصویب کرد، در حالیکه برنامه‌ها در مجموع نیازمند 71 میلیون GEL بودند. در این شرایط رئیس‌جمهور و شورای امنیت ملی دربارهء چگونگی تأمین سرمایه‌های بودجه از ساختارهای مختلف دولتی تصمیم‌گیری می‌کنند. پارلمان می‌توانست از این موقعیت ارزشمند با استفاده از شیوه‌های پارلمانی برای بحث و تصویب بودجه جهت کنترل دموکراتیک بهره بگیرد

مأخذ: David Darchiashvili، رئیس بخش تحقیقاتی پارلمان گرجستان، 2002

آنچه که شما به عنوان نمایندهء پارلمان می‌توانید انجام دهید

تفتیش مالی مستقل مؤثر

- اطمینان یابید که تأسیس مؤسسه عالی تفتیش مالی در قانون اساسی یا قوانین مصوبه، آورده شده و طرح آن به صورت زیر مشخص گردیده است:
 - طبیعت و وسعت ارتباطات بین مؤسسهء ملی تفتیش مالی و پارلمان؛
 - میزان لازم استقلال مؤسسهء ملی تفتیش مالی، مقامات و اعضای آن و همینطور استقلال مالی؛
 - پارلمان باید اقداماتی را که دولت در پی گزارش های ادارهء تفتیش مالی و کمیسیون حسابات پارلمان انجام داده است مورد بازبینی و کنترل قرار دهد.
- بررسی کنید که اصول مندرج در رهنمودهای اعلامیهء لیما مبنی بر طرح های تفتیش مالی که در وب سایت سازمان بین‌المللی مؤسسهء عالی تفتیش مالی، www.intosai.org موجود است
- در قوانین ملی و عملکردهای آن منعکس گردیده است.

ادامهء چوکات.....

تفتیش مالی قانونمند، تفتیش مالی با قاعده و تفتیش مالی اجرایی

- نظارت کنید که مؤسسه تفتیش مالی این سه نکتهء فوق را در مسائل امنیتی مدنظر دارد.
- اطمینان یابید که حتی اگر روند تفتیش مصارف مربوط به امنیت بعد از صرف آن صورت می‌گیرد، پارلمان از تجارب لازمه استفاده کرده و در بکارگیری سرمایهء جدید مربوطه، آن را مورد استفاده قرار می‌دهد.
- بیشتر گزارش های تفتیش مالی، به تفتیش پرسش های مالی خلاصه می‌شود. مقام تفتیش مالی قانونی باید بتواند تفتیش اجرائات پروژه های معینی را به تفصیل انجام دهد یا در صورتی که این سازمان در تخصص دچار محدودیت می‌باشد از مشاورینی برای ارزیابی مستقل کمک بگیرد.
- مقام تفتیش قانونی باید به تفتیش اجرائات بخش های امور مالی ادارات امنیتی نیز بپردازد.

بخش هفتم

قوای بشری در بخش امنیت: حصول اطمینان از تخصص‌گرایی و نظارت دموکراتیک

فصل بیست و پنجم ارتقاء سطح ارزش‌های دموکراتیک در بخش امنیت

تعلیمات دموکراتیک و طرز تفکر نیروهای مسلح باید ارتقاء یابد تا اردو بتواند به صورت مناسبی در جامعه جذب شود و تهدیدی برای دیموکراسی به حساب نیاید. در قسمت‌های مختلف دنیا تجربه واقعا نشان داده است اردوی که به طور مناسبی اداره نشده و به شیوه‌ای دموکراتیک کنترل نشده باشد و یا این که به طور کامل در ساختار جامعه جذب نه شده باشد، می‌تواند تهدیدهای مختلفی را برای دیموکراسی ایجاد کند:

- اعمال نفوذهای خلاف قانون یا سازماندهی کودتا؛
- انجام فعالیت‌های غیر مجاز یا تجاری؛
- بهره‌برداری در حد بسیار بالا از منابعی که برای سایر بخش‌های جامعه مورد نیاز است؛
- استفاده ناصحیح از دارائی‌های عامه؛
- نقض حقوق بشر (مانند غارت، دزدی، استفاده از خشونت غیر قانونی و تجاوز به ناموس).

میکانیزم‌ها برای رشد سلوک (کرکتر) دموکراتیک در بین پرسونل اداره امنیتی

رشد دادن طرز تفکر نیروهای مسلح به معنی ایجاد میکانیزم‌هایی در سازمان‌های اردو می‌باشد که به افزایش آگاهی و احترام به ارزش‌های دموکراتیک و اصول حقوق بشر کمک می‌کند. این میکانیزم‌های داخلی برای تکمیل نظارت پارلمانی، دولتی و مدنی بر نیروهای مسلح ضروری می‌باشند. عناصر زیر می‌تواند به افزایش سلوک دموکراتیک در پرسونل نظامی کمک کند.

وفاداری به قانون اساسی و مؤسسات دولتی

حاکمیت مطلوب شامل پروراندن ارزش‌های خدمت به مردم و پابندی اخلاقی به قانون و احترام به قانون اساسی و مؤسسات ملی در دستگاه امنیتی می‌باشد. سربازان و دیگر پاسداران یک جامعه دموکراتیک باید به وفاداری نسبت به قانون اساسی و مؤسسات دولتی و نه نسبت به یک رهبر سیاسی خاص، سوگند یاد کنند. چنین سوگند وفاداری غیر فردی نشانگر این است که دستگاه‌های امنیتی نه به دولت خاص روز بلکه به قانون اساسی و قوانینی که توسط نمایندگان قانونی مردم به اجرا در می‌آید، وفادار می‌باشند. نظارت بر اداره امنیتی باید شامل آگاهی بخشی، نسبت به ماهیت دقیق سوگند نظامی و نحوه تثبیت اجرای آن می‌باشد.

نظم داخلی مشخص در اداره امنیتی

برای داشتن نظارتی دموکراتیک، بسیار ضروری پنداشته میشود که چارچوب قانونی مربوط به نظم داخلی اداره امنیتی مشخص گردد. این امر شامل موارد زیر می‌باشد:

- محدود کردن اختیارات قانونی افسران اردو؛
- به کارگیری و بررسی قانون جلب و احضار به خدمت عسکری، قانون جزائی، ایجاد چارچوبی قانونی، که با معاهدات جینوا هماهنگ باشد؛
- موظف ساختن پرسونل به سرپیچی از دستورات غیرقانونی.

در بیشتر کشورها، در حالی که قانون اساسی، حقوق و آزادی‌های بنیادی تمامی اتباع خود را تضمین می‌کند، قوانین کوچکتر می‌تواند این حقوق را برای نظامیان اگر لازم باشد محدودتر سازد. بنابراین از آنجایی که نظامیان، شهروندانی در لباس نظامی هستند، اصولاً همانند سایر غیر نظامیان از حقوق یکسانی بهره‌مند می‌باشند؛ با وجود این، محدودیت‌هایی که اعمال می‌شود شامل آزادی گفتار است چرا که نظامیان به اسناد سری دسترسی دارند، تا آنجایی که به آمادگی امنیتی و نظامی مربوط می‌شود، آزادی عمل و آزادی انتخاب شدن برای پست سیاسی نیز در این محدودیت شامل می‌باشد. تمامی قوانین دموکراسی، حقوق مدنی نظامیان را به یک اندازه محدود نمی‌سازد. برای مثال، در کشورهای اسکندیناوی، آلمان و هلند، نظامیان حق شرکت و یا تشکیل اتحادیه بازرگانی را دارند. در سایر دولت‌ها نظامیان فقط می‌توانند در شکل‌گیری و پیوستن به اتحادیه‌های نمایندگی حضور داشته باشند. به هر صورت، در تمامی موارد محدودیت‌ها در قوانین فرعی ذکر گردیده است و همواره مستقیماً به موقفهای مشخص نظامیان و امنیت ملی مربوط می‌شود.

انجمن‌ها و اتحادیه‌ها با نمایندگی نظامی

در بسیاری از دولت‌ها تشکل و عضو شدن در اتحادیه‌های تجاری بخاطر حفاظت از منافع اردوهای دارای خدمت عسکری داوطلبانه و یا مکلفیت ممنوع می‌باشد. دلیل مخالفت با وجود اتحادیه‌هایی برای پرسونل نظامی این است که می‌توانند انضباط و نظم را در نیروهای مسلح ضعیف سازند. با وجود این، سایر دولت‌ها در راستای بند یازدهم منشور حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی اروپا به پرسونل نظامی خود اجازه تشکل و عضو شدن در انجمن‌ها و حتی اتحادیه‌هایی برای پرسونل نظامی را می‌دهند. این کشورها شامل اتریش، جمهوری چک، دنمارک، فنلند، آلمان، هنگری، ایرلند، لوکزامبورگ، هلند، ناروی، پرتغال، روسیه، سلوانیا، جمهوری سلواک، سویدن و سویس می‌باشند. در این کشورها انجمن‌ها یا اتحادیه‌های پرسونل نظامی بر حسب نوع انجمن دارای حقوق مختلفی می‌باشند. همه آنها دارای حق مشاوره با وزیر دفاع و حتی بعضی از آنها در مورد شرایط استخدام، دارای حق مباحثه می‌باشند. در هر صورت این انجمن‌ها وضعیت سلامتی و امنیتی پرسونل را بهبود بخشیده و اعضای خود را مورد حمایت قرار می‌دهند. مثل بحث‌های قانونی بین پرسونل نظامی و استخدام کننده آنها، اروپا دارای دوسازمان حمایت از افراد نظامی می‌باشد. در بروکسل، ایورومیل (EUROMIL) تنها سازمان اروپائی پرسونل نظامی بدون در نظر گرفتن پست نظامی افراد است. دومین سازمان حمایت از نظامیان در اروپا، شورای سازمان‌های مجلوبین عسکری اروپا در استکهلم می‌باشد.

چوکات شماره 63

سفارشات شورای اروپا در مورد حق داشتن انجمن برای اعضای حرفه‌ای نیروهای مسلح

- 1- مجمع پارلمانی به اعضای نیروهای مسلح، در شرایط معمول حق ایجاد اتحادیه را با ممنوعیت اعتصاب اعطا می‌کند. (...)
- 4- در سال‌های گذشته، نیروی نظامی بعضی کشورها، از سیستم مکلفیت جلب به خدمت نظام، به سیستمی کاملاً حرفه‌یی تغییر شکل داده‌اند، در نتیجه پرسونل نظامی به طرز فزاینده‌ای به صورت کارمندی در می‌آیند که کارفرمای آنها وزارت دفاع بوده و باید به طور کامل مشمول حقوق کارکنان که در منشور حقوق بشر اروپا و اعلامیه جامعه اروپایی آورده شده است، قرار گیرند.
- 5- اعضای نیروهای مسلح به عنوان اتباع کشور «درلباس نظامی» در زمانی که اردو در حال عملیات نظامی نمی‌باشند، در حالی که به خدمت خود مشغولند، باید از حقوق کامل تأسیس، عضویت و حضور فعال در انجمن‌هایی که حامی منافع حرفه‌ایشان در چارچوب اصول دموکراتیک است، بهره‌مند باشند.
- 6- پرسونل نظام باید از حقوق مذکور، در مورد احزاب سیاسی قانونی نیز بهره‌مند باشند.
- 7- بنابراین، مجمع پیشنهاد می‌کند که کمیسیون وزراء، از حکومت‌های کشورهای عضو بخواهد که:
 - الف - به اعضای نیروهای مسلح و پرسونل نظامی اجازه دهند که اتحادیه نمایندگان را خودشان با حق بحث در مورد موضوعاتی از قبیل معاشات و شرایط استخدام سازماندهی کنند.
 - ب - محدودیت‌های غیر لازم جاری در مورد حق ایجاد اتحادیه برای اعضای نیروهای مسلح را از میان بردارند.
 - ج - به اعضای نیروهای مسلح و پرسونل نظامی اجازه دهند که عضو احزاب سیاسی قانونی گردند.
 - د - این حقوق را با مقررات نظامی و قوانین کشوری بیامیزند.
 - ه - امکان تشکیل اداره‌ای برای مأمورین رسیدگی به شکایات که پرسونل نظامی بتوانند در باره کار و سایر امور خدماتی، به آن مراجعه کنند.
- 8 - مجمع از کمیته وزراء می‌خواهد که امکان تجدید نظر درباره متن منشور جامعه اروپا با تغییر ماده شماره 5 را بررسی کند. در این باره چنین خوانده شود: «به منظور تأمین آزادی کارگران و کارفرمایان در ایجاد سازمان‌های محلی، ملی یا بین‌المللی برای حمایت از منافع اقتصادی و اجتماعی ایشان و همینطور برای شرکت در آن سازمان‌ها، اطراف زیدخل قبول دارند که قانون ملی نباید به گونه‌ای باشد و یا به شیوه‌ای عمل کند که به این آزادی آسیب رساند. میزان این تضمین که در این ماده آورده شده در مورد نیروی پولیس و اعضای نیروهای مسلح توسط قوانین و مقررات تعیین می‌گردد.»

سفارش 1572 (2002)

مجمع پارلمانی شورای اروپا، 3 سپتامبر 2002

ارتقاء تعلیمات در ارزش‌ها و اصول کلیدی

تعلیمات پرسونل نظامی باید با هدف ایجاد نیروی نظامی حرفه‌یی فداکار و آماده برای انجام وظایف، صورت گیرد. این تعلیمات باید از لحاظ سیاسی به گروه خاصی وابسته نبوده و هیچگونه ایدئولوژی سیاسی و عوامل تبلیغاتی را شامل نشود. این تعلیمات باید شامل کورس‌هایی در مورد دیموکراسی، قانون بین‌المللی و بشری و حقوق بشر باشد. تأمین آموزش در قوانین بشری بین‌المللی و حقوق بشر بین‌المللی در امر ارتقاء ارزش‌های دموکراتیک در آن بخش حائز اهمیت زیادی می‌باشد. به منظور آشنایی با قوانین بشری بین‌المللی، اعضای پارلمان ممکن است بخواهند کتابی برای نمایندگان پارلمان تحت عنوان «احترام به قانون بشری بین‌المللی» را که در سال 1999 توسط اتحادیه بین‌پارلمانی و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (کتاب شماره 1) منتشر شده است، داشته باشند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و اداره کمیساری عالی حقوق بشر در سازمان ملل متحد، کمک‌های تخصصی برای کشورهای که خواستار تقویت توانایی‌های خود در زمینه احترام به قانون بشری بین‌المللی و قانون حقوق بشر بین‌المللی می‌باشند، ارائه دهد.

ایجاد بیطرفی سیاسی و حضور غیر فعال

خدمات امنیتی باید از لحاظ سیاسی بیطرف بوده و بنابراین احزاب سیاسی اجازه مبارزه در قشله‌های عسکری را ندارند. در حالی‌که در بعضی کشورها نیروهای نظامی فعال می‌توانند عضو یک حزب سیاسی شوند، در سایر کشورها، خصوصاً در کشورهای مابعد کمونیستی، پرسونل نظامی اجازه پیوستن به احزاب سیاسی را ندارند. مثلاً در پولند، کارکنان وزارت داخله از تبدیل خدمات استخباراتی یا پولیس از عضویت در احزاب سیاسی منع می‌شوند. در بسیاری از کشورها، نظامیان نمی‌توانند عضو پارلمان ملی باشند. با وجود این، در بعضی کشورها مثل هالند و آلمان، نظامیان فعال می‌توانند عضو مجامع محلی یا منطقه‌ای شوند.

خدمات امنیتی به عنوان آئینه جامعه

در اصل تمامی پست‌های داخل خدمات امنیتی باید برای تمامی اتباع، بدون در نظر گرفتن جنسیت، تمایلات سیاسی، طبقه، نژاد یا مذهب آزاد باشد. بهترین زن یا مرد، در بهترین موقعیت می‌تواند اصلی‌ترین معیار برای انتخاب باشد. بسیاری از حکومت‌ها، دریافته‌اند که پرسونل دستگاه‌های امنیتی مخصوصاً پولیس و نیروهای مسلح باید عملاً آئینه جامعه باشند. این حکومت‌ها، سیاست‌های خاصی را به کار می‌گیرند تا گروه‌هایی از جامعه را که در خدمات امنیتی نقشی زیادی ندارند، ترغیب به مشارکت کنند.

قانون کردن نافرمانی در مقابل فرمان‌های غیر قانونی و ناجایز

موقف، دیدگاه، عملیات، همکاری، ایجاد مزاحمت، گزارش، وظایف و نظارت بر تمامی خدمات امنیتی توسط قانون، تعدیل می‌گردد. ارگان‌های خدمات امنیتی فاقد قدرت میباشند مگر آنکه توسط قانون موظف شده باشند. در مورد مسایل نظامی، مصوبات خاصی از قبی ل «عملکرد پرسونل نظامی» و یا «قانون جزائی نظامی» حدود فرامینی را که سربازان موظف به اطاعت می‌باشند مشخص می‌سازد. در بسیاری از کشورها این قوانین هر فرمانده ای رامکلف می‌سازد که هر وقت، فرمانی صادر می‌سازد، قانون را رعایت کند و بنابراین قدرت فرمانده محدود می‌گردد. در ادامه آمده است افراد نظامی موظفند که از فرامین غیرقانونی (جرم) سرپیچی کنند؛ هیچ فرد نظامی نمی‌تواند رفتار خود را

با اشاره به فرمانی که جرم محسوب شود، توجیه کند. به علاوه، نظامیان مجبور نیستند از فرمانی اطاعت کنند که مربوط به وظایفشان نیست و احترام به انسانیت را نقض می‌کند. به طور غیر مستقیم این امر گویای این واقعیت است که نظامیان، خودشان همیشه مسوول اعمال شان شناخته می‌شوند حتی زمانی که از دستور مافوق پیروی کرده‌اند.

رهبران عالی‌رتبه نظامی باید برای الگو بودن ترغیب شوند و به عموم نشان دهند که فرامین و یا اعمال سربازان به صورت غیر دیموکراتیک یا ضد قانون اساسی و یا غیر اخلاقی منع می‌باشد. این امر خصوصاً برای نیروهای مسلح متعلق به اردوی رژیم‌ها که دی‌کتاتوری بوده است، بسیار مهم می‌باشد. برای مثال پس از بازگشت ارجنتاین به سوی دیموکراسی، جنرال‌های ارشد اردو ارجنتین اعلام کردند که «هدف وسیله را توجیه نمی‌کند» و «هر کس که فرامین غیر اخلاقی صادر کند و یا هر کس که از این فرامین پیروی کند، قانون را نقض کرده است. با این بیانیه‌ها، فرماندهان ارشد صریحاً اعلام کردند که هر سرباز، مسوول جرم و عملکرد خود خواهد بود و نمی‌تواند ادعا کند که فرامین غیر قانونی مقام مافوق را اطاعت کرده است.

یکی از مسایل مربوطه، جلوگیری و ایستادگی در مقابل مصونیت می‌باشد، باید اطمینان حاصل کرد که هر گونه تخلف و نقض قوانین بشری بین‌المللی و حقوق بشر توسط نهاد قضایی یا اجرائی ذیصلاح مجازات خواهد شد.

تعیین معیار برای انتخاب پرسونل ارشد امنیتی

پست‌های عالی رتبه ادارات امنیتی از قبیل لوی درستیز نیروهای مسلح یا رئیس ادارات اطلاعاتی، توسط اعضای کابینه یا وزیر دفاع انتخاب خواهد شد. در بعضی از کشورها، این انتصاب مقامات، مورد مباحثه و یا تصویب پارلمان قرار می‌گیرد. اگر چه مقامات عالی رتبه اداری توسط رهبری سیاسی غیر نظامی و یا تصویب انتخاب می‌شوند، معیارهای مسلکی فرد، در روند انتخاب او، بسیار مهم تلقی می‌شوند.

مامورین ملکی در ادارات عالی رتبه امنیتی

آخرین نکته ولی نه بی‌اهمیت ترین، اینست که از نقطه نظر حاکمیت صالح، خدمات امنیتی، از قبیل نیروهای مسلح بایداز مامورین ملکی در ادارات عالی‌رتبه استفاده کنند. مهم‌ترین دلیل این است که وزیر مربوطه برای اینکه بتواند روند تصمیم‌گیری متوازنی را تضمین کند، باید نه تنها از طرف جنرال‌های اردو بلکه مامورین ملکی نیز مشوره داده شود.

سلوک مسلکی

سلوک کاری بر اساس عملیات، مقررات و پالیسیها شکل می‌گیرد. نظامیان باید با ارگان‌های دولتی و قانون اساسی مشتاقانه همکاری داشته و خود را وقف خدمات مردمی کنند. وظایف خود را به صورت مؤثر و کارآمد انجام دهند و از قدرت خود سوءاستفاده نکرده و یا از بودجه مردمی بهره‌برداری نادرست نکنند. این امر که سلوک مسلکی، با اطاعت مشتاقانه و نه اطاعت از روی اجبار صورت گیرد از اهمیت بخصوص برخوردار است. اطاعت مشتاقانه به این معنی است که نظامیان باید دارای تعصبات مثبتی نسبت به قانون اساسی و نهادهای ملی باشند چرا که آنها ارزش‌های دیموکراتیک جامعه‌شان را کاملاً درک کرده‌اند.

بسیاری از کشورها مجموعه قوانینی را اتخاذ کرده‌اند که رفتارهای نظامیان را تعدیل می‌کند، سلوک مسلکی نیروهای مسلح آلمان در چوکات شماره 64 توضیح داده شده است.

چوکات شماره 64

رهبری و تعلیمات مدنی در نیروهای مسلح آلمان: اصول «رهبری داخلی»

«...» در طول بحث در مورد تأسیس اردوی فدرال آلمان بعد از جنگ جهانی دوم، مفهوم رهبری داخلی (یعنی رهبری اخلاقی و تعلیمات مدنی) به عنوان راهی برای اصلاحات نیروهای مسلح، از طریق فاصله گرفتن عمدی از سنت‌های دیرینه تلقی شد. این امر مورد توافق همگانی قرار گرفت که اصول رهبری داخلی رهنمودهای اولیه‌ای را برای سازماندهی ارتش فدرال آلمان از یک طرف و برای الحاق آن به دولت و جامعه از طرف دیگر، فراهم می‌سازد.

(...) رهبری داخلی تلاش می‌کند که هرگونه کشیدگی یا درگیری را بین حقوق و آزادی پرسونل نظامی به عنوان شهروند از یک طرف و وظایف نظامی‌شان از طرف دیگر تا حد قابل تحمل کاهش دهد. یکی از دستورات اولیه قانون اساسی ما طریقه فرماندهی افسران ارشد می‌باشد که باید همراه با احترام برای شأن انسانی باشد (...).

در بیرون، هدف ما ایجاد همبستگی با دولت و اردوی فدرال آلمان به عنوان یک مؤسسه و تمامی پرسونل نظامی به عنوان افراد شهروند می‌باشد. (...) هدف از بین بردن هرگونه نگرانی است که اردوی فدرال آلمان بصورت «دولت در دولت» در آید - خطری که ذاتاً در تمامی نیروهای مسلح وجود دارد (...).

اهداف رهبری داخلی به شرح زیر می‌باشد:

- آگاه ساختن کامل پرسونل در باره اصول سیاسی و قانونی اردوی فدرال آلمان و همینطور هدف و معنای مأموریت آنها؛
- کمک به یکپارچگی اردوی فدرال آلمان و پرسونل نظامی با دولت و جامعه و ایجاد آگاهی و درک عمومی از مأموریت آنها؛
- افزایش اشتیاق وظیفوی در پرسنل نظامی برای انجام وظایف‌شان و حفظ انضباط و اتحاد در نیروهای مسلح؛

کسب اطمینان از اینکه ساختار داخلی نیروهای مسلح بر پایه احترام به کرامت انسانی و فرامین قانونی سازماندهی شده است، و همچنین اجرای مؤثر مأموریت نیروهای مسلح آسان گردد. ماهیت و اهداف حقیقی رهبری داخلی در زندگی روزمره نظامی در یک سلسله قوانین، فرامین و مقررات نظامی ارائه داده شده است (...).

مأخذ: وب سایت مجلس فدرال آلمان www.bundestag.de

در سطح بین‌المللی دو نوع مقررات تا به حال ایجاد شده است که چارچوبی را برای سلوک مسلکی نظامیان جوامع دموکراتیک مشخص کرده است. بار اول در سال 1996 مجمع عمومی، مقررات بین‌المللی را برای مجریان قانون به تصویب رساند: به چوکات شماره 65 مراجعه شود. این مقررات دارای ماهیتی عمومی است و نه تنها برای نیروهای نظامی بلکه برای تمامی کارکنان دولتی که در نهادهای اجرای قانون کار می‌کنند، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

چوکات شماره 65

قوانین و مبانی در ارتباط با مأموران مجری قانون (نیروی پولیسی)

تصویب شده در قطعنامه 34/169 مجمع عمومی 17 دسامبر 1979

ماده 1: مأموران مجری قانون (نیروی پولیسی) باید در هر زمان وظیفه‌ای را که قانون بر آنها محول کرده با خدمت به جامعه و حفاظت از تمامی مردم در مقابل اعمال غیرقانونی، با نهایت احساس مسئولیت انجام دهند

ماده 2: مأموران امور پولیسی در اجرای وظایف خود، به منزلت انسان احترام گذارده و آن را مورد حمایت قرار دهند و همین‌طور حقوق بشر را در مورد تمامی انسان‌ها محافظت و رعایت کنند.

ماده 3: مأموران امور پولیسی می‌توانند از زور فقط در مواردی که شدیداً ضروری است و تا اندازه‌ای که برای انجام وظیفه‌شان مورد نیاز است، استفاده کنند.

ماده 4: موضوعاتی که ماهیتاً سرّی هستند و در اختیار مأموران امور پولیسی می‌باشند، باید محرمانه باقی بمانند مگر آنکه انجام وظیفه یا ضرورت انجام عدالت غیر از این را طلب کند.

ماده 5: هیچ مأموران امور پولیسی نمی‌تواند دست به اعمال زور، تحریک یا تحمیل هر نوع شکنجه و یا سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و یا تحقیرآمیز بزند. همچنین هیچ مأمور مجری قانون نمی‌تواند برای توجیه شکنجه و یا هر نوع رفتار غیرانسانی، متوسل به فرمان‌های مافوق، یا شرایط استثنایی مثل جنگ، تهدید به جنگ، تهدیدی برای امنیت ملی، ناامنی‌های سیاسی داخلی و یا هر نوع وضعیت اضطراری عمومی شود.

ماده 6: مأموران امور پولیسی باید حمایت کامل از سلامت انسان‌های دربند را تضمین کنند. خصوصاً در صورتی که نیاز به توجه صحی باشد، آنها باید دست به اقدامی فوری بزنند.

ماده 7: مأموران امور پولیسی نباید هیچگونه عمل غیر اخلاقی انجام دهند. همچنین باید با تمام قوت در مقابل چنین اعمالی ایستادگی کرده و مبارزه کنند.

ماده 8: مأموران امور پولیسی باید به قانون و مقررات حال احترام بگذارند. همچنین با استفاده از حداکثر توانایی خود، از هر گونه نقض قانون جلوگیری کرده و با آن با تمام قوت مبارزه کنند. هنگامی که مأموران امور پولیسی فکر میکنند که قانون نقض شده و یا در شرف نقض شدن است، باید موضوع را به مقامات مافوق و در صورت نیاز، به مقامات مربوطه و یا ارگان‌هایی که دارای قدرت بررسی و جبران می‌باشند، گزارش دهند.

یادداشت: هر يك از موارد این قوانین دارای تفسیری است که در این بخش آورده نشده است. برای مطالعه به متن کامل www.UN.org مراجعه کنید.

دومین مقررات قوانین OSCE جنبه سیاسی - نظامی امنیت می‌باشد (به چوکات شماره 66 مراجعه کنید). نظامیان تمامی ارگان‌های ادارات امنیتی در عطف توجه این قوانین قرار دارد و رهنمودهایی را برای پرسونل نیروهای مسلح ارائه می‌کند. این قوانین حکم میکنند که نظامیان باید از اصول قانون‌گرایی، دموکراسی، بی‌طرفی، احترام به حقوق بشر و همین‌طور از قوانین بشری بین‌المللی پیروی کنند و همچنین تصریح می‌کنند که نظامیان را می‌توان بصورت انفرادی مسوول نقض حقوق بشر شمرد. با وجود این، مسایلی را که معمولاً در حیطه قضاوت امور داخلی دولت قرار می‌گیرد را نیز تحت پوشش قرار میدهد. بدین ترتیب این قوانین پیشرفت مهمی را در حوزه قدرت حکومتی نشان می‌دهد که بطرز دقیقی مورد حفاظت قرار گرفته است. از زمانی که کشورهای OSCE این قوانین را در سال 1994 به امضا رساندند، معیارهایی را برای چگونگی عضوگیری، تعلیم و یا فرماندهی نیروهای‌شان مشخص کرده‌اند. این امر به نکتہ بسیار مهمی از این قوانین اشاره دارد که حرفه‌ی ساختن بیش از پیش نیروهای مسلح باید با کنترل دیموکراتیک مناسب آنها هماهنگ گردد.

چوکات شماره 66

قوانین و مبانی سیاسی- نظامی امنیت (1994) کشور های عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا OSCE : خصوصیتهای کلیدی عبارت اند از

- مفهوم گسترده نیروی های داخلی : این نیروی ها عبارت اند از ادارات استخباراتی، شبه نظامی و پولیس. این احکام وظیفه دولت ها را در امر کنترل دموکراتیک نیروهای مسلح، توسط مقام‌هایی که دارای مشروعیت قانونی هستند تصریح می‌سازد. (پاراگراف‌های 20 و 21)؛
- قانون تصویب بودجه دفاعی و ترغیب استفاده از محدودیت در مخارج نظامی، شفافیت و دسترسی عموم به اطلاعاتی که مربوط به نیروهای مسلح می‌باشد (پاراگراف 22)؛
بی‌طرفی سیاسی نیروهای مسلح (پاراگراف 23)؛ پرسونل نیروهای مسلح را می‌توان بصورت انفرادی مسوول نقض قوانین بشری بین‌المللی دانست (پاراگراف 31)؛
- نیروهای مسلح در صلح و یا جنگ، بر اساس مواد قوانین بین‌المللی، فرماندهی می‌شوند، نیروی انسانی دریافت می‌کنند، آموزش می‌بینند و یا مجهز می‌گردند (پاراگراف 34)؛
- متوسل شدن به زور در اجرای مأموریت‌های داخلی امنیتی باید با نیازهای اعمال آنها متناسب باشد، نیروهای مسلح احتیاط به خرج می‌دهند تا از مجروح ساختن و یا آسیب رسانیدن به مردم ملکی و یا اموال آنها اجتناب کنند؛
- استفاده از نیروهای مسلح نمی‌تواند حقوق قانونی و صلح‌آمیز غیر نظامیان و شهروندان را محدود ساخته و آنها را از هویت ملی، مذهبی، فرهنگی، زبانی و یا نژادی محروم سازد (پاراگراف 37).

مأخذ: قوانین و مبانی OSCE بخش‌های 7 و 8

به وب سایت OSCE مراجعه کنید : www.osce.org
و وب سایت قوانین و مقررات OSCE مراجعه کنید:

http://www.osce.org/docs/english/1990-1999/summits/buda94e.htm#Anchor_COD_6S130

قضای نظامی

نیاز به استفاده از انضباط نظامی، بر اساس شماری از شرایط می‌باشد که از ماهیت منحصر به فرد مأموریت‌های نظامی نشأت می‌کند. برای مثال، جامعه نظامی در مورد رفتار جنائی، دیدگاهی متفاوت از جامعه مدنی دارد. یک کارمند غیر نظامی به خاطر این که از وظیفه شغلی سرباز زده یا کارش را بدرستی انجام نداده است، تحت تعقیب قانونی قرار نمی‌گیرد. ممکن است کارفرما این فرد را برای کار ضعیف اخراج کند و یا از دادن سفارشنامه جهت اشتغال وی در جای دیگر خودداری کند، ولی امکانات این را ندارد که به محکمه مراجعه کند. این در حالی است که پرسونل نظامی خود را در معرض تعقیب قانونی، به خاطر ترک پست و یا کامل نکردن وظایف‌شان بر اساس استندردها و الزامات شخصی، قرار می‌دهند. چنین رفتاری نه تنها قصور در انجام وظیفه می‌باشد بلکه مصونیت و رفاه سایر پرسونل نظامی را نیز به مخاطره می‌اندازد. سایر مثال‌های جرم‌های نظامی که در جامعه مدنی ناشناخته مانده است، شامل این موارد می‌باشد: جعل نام‌نویسی برای خدمت سربازی، ترک خدمت، غیرحاضری بدون داشتن رخصتی، عدم فعالیت، بی‌احترامی به افسران مافوق، تمرد، کمک به دشمن و خوابیدن در حین انجام وظیفه.

این مسأله نگرانی مهمی را مطرح می‌کند که چه جرم‌هایی باید تحت قضای نظامی قرار گیرند و کدام تحت قضای مدنی. به عنوان یک اصل، محکمه‌های نظامی باید به شیوه‌ای محدود مورد استفاده قرار گیرند و تا آنجایی که امکان دارد محکمه‌های مدنی ترجیح داده شوند. قضای نظامی باید به جرم‌هایی محدود شود که در حین عملکردهای نظامی روی می‌دهند همچنین قوانین نظامی باید تا حد امکان با قوانین مدنی تداخل نداشته باشند. لازم به تأکید است که در بیشتر کشورها محکمه‌های نظامی، بخشی از محاکم قوه قضاییه نبوده و در حوزه نیروهای مسلح، بخشی از محکمه‌های اداری محسوب می‌شوند و جزء از قوه اجرائیه هستند. این نشان می‌دهد که قضات نظامیان اغلب از طریق مواد مندرج در قانون اساسی و شرایط برای انتخاب یک قاضی، انتخاب نمی‌شوند. با وجود این، بسیار ضروری است که توجه داشته باشیم که در تمامی موارد، محکمه‌های نظامی باید توسط قوه قضاییه کنترل و نظارت شوند. در بسیاری از کشورها این امر از طریق تأسیس محاکم استیناف مدنی به عنوان استیناف طلبی برای قضای نظامی انجام می‌شود.

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

اطمینان یابید که:

- 1- پرسونل نظامی سوگند وفاداری نه به افراد بلکه نسبت به قانون اساسی، مقررات آن و مؤسسات دولتی یاد می‌کنند.
- 2- تعلیم و تربیت در ارزش‌های کلیدی و معیارهای دموکراسی، حقوق مدنی و قوانین بشری، به عنوان قسمتی از هر آموزش نظامی، پیشرفت داشته است.
- 3- افسران اردو نمی‌توانند نماینده پارلمان شوند.
- 4- انتخاب سربازان و افسران جدید، بر اساس معیارهای حرفه‌ای صورت می‌گیرد.
- 5- عملکرد نظامیان در سرپیچی از دستورات سوء و غیرقانونی، قانونی شناخته شده است.
- 6- سلوک نظامی از طریق اشتیاق به اطاعت شناخته می‌شود که بوسیله قوانین و مبانی مناسبی حمایت شده است.
- 7- توانایی قضای نظامی تا حد امکان محدود گردیده است و تصامیم محاکم نظامی همواره می‌تواند در محاکم مدنی استیناف طلب شوند.

ادامهء چوکات.....

8- ادارات امنیتی چه در قانون و چه در عمل در مقابل هر يك از بخش‌های اصلی تشکیل‌دهندهء حکومت جوابده شناخته می‌شوند. (به قسمت‌های اول این بخش: مسوولیت فردی پرسونل نظامی مراجعه کنید) و اینکه برای مکانیزم‌های جوابدهی در داخل ادارات امنیتی، باید در قانون پیش‌بینی‌های صورت گرفته و امکان بررسی شکایات مردم فراهم شده باشد؛ همینطور برای مجازات کسانی که مسئول، شناخته شده‌اند، کنترل شود که چنین مکانیزم‌های اعمال شده و مؤثر هستند. به این امر که پارلمان خواستار تحقیقات مستقلی است و افراد مظنون به عدالت کشانده می‌شوند، رسیدگی کنید.

حقوق مدنی نظامیان

- حقوق مدنی نظامیان را از طریق قانون محدود سازید تا اطمینان یابید که آنها برای خدمت آمادگی دارند و از لحاظ سیاسی بی‌طرفند.
- در نظر داشته باشید که هر گونه کاهش حقوق مدنی باید مستقیماً با سلوک و وظایفی ادارات امنیتی ارتباط داشته باشد. مثل: انحصار قوه در جامعه..
- قبول محدودیت‌ها در زمینهء حقوق مدنی باید از طریق شیوه‌های مناسب برای رفع نارضایتی‌ها جبران گردد.

فرمانبرداری

- این قانون را وضع کنید که افراد نظامی به شمول عساکر مکلف به خدمت جبری، حق سرپیچی از دستورات غیر قانونی و یا ضد اخلاقی را که با حقوق بشر و قوانین بشری مغایر می‌باشند، دارند.
- اطمینان یابید که این وظیفه از طریق سیستم انضباطی ادارات امنیتی اعمال می‌شود.

سوءرفتارها و فساد

- اگر زیاده‌روی‌ها و رفتارهای مفتضحانه از قبیل فساد و خشونت در ادارات امنیتی روی داد، سریعاً وارد عمل شوید.
- اطمینان یابید که تحقیقات به صورت بنیادی انجام می‌شود و اگر مناسب باشد، مجازات‌هایی توسط مقامات ذیصلاح، تصمیم‌گیری شود و بدون درنگ اعمال گردد.
- مصوبه‌ای که دستگاه‌های نظامی و سایر پرسونل ادارات امنیتی را از اشتغال به حرفهء دوم و یا اقدامات تجاری بصورت فردی، گروهی و یا ارگانی منع می‌کند، به اجرا در آورید.

فصل بیست و ششم منجنت پرسونل در بخش امنیت

در خدمت اردو بودن حرفه‌ای است که دارای مشخصه‌های بخصوصی میباشد از جمله خطرات جانی، منظمآ تغییر محل وظیفه، اغلب دور از خانواده بودن و غیره. پارلمانها باید بدانند که اردو صرفاً يك حرفه معمولی نمی‌باشد. مدیریت صحیح پرسونلی - شامل جذب نیروی مناسب، انتخاب، کارمندان، پرداخت دستمزد، تحصیلات و سیستم‌های پاداش‌دهی- برای ایجاد ادارات امنیتی حرفه‌ای که از اصول دیموکراتیک پیروی نماید و به قوانین و نیز اصل حاکمیت مردم احترام گذارد، نقش مهمی را ایفا می‌کند.

پارلمانها نیز باید بر ایجاد و نگهداری خدمات امنیتی حرفه‌ای نظارت داشته باشند. آنها باید اطمینان یابند که طرح‌های مدیریتی پرسونلی به اجرا گذارده می‌شوند که این امر به داشتن نیروی کاری حرفه‌ای و دیموکراتیک منتج می‌شود. آنها همچنین باید نظارت کنند که حکومت به عنوان کارفرما، نسبت به نظامیان بر اساس دستمزد، شرایط کاری، مقرری، حقوق تقاعد و غیره رفتار منصفانه‌ای دارد.

چوکات شماره 67

منجنت پرسونل: نقاط تمرکز نمایندگان پارلمان

پارلمانها باید از نکات زیر که مربوط به پیشنهادهاى حکومت راجع به منجنت پرسونل ادارات امنیتی می‌باشند، مطلع گردند.

مسائل مربوط به سیاست عمومی

- آیا از پارلمان خواسته می‌شود که سیاست‌های منجنت پرسونل ادارات امنیتی، مثل پیشنهاد بودجه سالانه و یا سندی مجزا را تصویب کند؟
- آیا سیاست‌های منجنت پرسونل و سیاست‌های ساختار نیروی نظامی از نقطه نظر بودجه و اقتصاد عمومی واقعبینانه و قابل اجرا است؟

توانمندی و شرایط عمومی

- آیا پارلمان تعداد افراد نظامی برای نیروهای مسلح، پولیس یا ادارات استخباراتی را معین می‌کند؟
- آیا در روند تصمیم‌گیری، پارلمان سلسله مراتب را رعایت می‌کند؟
- آیا پارلمان تمامی اطلاعات مربوط به تعداد افراد، براساس درجه، حقوق، عملکرد، بست‌های خالی و غیره را دریافت می‌کند؟
- آیا سیاست‌های اصلاحی ادارات امنیتی به عواقب اجتماعی از ناحیه بیکار شدن افراد نظامی توجه دارد؟

ادامه چوکات.....

استخدام و انتخاب

- آیا تمامی پست‌ها برای اتباع از جمله زنان، اگر در قانون آورده شده باشد، آزاد است؟
- آیا استخدام در ادارات امنیتی مبتنی بر سیستم باز است یا سیستم بسته، طوری که در سیستم بسته فقط افراد خاصی از جامعه می‌توانند تقاضای کار در این ادارات را نمایند؟
- آیا معیارهای شغلی برای انتخاب کاندیدها مورد استفاده قرار می‌گیرد؟
- آیا پست‌های خالی در خدمات امنیتی فراوان می‌باشد؟ ادامه چوکات.....
- آیا پس از انتخاب اولیه، تعداد منصرف شدگان زیاد می‌باشد؟

کارکنان

- آیا از اصل مهمی که افراد نظامی باید بر اساس شایستگی و خصوصیت‌های خود استخدام شده و ارتقاء یابند در عمل پیروی می‌شود؟
- آیا سیستم ارزیابی حرفه‌یی به صورت دوره‌ای به اجرا در می‌آید؟
- آیا سیستم شفاف، واقع‌بینانه و عادلانه است؟
- آیا اداره امنیتی فرصت‌های شغلی جذاب و با انگیزه‌ای را ارائه می‌دهد؟
- آیا افراد نظامی از داشتن شغل عایداتی دیگری منع می‌شوند؟
- آیا فرماندهان از تجربه در ساحه عملی برخوردار هستند و در مأموریت‌های صلح خارج از کشور خدمت کرده‌اند؟
- آیا پارلمان و یا کمیسیون مربوطه، توسط وزیر دفاع یا وزرای مرتبط دیگری، در صورت انتخابات افراد بلند پایه، مانند لوی درستیز، مورد مشورت قرار می‌گیرند؟

پرداخت معاش

- آیا حقوق افراد نظامی با حقوق سایر مشاغل، قابل مقایسه است تا که ادارات امنیتی بتوانند در بازار کار، با شرکت‌های خصوصی به رقابت پردازند؟
- آیا حقوق افراد به موقع پرداخت می‌شود؟
- آیا افراد نظامی بر اساس شایستگی و لیاقت پاداش دریافت می‌کنند؟
- آیا عملکرد حقیقی افراد نظامی بر معاش آنها تأثیر می‌گذارد؟
- آیا سیستم پرداخت حقوق برای استفاده‌کنندگان از آنها و عموم مردم شفاف است؟
- چه نگرانی‌هایی درباره سیستم‌های تقاعد و حقوق تقاعد وجود دارد؟
- در ارتباط با حقوق و منافع افراد نظامی در حال خدمت، آیا طرح تقاعدی رضایت‌بخش می‌باشد، وقتی که این افراد تقاعد می‌شوند، چه چیزی را از دست می‌دهند؟

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

وظایف و حجم نیروی کار امنیتی

- اطمینان یابید که تکلیف محول شده به نیروهای مسلح همچنین حجم نیروی کاری آنها با منابع اقتصادی دولتی هماهنگی دارد.

پرداخت حقوق نیروی کاری اداره امنیتی

- اطمینان یابید که حقوق افراد نظامی از لحاظ اقتصادی مکفی می‌باشد، در عین حال تا حدی که امکان دارد در بازار کار قابل رقابت بوده و بتواند يك زندگی مطلوب را تأمین کند.
- اطمینان یابید که حقوق به طور منظم پرداخت می‌شود.
- توجه داشته باشید که حقوق غیر مکفی دستگاه‌های امنیتی را بدون جاذبه می‌سازد و نیروی جوان نظامیان با صلاحیت را نیز مأیوس می‌کند
- در نظر داشته باشید که در يك محیط بخصوص میزان غیر کافی و یا پرداخت نامنظم دستمزدها ممکن است سبب شود که افراد نظامی به فساد یا حتی رشوه ستانی و خشونت روی آورند.
- مزیت‌های مالی و امتیازات افراد نظامی و رهبران آنها نباید سبب ایجاد علاقه‌ای شدید شده و ادارات امنیتی را ترغیب به حفظ نفوذ سیاسی‌شان نماید. آنها باید از اطلاعات عمومی بهره‌مند بوده و در آمدشان با مزیت‌های مالی و امتیازاتی که به سایر کارکنان دولت تعلق می‌گیرد، در توازن باشد. امتیازات داده شده باید با شرایط انحصاری و خدمات مخاطره‌آمیز آنها در مناطق عملیاتی هم‌نوائی داشته باشد.
- اطمینان یابید که طرح تقاعد رضایتبخش می‌باشد.

فصل بیست و هفتم مکلفیت عسکری و اعتراض وجدانی در برابر آن

قانون اساسی تقریباً تمامی کشورها ماده‌ای با مضمون دفاع از حکومت، وظیفه و مسئولیت اخلاقی هر تبعه را پیش بینی می‌کند. در بعضی کشورها این وظیفه بوسیله قانون از طریق انجام خدمت نظام وظیفه اجباری شناخته شده است با این هدف که هر تبعه آمادگی خدمت در نیروهای مسلح را در هر زمان که حکومت ملی آن را ضروری دانست، داشته باشد. اعزام به خدمت نظام وظیفه اتباع (اغلب ذکور) در قانون اساسی تصریح شده است و همواره توسط قانونی که موارد زیر را دربر می‌گیرد، مشخص گردیده است:

- کسی که واجد شرایط مکلفیت خدمت عسکری شناخته می‌شود
 - طول مدت خدمت سربازی
 - به تأخیر انداختن خدمت سربازی/ معافیت از خدمت
 - روش‌های جلب و احضار
 - مجازات به کسانی که از خدمت عسکری خودداری میکنند
 - حداقل و حداکثر سن
- به علاوه، در بیشتر قوانین حق امتناع از حمل سلاح گنجانده شده است؛ یعنی اعتراض وجدانی و خدمت بدیل آن.

مفاد و ضرورت مکلفیت عسکری

بسیاری از کشورها تا هنوز دارای اردوی نظام وظیفه اجباری می‌باشند. یکی از دلایل مهم آن این است که آنها به خدمت عسکری به عنوان عامل با ارزش دیموکراسی و فرهنگ ملی نگاه می‌کنند. با این وجود، جلب خدمت عسکری در سراسر جهان مورد مخالفت واقع می‌شود. موضوع مورد بحث، به خاطر ماهیت جدید درگیری‌های نظامی، مفید و مطلوب بودن خدمت عسکری را در اردوی جدید مورد سوال قرار می‌دهد. چندین کشور آن را کنار گذاشته‌اند و یا در آینده نزدیک قصد ترك آن را دارند حتی فرانسه، کشوری که نظام مکلفیت را در تاریخ مدرن ابتکار کرد در سال 2001 آن را ملغی قرار داد.

چوکات شماره 68

خدمت عسکری در سراسر جهان

واجد شرایط بودن برای خدمت عسکری: در بیشتر کشورها سن شروع خدمت عسکری 18 سال می‌باشد، اما در بعضی کشورها 16، 17، 19 یا 20 سال است. امروز، چندین کشور زنان را نیز به خدمت عسکری فرا می‌خواند.

طول خدمت: معمولاً بین 6 ماه تا 3 سال متغیر است.

ادامهء چوکات.....

اعتراض وجدانی و خدمت بدیل آن: تقریباً نیمی از کشورها موارد اعتراض را می‌پذیرند و خدمات بدیل عسکری دارند.

در بیشتر کشورها مجازات امتناع از خدمت عسکری حبس می‌باشد.
مأخذ: گزارش منشی عمومی - پیوست قطعنامهء کمیسیون

UNCHR, 1997. E/CN.4/1997/99, 83/1995

جنبه‌های مثبت و منفی مکلفیت عسکری

نمایندگان هنگامی که جنبه‌های مثبت و منفی مکلفیت عسکری را تجزیه و تحلیل می‌کنند ممکن است بخواهند موارد زیر را نیز در نظر داشته باشند:

چرا مکلفیت عسکری حفظ شود؟

نقطه نظرهای موافق با مکلفیت بیشتر شامل موارد زیر است:

- مکلفیت عسکری وظیفه اغلب با طرز فکر دموکراسی همراه است. چرا که این مکلفیت قانونی بوده و مسئولیت اخلاقی هر تبعه‌ای (بیشتر مردان) می‌باشد و از آنجایی که همهء اتباع را در شرایط یکسان قرار می‌دهد، همه باید صرف‌نظر از طبقه و نژاد خدمت کنند. در بعضی کشورها این اجبار بدون در نظر گرفتن جنسیت نیز می‌باشد زیرا خدمت عسکری مانند مردان شامل زنان نیز می‌باشد.
- سربازان جلب شده به خدمت عسکری، شهروندانی در لباس خدمت می‌باشند و حضور آنها از اینکه نیروهای مسلح بصورت دولتی در دولتی دیگر درآیند، جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب می‌توان خدمت عسکری را به عنوان ارتباطی دموکراتیک بین جامعه و نیروهای مسلح محسوب کرد.
- در مجموع نظام مکلفیت عسکری ارزان تر از اردوهای دارای نظام داوطلب می‌باشد. چرا که معاش عساکر خدمت اجباری خیلی ارزان تر از معاش عساکر اختیاری یا داوطلب است.

مکلفیت عسکری وظیفه افراد را از قشرهای مختلف جامعه به هم نزدیک می‌سازد. عساکر خدمت اجباری بدین ترتیب زمینه‌های مختلفی از دانش و تجربه کاری را از محاسب یا انجنیر گرفته تا لوله‌کش و کشاورز به نیروهای مسلح می‌آورند. نیروهای مسلح می‌توانند این‌گونه صلاحیت‌ها و تجارب تحصیلی را به خوبی مورد استفاده قرار دهند، از جمله در طول مأموریت‌های صلح - هر جا که بتوان عساکر خدمت اجباری را مشغول ساخت - زمانی که نیروهای مسلح در ساختن تأسیسات زیر بنایی و مؤسسات کشورهای بعد از جنگ مشارکت دارند.

چرا باید به خدمت اجباری عسکری پایان بخشید؟

مطالعات ما در مورد خدمت مکلفیت عسکری در دنیا، موارد زیر را علل عمدهء انحلال اردوی مردمی و بنابراین سیستم مکلفیت عسکری یا وظیفه اجباری می‌داند:

- در 25 سال گذشته مخصوصاً پس از جنگ سرد، نیروهای مسلح بسیاری از کشورها کوچک تر شده‌اند و این امر سبب شده است که نیروی کمتری برای خدمت در اردو مورد نیاز باشد (این امر به نوبهء خود بعضی وقت‌ها سبب نارضایتی عامه به دلیل توزیع ناعادلانهء بار مکلفیت

عسکری شده است). کشورهای اروپایی و اقیانوسیه خصوصاً اردو های خود را کاهش داده‌اند. کشورهای افریقایی و آسیایی به نظر می‌رسد که برای کوچک تر ساختن اردو های خودشان بعد از جنگ سرد از منافع صلح کمتر استفاده می‌کنند.

- نیروهای مسلح به نظر می‌رسد روز به روز حرفه‌ای‌تر شده و به تکنولوژی پیشرفته وابسته‌تر می‌گردند. اغلب قبل از آنکه سربازان بتوانند از سیستم‌های سلاح مدرن و پیچیده استفاده کنند، به دوره آموزش طولانی مدتی نیاز دارند. از آنجایی که سربازان دارای دوره مکلفیت معمولاً آنقدر در ارتش نمی‌مانند که با این سیستم‌ها آشنا شوند، اردوها تمایل دارند که بیشتر به سربازان داوطلب و حرفه‌یی تکیه داشته باشند.
- مأموریت‌های صلح نه تنها مهارت‌های اولیه نظامی، بلکه مهارت‌های دیگری مثل انجام مباحثات را نیز طلب می‌کنند. بسیاری از سربازان، مدت زمان خدمت اجباری‌شان کوتاهتر از آن است که بتوانند سطح مهارت و تجربه‌ای را که برای انجام عملیات حمایت از صلح مورد نیاز است در شرایط بعد از جنگ به کار گیرند.
- در بعضی کشورها قانون اساسی استفاده از سربازان دوره مکلفیت را منحصر به دفاع از سرزمین ملی می‌کند و اعزام سربازان را به خارج غیر قانونی می‌داند.

چوکات شماره 69

اذیت و آزار در روند مکلفیت عسکری

در دوره مکلفیت سلسله مراتب غیر رسمی بین سربازان جوان تر و قدیمی‌تر وجود دارد. چنین سلسله مراتبی مهم می‌باشد چرا که سربازان قدیمی‌تر به جوان ترها، قوانین و سنن نظامی را می‌آموزند. این امر به ساختار اجتماعی ارتش کمک می‌کند. با وجود این، در بسیاری از موارد، سربازان قدیمی‌تر از سلسله مراتب غیر رسمی برای منفعت شخصی خود سوءاستفاده کرده، جوان ترها را مجبور به انجام وظایف کرده و آنها را مورد آزار قرار می‌دهند. اگر افسران به طور کافی این سلسله مراتب غیر رسمی را تحت کنترل در نیاورند، احتمال دارد کاملاً از کنترل خارج شده، به شرایطی ختم شود که در آن سربازان جدید با آزار و اذیت، خشونت فیزیکی و تهدید مواجه شوند. بر اساس سازمان سربازان شورای اروپا، (ECCO)، اذیت و آزار یکی از مشکلات اصلی سربازان است که گاهی سبب جراحات‌های عمده ای شده که می‌تواند در بعضی از مواقع به جراحت دائم یا حتی مرگ و خودکشی منجر می‌شود. به منظور حمایت از سربازان و شهرت خدمت در دوره مکلفیت عسکری، اذیت و آزار باید تحت کنترل شدید افسران قرار گیرد. به علاوه، مؤسسات نظارتی بیرونی و درونی باید موارد حاد را تعقیب کرده و قوانین و مقررات را در خدمت عسکری حفظ کنند.

مأخذ: Ilona Kiss، حقوق سربازان در زمان صلح، 2001

در وب سایت www.dcaf.ch و ECCO

(به کتاب سیاه درباره حقوق عساکر جلب شده در اروپای مرکزی و شرقی، 1996،

در وب سایت <http://www.xs4all.nl/~ecco/> مراجعه کنید.

اعتراض وجدانی و خدمت بدیل

بعضی از افراد وظیفه دفاع از سرزمین آبایی را بر اساس سایر دستورات اخلاقی مانند مذهبی (که نباید کسی را به قتل برسانی) یا اعتقادات شخصی (عدم خشونت) مورد سؤال قرار می‌دهند. در نتیجه، خیلی غیر متعارف نیست که این افراد به مجازات‌هایی سخت مثل اعدام به خاطر سرپیچی از فرامین حکومتی، دچار شوند.

در طول نیمه دوم قرن اخیر، عقیده داشتن حق مخالفت با پیوستن به نیروهای مسلح و حمل سلاح، ظهور کرده و به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است. در شماری از حکومت‌ها حتی در قانون نیز تصریح شده است. این روند با پایان دادن به خدمت سربازی اجباری در چندین کشور انگلستان، آلمان، ایرلند، هلند، بلجیم، لوکزامبورگ، فرانسه، اسپانیا، ایتالیا و پرتغال همزمان بوده است.

معترضان وجدانی را می‌توان مردمی نامید که با به دست گرفتن سلاح مخالفند یا به هر گونه آموزش و خدمت نظامی اعتراض دارند. اگر چه تمامی معترضان موقف فکری‌شان مبتنی بر وجدان است، آنها ممکن است دارای مذهب‌های مختلف باشند یا به دلایل مختلف فلسفی یا سیاسی اعتقاد داشته باشند.

تصمیم نمایندگان

با افزایش روزافزون معترضان مکلفیت عسکری، پارلمان‌های بعضی از کشورها تصمیم به تصویب قانونی گرفته‌اند که مشخص شود تحت چه شرایطی اتباع به خدمت فرا خوانده شده، می‌توانند از این اجبار بگریزند. این امر، امریکا و تمامی حکومت‌های اروپای غربی را در بر می‌گیرد به اضافه یونان، به عنوان آخرین کشوری که حق اعتراض وجدانی را در 1997 به رسمیت شناخت.

در کشورهایی که اعتراض وجدانی به رسمیت شناخته نشده است، معمولاً این افراد، با تعقیبات قانونی فرار از خدمت یا خیانت، دو جرمی که معمولاً مجازات سختی را در پی دارد، مواجه هستند. در سایر کشورها درجه بندی خاصی برای نوع جرم وجود دارد (تداوم سرپیچی) که معمولاً در مقررات عسکری گنجانده می‌شود.

به عنوان معترض وجدانی شناخته شدن: چه کسی و بر چه اساسی تصمیم‌گیری می‌کند؟

شیوه طبقه‌بندی شدن به عنوان معترض وجدانی معمولاً شامل توضیحی می‌شود درباره اینکه چگونه شخص به اعتقاداتش دست یافته است و طریقه‌ای که این اعتقادات، زندگی‌اش را تحت تأثیر قرار داده است. تصمیمات در خصوص پذیرفتن معترض وجدانی برای عضو جدید معمولاً توسط کمیسیونی تحت پوشش وزارت کار (در سوئیس و بلغاریا)، وزارت داخله (در سلوانیا) و یا قوه قضائیه (در کروواتیا) صورت می‌گیرد.

اعتراض وجدانی به عنوان حق انسانی

در اپریل 2000، در پی اصولی که در قطعنامه 1998/77 درج گردید، کمیسیون رسیدگی به حقوق بشر در سازمان ملل بدون رأی‌گیری قطعنامه 2000/34 را تصویب کرد که در آن حق هر انسانی

را برای اعتراض وجدانی به خدمت عسکری به عنوان حق آزادی اندیشه، مذهب و وجدان به رسمیت شناخت که این امر در اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز آورده شده است. در 1993، کمیسیون رسیدگی به حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرد که اعتراض وجدانی حقی است که از ماده 18 این منشور گرفته شده است «چرا که مجبور کردن افراد به اعمال نیروی مرگ‌آور می‌تواند با آزادی وجدان و حق نشان دادن مذهب یا عقیده تضاد داشته باشد». کمیسیون سازمان ملل افزوده است «هنگامی که این حق توسط قانون شناخته شود و یا به اجرا درآید تفاوتی بین معترضان وجدانی بر اساس اعتقادات خاصشان وجود نخواهد داشت. همین‌طور معترضان وجدانی بخاطر اینکه مکلفیت عسکری را انجام نمی‌دهند مورد تبعیض قرار نمی‌گیرند».

چوکات شماره 70

کمیسیون سازمان ملل در اعلامیه حقوق بشر 1998/77: اعتراض وجدانی بر ضد خدمت عسکری

کمیسیون (...)

با توجه به اینکه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با مضمون اینکه هر فردی دارای حق حیات، آزادی و امنیت شخصی و همین‌طور حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب می‌باشد، حق دارد که مورد تبعیض قرار نگیرد (...). با شناخت بر این امر که اعتراض وجدانی بر ضد خدمت عسکری از اصول و دلایل وجدان، مشتمل بر اعتقاد عمیق، برگرفته از مذهب، اخلاق و انگیزه‌های انسان‌دوستانه و مشابه آن نشأت نموده است (...).
به عنوان اجرای قانون آزادی اندیشه، وجدان و مذهب طوریکه در ماده 18 اعلامیه حقوق بشر و ماده 18 در منشور بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی درج گردیده است توجه را به حق اشخاص در مورد اعتراضات وجدانی به خدمت سربازی جلب می‌کند؛

1. از این حقیقت استقبال می‌کند که بعضی کشورها ادعاهای اعتراض وجدانی را بدون انجام تحقیقات قبول می‌کنند؛
2. کشورهای فاقد چنین قوانینی را برای ایجاد نهادهای مستقل تصمیم‌گیرنده و بیطرف بمنظور اینکه آیا اعتراض وجدانی حقیقتاً دلایلی مشخصی دارد یا خیر، فرا می‌خواند تا با در نظر گرفتن این امر که افراد معترض وجدانی به خاطر ماهیت خاص اعتقاداتشان مورد تبعیض قرار نگیرند؛
3. به کشورهای دارای نظام مکلفیت عسکری که در آن چنین پیش‌بینی‌هایی نشده است توصیه می‌کند که شکل‌های مختلفی از خدمت بدیل را برای معترضان وجدانی در نظر بگیرند که با دلایل اعتراض وجدانی هماهنگی داشته و دارای ماهیت غیر جنگجویانه و مدنی، در جهت منافع ملی بوده و جنبه تنبیهی نداشته باشد.
4. تأکید می‌ورزد که کشورها اقداماتی ضروری را برای جلوگیری از محبوس کردن معترضان وجدانی، خودداری از تنبیهات مکرر به خاطر عدم انجام خدمت سربازی ایشان انجام دهند و یادآوری می‌کند که کسی نباید به خاطر جرمی که نهایتاً بر طبق قانون و شرایط حکومتی هر کشور محکوم و یا تبرئه شده است، دوباره مجازات شود؛ (...). قطعنامه 1998/77
کمیساری عالی سازمان ملل متحد

خدمت بدیل

تمامی کشورهایایی که اعتراض وجدانی را به رسمیت شناخته‌اند توسط قانون، خدمت دولتی را به عنوان بدیل خدمت عسکری ارائه می‌دهند. این خدمت بدیل می‌تواند دو شکل عمده داشته باشد:

- خدمت در نیروهای مسلح بدون حمل سلاح؛
- خدمت در مؤسسات رفاهی جامعه مانند شفاخانه‌ها، پرورشگاه‌های کودکان، مؤسسات نگهداری از معلولین و غیره و بعضی از مواقع در سازمان‌های دولتی و غیردولتی.

خدمت بدیل معمولاً طولانی‌تر از خدمت دوره مکلفیت عسکری می‌باشد، مثلاً در فرانسه سابق 20 ماه بود در حالیکه خدمت عسکری 10 ماه می‌باشد. در اتریش 12 ماه می‌باشد، در حالیکه خدمت سربازی تنها 7 ماه است؛ در بلغاریا 24 ماه است در حالی که خدمت عسکری بین 6 تا 9 متغیر است.

چوکات شماره 71

خدمت بدیل؛ نمونه: سوئیس

سوئیس یکی از معدود کشورهای اروپایی است که دارای خدمت عسکری اجباری یا مکلفیت می‌باشد که توسط قانون اساسی (ماده 5901)، قانون ارگان نظامی سال 1995 و قانون خدمت عسکری سال 1995 تعدیل گردیده است. خدمت نظام عسکری سوئیس شامل تمامی مردان بین 20 تا 42 و تا 55 سال برای نظامیان بلند رتبه می‌شود. خدمت نظام ابتدا 4 ماه طول می‌کشد با اضافه 3 هفته در هر 2 سال و همینطور تمرینات سالانه تیراندازی.

قانون خدمت بدیل سال 1996، حق اعتراض وجدانی به خاطر دلایل اخلاقی، فلسفی - یا مذهبی را به رسمیت شناخت. وزارت صنایع و کار درخواست‌هایی را دریافت می‌کند که یک کمیسیون 3 نفره که از 120 عضو که از طریق آگهی‌های روزنامه‌ها به عضویت پذیرفته شده‌اند درباره آنها تصمیم‌گیری می‌کند. تقریباً 5% از افراد واجد شرایط عسکری به عنوان معترضان وجدانی ثبت نام می‌کنند. آنهایی را که به عنوان معترضان وجدانی شناخته نشده ولی با آنها از خدمت نظام خودداری می‌کنند خطر 4 تا 5 ماه حبس تهدید میکند. معترضان وجدانی باید خدمت ملکی به جای خدمت عسکری انجام دهند که شامل خدمتی 450 روزه در هر نهاد عمومی یا خصوصی که در خدمت منافع ملت است، می‌باشد. این خدمت می‌تواند در بیمارستان‌ها، مراکز جوانان، تحقیق در دانشگاه‌ها، جنگلداری و غیره صورت گیرد.

مأخذ: دفتر اعتراض وجدانی اروپا (EBCO)

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

خدمت مکلفیت یا غیرمکلفیت عسکری؟

- به دقت تمامی منافع و مضرات آن را در محیط ملی خود ارزیابی کنید.
- در آن رابطه عوامل مطرح در این فصل را به خاطر داشته باشید و ببینید که تا چه اندازه به شرایط محیطی شما مرتبط می‌باشد.

ادامهء چوکات.....

مجلوبین عسکری در معرض رفتار سوء و یا تحقیرآمیز

- اگر گزارش شد که مجلوبین در معرض سوء رفتار، یا آزار و یا خشونت قرار می گیرد، به سرعت وارد عمل شوید.
- اطمینان یابید که تحقیقات به صورت اساسی انجام می شود و اگر صلاح باشد، مجازات هایی توسط گروه ذیصلاح تعیین گردد و بی درنگ اعمال شود
- اگر بازرس رسیدگی به شکایات در کشور شما هنوز وجود ندارد، ایجاد چنین نهاد و به قدرت رساندن آن را پیشنهاد کنید که رفتارهای سوء و تحقیرآمیز، نسبت به مجلوبین را مورد توجه قرار دهد.

موقف معترضان وجدانی

- موقف قانون معترضان وجدانی در کشورتان را کنترل کنید و اگر صلاح بود به منظور توصیف قانونی آن و یا بهبود بخشیدن مصوبهء فعلی، اقداماتی را صورت دهید.
- در آن محیط تلاش کنید که به اطلاعات تازه ای دربارهء شیوهء عملکرد نسبت به این موضوع و موقف های قانونی و عملی در سایر کشورها دست یابید.

خدمت بدیل

- بررسی کنید که خدمت بدیل توسط قانون در کشور شما تأمین شده است و اگر لازم باشد به این منظور برای تعریف قانونی آن و یا بهبود بخشیدن قانون فعلی، اقداماتی را انجام دهید. در این رابطه تلاش کنید که به اطلاعات تازه ای در بارهء شیوهء عملکرد نسبت به این موضوع و موقف های قانونی و عملی در سایر کشورها دست یابید

بخش هشتم

منابع مادی: تحقق نظارت مؤثر بر انتقال و تدارکات اسلحه

فصل بیست و هشتم تهیه اسلحه و تجهیزات نظامی

تهیه اسلحه و تجهیزات نظامی باید مشتق از سیاست کلی امنیتی و دفاعی کشور باشد و بررسی تهیه اسلحه های جدید یا تجهیزات نظامی با توجه به اثرات آن بر روی امنیت ملی صورت گیرد.

داشتن یک طرح ملی امنیتی به ایجاد ثابت در منجمنت دفاعی کمک می کند و در دراز مدت سیاستگذاری دفاعی را بیشتر قابل پیش بینی می نماید. رابطه هدف های سیاست دفاعی کشور با منابع اختصاص داده شده به بخش نظامی باید حفظ شود و ایجاد تعادل بین بخش نظامی و جامعه ضروری است.

شفافیت در تهیه و تدارک اسلحه

در هر دیموکراسی باثبات، بطور کلی فعالیت های مربوط به تنظیم بودجه و بطور خاص تهیه تجهیزات نظامی باید شفاف و جوابده به عامه مردم باشد. از نقطه نظر جوابدهی عامه، باید بین پالیسی، پلانه، بودجه و تدارکات اسلحه يك رابطه منطقی وجود داشته باشد. هر چند این موضوع در همه جا يك تضمین محسوب نمی شود. متأسفانه در بیشتر کشورها پارلمان در تهیه تجهیزات نظامی دخالتی کم داشته و یا اصلاً ندارد.

در زمان اختصاص منابع یا اجازه تهیه اسلحه، نظارت پارلمان بر قانونی بودن آنها ضروری است و بطور خاص مقررات بین المللی و توافقات محدودکننده تولید، تجارت و استفاده از بعضی از انواع اسلحه، از قبیل معاهده منع تکثیر (1968)، معاهده اوتاوا در زمینه جلوگیری از استفاده، نگهداری، تولید و حمل مین های ضد پرسونل یا نفر و امحاء آن (1997) و قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل و غیره باید در نظر گرفته شوند.

پارلمانها ممکن است در محاسبه مخارج تجهیزات دفاعی بزرگ کشور، در طی سالیان طولانی با توجه به پیچیدگی طبیعی آن، دچار مشکل شوند؛ این امر سبب می شود کشور های مابعد از درگیری و کشور های روبه انکشاف بطور خاص از طرف تولیدکنندگان داخلی و خارجی سلاح که طبیعتاً می خواهند تولیدات خود را به بهترین قیمت بفروشند و کمتر به نیاز های دیموکراسی توجه می کنند، ضربه پذیر گردند.

به همین دلیل پارلمانها به تشکیل کمیسیون های اصلی و فرعی خاص، برای توجه به تهیه اسلحه علاقمند هستند و با انجام این کار می توانند شفافیت تهیه اسلحه را بهبود بخشیده و قوه اجراییه را در برابر مردم به جوابدهی وادار سازد.

مشکل پارلمانها اینست که حکومت مایل به ارائه آمار مربوط به ارقام اصلی اسلحه متعارف یا معمولی (از قبیل هواپیماهای جنگی، وسایله نقلیه زره دار، تانک، سیستم های رادار و هدایت کننده، راکتها و کشتی های جنگی) نیستند و ابدأ نمی خواهند مقادیر موجود و نقل و انتقالات انواع اسلحه کوچک خود را (کالیبر های کمتر از 100 میلیمتر که بعنوان اسلحه کوچک و سبک شناخته شده اند) برای عموم اعلام کنند.

در روند تهیه اسلحه، ایده‌آل آنست که حکومتها با پارلمان همکاری داشته باشند تا اطمینان یابند که برنامه‌های فوق، جاه‌طلبانه نبوده و باعث بار سنگین مالی برای کشور در دراز مدت نمی‌شوند. برنامه‌های تهیه اسلحه باید در مقایسه با سایر اولویت‌های عمومی در نظر گرفته شود. بنابراین نه فقط اولویت‌های نظامی بلکه سایر اولویت‌ها هم در تصمیم‌گیری معتبر شناخته می‌شوند. لذا پارلمانها باید اثرات و بار مالی برنامه‌های تهیه اسلحه را بر روی جامعه تعیین کنند.

چوکات شماره 72

چرا نمایندگان پارلمانها باید مراقب برنامه‌های تهیه اسلحه باشند؟

چون:

- مسأله دارائی عامه مطرح می‌باشد؛
- تصمیم‌گیری در باره اسلحه صرفاً موضوع تخصصی و امنیتی نیست بلکه باید روشن شود که منابع مالی برای چه منظوری به مصرف برسند (تفنگ یا غذا؟) و اگر باید برای اسلحه به مصرف برسند، چه اسلحه‌ای، چقدر و چرا؛
- تهیه سلاح نباید در کوتاه مدت یا دراز مدت (با توجه به مصارف کلی زندگی) بار مالی سنگینی برای کشور باشد؛
- نظارت پارلمانی باید تعادلی بین قیمت مصارف اسلحه و نیازهای عمومی جامعه برقرار نماید؛
- روند شفاف تهیه اسلحه که قابل پاسخگویی به پارلمانها باشد از فساد و هدر رفتن منابع مالی و سوءاستفاده از آنها جلوگیری می‌کند؛

آیا شرایط خاصی محرمانه بودن را توجیه می‌کند؟

اصول حکومت داری صحیح، مخصوصاً شفافیت، باید هدایتگر تمام جنبه‌های پالیسی سازی عامه باشد، از جمله آنچه که مربوط به خرید و فروش و یا تهیه اسلحه است. بنابراین باید بررسی شود که چه ملاحظات خاصی می‌تواند تصمیم‌گیری درباره دفاع کشور را مستثنی کرده و محرمانه بودن آن را توجیه نماید.

رهنمودهای فروش و تهیه اسلحه باید مبتنی بر اصول شفافیت و پاسخگویی برای عموم باشد. دلایل مخفی‌کاری در تصمیم‌گیری که توسط تحویل گیرنده اسلحه و یا کشورهای عرضه‌کننده آن عنوان می‌شوند، باید به وضوح بیان شوند. اگر این گونه دلایل به امکان وجود فساد در معامله منجر شوند، آنگاه این‌گونه خطرات باید توسط هر دو طرف معامله شناسایی شده و معیارهایی برای تعیین و جلوگیری از چنین دورنمایی، تعیین گردد.

چوکات شماره 73

سیاست‌های ضعیف و یا مبهم تهیه سلاح و یا روند بسیار مخفیانه آن می‌تواند به موارد زیر منتج شود...

- بررسی ناکافی منطق تدارک و تهیه سیستم‌های سلاح؛
- عدم کارایی در تصامیم حکومت با پیامدهای ناسالم برای امنیت کشور و منطقه؛
- بیم و نگرانی در کشورهای همسایه؛
- فساد در تهیه اسلحه و در تمام تصامیم تدارکاتی مربوط به اردو؛
- زیان جدی به اعتماد مردم نسبت به نیروهای مسلح که می‌تواند سبب بی‌اعتباری شده و مباحثات غیر ضروری را ایجاد کند.

تصمیم‌گیری جامع در تدارکات

در صورت خرید اقلام اصلی سلاح، تصمیم‌گیری باید با شناسایی روش‌های به کار رفته برای موارد زیر و ایجاد هماهنگی بین آنها باشد:

- پروسه‌های ارزیابی تهدید؛
- طرح دراز مدت ظرفیت‌سازی دفاعی؛
- شناسایی مواد مورد نیاز برای تجهیزات جدید؛
- تخصیص بودجه برای تدارک اسلحه؛
- روند کسب اطمینان از کیفیت و پروسه‌های مراقبت از اجزای پس از خرید؛
- تمام مصارف دوره عمر اسلحه به شمول حفظ و مراقبت، تجدید و غیره؛
- ارزیابی فرمایشات برای تاوان و جبران خساره .

ایجاد نظارت پارلمانی و روند بررسی در تمام این مراحل خطر حیفومیل، جعلکاری و نقضها را در پروسه تصمیم‌گیری کاهش می‌دهد. برای نظارت مؤثر، پارلمانها باید از حکومتها بخواهند که آنان را در جریان کلیه مراحل تهیه اسلحه قرار دهند. بعلاوه، پارلمانها باید درباره کلیه قراردادهای تهیه اسلحه حق تصمیم‌گیری داشته باشند. پارلمان هالند نمونه‌ای از دستگاه قانونگذاری است که تمام مراحل روند تصمیم‌گیری در مورد تدارکات را نظارت می‌نماید (به چوکات شماره 74 مراجعه کنید).

چوکات شماره 74

پالیسی هالند در تهیه تجهیزات دفاعی: بعد نظارت پارلمانی

هالند سابقه با ثبات و طولانی نظارت دقیق پارلمانی را در زمینه تدارکات دارد. اصولاً کلیه تصامیم تهیه اسلحه که از حد 25 میلیون یورو (تقریباً معادل 25 میلیون دالر) تجاوز کند، باید به تصویب پارلمان این کشور برسد. این روند، اصطلاحاً «روش کسب نظرات» گفته می‌شود. حکومت (در عمل، وزیر دفاع که تجهیزات دفاعی در حیطه مسئولیت اوست) یکی از چهار نوع نامه (A، B، C و D) درخواست را ارسال می‌نماید که مربوط به مراحل کسب نظرات می‌باشد. بدون این که وارد

ادامه چوکات.....

جزئیات شویم، مراحل مختلف، در اصل عبارتند از اعلام نیاز به نظام تسلیحاتی جدید (یا انواع پیشرفته‌تری از اسلحه موجود) تا پیشنهاد مشخص خرید سیستم X از تولیدکننده Y. پارلمان می‌تواند در هر مرحله ای از مراحل کسب نظرات در تصمیم‌گیری دخالت نماید. بنابراین هر وقت دولت نیاز به تعویض یا تهیه را اعلام نماید (یا تعدادی از سیستم‌هایی را که باید تهیه شود، پیشنهاد نماید) پارلمان می‌تواند مخالفت نماید و یا تغییرات و اصلاحاتی را بیاورد. تصمیم نهایی برای تهیه هم می‌تواند مورد مخالفت قرار گیرد و یا در آن تغییراتی انجام شود؛ هر چند که در عمل غالباً چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد. در بیشتر مواقع، نظریات دولت در کل روند کسب اجازه، تحت تأثیر چهار نامه (A، B، C و D) طی مباحثات پارلمانی قرار می‌گیرد.

برای اقلام اصلی بیش از 100 میلیون یورو (پروژه‌های بزرگ)، روشی مخصوص تعیین شده است که شامل ارائه گزارش‌های متعدد با جزئیات بیشتر می‌باشد. یک مثال از این قبیل، تصمیم دولت هالند برای شرکت در مرحله تحقیقاتی هواپیمای جنگنده که نوع جدیدتری از هواپیماهای امریکایی F.16 است می‌باشد. البته پروژه‌های بزرگ دیگری را نیز می‌توان نام برد، مثل کندک متحرک هوایی.

در کل، به نظر می‌رسد که وضعیت فعلی هالند، رضایت‌بخش است. البته در باره حدود مالی و معقول بودن تحقیقات پارلمانی که در بعضی مواقع، روندهای فنی می‌باشند، جای بحث وجود دارد. در این چارچوب، سؤالاتی در باره کیفیت و استقلال اطلاعات حکومت و نیاز به ناظری مستقل از قبیل مؤسسه مستقل دفاعی مطرح می‌شود. در نهایت نقش بخش صنایع و افراد نفوذگر و ارتباط آنها با اعضای کمیسیون دفاعی معمولاً مورد بحث قرار می‌گیرد. به هر حال تاکنون هیچگونه اتفاق و یا قضیه افتضاح آمیزی در این باره پیش نیامده است.

منبع: Jan Hoekema, عضو سابق پارلمان هالند، 2002

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

نظارت بر تهیه اسلحه

- نظارت پارلمان بر تهیه اسلحه باید قانونی شود.
- اطمینان یابید که نظارت پارلمانی بر ادارات امنیتی جامع بوده و کلیه مراحل تدارکات را شامل می‌شود؛ در عین حال به موارد زیر نیز توجه داشته باشید: ادامه چوکات.....
- نیازهای امنیتی؛
- عواقب سیاسی منطقه‌ای درباره احتمال عکس‌العمل‌های منفی که می‌تواند به مسابقه تسلیحاتی منطقه‌ای منجر شود؛
- بار مالی بودجه (کوتاه و دراز مدت)؛
- اثرات بر صنعت ملی در بخش خصوصی و عامه.

شفافیت و پاسخگو بودن در تدارکات اسلحه

- اطمینان یابید که پارلمان در تهیه اسلحه و تجهیزات اردو دخالت داشته باشد.
- تقاضا کنید که پارلمان و کمیسیون‌های ذیصلاح، در زمان مناسب گزارش مبسوط و مفصلی درباره موجودی و کیفیت تکنیکی اسلحه متعارف (مانند هواپیماها، وسایل نقلیه زره‌دار،

ادامهء چوکات....

تانک، سیستم‌های رادار، راکتها و کشتی‌های جنگی) و اسلحه سبک (کالیبر کمتر از 100 میلیمتر) و نیز دلایل خریداری انواع جدیدتر را دریافت دارند.

- اطمینان یابید که سیاست دفاعی دراز مدت دربارهء ظرفیت‌سازی دفاعی در اختیار پارلمان قرار می‌گیرد.
- اطمینان یابید که پارلمان و کمیسیون ذیصلاح، با استفاده از روشی قانونی که قابلیت پاسخگویی و محرمانه بودن مسایل نظامی را تضمین می‌کند، به امور سرّی مربوط به معاملات تهیهء اسلحه توجه لازمه را مبذول می‌دارند.

تجزیه و تحلیل اثرات تدارکات نظامی

- تطابقت برنامه تدارکاتی را با سیاست کلی امنیتی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید.
- اطمینان یابید که پارلمان بار مالی تدارکات نظامی را در مقایسه با سایر نیازهای مردم و اولویت‌های جامعه مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌دهد تا از ناهماهنگی‌هایی که مانع توسعه و ثبات اقتصادی و اجتماعی کشور می‌شود، جلوگیری کند.
- برای جلوگیری از تصامیم بیش از حد جاه‌طلبانه در تدارکات نظامی، از روش‌های پارلمانی استفاده کنید. پارلمان‌ها باید منطقی بودن برنامه‌هایی را که در دراز مدت بار نظامی به کشور تحمیل نمی‌کنند تضمین نمایند.

تفتیش تدارکات اسلحه

- تطابقت بین سیاست دفاعی و برنامه‌ها، همچنین بین بودجهء دفاعی و مصارف واقعی برای سلاح‌ها و سایر ملزومات اردو را کنترل کنید.
- تفتیش پس از تهیهء سیستم‌های اسلحه را بعد از آنکه قرار داد خرید، به اجرا درآمد، انجام دهید. (حداقل در سه مقطع یا مرحله از عمر سلاح)

کمیسیون تدارکات اسلحه در پارلمان

- اگر کمیسیونی جهت تدارکات اسلحه و یا کمیسیون فرعی از آن در پارلمان وجود ندارد، برای تأسیس آن اقدام کنید. بدین ترتیب اهمیت ارتباط بین سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی مالی و تفتیش و نیز بین صنایع دفاعی و توسعه و تحقیق را افزایش داده‌اید.
- در همین ارتباط، اطلاعاتی دربارهء حدود اختیارات، روش‌ها و نتایج گروه‌های مشابه در سایر پارلمانها را درخواست کرده و مورد بررسی قرار دهید.
- اطمینان یابید که پارلمان به توصیه‌های کارشناسان می‌تواند دسترسی داشته باشد و از آنها استفاده کند.

فصل بیست ونهم تجارت اسلحه و حمل و نقل آن

پارلمانها باید نقش مهمی در نظارت بر تجارت اسلحه و حمل و نقل آن ایفا کنند. قواعد و روشهای حاکم بر تهیه اسلحه باید مطابق با قانون ملی تدارکات، بودجه ملی، امور مالی، قانون حل و فصل دعاوی و قراردادها باشد. خصوصیات اصلی تجارت اسلحه، مقررات حمل و نقل و چارچوب قانونی آن باید مبتنی بر شفافیت و جوابدهی باشد.

چوکات شماره 75

تعریف انتقال اسلحه

انتقال اسلحه عبارت از کلیه فعالیت‌هایی است که دولت‌ها و بازیگران غیر دولتی برای تهیه و فروش اسلحه بدان اشتغال دارند. انتقال اسلحه شامل فروش یا تجارت، خرید و یا تهیه و همین‌طور اهداء آن می‌شود.

خط مشی ملی تجارت اسلحه و انتقال آن

- حکومت باید خط مشی و مقررات فروش اسلحه را تعیین کرده و جهت تصویب به پارلمان ارائه نماید. این مقررات باید اصول مهم فروش اسلحه متعارف را تعریف کرده و با توجه به موارد زیر آنها را تعیین نماید.
- واردات و صادرات اسلحه متعارف باید تحت نظارت کمیسیون‌های مربوطه پارلمان باشد.
- مقررات تجارت اسلحه باید با اصول منشور سازمان ملل، قوانین بین‌المللی و یا تحریم تسلیحاتی سازمان ملل مطابقت داشته باشد و همین‌طور امور مالی، سیاسی، اخلاقی و امنیتی کشور خریدار را در نظر بگیرد.
- اصل شفافیت در تصمیم‌گیری، برای حصول اطمینان از صداقت و حسابدهی مسلکی رعایت شود.
- روش‌هایی برای جلوگیری از معاملات غیر اخلاقی به تصویب برسد که بر پایه دستورالعمل‌های سازمان ملل و مقررات مربوطه و تجارب سایر کشورها باشد؛ عرضه کنندگان و تحویل‌گیرندگان باید مقرراتی که با آن پابندی داشت باشند، در رشته تحریر درآورند.
- پارلمان باید مطمئن شود که نوع و ماهیت اسلحه فروخته شده، با نیازهای حقیقی دفاعی کشور خریدار مربوط بوده و به تصویب پارلمان کشور خریدار رسیده است.
- پارلمان کشورهای عرضه کننده اسلحه باید اطمینان یابد که کشورهای دریافت‌کننده به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی احترام می‌گذارند و برای تصامیم خود در زمینه تهیه اسلحه پالیسی پاسخگویی را حفظ کرده اند.

- پارلمان کشورهای عرضه کننده اسلحه باید اطمینان یابد که فروش اسلحه باعث به خطر انداختن صلح و تشدید کشیدگی‌های منطقه‌یی و یا برخوردهای نظامی نشده، فروش اسلحه را در منطقه افزایش نداده و با عرضه سیستمی از سلاح‌های تحریک‌آمیز، یا مقادیری از اسلحه کوچک و سبک، سبب بی‌ثباتی منطقه‌ای نمی‌شود؛ اگر کمیسیون‌های دفاعی پارلمان درباره تهدیدها برای ثبات منطقه، دیالوگ منطقه‌یی را آغاز نمود، تهیه بیش از حد سلاح و مخفی‌کاری در این زمینه که منتج به اختلاس میشوند، مورد مباحثه در سطح منطقه قرار خواهد گرفت.
- باید میکانیزمی ایجاد شود که سلاح‌های فروخته شده به یک کشور، بر خلاف شرایط تعیین شده در قرارداد و واردات، به کشور دیگر صادر نشده و یا تغییر داده نشود.

پارلمانها باید روش تفتیشی مستقلی با صلاحیت‌های قانونی مشخص طرح ریزی کنند که اطمینان یابند تا روند فروش سلاح ملی منوط به تفتیش و نظارت مستقل باشد. این امر باید مطابق اصول و رهنمودهای تعیین شده پارلمان انجام یابد. چوکات شماره 76 شامل نمونه‌هایی از توافقات بین‌المللی و مقررات مربوط به سیاست‌های ملی تجارت اسلحه می‌باشد.

چوکات شماره 76

توافقات منطقه‌ای در زمینه انتقال اسلحه

مقررات اروپا

شورای اتحادیه اروپا در هشتم جون 1998 قطعنامه اروپا را تصویب کرد. این قطعنامه به منظور جلوگیری از انتقال اسلحه از کشورهای اتحادیه اروپا به مناطق بی‌ثبات جهان که در آنها حقوق بشر رعایت نمی‌شود، روی دست گرفته شد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا، پس از 8 سال تحمل فشار از سوی چند سازمان غیر حکومتی برای پذیرش یک پالیسی منطقی تجارت اسلحه، این تصمیم را گرفتند. این مقررات شامل فهرستی از مقصدگاه‌های (کشورهای گیرنده) حساس است و روشی را برای نظارت و کنترل استفاده کننده نهایی و همینطور روشی را برای کسب اطلاعات دو جانبه و مشوره در مورد تضمین یا عدم تضمین جواز صادرات اسلحه، تقدیم میکنند.

مقررات اروپا پابندی قانونی نسبت به این مقررات را برای کشورهای عضو ارائه نمیدارد و دارای میکانیزمی نیست که کشورهای عضو غیر رعایت کننده را مجاب به پاسخ‌گویی کند. بنابراین، بستگی به کشور مربوطه دارد که تا چه حد قوانین صادراتی سخت‌تری داشته باشد تا از صدور اسلحه به ناقضین حقوق بشر جلوگیری کرده و میکانیزم مذاکرات دوطرفه را تحت فشار گذارد.

این مقررات شامل 8 بند است که کشورهای عضو باید در صدور اسلحه به آن توجه داشته باشند:

1. «احترام به تعهدات بین‌المللی کشورهای عضو اتحادیه اروپا خصوصاً قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد (...)
2. احترام به حقوق بشر در کشور که به آن فروش اسلحه مدنظر است (...)
3. وضعیت داخلی در کشور که به آن فروش اسلحه مدنظر است، که آیا در آن کشیدگی‌ها یا درگیری‌های مسلحانه وجود دارد (...)
4. در صورت وجود خطر که دریافت کننده اسلحه آن را به منظور حمله به کشور دیگر به کار گیرد و یا از نیروی نظامی برای ادعاهای منطقه‌ای استفاده نماید، کشورهای عضو اجازه

ادامهء چوکات.....

- صدور را نخواهند داد (...)
5. امنیت ملی کشورهای عضو ویا مناطقی که مسئولیت امور خارجی آنها با کشورهای عضو است و همینطور کشورهای دوست و متحد (...)
 6. رفتار کشور خریدار در ارتباط با جامعهء بین‌الملل، بطور خاص طرز نظر آن نسبت به تروریسم، ماهیت متحدان آن کشور و احترام به قوانین بین‌المللی (...)
 7. وجود این خطر که تجهیزات در کشور خریدار از مسیر منحرف گردیده و یا در شرایط نامطلوب مجدداً به کشور دیگری صادر شود (...)
 8. مناسب بودن اسلحهء صادر شده با ظرفیت فنی و اقتصادی کشور دریافت‌کننده آن (...)
- مأخذ: <http://europa.eu.int>

مقررات انتقال اسلحهء سازمان کشورهای آمریکایی

شفافیت تجارت اسلحهء منطقه‌یی، پس از امضا موافقت‌نامه، انتقال سلاح‌های متعارف 19 کشور سازمان کشورهای آمریکایی، افزایش یافته است. موافقت‌نامه شفافیت در تهیه اسلحهء متعارف بین کشورهای آمریکایی که در گردهمایی گواتمالاسیتی پذیرفته شد، مستلزم ارائه اطلاعات صادرات و واردات مهم اسلحه توسط امضاءکنندگان در هر سال می‌باشد.

مطابق ماده 3، کشورهای عضو گزارش سالانه صادرات و واردات اسلحه‌های متعارف یا معمولی خود را در سال تقویمی گذشته به سازمان ارائه می‌دهند که شامل اطلاعات مربوط به واردات در باره کشور صادرکننده، مقدار و نوع اسلحهء متعارف وارد شده و اطلاعات مربوط به صادرات در باره کشور صادرکننده و مقدار و نوع اسلحهء متعارف صادر شده می‌باشد. هر کشور عضو می‌تواند در این باره اطلاعات بیشتری از قبیل تعیین اسلحهء متعارف و مدل آنها را ارائه نماید (...). بعلاوه کشورها یکدیگر را در جریان واردات، تولیدات ملی سلاح‌های متعارف و یا عدم کسب و خریداری آن، قرار می‌دهند. (ماده 4)

مأخذ: <http://www.oas.org>, 2002

احترام به تحریم‌های تسلیحاتی بین‌المللی

هنگامی که کشوری قانون یا صلح جهانی را تهدید می‌کند، جوامع بین‌المللی از تحریم به عنوان دستاویزی برای ابراز ناخوشنودی خود استفاده می‌کنند. بر اساس ماده 41 اعلامیهء سازمان ملل، شورای امنیت این سازمان مختار است از کشورها بخواهد به منظور برگرداندن صلح و امنیت بین‌الملل دست به اقدامات غیر نظامی بزند. از سال 1945 تا 1990 شورای امنیت سازمان ملل تنها دو کشور را تحریم کرد و از سال 1990 در مجموع 12 بار تحریم‌ها را به اجرا در آورده است. بنابراین درخواست «تصدیق مصرف‌کننده نهایی» که در آن محل نهایی مصرف سلاح قید شده باشد، می‌تواند برای پارلمانها ابزار مفیدی در قسمتی از روند صدور اجازهء انتقال اسلحه باشد. با آنهم، موارد متعددی از خلاف ورزی مبنی بر جعل تصدیق‌های مصرف‌کننده نهایی وجود داشته است.

ثبت اسلحه‌های متعارف توسط سازمان ملل

در ششم دسامبر 1991 مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه L 36/46 را تحت عنوان «شفافیت تسلیحاتی» صادر کرد، که از منشی عمومی می‌خواهد اقدام به ثبت جهانی و همه جانبه اسلحه متعارف نماید تا اطلاعات مربوط به انتقال بین‌المللی اسلحه و همین‌طور اطلاعاتی که کشورهای عضو در باره موجودی نظامی ارائه می‌دهند و نیز تهیه تجهیزات از طریق تولید ملی و سیاست‌های مرتبط را در آن بگنجانند. این ثبت - که از سال 1992 به اجرا در آمد - از هفت دسته سلاح مورد توافق متعارف تشکیل شده است که شامل تانک‌های جنگی، وسایل نقلیه زره‌دار، سیستم‌های توپخانه‌یی با کالیبر بزرگ، هواپیماهای جنگنده، هلیکوپترهای جنگی، کشتی‌های جنگی، راکت و یا راکت‌انداز می‌شود. منشی عمومی به صورت منظم گزارش‌هایی در خصوص 110 کشور درباره صادرات و واردات اسلحه متعارف بر اساس این ثبت، به مجمع عمومی ارائه می‌دهد. این گزارش‌ها همچنین شامل اطلاعات دولت درباره تولید داخلی سلاح و نیز موجودی نظامی می‌باشد به وب سایت <http://disarmament.un.org/cab/register.html> مراجعه شود.

ضرورت به «تحریم با تدبیر»

منشی عمومی سازمان ملل تحریم‌های اقتصادی جامع را «ابزاری کند» نامیده است که همواره مؤثر نبوده و اغلب به کشورهای همسایه و مردم کشور مورد نظر، آسیب می‌رساند. بنابراین بعضی‌ها بر این باورند که تحریم‌های هوشمند، متمرکزتری مورد نیازند. تحریم تسلیحاتی نوعی تحریم هوشمند می‌باشد که در کنار تحریم‌های مالی و مسافرتی قرار گرفته است. این تحریم‌ها، رژیم و سردمداران يك کشور را هدف قرار داده و عموم مردم یا گروه‌های مخالف يك کشور را نادیده می‌گیرند. با وجود این، ثابت شده است که اجرای تحریم‌های هوشمند بی‌نهایت مشکل بوده و کاملاً هم موفق نیست بلکه باید اصلاح شده و بهبود یابد (به چوکات شماره 77 مراجعه شود).

چوکات شماره 77

زیرکی و تدبیر در تحریم تسلیحاتی: آنچه که پارلمانها می‌توانند در این رابطه انجام دهند

پارلمانهای کشورهای صادر کننده اسلحه باید از موارد زیر اطمینان حاصل کنند:

- قانونمندی به شمول مقررات و رهنمودهای اجرایی ای که عدم رعایت تحریم‌های وضع شده سازمان ملل را جرم جنایی قرار دهند؛
- از نظر هماهنگی داخلی حکومت، یک ارگان اداری برای اجرای تحریم در نظر گرفته شود؛
- تبادل اطلاعاتی بین ادارات مختلف دولتی و بین دولت‌ها برای شناسایی بارهای مشکوک، مقصد، مسیرهای ترانزیت و یا دلالت‌ها، صورت گیرد؛
- صورت اقلامی که شامل تحریم می‌شوند کنترل شود؛
- بهره‌مند بودن از صلاحیتهای اجرایی لازمه برای توقیف محموله‌هایی که تحریم مربوط را نقض کرده اند، نه اینکه آنها را به محل اصلی آن دوباره رجعت داد؛
- تعیین شرایط منجمد ساختن و یا توقیف دارائی حاصله از معامله یا تحویل غیر قانونی اسلحه؛
- تعقیب و تحقیق در مورد محموله‌های اسلحه که خطر احتمالی تغییر مسیر را دارا هستند.

میراث پس از جنگ سرد: اسلحه اضافی و انتقال آنها

جنگ سرد سبب کوچکتر شدن نیروی نظامی در سراسر جهان شد به این معنی که میلیون ها اسلحه، اضافی تشخیص داده شد و به علت فقدان کنترل درست اسلحه اضافی در سراسر دنیا، میلیون ها سلاح بین حکومت ها ردوبدل گردید و نیز از دولت ها به گروه های غیر دولتی منتقل شد. بدین صورت که اسلحه از هر گونه تفتیش دقیق عامه بازماند. مشخصاً بسیاری از این اسلحه در کانالهای دزدی اسلحه قرار داده شدند و یا مستقیماً از انبارهای ناامن به سرقت رفتند.

حدود دو پنجم تجارت اسلحه در سال های 1990 از انبار اسلحه اضافی سر چشمه میگیرد. دلیل اصلی وجود اسلحه اضافی به عنوان پدیده تجارت بین المللی اسلحه در دهه 1990 وجود انبارهای اسلحه بزرگ متعلق به بلاک شوروی سابق بود که ناگهان از کنترل مرکزی خارج شدند. با توجه به شرایط بد اقتصادی و در دسترس بودن اسلحه اضافی، انبارهای اسلحه اضافی منبع درآمدی برای نیازهای مالی فوری قرار گرفت. از طرف دیگر قابل یاد آور است که بسیاری از معاملات توسط شبکه های خلافکار که به رهبران سیاسی مربوط بودند یا نبودند، انجام شد بهر حال فقط بلاک روسیه نبود که جبهه خانه های خود را فروخت، بلکه بسیاری از کشورهای توسعه یافته یا رو به رشد نیز چنین کردند.

چوکات شماره 78

تجارت سلاح های اضافی: نتایج منفی خلع سلاح

«با وجود کاهش در تجارت اسلحه جدید، آمار نشان میدهد که تجارت اسلحه دست دوم بی سابقه بوده است. ترکیبی از عوامل جاذب و دافع در انتقال اسلحه اضافی نقش داشته اند. توافقنامه های خلع سلاح، آتش بس ها، کاهش صف آرای های نظامی باعث ایجاد انبارهای اسلحه با حجم 165000 سلاح مهم در سراسر جهان شد که بیش از 18000 قبضه از آنها بین سال های 1990-1995 صادر و یا اهدا گردید. برای اولین بار در سال 1994 تجارت اسلحه اضافی بیش از تجارت اسلحه جدید شد. بطرز فزاینده ای اسلحه مازاد به قیمت های ارزان تر معامله می شود و یا در برنامه های کمک تسلیحاتی، مجانی داده می شود. این نوع تجارت نتیجه مشکل برانگیز برای خلع سلاح است که به مناطق پر تنش رسیده و تئور مسابقات تسلیحاتی را گرم تر می کند.»

مأخذ: Herbert Wolf، 1998، مرکز بین المللی تخییرات بن www.bicc.de

واضح است که تحویل گیرندگان سلاح، کشورهای فقیری هستند که عموماً تشکیلات نظارت پارلمانی ضعیفتری دارند. در سال های 1990 حداقل 90 کشور اسلحه اضافی را وارد کردند. کنترل دقیق تر اسلحه کوچک، بطور خاص اهمیت خاصی دارد و قوه مقتنه باید حکومت و اردو را مقید سازد تا همه ساله مقادیر نقصان و سرقت اسلحه کوچک و سازو برگ جنگی را به پارلمان گزارش دهند. همچنین اقداماتی باید در جهت تبدیل کارخانه های تولید اسلحه کوچک به کالاهای غیرنظامی صورت گیرد. بصورت اوسط سطح انتقال اسلحه جهانی بین 1997-2001 پائین افتاد. دلیل آن عمدتاً کاهش در عرضه از طرف ایالات متحد امریکا می باشد که علیرغم وجود 65% کاهش عرضه سلاح از سال 1998 بزرگترین عرضه کننده سلاح در سال های 1997-2001 بوده است. روسیه مقام دوم عرضه اسلحه در این دوره را داشت، افزایش 24% انتقال اسلحه از سال 2000 تا 2001 روسیه را در مقام اول در سال 2001 قرار داد. (مأخذ: کتاب سال 2002، SIPRI)

چین با فاصله زیاد در مقام بزرگترین دریافت‌کننده سلاح در سال 2001، پس از افزایش 44% از سال 2000 قرار گرفت. واردات اسلحه هند نیز با 50% افزایش این کشور را در مقام سوم واردکننده اسلحه در سال 2001 قرار داد. دریافت‌کنندگان عمده در طی سالهای 1997-2001 کشورهای عربستان سعودی، تایوان و ترکیه بوده‌اند. (مأخذ: کتاب سال 2002، SIPRI)

چوکات شماره 79

ارقام تخمینی تجارت اسلحه خفیفه

«در حالی که حجم اسلحه خفیفه تولید شده در حال حاضر کمتر از سال‌های پایان جنگ سرد است، میلیون‌ها قبضه از این اسلحه هنوز هم همه ساله تولید می‌شود (...). بر اساس تخمینات (...). ارزش اسلحه تولیدی در جهان به شمول مهمات، برای سال 2000 حداقل 4 میلیارد دلار آمریکایی تخمین زده می‌شود؛ بر اساس تخمینات، 4/3 میلیون اسلحه سبک جدید در سال 2000 تولید شده است، (...). که کاهش 30% (در مقایسه با تعداد متوسط سالانه در دوره جنگ سرد) داشته است.»

«در حالی که تقاضا برای سلاح‌های سبک کمتر می‌شود (...). به نظر می‌رسد که عرضه به بازار در حال افزایش است. شرکت‌های تولید کننده در مدت کمتر از 20 سال سه برابر شده‌اند (از 196 کارخانه در سال‌های 1980 به حدود 600 در حال حاضر)»

(...) ظهور و افزایش تعداد شرکت‌های جدید و کشورهایایی که اسلحه سبک تولید می‌کنند. وکسانی که مایل به فروش به هر کسی در هر جا و با هر قیمتی هستند. به این معنی است که حکومت‌های استبدادی، عاملین غیر دولتی، تروریست‌ها و جنایتکاران آسانتر می‌توانند اسلحه جدیدتر، پیچیده‌تر و مهلکتر از گذشته بدست آورند. نیاز به کنترل دولتی بر تولید اسلحه سبک به یک موضوع ضروری امنیت بین‌الملل تبدیل شده است.»

مأخذ: بررسی اسلحه سبک، 2001، انتشارات آکسفورد

چوکات شماره 80

برنامه عملی سازمان ملل علیه تجارت غیر قانونی اسلحه کوچک و خفیفه:
موارد اصلی قابل توجه نمایندگان برای جلوگیری، ریشه‌کن کردن و نبرد با
تجارت غیر قانونی اسلحه کوچک و سبک

(SALW) کشورهای عضو در کنفرانس ملل متحد درباره تجارت غیر قانونی اسلحه کوچک و سبک از هر نوع (جولای 2001 نیویارک موارد اجرائی زیادی را در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی پذیرفتند، در بین سایر موارد، مراتب اجرائی زیر پذیرفته شده که آنها عبارت‌اند از:

در سطح ملی

- در صورت فقدان قوانین مناسب، مقررات و روش‌های کنترل را در ساحه قضایی وضع کنند تا کنترولی مؤثر بر تولید سلاح‌های کوچک و سبک و همچنین صادرات، واردات،

ادامهء چوکات.....

ترانزیت و انتقال مجدد اینگونه سلاح‌ها داشته باشند؛

- افراد و گروه‌هایی را که در تولید غیر قانونی، تجارت، نگهداری، حمل و نقل، مالکیت و همینطور سرمایه‌گذاری برای تهیه غیرقانونی اسلحهء کوچک و سبک نقش دارند شناسایی کرده و اقدامات مناسبی برابر قوانین ملی علیه اینگونه افراد و گروه‌ها انجام دهند؛
- اطمینان یابند که تولیدکنندگان دارای جواز در جریان تولید، بر روی اسلحهء کوچک و سبک خود، مارک مناسب و قابل اطمینان میزنند؛
- اطمینان یابند که بر اساس قوانین خود ثبت دقیق و جامعی از تولید، موجودی و انتقال اسلحهء کوچک و سبک، برای مدتی هر چه طولانی انجام میدهد؛
- اطمینان یابند که مسئولیت نگهداری و صدور تمامی اسلحهء کوچک و سبک به عهدهء حکومت می‌باشد و اقدامات مؤثری برای تعقیب این اسلحه صورت می‌گیرد؛
- به منظور حصول اطمینان از کنترل مؤثر بر صادرات و ترانزیت اسلحهء کوچک و سبک که شامل استفاده از تصدیق تأیید شده «مصرف‌کننده نهایی» می‌باشد، قوانین، مقررات و روش‌های مدیریتی مؤثری را ایجاد و به کار می‌گمارند؛
- بدون تعصب نسبت به حق کشورها برای صدور اسلحهء کوچک و سبکی که قبلاً وارد کرده‌اند، باید کشور صادرکننده اولیه را قبل از انتقال مجدد آن اسلحه از توافقات دو جانبه در این باره خبر داد؛
- قوانین ملی یا روش‌های اداره یی مناسبی را به منظور کنترل فعالیت‌های افرادی که در قسمت دلالی سل اسلحهء کوچک و سبک مشغولند، وضع کنند؛
- اقدامات مناسبی را علیه هر گونه فعالیتی که تحریم‌های شورای امنیت را نقض کند انجام دهند؛
- اطمینان یابند که سلاح‌های کوچک و سبکی که مصادره، توقیف و جمع‌آوری شده‌اند، نابود می‌شوند؛
- اطمینان یابند که نیروهای مسلح، پولیس و هر کس دیگری که مجاز به نگهداری اسلحهء کوچک و سبک هستند، استندرد و روش‌های صحیح و دقیق مربوط به نگهداری و امنیت اقلام انبار شده را رعایت می‌نمایند؛
- در صورت امکان برنامه‌های خلع سلاح مؤثر، متوقف ساختن تحرکات و برنامه الحاق مجدد خلع سلاح شدگان در جامعه طرح یزی و عملی گردد؛ و
- به نیازهای خاص کودکانی که در درگیریهای مسلحانه صدمه دیده‌اند توجه داشته باشند.

مأخذ: ادارهء امور خلع سلاح سازمان ملل متحد،

وب سایت 2002 <http://www.un.org/Depts/dda>

شفافیت و جوابدهی در روش‌های کنترل صادرات اسلحه که با نتایج یاد شده جنگ سرد شدت پیدا کرده به موضوع بحث بسیار مهمی در بسیاری از کشورها، در بارهء آنچه که پارلمانها باید و یا می‌توانند انجام دهند، مبدل شده است.

چوکات شماره 81 نمونه‌هایی از اقدامات انجام شده توسط اعضای سازمان ملل را ارائه می‌دهد. آگاهی فزاینده نسبت به اهمیت شفافیت و جوابدهی باعث بهتر شدن قابل توجه نظارت پارلمانها بر صادرات اسلحه در آن کشورها شده است ولی هنوز با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد.

چوکات شماره 81

نقش پارلمان در کنترل صادرات اسلحه: شفافیت و پاسخ گویی در کشورهای اتحادیه اروپا

اتریش: مطابق به قوانین آسترالیا هیچ ممانعتی برای ارائه اطلاعات به نمایندگان پارلمان وجود ندارد.

بلجیم: مطابق به قانون تصویب شده در 1991، حکومت متعهد است که سالانه انتقال اسلحه را به پارلمان گزارش دهد. این قانون به صورت دقیق مشخص نمی‌کند که چه کسی میتواند جواز صادرات اسلحه را به چه کسی داشته باشد. این امر یک نکته کلیدی است چرا که صادرات نباید مقررات اتحادیه اروپا را نقض کند.

دنمارک: برای مباحثات پارلمان درباره صادرات اسلحه احکام و یا ابزار برای نظارت دموکراتیک بر این موضوع، در قانون پیش‌بینی‌هایی صورت نگرفته است. به هر حال بدنبال فشار فزاینده عامه، وزیر عدلیه، اقدام به ارائه گزارش مقدمات درباره صادرات اسلحه می‌نماید که شامل کنترل‌های صادراتی، ارزش صادرات و کشوری که به آن صادرات صورت می‌گیرد، می‌شود.

فنلند: تاکنون وزارت دفاع دو گزارش سالانه ای درباره صادرات کالاهای دفاعی مطابق مقررات اتحادیه اروپا چاپ کرده است. گزارش‌ها برای ارتقاء شفافیت به قدر کافی جامع می‌باشند، اما با وجود این مباحثه‌ای منظم پارلمانی درباره انتقال اسلحه وجود ندارد.

فرانسه: پارلمان فرانسه بصورت فزاینده‌ای از حکومت خواسته است که گزارش سالانه خود را شفاف‌تر و با ذکر جزئیات بیشتری ارائه نماید که از جمله می‌توان اطلاعات درباره اسلحه کوچک، پولیس، تجهیزات امنیتی، تجهیزات دو استفاده‌ی و کلیه همکاری‌های نظامی را نام برد. علاوه بر آن باید بحث بیشتری درباره این گزارش در پارلمان صورت گیرد.

آلمان: اولین گزارش درباره صادرات اسلحه در سال 2000 چاپ شد. انتظار می‌رود کمیسیون‌های پارلمان در امور دفاعی، امور خارجه، تجارت و در صورت امکان کمیسیون حقوق بشر در جریان گزارش بعدی قرار گیرند. نقش پارلمان به تفتیش دقیق آنچه که حکومت صادر کرده است، محدود می‌شود.

یونان: هیچگونه میکانیزم گزارشی به پارلمان و مردم در باره اطلاعات مربوط به جواز صدور اسلحه وجود ندارد. اطلاعات رسمی فقط همان است که توسط سازمان ملل تحت عنوان ثبت اسلحه معمولی سازمان ملل ارائه شده است.

آیرلند: قوانین آیرلند هیچ گونه پیش‌بینی برای مفیدکردن حکومت به نشر گزارش‌هایی درباره صادرات اسلحه در نظر نگرفته است. به هر حال به دنبال قانون اتحادیه اروپا، وزارت امور خارجه تا سال 2002، دو گزارش سالانه تهیه کرده است. قاعده‌ای در داخل پارلمان در حال شکل‌گیری است که نمایندگان سؤالاتی در خصوص جواز های صدور اسلحه از وزرا بپرسند.

ایتالیا: دولت باید درباره جواز های صادرات و واردات و ترانزیت تجهیزات دفاعی به پارلمان گزارش دهد. این امر در قانون سال 1990 بیان شده است که شامل گزارش مبسوطی می‌باشد. به هر حال پارلمان هیچگونه نقشی در بررسی دقیق صادرات ندارد.

لوکزامبورگ: هیچگونه صنایع مهم نظامی و یا سیستم پاسخ گویی وجود ندارد.

ادامهء چوکات..... هالند: اولین گزارش جامع در باره صادرات اسلحه در اکتوبر 1998 به نشر رسید. در صادرات اسلحه هالند، به صورتی غیر رسمی، پارلمان قبل از صادرات، به تفتیش دقیق می‌پردازد: حکومت بطور محرمانه به کمیسیون دفاع، تمام فروش‌های انبارهای اضافی اسلحه را اطلاع می‌دهد.
پرتغال: قبل از گزارشی که در سال 1998 منتشر گردید، در قانون برای بررسی دقیق پارلمان درباره تصمیم‌گیری‌های جواز صدور اسلحه پیش‌بینی‌هایی صورت نگرفته و مباحثات پارلمانی نیز در آن تصریح نشده بود. نمایندگان پارلمان می‌توانند سؤالاتی را در مورد جوازهای صدور اسلحه پس از اعطا، مطرح کنند.
اسپانیا: از سال 1998 تنها يك گزارش منتشر شده است. هیچگونه بررسی دقیق مقدماتی در خصوص صدور اسلحه صورت نمی‌گیرد. تنها کارکنان کمیسیون‌های محرم پارلمان در جریان قرار می‌گیرند. مباحثات در پارلمان رو به رشد است.
سویدن: اولین گزارش در سال 1984 منتشر گردید، سالی که در آن پارلمان، هیئت مشاوران در زمینه صادرات تجهیزات نظامی را به عنوان معیاری برای سایر کشورهای اروپایی تأسیس کرد. پارلمان به صورت سالانه در مورد گزارش به بحث می‌نشیند.
انگلستان: سیستم گزارش انگلستان شفاف‌ترین شکل را داراست از زمانی که اولین گزارش در سال 1999 منتشر شد، کمیسیون مشترکی از وزارت دفاع، امور خارجه، توسعه بین‌الملل و تجارت و صنایع تشکیل گردید. این کمیسیون مشترک، به مجلس عوام گزارش مذکور را ارائه می‌دهد و مسئولیت بررسی صادرات را نیز به عهده دارد.
مأخذ: 2002, www.saferworld.co.uk

تخصص پارلمانی

همانطور که قبلاً ذکر شد، تخصص پارلمانی کلیدی است برای اطمینان از اینکه مجلس نظارت کافی بر روند تجارت و نقل و انتقال سلاح دارد. فقدان توانمندی مسلکی یکی از دلایل مهمی است که سبب محرمانه شدن تصمیم‌گیری می‌شود. تعلیم اعضای پارلمان، خصوصاً آنهایی که عضو کمیسیون‌های ذیصلاح پارلمان هستند، امری ضروری می‌باشد. به همین ترتیب، تعلیم کارکنان پارلمان در تخصص‌هایی از قبیل تجارت اسلحه، تعادل تدارکاتی، تحقیقات عملیاتی، منجمت تجهیزات، قیمت‌لوازم و کنترل ابداعی، به ایجاد چارچوبی کاری متخصصین کمک خواهد کرد که قادر به پاسخگویی از طریق کمیسیون‌های دفاع در پارلمان می‌باشند. به علاوه، ایجاد بانک اطلاعاتی در باره جنبه‌های مختلف تصمیم‌گیری در دستگاه امنیتی، کمیسیون‌های دفاع پارلمان را قادر می‌سازد که برای مرور و نظارت بر تصامیم از قوه اجرائیه وارد و تقاضای اطلاعات مربوطه را داشته باشند.

آنچه که شما به عنوان نماینده پارلمان می‌توانید انجام دهید

نظارت بر تجارت اسلحه

- تلاش کنید که کنترل تجارت اسلحه بین‌المللی از آهم دستور کار پارلمان باشد.
- اجرای توصیه‌هایی که در چوکات شماره 80 تحت عنوان «برنامه عملی سازمان ملل علیه تجارت غیر قانونی اسلحه کوچک و سبک: موارد اصلی قابل توجه نمایندگان» را رواج دهید.
- دولت را ترغیب کنید که مرتباً از موارد زیر پیروی کند:
 - شرایط گزارش شده فهرست سلاح‌های سازمان ملل در مورد اسلحه متعارف و مروج
 - ابزارهای استاندارد سازمان ملل برای گزارش در مورد مصارف نظام
 - قراردادهای مربوطه منطقه‌ای در رابطه با اسلحه متعارف

پالیسی‌های ملی درباره تجارت اسلحه

- اطمینان یابید که پالیسی ملی درباره فروش سلاح، جدید باشد و یقین حاصل کنید که به موقع برای تصویب به پارلمان ارائه شده است.
- اطمینان یابید میکانیزمی ایجاد می‌شود که حکومت را مکلف به ارائه گزارش درباره مسایل تجارت اسلحه به پارلمان می‌سازد.

تحریم تسلیحاتی

- اطمینان یابید که مسائل مربوط به تحریم‌ها در پارلمان با توجه به مناسب بودن و تأثیراتشان مورد بحث قرار می‌گیرد.
- بحث در باره «تحریم مدبرانه» را در پارلمان رواج دهید، خصوصاً نکاتی را که در چوکات شماره 77 آورده شده را به خاطر بسپارید.
- مُصرانه از حکومت بخواهید که تحریم تسلیحاتی را محترم دانسته و در صورت نقض آن، مجازات‌هایی را در نظر بگیرد.

اسلحه‌های مازاد

تلاش کنید که پارلمان و کمیسیون‌های ذیصلاح از جمله کمیسیونی که مسایل گمرکی را رسیدگی می‌کند، توجه خاصی نسبت به اسلحه‌های مازاد داشته باشند و اقداماتی را برای جلوگیری و کنترل موارد زیر انجام دهند:

- هر گونه نقل و انتقال اسلحه مازاد از کشورتان و یا از طریق آن
- هر گونه تهیه اسلحه‌های مازاد
- از حکومت بخواهید که در فهرست نمودن اسلحه اضافی و یا از بین بردن آنها مشارکت داشته باشد.

ادامهء چوکات.....

- باز هم از حکومت بخواهید که در جهت شناسایی شرکت‌هایی که در انتقال اسلحه‌های مازاد نقش دارد، اقداماتی را روی دست گیرد و فعالیت‌های آنان را کنترل کند.

اسلحهء كوچك

- اطمینان یابید که پارلمان یا کمیسیون مربوطه اطلاعات مبسوطی را هر ساله در مورد تولید ملی و فروش اسلحهء كوچك دریافت می‌دارد. تقاضا کنید که گزارش سالانه شامل اطلاعات دقیق درباره فعالیت‌های شرکت‌های مذکور باشد.
- اطمینان یابید که فروش اسلحه كوچکی که تولید ملی هستند بر طبق معیارهای مشخصی است که در این بخش مورد تأکید قرار گرفت.

اتحادیه بین پارلمانی چیست؟

اتحادیه بین پارلمانی، سازمان بین المللی پارلمانهای کشورهای مستقل می باشد که در سال 1889 افتتاح گردید. با داشتن موقف نظارتی جدیدش در سازمان ملل، نشانه موفقیت وی در به اجرا درآوردن خواستش مبنی بر بُعد بخشیدن به پارلمان در سطح جهانی و رساندن صدای نمایندگان منتخب مردم در مراحل مباحثات بین المللی می باشد.

تا جنوری 2003، 144 پارلمان ملی عضو این اتحادیه بودند. به عنوان مرجع برای گفتگو و عملکرد پارلمانی، این سازمان پارلمانها را گرد هم می آورد تا:

- مسایل مورد علاقه و نگرانی های بین المللی را در نظر بگیرند.
- برای دفاع و ارتقاء حقوق بشری نمایندگان پارلمان مشارکت داشته باشند.
- به استحکام نمایندگی ملتها در سراسر جهان کمک کنند.

مسایل مربوط به صلح و امنیت همواره از اهم موضوعات اتحادیه بین پارلمانی بوده است، در بسیاری از موارد اعضای دائم آن در مسائل امنیتی از جمله خلع سلاح، تحریم اقتصادی و مجازات بین المللی و محاکم بین المللی جرائم و تروریزم اقداماتی را صورت داده اند. در سال 1994 کمیسیون مخصوصی را به منظور افزایش احترام نسبت به قانون بشری بین المللی تأسیس کرد. این کمیسیون در سال 1999 در همکاری با کمیته بین المللی صلیب سرخ کتابی را برای نمایندگان پارلمان درباره احترام به قوانین بشری بین المللی منتشر کرد.

اتحادیه بین پارلمانی همیشه علاقه وافری به کمک در زمینه کاستن کشیدگی ها از طریق مباحثات سیاسی داشته است. جلسات این اتحادیه فرصتی را برای گفتگو ایجاد می کند تا کشیدگی ها را از بین ببرد و ایجاد اعتماد کند. این سازمان همچنین دارای کمیسیون پارلمانی ای برای پیشبرد رضایت بخش حل و فصل اختلافات در خاورمیانه و همچنین گروهی از میانجیگرانی می باشد که گفتگو میان نمایندگان احزاب سیاسی در دو قسمت قبرس را افزایش می دهند.

اتحادیه بین پارلمانی دارای میکانیزمی بخصوصی، برای ایجاد امنیت و همکاری در منطقه مدیترانه می باشد.

مقراتحادیه بین پارلمانی

Inter- Parliamentary Union
Chemin du pommier 5
Case Postale 330
CH-1218 Grand Saconnex, Geneva
Switzerland
Tel: 41 22 919 41 50
Fax: 41 22 9919 41 60
E-mail: postbox@mail.ipu.org
Website: www.ipu.org

دفتر دائمی ناظر اتحادیه

بین پارلمانی در سازمان ملل
Inter-Parliamentary Union
220 East 42nd Street
Suite 3102
New York, N.Y. 10017
USA
Tel: (212) 557 58 80
Fax: (212) 557 39 54
E-mail: ny-office@mail.ipu.o

مرکز نظارت دموکراتیک نیروهای مسلح در جینوا DCAF

باوجود پیشرفت‌هایی که در دههء گذشته صورت گرفته است، تغییر دان و کنترل دموکراتیک ارتباطات ملکی- نظامی همچنان به عنوان چالشی بزرگ برای بسیاری از کشورها باقی مانده است. این امر خصوصاً در مورد کشورهای که به سوی دموکراسی گام بر می‌دارند، جوامع آسیب‌دیده از جنگ و پس از جنگ صدق می‌کند. نیروهای مسلح، نیروهای شبه‌نظامی و همین‌طور پولیس، محافظین سرحدی و سایر ساختارهای مربوط با امنیت، در بسیاری از کشورها، نقش‌های مهمی را ایفا می‌کنند، اغلب اوقات آنها به صورت «حکومت در حکومت» عمل می‌کنند، فشار زیادی را بر منابع محدود وارد می‌آورند، در پروسه رشد دیموکراسی ممانعت ایجاد می‌کنند، و احتمال ایجاد درگیری‌های داخلی یا بین‌المللی را افزایش می‌دهند. بنابراین همگان این امر را پذیرفته‌اند که کنترل مدنی و دموکراتیک چنین ساختارهای نظامی، وسیله‌ای بسیار مهم برای جلوگیری از درگیری، ایجاد صلح و دموکراسی و تضمین پیشرفت اقتصادی - اجتماعی مداوم می‌باشد.

تقویت کنترل مدنی و دموکراتیک ساختارهای نظامی به عنوان مسألهء بسیار مهمی در دستور کار جامعهء بین‌الملل قرار گرفته است. در اکتوبر 2000 حکومت سوئیس، به عنوان مساعدت به این جریان عمومی و مثبت و بر اساس ابتکار عملی مشترک بین وزارت دفاع، مدنی، ورزش و وزارت امور خارجه، مرکز کنترل دموکراتیک نیروهای مسلح جینوا را تأسیس کرد.

مأموریت

این مرکز کشورها و مؤسسات غیرحکومتی را تشویق کرده و آنها را به خاطر تلاششان در افزایش کنترل دموکراتیک و مدنی مورد حمایت قرار می‌دهد و همچنین همکاری بین‌المللی در این زمینه را، در قدم نخست در مناطق اروپا- آتلانتیک ارتقاء می‌بخشد.

برای به اجرا درآوردن این اهداف، این مرکز:

- اطلاعات را جمع‌آوری کرده، تحقیقاتی را انجام داده و در فعالیت‌های دسته جمعی شرکت دارد تا آنکه بتواند مشکلات را شناسایی کرده درس‌های فراگرفته شده را به کار گیرد و بهترین عملکرد را در زمینهء کنترل دموکراتیک نیروهای نظامی و ارتباطات مدنی- نظامی پیشنهاد دهد.
- حمایت و تخصص خود را به تمامی اطراف علاقه‌مند، خصوصاً حکومت‌ها، پارلمان‌ها، سران نظامی، نهادهای بین‌المللی، نهادهای غیرحکومتی و حلقه‌های آکادمیک ارائه می‌دهد.

این مرکز همکاری نزدیکی با مسئولان مملکتی، نهادهای بین‌المللی و غیرحکومتی، مؤسسات آکادمیک و متخصصین دارد. در امور اجرایی و کارهای تحلیلی خود، DCAF بر حمایت 42 کشوری که در شورای بنیانگذاران حضور دارند، بر هیئت مشاوران بین‌المللی اش که متشکل از حدود 50 متخصص تحت نام گروه مشاوران است، بر مرکز تحقیقاتی خود و بر حمایت گروه‌های کارمند خود تکیه می‌کند. این مرکز مشارکت‌هایی را بنا نهاده یا قراردادهای همکاری را با شماری از مؤسسات تحقیقاتی و با چندین سازمان بین‌المللی و مجامع پارلمانی امضا کرده است.

برنامه کاری

مرکز نظارت دموکراتیک نیروهای مسلح در جینوا به منظور مورد توجه قرار دادن همجانبه موضوع مشخص کنترل دموکراتیک نیروهای مسلح، 12 گروه کاری متعهد را ایجاد کرده و یا در راستای ایجاد آنها گام بر می‌دارد که موضوعات زیر را پوشش می‌دهند: اصلاحات در بخش امنیتی، نظارت پارلمانی بر نیروهای مسلح، ابعاد قانونی کنترل دموکراتیک نیروهای مسلح، شفافیت آوری در برنامه بودجه دفاعی و تدارکات، متخصصین غیر نظامی در سیاست امنیت ملی، کنترل دموکراتیک پولیس و سایر نیروهای غیر نظامی امنیتی، ارتباطات مدنی - نظامی در تغییر یکدیگر و کاهش قوا، اردو و جامعه، ساختار مدنی جامعه، ارتباط نظامی- مدنی در شرایط بعد از جنگ، معیارهای موفقیت و شکست در کنترل دموکراتیک نیروهای مسلح، ارتباطات مدنی- نظامی در منطقه آفریقا. برنامه‌ریزی، مدیریت و هماهنگی گروه‌های کاری در محراق توجه این مرکز تحقیقاتی قرار دارد.

مرکز نظارت دموکراتیک نیروهای مسلح در جینوا تخصص خود را در سطوح دوجانبه و یا چند جانبه ارائه می‌دهد و به منافع عموم مردم توجه دارد. شماری از پروژه‌های دو جانبه در زمینه اصلاحات در ادارات امنیتی و کنترل پارلمانی نیروهای مسلح در کشورهای اروپای جنوب شرقی و شرقی در حال اجراست. در سطح چند جانبه، این مرکز چندین پروژه را در چارچوب پیمان ثبات در جنوب شرق اروپا و سازمان امنیت و همکاری در اروپا به اجرا در آورده است. این مرکز به طور مرتب دارای انتشارات بوده، کنفرانس‌ها، ورکشاپ آموزشی و یا سایر محافل را سازماندهی می‌کند. همچنین از تکنولوژی اطلاعات از جمله وب سایت خود برای دسترسی به مخاطبان موردهدف و عموم مردم استفاده می‌کند.

تشکیلات و بودجه

مرکز نظارت دموکراتیک نیروهای مسلح در جینوا مؤسسه‌ای بین‌المللی تحت پوشش قانون سوئیس می‌باشد. چهل‌ودو کشور در شورای¹ مؤسسين این مرکز حضور دارند. هیئت مشاوران بین‌المللی از متخصصین پیشقدم جهان در موضوعات دفاع و امنیت که رئیس را در استراتژی کلی مرکز راهنمایی می‌کنند، تشکیل شده است. کارکنان مرکز نظارت دموکراتیک نیروهای مسلح در جینوا، 40 متخصص از 23 کشور مختلف می‌باشند که به چهار بخش تقسیم شده‌اند: مرکز نظریاتی، برنامه‌های امدادی، منابع اطلاعاتی و اداره.

وزارت دفاع فدرال سوئیس، حفاظت مدنی و ورزش، قسمت عمده تأمین بودجه این مرکز را که در سال 2002 معادل هشت میلیون فرانک سوئیس می‌باشد، عهده دار هستند. وزارت فدرال امور خارجه سوئیس یکی دیگر از کمک کنندگان عمده این مرکز می‌باشد. بعضی از کشورهای عضو، از طریق حمایت از اعضا و یا با مشارکت در فعالیت‌های مشخص مرکز، از این مؤسسه حمایت می‌کنند.

1. البانیا، ارمنستان، اتریش، آذربایجان، روسیه سفید، بوزنیا و هرزیگووینا، بلغاریا، کوت د ووی، کروواتیا، جمهوری چک، دانمارک، استونیا، فنلند، فرانسه، گرجستان، آلمان، یونان، هنگری، ایرلند، ایتالیا، لاتویا، لیتوانیا، مولداویا، هالند، نایجریا، ناروی، پولند، پرتغال، رومانی، فیدراسیون روسیه، صربستان و مونتینگرو، جمهوری سلواک، سلوانیا، آفریقای جنوبی، اسپانیه، سویدن، سوئیس، مقدونیه، اوکراین، انگلستان، ایالات متحده امریکا و کانتون جینوا.

تماس

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با آدرس زیر مکاتبه کنید:

Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forces (DCAF)
Rue de Chantepoulet 11, P.O.Box 1360, CH-1211 Geneva 1 Switzerland
Tel: 41 (22) 741-7700; Fax: 41 (22) 741-7705
E-mail: info@dcaf.ch; Website: www.dcaf.ch

کلیه حقوق اثر محفوظ و متعلق به اتحادیه بین پارلمانی و مرکز نظارت دموکراتیک نیروهای مسلح در جینوا می باشد و هر گونه تکثیر آن اعم از الکترونیکی، چاپ، فتوکاپی و غیره فقط با اجازه کتبی دو نهاد فوق امکان پذیر است.
این اثر با هدفی غیر تجاری منتشر گردیده و فروش آن بدون رضایت کتبی ناشر ممنوع می باشد.

ISBN: 92-9142-220-7 (IPU)

ISBN: 92-9222-021-7 (DCAF)

نظارت پارلمانی بر بخش امنیت: اصول، میکانیزم ها و عملکرد ها

ناشر

اتحادیه بین پارلمانی

مرکز نظارت دموکراتیک نیروهای مسلح در جینوا

رؤسای هیئت تحریر

Hans Born (هالند), Pilipp Fluri (سوئیس), Anders B. Johnsson (سوئدن)

سر مؤلف

Hans Born (هالند)

مترجم

عبدالباری حکیم

مصحح ادبی

خالد صدیقی